

کتابِ تستِ

# کلیات علم اقتصاد

گزیده تست بانک وانکات - وانکات

برای دانشجویان رشته‌های اقتصاد، بازرگانی، مدیریت، حسابداری،  
کشاورزی و زمینه‌های وابسته

ترجمه: دکتر محسن رنانی  
علی دینی



کتابِ تستِ

# کلیات علم اقتصاد

گزیده تست بانک و انکات - وانکات

برای دانشجویان رشته‌های اقتصاد، بازرگانی، مدیریت، حسابداری،  
کشاورزی و زمینه‌های وابسته

ترجمه: دکتر محسن رنانی  
علی دینی

**TEST BANK**  
to accompany  
**ECONOMICS**

*Paul Wonnacott*  
*Ronald Wonnacott*

*4th Edition*



مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

صندوق پستی ۵۹۱۹-۱۵۸۷۵ تلفن: ۵-۸۸۳۴۸۴۴ فاکس: ۸۸۳۸۱۲۵

از این کتاب تعداد ۳۳۰۰ نسخه در چاپخانه غزال چاپ گردید.

چاپ اول / ۱۳۷۵

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است.

ISBN 964-317-272-4

شابک: ۹۶۴-۳۱۷-۲۷۲-۴

## گنجیده‌ها

۷	سخن مترجم
۱۱	<b>بخش اول - مفاهیم پایه اقتصاد</b>
۱۳	۱ - موضوعات و اهداف اقتصاد
۱۸	۲ - کمیابی و انتخاب
۲۵	۳ - تخصص، مبادله و پول
۲۹	۴ - عرضه و تقاضا
۳۶	۵ - نقش اقتصادی دولت
۴۳	<b>بخش دوم - درآمدی بر اقتصاد کلان: اشتغال بالا، ثبات، و رشد</b>
۴۵	۶ - اندازه‌گیری محصول ملی و درآمد ملی
۵۳	۷ - نوسان در فعالیت‌های اقتصادی
۵۹	۸ - عرضه و تقاضای کل: تعادل کلاسیک و کینز
۶۷	۹ - تعادل همراه با بیکاری: نگرش کینزی
۷۳	<b>بخش سوم - سیاست‌های مربوط به تقاضای کل</b>
۷۵	۱۰ - سیاست مالی

- ۸۳ - ۱۱ - پول و سیستم بانکی
- ۸۹ - ۱۲ - بانک مرکزی و سیاست‌گذاری پولی
- ۹۵ - بخش چهارم - مباحث اصلی اقتصاد کلان: عرضه کل
- ۹۷ - ۱۳ - همزیستی تورم و بیکاری
- ۱۰۴ - ۱۴ - چگونگی برخورد با تورم - بیکاری
- ۱۱۱ - ۱۵ - چگونگی تأثیر تورم بر اقتصاد
- ۱۱۵ - ۱۶ - رشد و بازدهی: چرا چنین پرنوسان؟
- ۱۲۳ - بخش پنجم - مباحث اصلی اقتصاد کلان: تقاضای کل
- ۱۲۵ - ۱۷ - سیاست پولی و سیاست مالی:
- کدام یک برای یک تقاضای کل مهم‌تر است؟
- ۱۳۴ - ۱۸ - تنظیم دقیق اقتصاد، یا سیاست‌گذاری پایدار؟
- ۱۴۱ - ۱۹ - نرخهای ارز: ثابت یا شناور؟
- ۱۵۳ - بخش ششم - پایه‌های اقتصاد خرد: مصرف‌کننده و بنگاه
- ۱۵۵ - ۲۰ - کاربرد عرضه و تقاضا: مفهوم کشش
- ۱۶۳ - ۲۱ - تقاضا و مطلوبیت
- ۲۲ - سازمان تجاری:
- ۱۷۰ - بنگاههای فردی، بنگاههای شراکتی، و شرکت‌های سهامی
- ۱۷۶ - ۲۳ - هزینه‌های تولید
- ۱۸۳ - بخش هفتم - ساختار بازار و اقتصاد بازار
- ۱۸۵ - ۲۴ - عرضه در یک بازار کاملاً رقابتی
- ۱۹۴ - ۲۵ - رقابت کامل و کارایی اقتصادی
- ۲۰۱ - ۲۶ - انحصار
- ۲۰۹ - ۲۷ - بازارهای در حدفاصل انحصار و رقابت کامل
- ۲۱۹ - بخش هشتم - کارایی اقتصادی: مباحث نو

- ۲۲۱ - تنظیم بنگاهها به وسیله دولت
- ۲۲۴ - چرا کشاورزی بخش پرنوسانی است؟
- ۲۳۳ - دخالت دولت برای حفظ سطح زندگی
- ۲۴۰ - منابع طبیعی: آیا آنها را با نرخ درستی به کار می‌گیریم؟
- ۲۴۷ - کالاهای عمومی
- ۲۵۶ - منافع تجارت بین‌الملل
- ۲۶۴ - سیاست‌گذاری در تجارت خارجی
- ۲۷۱ - بخش نهم - توزیع درآمد
- ۲۷۳ - دستمزدها در یک اقتصاد کاملاً رقابتی
- ۲۸۱ - دستمزدها در بازارهای کار رقابت ناقص
- ۲۸۹ - درآمدهای دیگر
- ۲۹۵ - نابرابری درآمد





## سخن مترجم

کتابی که در دست دارید، دربرگیرنده نزدیک به نیمی از پرسش‌های چندگزینه‌ای تست بانکِ مربوط به کتاب اقتصاد، نوشته پل وانکات\* و رونالد وانکات\*\*، است. در واقع، مجموعه سؤالاتی است در باره کلیات علم اقتصاد، که دربرگیرنده موضوعات گوناگونی است که دامنه گسترده‌ای از موضوعات پایه‌ای علم اقتصاد، مباحث خرد، و مباحث کلان - از جمله سیاست‌های پولی و مالی دولت، رشد، تورم، بیکاری، تجارت خارجی و ... - را دربرمی‌گیرد. بنابراین، دانشجویان دوره‌های لیسانس رشته‌های اقتصاد، بازرگانی، مدیریت، حسابداری، کشاورزی و دیگر زمینه‌های وابسته که در باره اصول علم اقتصاد مطالعه می‌کنند یا تصمیم به شرکت در آزمونهای کارشناسی ارشد دارند، می‌توانند از این کتاب بهره ببرند.

از مزیت‌های احتمالی این کتاب بر دیگر مجموعه‌های موجود در این زمینه، می‌توان فراگیری آن را نسبت به بیش‌تر موضوعات پایه‌ای علم اقتصاد، تنوع پرسش‌های آن را در مقایسه با مجموعه تست‌های تألیف شده به زبان فارسی، و دوری از طرح پرسش‌های محاسباتی فراوان را - که در بیشتر

مجموعه تست‌های موجود، دیده می‌شود و معمولاً به کارِ آزمون توانایی‌ها و دقت‌های ریاضیاتی دانشجویان می‌آید، و نه به کارِ آموزش مفاهیم بنیادی علم اقتصاد - یادآوری کرد.

علت آن که این ترجمه به نیمی از کتاب اصلی فروکاسته شده است، یکی حذف پرسش‌های بسیار مشابه است، و دیگری، حذف پرسش‌هایی که به طور خاص مربوط به مشخصه‌ها و اوضاع و احوال اقتصادی ایالات متحده بوده است. به همین دلیل، گاهی بخش عمده پرسش‌های مربوط به برخی از مباحث، حذف شده است و بنابراین، خواننده ممکن است در زیر عنوان برخی از قسمت‌ها، تنها تعداد انگشت‌شماری تست بیابد. در واقع از میان هر دسته پرسش‌های شبیه به هم، تنها یکی را آورده‌ایم، و گاهی نیز دو یا چند تست را که بر جنبه‌های مختلف یک موضوع تأکید داشته‌اند، ترکیب کرده و به صورت یک تست درآورده‌ایم.

کوشش شده است برای برخی از اصطلاحاتی که ممکن است برای دانشجویان تازه‌گی داشته باشد، در متن سؤال، توضیح کوتاهی گنجانده شود؛ و نیز برخی از گزینه‌هایی که احتمال می‌رفته است برای دانشجویان پارسی‌زبان نامأنوس باشد، متناسب با متن سؤال، تغییر یافته است. معمولاً اسامی خاص - مانند نام شرکت‌ها یا نام کشورها - که غیر ضروری یا احتمالاً برای خواننده پارسی‌زبان، ناشناخته بوده است، به اسامی عام تبدیل شده‌اند. همچنین در مواردی که دلار فقط به عنوان واحد شمارش برای ارقام فرضی به کار رفته بوده است، به جای آن، ریال نهاده شده است. به همین گونه است وضعیت سالهای فرضی میلادی که معمولاً به سال خورشیدی، یا نام کشورهای فرضی که احتمالاً به ایران تبدیل یافته است.

بخش اول این کتاب، مربوط به مفاهیم پایه‌ای اقتصاد است؛ بخش‌های دو، سه، چهار و پنج، مربوط به مباحث اقتصاد کلان می‌باشند؛ و بخش‌های شش، هفت، هشت و نه، مربوط به مباحث اقتصاد خرد هستند. بنابراین، هر دو دسته دانشجویانی که مایلند فقط مباحث اقتصاد خرد یا فقط مباحث اقتصاد کلان را دنبال کنند، لازم است، نخست بخش اول را مطالعه کنند و سپس به مطالعه بخش‌های مورد علاقه خود بپردازند.

در ترجمه و آماده‌سازی این کتاب، وامدار این عزیزان هستیم: نخست، آقای دکتر محسن نظری

که اصل انگلیسی کتاب را در دسترس ما نهادند، سپس خانم دکتر زهرا اعتصامی که زحمت ویرایش ترجمه را بر خود هموار کردند، و سرانجام آقای مهندس حسن علی خاصی که صفحه آرایی و نظارت بر مراحل چاپ را بر دوش داشته‌اند. نیز بایسته است از مساعدتهای مدیر محترم، و دیگر دست‌اندرکاران موسسه خدمات فرهنگی رسا - که راه را بر چاپ این کتاب هموار کردند - سپاسگزاری کنیم.

محسن رنانی

زمستان ۱۳۷۴



بخش اول



مفاهیم پایه اقتصاد





## موضوعات و اهداف اقتصاد

۱ - در رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، مهم ترین مشکل اقتصادی عبارت بود از:

- الف) تورم  
ب) بیکاری  
ج) عدم کارایی در تخصیص منابع  
د) فقدان ابداع و نوآوری تکنولوژیک

۲ - بیکاری در چه دوره‌ای به بالاترین میزان خود می‌رسد؟

- الف) جنگ  
ب) رشد بسیار سریع در اقتصاد  
ج) تورم  
د) رکود

۳ - اثر مشهور آدام اسمیت چه نام دارد؟

- الف) تئوری عمومی بهره، اشتغال و پول  
ب) ثروت ملل  
ج) اصول علم اقتصاد  
د) سرمایه‌داری و آزادی

۴ - منظور آدام اسمیت از اصطلاح "دست نامرئی"، این است که:

- الف) دولت به صورت نامرئی بازار را تنظیم می‌کند  
ب) افراد با دنبال کردن منافع فردی خود، منافع اجتماع را نیز برآورده می‌سازند  
ج) بازار همچون دستی نامرئی، تصمیمات انفرادی هزاران مصرف‌کننده و تولیدکننده را هماهنگ می‌سازد  
د) موارد (ب) و (ج) درست است

۵ - منظور از لسه‌فر<sup>۱</sup> این است که:

- الف) دولت باید تنها نقش یک نگهبان شب را در جامعه ایفا کند  
ب) دولت باید تنها امنیت داخلی و خارجی را تأمین کند، قراردادهای قابل اعمال سازد، پول نشر دهد و استانداردهای جامعه (وزن، متر و ...) را تعریف کند و دیگر هیچ دخالتی در اقتصاد

ننماید

(ج) دولت باید تا حد ممکن کوچک باشد

(د) همه موارد بالا درست است

۶- مهم ترین انتقادی که به بستن تعرفه بر واردات کالایی مثل اتومبیل وارد است، این است که:

(الف) بیکاری را بالا می برد

(ب) بدهی دولت را افزایش می دهد

(ج) هزینه تولید اتومبیل را در داخل بالا می برد

(د) قیمت اتومبیل را برای خریداران داخلی افزایش می دهد

۷- توجه اصلی کینز در کتاب "تئوری عمومی" به چه چیزی معطوف است؟

(الف) ثبات قیمت ها

(ج) توزیع مناسب درآمد

(ب) بیکاری اندک

(د) کارایی در تخصیص

۸- کینز در کتاب "تئوری عمومی" معتقد است که بهترین راه برای برقراری اشتغال کامل این است که:

(الف) دولت به قاعده لسه فر پای بند باشد

(ب) دولت با افزایش مخارج دولتی، تقاضای کل را بالا ببرد

(ج) دولت تعرفه های واردات را افزایش دهد

(د) دولت از سیاست انقباضی استفاده کند

۹- از نظر علم اقتصاد، چه کسی بیکار محسوب می شود؟

(الف) کسی که هنوز استخدام رسمی نشده است

(ب) کسی که فقط ۶ ماه از سال شاغل است

(ج) کسی که کار خود را عرضه کرده، ولی شغلی نمی یابد

(د) کسی که در اداره کار ثبت نام نموده، ولی شغل آزاد نیز دارد

۱۰- نقش اساسی در برقراری کارایی در تخصیص بر عهده کدام یک از عوامل زیر است؟

(الف) سطح متوسط قیمت ها

(ج) قیمت های نسبی



(ب) نرخ تورم

(د) توزیع نسبتاً عادلانه در آمد

- ۱۱ - وقتی قیمت نسبی نفت (کالای صادراتی ایران) در مقایسه با قیمت کامپیوتر (کالای وارداتی ایران) افزایش یابد، می توان گفت نرخ تورم،
- (الف) منفی است، چون کالای صادراتی ما گران شده است
- (ب) منفی است، چون کالای وارداتی ما ارزان شده است
- (ج) صفر است
- (د) با این اطلاعات نمی توان راجع به تورم اظهار نظر نمود

۱۲ - کارایی در تخصیص، زمانی رخ می دهد که:

- (الف) رشد، حداکثر باشد
- (ب) در آمد سرانه، حداکثر باشد
- (ج) با استفاده از ترکیبی از نهاده ها که دارای کم ترین هزینه باشد، بهترین ترکیب از محصولات، تولید شود
- (د) همه موارد بالا

۱۳ - فرض کنید هر کدام از کارگران یک کارخانه اتومبیل سازی، در مناسب ترین جای فرآیند تولید و در حداکثر بازدهی خود مشغول کار باشند، اما این کارخانه اتومبیل هایی تولید کند که هیچ خریداری در بازار ندارد، در این حالت،

- (الف) نه کارایی فنی و نه کارایی تخصیصی وجود ندارد
- (ب) کارایی فنی وجود دارد، اما کارایی تخصیصی وجود ندارد
- (ج) هر دو نوع کارایی فنی و تخصیصی وجود دارد
- (د) کارایی تخصیصی وجود دارد، اما کارایی فنی وجود ندارد

۱۴ - کدام یک از گزینه های زیر بیانگر ناکارایی در تخصیص است؟

- (الف) رشد اندک
- (ب) تولید بسیار زیاد اتومبیل و تولید بسیار اندک خانه
- (ج) توزیع نابرابر در آمد
- (د) همه موارد بالا

۱۵ - موضوعات اصلی مورد مطالعه علم اقتصاد کدام است؟

- الف) بیکاری، تورم و کارایی  
 ب) تورم، توزیع درآمد، کارایی و عدالت  
 ج) تعرفه، مالیات، صادرات و واردات  
 د) همه موارد بالا

۱۶ - هزینه رشد اقتصادی چیست؟

- الف) تولید کم‌تر در زمان حال  
 ب) تولید کم‌تر در زمان آینده  
 ج) مصرف کم‌تر در زمان حال  
 د) مصرف کم‌تر در زمان آینده

۱۷ - کدام جفت از اهداف اقتصادی زیر، با همدیگر قابل دستیابی نیستند؟

- الف) تورم کم‌تر و بیکاری کم‌تر  
 ب) بیکاری کم‌تر و فقر کم‌تر  
 ج) بیکاری کم‌تر و کارایی بیش‌تر  
 د) تورم کم‌تر و کارایی بیش‌تر

۱۸ - کدام یک از شاخص‌های زیر، معیار بهتری برای ارزیابی سطح زندگی مردم یک کشور است؟

- الف) درآمد ملی  
 ب) درآمد سرانه  
 ج) نرخ تورم  
 د) نرخ بیکاری

۱۹ - وقتی شاخص‌های اقتصادی را از حالت "اسمی" به "واقعی" تبدیل می‌کنیم،

- الف) نرخ رشد را از آنها کم می‌کنیم  
 ب) ناکارایی را از آنها کنار می‌گذاریم  
 ج) اثر تورم بر آنها را، کنار می‌گذاریم  
 د) رشد جمعیت را از آنها کم می‌کنیم

۲۰ - کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

- الف) بر اساس تعریف، رکود زمانی رخ می‌دهد که محصول ملی کاهش یابد  
 ب) منظور آدام اسمیت از اصطلاح "دست نامرئی"، بیان این ایده بود که سیاست‌گذاران اقتصادی به گونه‌ای ناخودآگاه، بر اساس منافع جامعه تصمیم می‌گیرند  
 ج) اسمیت در کتاب "ثروت ملل" بیان می‌دارد که انگلستان باید تعرفه‌ها را افزایش دهد تا ثروت ملی افزایش یابد  
 د) اسمیت بحث می‌کند که یک "دست نامرئی" در اقتصاد از طریق بازارهای خصوصی در کار

است، قصاب و نانوا مواد غذایی ما را به دلیل خیرخواهی تهیه نمی‌کنند، بلکه آنها در جست‌وجوی منافع خویش به این کار دست می‌زنند

۲۱- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- الف) بر اساس تعریف، تورم زمانی رخ می‌دهد که سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یابد  
 ب) تغییر در قیمت‌های نسبی، نقش بسیار مهمی در بهبود کارایی تخصیصی (ایستا)، بازی می‌کند  
 ج) دو نوع مهم کارایی عبارت است از: کارایی تخصیصی و کارایی توزیعی  
 د) بیش‌تر اقتصاددانان بیان می‌دارند که مقداری نابرابری در آمدی لازم است، تا موجب برانگیختن مردم برای تلاش بیش‌تر شود

## پاسخنامه

ب (۱)	د (۲)	ب (۳)	د (۴)	د (۵)
د (۶)	ب (۷)	ب (۸)	ج (۹)	ج (۱۰)
د (۱۱)	ج (۱۲)	ب (۱۳)	ب (۱۴)	الف (۱۵)
ج (۱۶)	الف (۱۷)	ب (۱۸)	ج (۱۹)	د (۲۰)
ج (۲۱)				



# کمیابی و انتخاب

## موضوع اقتصاد

۱ - منحنی امکانات تولید وقتی به طرف بیرون جابه‌جا می‌شود که:

- الف) تعداد کارگران، یا مهارت آنها، افزایش یابد
- ب) حجم سرمایه افزایش یابد
- ج) تکنولوژی بهبود یابد
- د) همه موارد فوق

۲ - هزینه فرصت یک کالا،

- الف) با شیب تابع تولید سنجیده می‌شود
- ب) با شیب منحنی امکانات تولید سنجیده می‌شود
- ج) برابر با هزینه نهایی است
- د) برابر قیمت آن کالا است

۳ - اگر منحنی امکانات تولید به صورت یک خط راست باشد، می‌توان نتیجه گرفت که:

- الف) فقط یک انتخاب در برابر ما وجود دارد
- ب) هزینه فرصت تولید کالاها، ثابت است
- ج) اقتصاد، از کالاها به طور مساوی تولید خواهد کرد
- د) هیچ کالایی تولید نخواهد شد

۴ - منحنی امکانات تولید، بیانگر،

- الف) امکاناتی است که با رشد اقتصاد برای ما فراهم می‌آید
- ب) انتخابهایی است که ما با تکنولوژی و منابع موجود خود، می‌توانیم داشته باشیم
- ج) همان تابع تولید است

(د) انتخابهایی را نشان می‌دهد که با رشد اقتصاد، به آنها دست می‌یابیم

۵ - سرمایه‌های مالی عبارتند از:

- (الف) سهام کارخانجات  
 (ب) اوراق قرضه (دولتی و خصوصی)  
 (ج) سپرده‌های جاری  
 (د) همه موارد بالا

۶ - این که کالایی "مصرفی" یا "سرمایه‌ای" تلقی می‌شود، بستگی به،

- (الف) تولیدکننده آن دارد  
 (ب) مواد به کار رفته در آن دارد  
 (ج) مصرف‌کننده نهایی آن دارد  
 (د) همه موارد بالا

۷ - وقتی اقتصاددانان واژه "سرمایه" را به کار می‌برند، اشاره به چه چیزی دارند؟

- (الف) مجموع اوراق قرضه و اوراق سهام منتشر شده  
 (ب) سپرده‌های پس‌انداز بلندمدت در بانک‌ها  
 (ج) حسابهای جاری (سرمایه در گردش)  
 (د) ساختمانها و ماشین‌آلات

● با توجه به جدول زیر (امکانات مختلف تولید کالا در یک اقتصاد فرضی)، به چهار

پرسش بعدی پاسخ دهید:

		انواع ترکیب‌های ممکن تولید					
		A	B	C	D	E	F
انواع	کالاهای سرمایه‌ای	۰	۱	۲	۳	۴	۵
محصولات	کالاهای مصرفی	۵۰	۴۷	۴۱	۳۱	۱۷	۰

۸ - هزینه فرصت سومین واحد از کالاهای سرمایه‌ای برابر با چند واحد کالای مصرفی است؟

- (الف) ۳ (ب) ۶ (ج) ۱۰ (د) ۱۷

۹ - با توجه به امکانات مختلف تولید مشخص شده در جدول، اگر جمعاً ۲ واحد کالای

سرمایه‌ای و ۱۷ واحد کالای مصرفی تولید شود،

(الف) بیانگر بیکاری شدید عوامل است

(ب) بیانگر اشتغال کامل است

(ج) بیانگر اشتغال بیش از ظرفیت اقتصاد است

(د) چنین وضعیتی اصولاً امکان‌پذیر نیست

۱۰ - با توجه به امکانات تعیین شده در جدول، تولید ۵ واحد کالای سرمایه‌ای و ۱۷ واحد کالای مصرفی،

(الف) بیانگر بیکاری شدید در عوامل تولید کالاهای سرمایه‌ای است

(ب) بیانگر اشتغال کامل است

(ج) بیانگر اشتغال ناقص است

(د) از نظر فنی، چنین امکانی غیرقابل دسترسی است

۱۱ - انتخاب وضعیت C به جای B،

(الف) اشتباه است، چرا که کل تولید در حالت B بیش‌تر از حالت C می‌باشد:  $(۴۱+۲) > (۴۷+۱)$

(ب) اشتباه است، چون مصرف‌کنندگان کالای کم‌تری برای مصرف دارند

(ج) انتخابی است در جهت رشد بیش‌تر اقتصاد

(د) همه موارد بالا صحیح است

● شش پرسش بعدی بر اساس جدول زیر (امکانات تولید یک اقتصاد) طراحی

شده‌اند:

گزینه‌ها	A	B	C	D	E	F
محصولات						
کالاهای سرمایه‌ای	۰	۱	۲	۳	۴	۵
کالاهای مصرفی	۲۵	۲۴	۲۱	۱۶	۹	۰

۱۲ - هزینه فرصت دومین واحد کالای سرمایه‌ای برابر با چند واحد کالای مصرفی است؟

(ه) ۹

(د) ۷

(ج) ۵

(ب) ۳

(الف) ۱

۱۳ - اگر اقتصاد، وضعیت A را انتخاب کند،

الف) بیانگر یک اقتصاد دارای رشد بالا است

ب) رشد اقتصاد کند می‌شود

ج) رشد اقتصاد منفی خواهد شد

د) در وضعیت فعلی باقی خواهد ماند

۱۴ - وضعیت F برای یک اقتصاد،

الف) بهترین وضعیت است

ب) بدترین وضعیت است

ج) بهینه دوم است

د) با اطلاعات موجود نمی‌توان تعیین کرد که کدام وضعیت بهتر است

۱۵ - اگر یک جهش تکنولوژیک در اقتصاد صورت پذیرد، با عوامل تولید موجود،

الف) فقط تولید کالاهای سرمایه‌ای افزایش می‌یابد

ب) فقط تولید کالاهای مصرفی افزایش می‌یابد

ج) ممکن است منجر به افزایش تولید یک یا هر دو نوع کالا شود

د) جهش تکنولوژیک فقط در کیفیت کالاها اثر می‌گذارد

۱۶ - با توجه به جدول، تولید ۵ واحد کالای سرمایه‌ای و ۲۵ واحد کالای مصرفی،

الف) فعلاً برای این اقتصاد غیرقابل دسترسی است

ب) بیانگر وضعیت بیکاری شدید است

ج) موجب رشد سریع اقتصاد می‌شود

د) به خاطر ترجیح کالاهای مصرفی بر کالاهای سرمایه‌ای، رشد اقتصاد را کند می‌کند

۱۷ - با توجه به جدول، اگر اقتصاد در کل، ۲ واحد کالای سرمایه‌ای و ۱۰ واحد کالای

مصرفی تولید کند،

الف) بیانگر وجود بیکاری شدید در اقتصاد است

ب) بیانگر دست‌یابی اقتصاد به کارایی تکنولوژیک (پویا) است

ج) بیانگر دست‌یابی اقتصاد به کارایی تخصیصی (ایستا) است

(د) چنین وضعیتی غیر قابل دسترسی است

۱۸ - مسأله "کمیابی" و ضرورت "انتخاب" ناشی از آن است که:

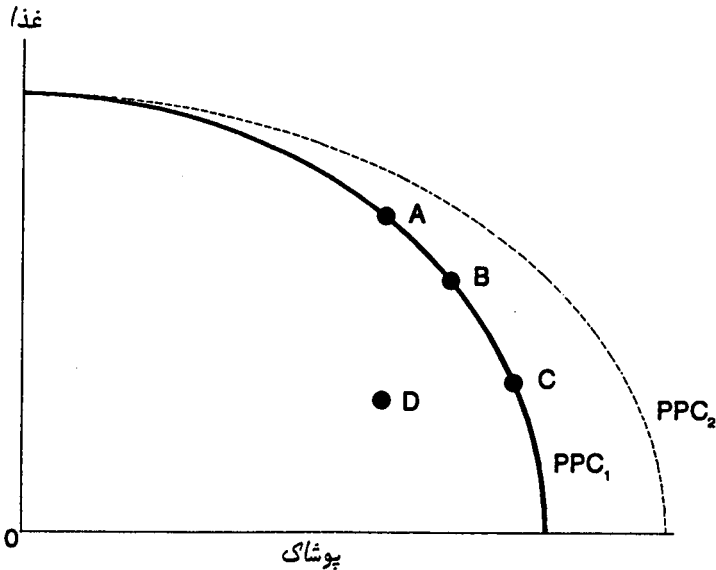
(الف) درآمد سرانه معمولاً پایین تر از حد انتظار است

(ب) خواسته‌های ما عملاً نامحدود ولی منابع ما محدود هستند

(ج) هزینه‌های زندگی روز به روز افزایش می‌یابد

(د) سرعت افزایش درآمد، کم تر از سرعت افزایش جمعیت است

● به چهار پرسش بعدی، با توجه به شکل زیر پاسخ دهید:



۱۹ - در شکل فوق،  $PPC_1$ ، منحنی امکانات تولید اولیه است. اگر اقتصاد، نخست در

نقطه D قرار داشته باشد، آنگاه:

(الف) بیکاری شدیدی در اقتصاد وجود دارد، و اقتصاد می‌تواند از هر دو کالا، بیش تر تولید کند

(ب) اقتصاد می‌تواند غذای بیش تری تولید کند، به شرط آن که تولید پوشاک کاهش یابد

(ج) اقتصاد می‌تواند پوشاک بیش تری تولید کند، به شرط آن که تولید غذا کاهش یابد

(د) اقتصاد با دو مشکل بزرگ بیکاری شدید و تورم بالا رو به روست

(ه) قیمت نسبی غذا در مقایسه با قیمت پوشاک، در حال افزایش است



- ۲۰- اگر اقتصاد بر روی  $PPC_1$  باشد و تولید از A به B و سپس به C حرکت کند، الف) یک بهبود تکنولوژیک در تولید غذا به وجود آمده، اما در تولید پوشاک به وجود نیامده است  
ب) یک بهبود تکنولوژیک در تولید پوشاک به وجود آمده، اما در تولید غذا به وجود نیامده است  
ج) هزینه فرصت پوشاک افزایش می‌یابد  
د) هزینه فرصت غذا افزایش می‌یابد  
ه) کارگران تولیدکننده پوشاک بیکار می‌شوند، ولی در صنعت غذا بیکاری وجود ندارد

۲۱- اگر منحنی امکانات تولید از حالت  $PPC_1$  به حالت  $PPC_2$  تغییر کند، علت اصلی آن چه می‌تواند باشد؟

- الف) بهبود تکنولوژیک، فقط در صنایع تولید مواد غذایی  
ب) بهبود تکنولوژیک، فقط در صنایع تولید پوشاک  
ج) بهبود عمومی تکنولوژیک در تولید هر دو کالا  
د) افزایش در جمعیت که امکان افزایش کل تولید را فراهم می‌آورد  
ه) کاهش در جمعیت، همراه با افزایش مصرف پوشاک

۲۲- با توجه به شکل، کدام یک از گزینه‌های زیر از نظر رفاه اجتماعی، درست است؟  
الف) نقطه A، بر نقاط B و C مرجح است، چون از آن دو بالاتر می‌باشد  
ب) نقطه B، بر نقاط A و C مرجح است، چون حد اعتدال در تولید غذا و پوشاک را رعایت می‌کند

- ج) تمام نقاط منحنی  $PPC_2$  بر تمام نقاط روی منحنی  $PPC_1$  مرجح است  
د) با اطلاعات موجود نمی‌توان قضاوت کاملی درباره نقاط مرجح، از نظر جامعه، نمود  
ه) تمام نقاط روی هر دو منحنی امکانات تولید، بر نقطه D مرجح می‌باشند

## پاسخنامه

د (١)	ب (٢)	ب (٣)	ب (٤)	د (٥)
ج (٦)	د (٧)	ج (٨)	الف (٩)	د (١٠)
ج (١١)	ب (١٢)	ج (١٣)	د (١٤)	ج (١٥)
الف (١٦)	الف (١٧)	ب (١٨)	الف (١٩)	ج (٢٠)
ب (٢١)	د (٢٢)			



## تخصص، مبادله و پول

۱ - ضرورت انجام "مبادله"، در نتیجه کدام یک از تحولات زیر بود؟

- الف) اختراع پول  
ب) کشف مزیت مطلق  
ج) گرایش انسان به کسب سود در معامله  
د) تقسیم کار و تخصصی شدن فعالیت‌ها

۲ - کاربرد پول به کارایی کمک می‌کند، زیرا:

- الف) بدون پول، سرمایه شکل نمی‌گیرد  
ب) بدون پول، مسأله کمیابی منابع حل نمی‌شود  
ج) پول، تخصصی شدن فعالیت‌ها را تسهیل می‌کند  
د) همه موارد فوق

۳ - قانون گرشام را با کدام یک از گزینه‌های زیر می‌توان بیان کرد؟

- الف) با کاهش نرخ مالیات، می‌توان درآمد دولت را افزایش داد  
ب) پول داغ است  
ج) پول بد، پول خوب را از گردش خارج می‌کند  
د) ارزش کالایی پول، همواره از ارزش اسمی آن کم‌تر است

۴ - در اقتصادهای مدرن نیز گاهی مبادله‌های پایاپای رواج می‌یابد. چنین حالتی در کدام

یک از شرایط زیر ممکن است بیش‌تر رخ دهد؟

- الف) نرخهای بهره بسیار بالا  
ب) نرخهای بهره بسیار پایین  
ج) تورم رکودی  
د) تورم لجام‌گسیخته

۵ - در اردوگاههای اسرای جنگی، معمولاً سیگار نقش پول را بازی می‌کند. وقتی در این

اردوگاهها ارزش سیگار در مقایسه با کالاهای دیگر افزایش یابد، به معنی،

- الف) تورم است  
ج) تغییر پایه پولی است

(ب) کاهش قیمت هاست      (د) کاهش عیار پول است

۶ - تئوری مزیت نسبی را چه کسی تبیین کرد؟

الف) آدام اسمیت      (ج) جان مینارد کینز  
 ب) دیوید ریکاردو      (د) جان استوارت میل

۷ - مزیت نسبی یک کشور در تولید یک کالا،

الف) فقط وقتی وجود دارد که مزیت مطلق هم وجود داشته باشد  
 ب) ممکن است وجود داشته باشد، حتی اگر در آن کالا مزیت مطلق وجود نداشته باشد  
 ج) فقط وقتی وجود دارد که منحنی امکانات تولید رو به بالا جا به جا شود  
 د) وقتی وجود دارد که صرفه‌های مقیاس وجود داشته باشد

۸ - فرض کنید که در دو کشور، فقط دو کالای گندم و پارچه تولید می‌شود. می‌دانیم که کشور A نسبت به کشور B، جمعیت بیش‌تری دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که:

الف) احتمالاً کشور A در هر دو کالا مزیت مطلق دارد  
 ب) احتمالاً کشور A در کالای گندم مزیت نسبی دارد  
 ج) احتمالاً کشور A در کالای پارچه مزیت نسبی دارد  
 د) با اطلاعات موجود، به هیچ یک از نتایج فوق نمی‌توان دست یافت

۹ - در نظر بگیرید که تنها دو کشور A و B، و تنها دو کالای غذا و پوشاک وجود دارد. فرض کنید کشور A دارای مزیت مطلق در تولید غذا، و کشور B دارای مزیت مطلق در تولید پوشاک است، در این صورت می‌توان گفت که:

الف) A دارای مزیت نسبی در تولید غذا، و B دارای مزیت نسبی در تولید پوشاک می‌باشد  
 ب) احتمالاً کشور بزرگ‌تر دارای مزیت نسبی در تولید هر دو کالا است  
 ج) کشور بزرگ‌تر، قطعاً دارای مزیت نسبی در تولید هر دو کالا است  
 د) هیچ‌کدام از کشورها در هیچ‌کدام از کالاها دارای مزیت نسبی نیستند  
 ه) اطلاعات کافی برای قضاوت در مورد هیچ‌کدام از گزینه‌های بالا وجود ندارد

۱۰ - وقتی تعرفه‌های میان کشورها کاهش یابد، می‌توان انتظار داشت که:

الف) کشورها از صرفه‌های مقیاس سود ببرند

- (ب) کاربرد پول در معاملات، نسبت به مبادله‌های پایاپای، بیش تر شود
- (ج) کشورها از مزیت نسبی سود ببرند
- (د) موارد (الف) و (ج) درست است

۱۱ - اگر همه نهاده‌های تولید دو برابر شوند، در چه صورت می‌توان گفت تولید دارای صرفه‌های مقیاس است؟

- (الف) تولید، ۵۰ درصد افزایش یابد
- (ب) تولید، ۱۰۰ درصد افزایش یابد
- (ج) تولید، کم‌تر از ۱۰۰ درصد افزایش یابد
- (د) تولید، بیش‌تر از ۱۰۰ درصد افزایش یابد

۱۲ - آدام اسمیت با بیان مثال کارخانه سنجاق‌سازی و تشریح چگونگی تقسیم کار و افزایش تولید در آن کارخانه، کدام یک از مفاهیم زیر را به خوبی نشان داد؟

- (الف) مزیت نسبی
- (ب) صرفه‌های مقیاس
- (ج) کارایی تخصیصی
- (د) هزینه فرصت
- (ه) کارایی تکنولوژیک

۱۳ - صرفه‌های مقیاس به این مفهوم است که:

- (الف) هرچه کارگر بیش‌تری به کار بگیریم، تولید کل افزایش می‌یابد
- (ب) ورود هر کارگر جدید به کارخانه باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های سرمایه می‌شود
- (ج) یک افزایش یکسان در همه عوامل تولید، افزایش بیش‌تری در تولید به همراه دارد
- (د) همه موارد بالا درست است

۱۴ - وقتی تعرفه میان کشورها کاهش داده شود،

- (الف) قیمت‌های داخلی، کاهش می‌یابد
- (ب) مصرف، افزایش می‌یابد
- (ج) مبادله میان کشورها، افزایش می‌یابد
- (د) استفاده از مزیت نسبی موجب صرفه‌های مقیاس می‌شود
- (ه) همه موارد بالا درست است

۱۵ - کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

الف) اقتصادها در طول زمان تخصصی تر می شوند، زیرا هرچه زمان می گذرد، نیازهای بشر متنوع تر می گردد

ب) بزرگ ترین مشکل نظام مبادله پایاپای این بود که اجرای سیاست های پولی را ناممکن می ساخت

ج) یکی از مزیت های پول این است که امکان مبادلات چندجانبه را که در نظام پایاپای دشوار یا ناممکن بود، فراهم آورد

د) هر گونه تغییر در حجم پول، موجب تغییر در ارزش پول می شود

۱۶ - وقتی مبادله میان دو کشور آغاز می شود، هر دو کشور سود می برند زیرا:

الف) هر یک به تولید کالایی می پردازد که در آن مزیت نسبی دارد

ب) هر یک در تولید کالا (یا کالاهایی) متخصص می شود و از منافع تخصص، سود می برد

ج) امکان استفاده از صرفه های مقیاس برای آنها به وجود می آید

د) همه موارد بالا درست است

## پاسخنامه

۱) د      ۲) ج      ۳) ج      ۴) د      ۵) ب

۶) ب      ۷) ب      ۸) د      ۹) الف      ۱۰) د

۱۱) د      ۱۲) ب      ۱۳) ج      ۱۴) ه      ۱۵) ج

۱۶) د



## عرضه و تقاضا

### ساز و کار بازار

۱ - سازوکار (مکانیزم) بازار، یکی از مهم‌ترین روشهای پاسخگویی به سه مسأله اساسی اقتصاد است. این سه مسأله عبارتند از:

- الف) چه چیزی تولید شود؟ چرا؟ و چگونه؟
- ب) چه چیزی تولید شود؟ چگونه؟ و برای چه کسی؟
- ج) چه چیزی تولید شود؟ چرا؟ و برای چه کسی؟
- د) چه چیزی تولید شود؟ چه مقدار آن را بخش خصوصی و چه مقدار آن را دولت تولید نماید؟
- ه) همه موارد بالا

۲ - اقتصاددانان گاهی از "بازار آزاد" سخن می‌گویند. منظور آنان از "آزاد" این است که:

- الف) قیمت‌ها به دلخواه افراد تعیین می‌شود
- ب) ورود مردم به محل بازار، آزاد است، و آنها برای ورود، پولی نمی‌پردازند
- ج) داد و ستد و مبادله بدون دخالت، یا با مداخله دولتی بسیار کم، انجام می‌شود
- د) دولت در بازار، نه به عنوان فروشنده و نه به عنوان خریدار، عمل نمی‌کند
- ه) رقابت کامل در بازار برقرار است

۳ - مهم‌ترین مشخصه رقابت کامل این است که:

- الف) هر فروشنده حداقل یک رقیب قدرتمند در برابر خویش داشته باشد
- ب) حداقل یک تولیدکننده قدرتمند و کارآ وجود داشته باشد که بتواند قیمت را پایین نگه‌دارد
- ج) در برابر هر خریدار، چندین فروشنده وجود داشته باشد
- د) همه خریداران و فروشندگان، گیرنده قیمت باشند، و هیچ یک از آنها نتواند بر قیمت تأثیر بگذارد

ه) همه موارد بالا

۴ - رقابت ناقص زمانی وجود دارد که:

- الف) برخی از خریداران یا فروشندگان بتوانند کنترل‌هایی بر بازار اعمال کنند
- ب) در هر بازار، قیمت‌های گوناگونی وجود داشته باشد
- ج) قیمت کالا در حال کاهش باشد
- د) قیمت کالا در حال افزایش باشد
- ه) سطح عمومی قیمت‌ها در حال افزایش باشد

۵ - یک بازار با یک فروشنده و چند خریدار، نمونه‌ای است از یک بازار،

- الف) انحصار فروش
- ب) چند قطبی فروش
- ج) انحصار خرید
- د) چند قطبی خرید
- ه) سیاه

۶ - چه هنگام می‌توان گفت که قیمت به وسیله منحنی‌های عرضه و تقاضا مشخص می‌شود؟

- الف) وقتی حداقل چند فروشنده در بازار وجود داشته باشد
- ب) وقتی حداقل چند خریدار در بازار وجود داشته باشد
- ج) اصولاً در همه انواع بازارها، قیمت به وسیله منحنی‌های عرضه و تقاضا مشخص می‌شود
- د) در یک بازار کاملاً رقابتی
- ه) در یک بازار رقابت ناقص

۷ - فرض کنید در بازاری، مازاد وجود داشته باشد. آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که:

- الف) قیمت در زیر قیمت تعادلی قرار دارد (د) مقدار تقاضا کاهش یافته است
- ب) قیمت در بالای قیمت تعادلی قرار دارد (ه) مقدار عرضه افزایش یافته است
- ج) دولت یک سقف قیمتی تعیین کرده است

۸ - وقتی برای یک کالا منحنی تقاضا رسم می‌کنیم،

- الف) فرض ثبوت بقیه شرایط را به کار می‌بریم
- ب) فرض می‌کنیم هیچ چیزی به جز قیمت تغییر نکند



- (ج) همه عوامل جابه‌جایی تابع تقاضا را ثابت می‌انگاریم
- (د) همه موارد بالا درست است
- (ه) موارد (الف) و (ب) درست است

۹ - وقتی درآمدها افزایش می‌یابد، منحنی تقاضا برای یک کالا،

- (الف) معمولاً به سمت پایین جابه‌جا می‌شود (د) همیشه به سمت راست جابه‌جا می‌شود
- (ب) همیشه به سمت پایین جابه‌جا می‌شود (ه) جابه‌جا نمی‌شود، چون تنها قیمت بر تقاضا اثر
- (ج) معمولاً به سمت راست جابه‌جا می‌شود می‌گذارد

۱۰ - فرض کنید افزایش درآمدها باعث شود منحنی تقاضای کالای A به سمت چپ جابه‌جا شود، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که:

- (الف) اکنون مردم بیش‌تر پس‌انداز می‌کنند
- (ب) کالای A یک کالای عادی است
- (ج) کالای A یک کالای پست می‌باشد
- (د) کالای A بیش‌تر به وسیله ثروتمندان مصرف می‌شود
- (ه) باید مالیاتهای مربوط به کالای A را افزایش داد

۱۱ - اگر بدانیم افزایشی در قیمت کالای A، باعث انتقال منحنی تقاضای کالای B به سوی راست می‌شود، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که:

- (الف) تولیدکنندگان A و B مجموعه داده‌های یکسانی به کار می‌برند
- (ب) مصرف‌کنندگان کالاهای A و B سطوح درآمد یکسانی دارند
- (ج) مصرف‌کنندگان کالاهای A و B درآمدهای متفاوتی دارند
- (د) A و B کالاهای مکمل هستند
- (ه) A و B کالاهای جانشین هستند

۱۲ - سیب و کتاب کالاهای،

- (الف) جانشین هستند (د) مستقل هستند
- (ب) مکمل هستند (ه) انحصاری هستند
- (ج) پست هستند

۱۳ - گوشت، چرم و پشم، هر سه از گوسفند تولید می‌شود. بنابراین می‌توان آنها را،

- (الف) کالاهای جانشین در تولید نامید  
 (ب) محصولات مشترک نامید  
 (ج) کالاهای پست نامید  
 (د) کالاهای مکمل نامید  
 (ه) کالاهای مستقل نامید

۱۴ - بادام زمینی و تنباکو هر دو در یک زمین قابل کشت هستند، بنابراین آنها را می‌توان،

- (الف) کالاهای جانشین در تولید نامید  
 (ب) محصولات مشترک نامید  
 (ج) کالاهای پست نامید  
 (د) کالاهای عادی نامید  
 (ه) کالاهای مستقل نامید

۱۵ - فرض کنید تقاضای گوشت افزایش یافته است. این مسأله احتمالاً منجر خواهد شد به:

- (الف) انتقال منحنی عرضه گوشت به سمت راست  
 (ب) انتقال منحنی عرضه گوشت به سمت چپ  
 (ج) کاهش قیمت گوشت  
 (د) کاهش قیمت چرم و پشم  
 (ه) انتقال منحنی تقاضای چرم به سوی بالا

۱۶ - اگر فرض کنیم کشتزارهای قهوه برزیل برای چند سال پی‌درپی در یخبندان به سر برند، در نتیجه احتمالاً،

- (الف) مقدار فروش قهوه کاهش می‌یابد  
 (ب) قیمت قهوه افزایش می‌یابد  
 (ج) قیمت چای افزایش می‌یابد  
 (د) مقدار چای افزایش می‌یابد  
 (ه) همه موارد بالا

۱۷ - فرض کنید در فاصله میان سال ۱ و سال ۲، منحنی عرضه گندم به راست جابه‌جا شود، اما منحنی تقاضای آن ثابت باقی بماند. اکنون می‌توان نتیجه گرفت که در سال دوم،

- (الف) مقدار فروش گندم بیشتر، و قیمت آن نیز بالاتر خواهد بود  
 (ب) مقدار فروش گندم بیشتر، ولی قیمت آن کم‌تر خواهد بود  
 (ج) مقدار فروش گندم بیشتر خواهد بود، ولی در باره قیمت آن نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم

- (د) مقدار فروش گندم کم‌تر، ولی قیمت آن بیش‌تر خواهد بود  
(ه) نه در باره مقدار فروش، و نه در مورد قیمت گندم، نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم
- ۱۸ - فرض کنید در میان سال ۱ و سال ۲، منحنی تقاضا و منحنی عرضه برای گندم، هر دو به راست جابه‌جا شوند. اکنون می‌توان نتیجه گرفت که در سال دوم،  
(الف) مقدار فروش گندم بیش‌تر و قیمت آن نیز بالاتر خواهد بود  
(ب) مقدار فروش گندم بیش‌تر، ولی قیمت آن پایین‌تر خواهد بود  
(ج) مقدار فروش گندم بیش‌تر خواهد بود، ولی در باره قیمت آن نمی‌توان اظهار نظر نمود  
(د) مقدار فروش گندم کم‌تر خواهد بود، ولی در باره قیمت آن نمی‌توان اظهار نظر نمود  
(ه) نه در باره مقدار و نه در مورد قیمت فروش گندم نمی‌توان اظهار نظر نمود
- ۱۹ - کدام یک از بازارها، نقش اصلی را در تعیین درآمدها ایفا می‌کنند؟  
(الف) بازار کالاها  
(ب) بازار خدمات  
(ج) بازار عوامل تولید  
(د) بازار ماشین‌آلات  
(ه) بازارهای منطقه‌ای
- ۲۰ - مزیت‌های سازوکار بازار (در مقایسه با تنظیم اقتصاد به وسیله دولت)، به عنوان یک راه تصمیم‌گیری در باره این که چه چیزی، چگونه، و برای چه کسی تولید شود، عبارتند از:  
(الف) قیمت‌ها، اطلاعات و انگیزه‌های لازم را برای تولیدکنندگان فراهم می‌آورد تا آنچه را که مردم می‌خواهند تولید کنند  
(ب) قیمت‌ها، انگیزه‌های لازم را برای تولیدکنندگان فراهم می‌آورد تا در منابع کمیاب صرفه‌جویی نمایند  
(ج) قیمت‌ها، انگیزه‌های لازم را برای مصرف‌کنندگان فراهم می‌آورد تا در مصرف کالاهای کمیاب صرفه‌جویی کنند  
(د) دستمزدهای بالا در شغل‌های پرمهارت و تخصصی، انگیزه‌های لازم را برای کارگران فراهم می‌آورد تا تن به آموزش دهند  
(ه) همه موارد فوق
- ۲۱ - یک بازار سیاه وقتی به وجود می‌آید که:

- (الف) دولت با شیوه‌های اداری، مانع افزایش قیمت‌ها شود  
 (ب) عرضه یک کالا در کنترل انحصارگر باشد  
 (ج) عرضه کالا در کنترل دو یا سه تولیدکننده باشد  
 (د) دولت یک مالیات غیرمستقیم (مالیات بر فروش) بر یک کالا وضع کند  
 (ه) دولت تولیدکنندگان را مجبور به افزایش تولید کند، تا رفاه جامعه را افزایش دهند

۲۲- گاهی دولت قیمت یک کالا را کم‌تر از قیمت تعادلی آن تعیین می‌کند (مثل مورد کنترل اجاره‌ها)، و گاهی قیمت یک کالا را بالاتر از قیمت تعادلی‌اش قرار می‌دهد (مثل نمونه حمایت از قیمت محصولات کشاورزی). عکس‌العمل مصرف‌کنندگان در هر یک از این حالت‌ها، چگونه است؟

- (الف) وقتی دولت قیمت را در بالای سطح تعادلی‌اش نگه می‌دارد، مصرف‌کنندگان بیش‌تر مصرف می‌کنند، اما وقتی قیمت در زیر سطح تعادلی نگه داشته می‌شود، مصرف‌کنندگان کم‌تر مصرف می‌کنند  
 (ب) وقتی قیمت را در زیر سطح تعادلی برقرار می‌کند، مصرف‌کنندگان بیش‌تر مصرف می‌کنند، اما وقتی قیمت را در بالای سطح تعادلی برقرار می‌کند، مصرف‌کنندگان کم‌تر مصرف می‌نمایند  
 (ج) در هر دو حالت، مصرف‌کنندگان بیش‌تر مصرف خواهند کرد  
 (د) در هر دو حالت، مصرف‌کنندگان کم‌تر مصرف خواهند کرد  
 (ه) قیمت‌گذاری به وسیله دولت، اثری بر مقدار مصرف مردم ندارد، زیرا مقدار مصرف به وسیله نیروهای بازار تعیین می‌شود

۲۳- کدام یک از موارد زیر، جزء انتقادهایی است که به سازوکار بازار شده است؟

- (الف) اگر آثار جانبی وجود داشته باشد، اطلاعاتی که قیمت‌ها به مصرف‌کنندگان و خریداران می‌دهند، غلط یا ناکافی است  
 (ب) یک اقتصاد بازاری خصوصی، می‌تواند کاملاً ناپایدار باشد  
 (ج) سازوکار بازار، گاهی موجب اسراف در امکانات اقتصادی می‌شود، مثل هزینه‌های سرسام‌آور تبلیغاتی و رقابت‌های ویرانگر و نیز تولید کالاهایی که نیاز به آنها از طریق تبلیغات القا شده است

د) نابرابریهای شدید در توزیع در آمد وجود دارد

ه) همه موارد بالا

## پاسخنامه

ب (۱)	ج (۲)	د (۳)	الف (۴)	الف (۵)
د (۶)	ب (۷)	د (۸)	ج (۹)	ج (۱۰)
ه (۱۱)	د (۱۲)	ب (۱۳)	الف (۱۴)	د (۱۵)
ه (۱۶)	ب (۱۷)	ج (۱۸)	ج (۱۹)	ه (۲۰)
الف (۲۱)	د (۲۲)	ه (۲۳)		



## نقش اقتصادی دولت

۱- کدام یک از گزینه‌های زیر، نمونه خوبی برای یک پرداخت انتقالی است؟

الف) حقوق بازنشستگان

ب) پرداخت‌های تأمین اجتماعی به ازکارافتادگان

ج) دریافت حق بیمه بازنشستگی

د) هزینه‌های مربوط به آموزش و پرورش

ه) همه موارد بالا

● جدول زیر سطوح درآمدی مختلف را همراه با مقدار مالیات مربوط به هر سطح،

نشان می‌دهد. با توجه به جدول، به سه پرسش بعد پاسخ دهید:

مقادیر فرضی درآمد و مالیات مربوطه (ارقام به ریال)

۳۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰	درآمد
۶۰۰۰	۳۰۰۰	۱۰۰۰	مالیات

۲- با توجه به جدول، فردی که دارای درآمد ۲۰/۰۰۰ ریالی می‌باشد، نرخ متوسط مالیاتی

که می‌پردازد برابر است با:

الف) ۱۰ درصد (ب) ۱۵ درصد (ج) ۲۰ درصد (د) ۳۰ درصد

ه) برای تعیین نرخ متوسط مالیات، اطلاعات کافی وجود ندارد

۳- نرخ نهایی مالیات برای فردی که درآمدش ۲۰/۰۰۰ ریال است، چه مقدار می‌باشد؟

الف) ۱۰ درصد (ب) ۱۵ درصد (ج) ۲۰ درصد (د) ۳۰ درصد (ه) ۵۰ درصد

۴- ارقام مالیاتی که در جدول نشان داده شده، بیانگر مالیات،

الف) تناسبی است

د) خنثی است

(ب) تصاعدی است  
(ج) تنازلی (کاهنده) است  
(ه) نمی توان نوع مالیات را تعیین کرد

۵ - اگر از فردی که درآمدش ۱۰/۰۰۰ ریال است، ۱۰۰۰ ریال، و از فردی که درآمدش ۵۰/۰۰۰ ریال است، ۲۰۰۰ ریال مالیات گرفته شود، آنگاه می توان نتیجه گرفت که:

(الف) مالیاتها خنثی یا بی طرف می باشد  
(ب) مالیاتها تصاعدی می باشد  
(ج) مالیاتها تنازلی<sup>۱</sup> می باشد  
(د) مالیاتها تناسبی می باشد  
(ه) مالیاتها نهایی می باشد

۶ - اگر از کسی که درآمد ۱۰/۰۰۰ ریالی دارد، ۱۰۰۰ ریال، و از کسی که درآمد ۵۰/۰۰۰ ریالی دارد، ۵۰۰۰ ریال مالیات گرفته شود، این مالیات،

(الف) خنثی است  
(ب) تصاعدی است  
(ج) تنازلی است  
(د) تناسبی است  
(ه) نهایی است

۷ - اگر از هر خانواده بدون توجه به سطح درآمد آن خانواده، ۱۰۰۰ ریال مالیات گرفته شود، این مالیات،

(الف) خنثی است  
(ب) تصاعدی (افزاینده) است  
(ج) تنازلی (کاهنده) است  
(د) تناسبی است  
(ه) نهایی است

۸ - مالیات تأمین اجتماعی،

(الف) خنثی است  
(ب) تناسبی است  
(ج) نسبتاً تصاعدی است  
(د) شدیداً تصاعدی است  
(ه) تنازلی است

۹ - فرض کنید در سال گذشته بدهی های دولت افزایش یافته باشد. مقدار این افزایش برابر است با:

- الف) درآمدهای مالیاتی منهای هزینه‌های دولت در سال گذشته  
 ب) بهره‌های پرداختی  
 ج) پرداخت‌های انتقالی  
 د) کسری بودجه به اضافه بهره‌های پرداختی بابت بدهی‌های قبلی  
 ه) کسری بودجه

۱۰ - بر اساس اصل خنثی بودن مالیات‌بندی،

- الف) مالیات بر درآمد باید تصاعدی باشد  
 ب) مالیاتها باید تنها بر کالاهایی بسته شود که مردم در مورد آنها بی تفاوت و خنثی هستند  
 ج) در مالیات‌بندی نباید میان کالاها یا افراد تفاوت گذاشت  
 د) مالیاتها باید به گونه‌ای طراحی شوند که تا حد ممکن، کم‌ترین اثر را بر نیروهای بازار داشته باشد  
 ه) از همه عوامل تولید باید به یکسان مالیات گرفت

۱۱ - کدام یک از گزینه‌های زیر، بیش‌تر بیانگر یک مالیات خنثی است؟

- الف) یک مالیات بر درآمد تناسبی  
 ب) مالیات بر کسانی که محیط زیست را آلوده می‌کنند  
 ج) مالیات بر دخانیات  
 د) مالیات بر اتومبیل  
 ه) تعرفه بر واردات

۱۲ - وقتی دولت مالیات تأمین اجتماعی را از کسانی دریافت می‌کند که سرانجام مستمریها را به همانها می‌پردازد، این گونه مالیات،

- الف) تصاعدی است  
 ب) خنثی است  
 ج) تنازلی است  
 د) مبتنی بر اصل توانایی پرداخت است  
 ه) مبتنی بر اصل منفعت<sup>۲</sup> است

۱۳ - بر اساس اصل توانایی پرداخت، مالیات باید،



- الف) برای افراد پردرآمد، بیش تر و برای افراد کم درآمد، کم تر باشد  
ب) فقط بر پس انداز بسته شود، زیرا کسانی که می توانند پس انداز کنند، توانایی بیش تری برای پرداخت مالیات دارند  
ج) فقط بر سود شرکت ها بسته شود و نه بر درآمدهای افراد  
د) بر شرکت های بزرگ بسته شود، و نه بر شرکت های کوچک  
ه) همه موارد بالا درست است

۱۴ - یک کالای عمومی،

- الف) هیچ گونه آثار خارجی<sup>۳</sup> مثبتی ایجاد نمی کند  
ب) هیچ گونه آثار خارجی منفی ایجاد نمی کند  
ج) نمی تواند به وسیله یک بنگاه خصوصی تولید شود  
د) کالایی است که همه می توانند از آن بهره مند شوند، حتی کسانی که برای آن هزینه ای نمی پردازند  
ه) همه موارد بالا

۱۵ - کدام یک از گزینه های زیر بیانگر یک کالای عمومی نیست؟

- الف) برنامه های رادیو و تلویزیون ملی (د) امنیت داخلی  
ب) خیابانهای یک شهر (ه) فیلم های سینمایی  
ج) دفاع ملی

۱۶ - منظور از آثار خارجی اقتصادی چیست؟

- الف) این که روابط اقتصادی ما با کشورهای خارجی دارای آثار اقتصادی باشد  
ب) هر کاری که افرادی انجام دهند و منظورشان کمک به دیگران باشد  
ج) هر کاری که افرادی انجام دهند و منظورشان زیان رساندن به دیگران باشد  
د) آثار جانبی ناشی از تولید یا مصرف  
ه) همه موارد بالا

۱۷ - وقتی از نظر اقتصادی، آثار خارجی منفی وجود دارد،

- الف) بهتر است دولت با تحمیل مالیات بر فعالیت دارای آثار منفی، آن را محدود کند
- ب) بهتر است دولت به بنگاه دارای آثار خارجی منفی سوبسید پردازد تا از تجهیزات پیشگیری از آلودگی استفاده کند
- ج) بهتر است دولت با پرداخت سوبسید به واردات کالایی که تولیدش در داخل با آثار خارجی منفی همراه است، آن آثار خارجی منفی را در داخل کاهش دهد
- د) بهتر است دولت بر واردات کالایی که تولیدش دارای آثار خارجی منفی است، تعرفه ببندد تا تولید آن کالا را در داخل سودآور سازد و بنگاهها بتوانند از آثار خارجی منفی پیشگیری کنند
- ه) همه موارد بالا درست است

۱۸ - کدام یک از مثالهای زیر، بهترین نمونه یک اثر خارجی منفی می باشد؟

- الف) افزایش قیمت جهانی نفت
- ب) افزایش قیمت داخلی بنزین
- ج) آلودگی هوا به وسیله یک کارخانه فولاد
- د) افزایش قیمت فولاد وقتی دولت کارخانههای فولادسازی را مجبور به کاهش آلودگی کند
- ه) واکسیناسیون

۱۹ - وقتی دولت هزینههای یک برنامه واکسیناسیون برای کودکان را می پردازد، مهم ترین توجیه اقتصادی آن،

- الف) کاهش هزینههای درمان برای خانوادههای بی بضاعت است
- ب) آثار خارجی مثبت آن است
- ج) فشار مردم از طریق نمایندگانشان در مجلس قانون گذاری است
- د) توزیع بهداشت به عنوان یک کالای عمومی محض است
- ه) موارد (ب) و (ج) درست است

۲۰ - منافع خارجی، منافی است که:

- الف) افراد خارج از کشور می برند
- ب) خریداران می برند
- ج) فروشندگان می برند

(د) هر كس ديگري به جز خريداران و فروشندگان، مي برد

(ه) دولت مي برد

۲۱- کدام يك از مالياتهاي زير، خنثي نيست؟

(الف) يك ماليات بر درآمد تناسبي

(ب) يك ماليات عمومي ۵ درصدی بر فروش

(ج) يك ماليات بر فعاليتهاي آلوده كننده

(د) يك ماليات بر فروش سيگار

(ه) موارد (ج) و (د)

۲۲- برای يك اقتصاددان، کدام يك از نمونههاي زير، بهترين مثال از يك کالا يا خدمت

برتر (merit good)<sup>۴</sup> است؟

(الف) يك اتومبيل بسيار شيك

(د) جايزه نوبل

(ب) عضويت در يك باشگاه كشوري

(ه) آموزش و پرورش

(ج) لباسهاي بسيار فاخر

۲۳- وجود آثار خارجي اقتصادي به اين مفهوم است كه:

(الف) سازوكار بازار نمي تواند كارايي تخصیصي را برقرار كند

(ب) سازوكار بازار نمي تواند همه مناصبي كه توليد يك کالا دربردارد، يا همه هزینههايي كه توليد

آن تحميل مي كند را در نظر بگيرد

(ج) توليد يك کالا داراي هزینههايي است كه توليدكننده، همه آن را متحمل نمي شود، يا داراي

مناصبي است كه توليدكننده نمي تواند همه آنها را جمع آوري كند

(د) به جز فروشندگان و خريداران يك کالا، افراد ديگري وجود دارند كه توليد آن کالا يا به آنان

ضرر مي رساند ولي در مقابل آن ضرر چيزي دريافت نمي كنند، يا براي آنها مناصبي دارد،

ولي در برابر آن منافع چيزي نمي پردازند

(ه) همه موارد بالا

۴ - merit goods كه در فارسي گاهي كالاي شايسته، استحقاقی يا قيمومیتی نیز خوانده می شوند، كالاهايي هستند كه كالاي غمومي محض نيستند، اما از آن جا كه داراي آثار خارجي مثبت بسيار زيادي می باشند، دولت ها به عنوان سرپرست جامعه، معمولاً توليد آنها را در دست می گيرند - م.

۲۴- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- الف) پرداخت‌های انتقالی، همچون مستمریهای تأمین اجتماعی، پرداخت‌هایی هستند که دریافت‌کنندگان آنها، در مقابل، کالا یا خدمتی برای دولت تولید نمی‌کنند
- ب) کمک‌هایی که به بیکاران می‌شود، یک نوع پرداخت انتقالی است
- ج) کالاهای عمومی، کالایی هستند که مصرف آنها قابل تخصیص به افراد خاص نیست، و اگر حتی برای یک نفر تولید شوند، برای همه تولید شده‌اند
- د) آموزش و پرورش، و بهداشت، کالاهایی هستند که آثار خارجی مثبت بسیار زیادی دارند
- ه) کالاهای عمومی، کالاهایی هستند که فقط دولت می‌تواند آنها را تولید کند

## پاسخنامه

ب (۱)	ب (۲)	ج (۳)	ب (۴)	ج (۵)
د (۶)	ج (۷)	ه (۸)	ه (۹)	د (۱۰)
الف (۱۱)	ه (۱۲)	الف (۱۳)	د (۱۴)	ه (۱۵)
د (۱۶)	الف (۱۷)	ج (۱۸)	ب (۱۹)	د (۲۰)
ه (۲۱)	ه (۲۲)	ه (۲۳)	ه (۲۴)	

بخش دوم

---

# درآمدی بر اقتصاد کلان

اشتغال بالا، ثبات، و رشد





## اندازه گیری محصول ملی و درآمد ملی

۱ - کدام یک از گزینه های زیر، بهترین نمونه برای یک محصول واسطه است؟

- الف) یک جاده  
ب) فولاد  
ج) یک دستگاه تلویزیون  
د) نان

۲ - در محاسبه محصول ملی، بین محصولات نهایی و محصولات واسطه ای تمایز گذاشته می شود تا از بروز یک خطا پیش گیری شود. این خطا عبارت است از:

- الف) احتساب مضاعف  
ب) در نظر نگرفتن اثر تورم  
ج) در نظر نگرفتن اثر استهلاك  
د) در نظر نگرفتن اختلاف میان درآمد نیروی کار و بازده سرمایه

۳ - کدام یک از گزینه های زیر در حسابهای GNP، به عنوان یک محصول نهایی در نظر گرفته می شود؟

- الف) یک هواپیما که به وسیله دولت خریداری می شود  
ب) هزینه های دولت برای بازسازی جاده ها  
ج) خرید ماشین های لباس شویی به وسیله خانواده ها  
د) خرید ماشین های لباس شویی به وسیله مغازه های خشک شویی  
ه) همه موارد فوق

۴ - بنگاهی را در نظر بگیرید که تولیداتش را  $40/000$  تومان می فروشد. این بنگاه،  $22000$  تومان به عنوان دستمزد و حقوق،  $10/000$  تومان برای خرید مواد اولیه از دیگر بنگاهها، و  $3000$  تومان به عنوان بهره اوراق قرضه ای که منتشر کرده است، می پردازد. سود این بنگاه  $5000$  تومان است. ارزش افزوده این بنگاه برابر است با:

- الف) ۱۸۰۰۰ تومان  
 ب) ۲۲۰۰۰ تومان  
 ج) ۳۰/۰۰۰ تومان  
 د) ۳۵۰۰۰ تومان

۵- ارزش افزوده عبارت است از:

- الف) افزایش در ارزش GNP ، به علت تورم  
 ب) ارزش GNP قبل از تأثیر تورم  
 ج) ارزش محصولات بنگاه، منهای هزینه محصولات واسطه‌ای که از بیرون بنگاه خریداری شده است  
 د) ارزشی که به دلیل محاسبه استهلاک، به GNP افزوده شده است

۶- در حسابهای GNP ، افزایش در موجودی انبار،

- الف) محاسبه نمی‌شود، زیرا عمدتاً شامل کالاهای واسطه‌ای است  
 ب) به عنوان بخشی از سرمایه‌گذاری، به حساب می‌آید  
 ج) به عنوان جزئی جدای از C ، I و G ، محاسبه می‌شود  
 د) به عنوان بخشی از تولید سال بعد، در نظر گرفته می‌شود

۷- GNP برابر است با NNP منهای،

- الف) مالیات بر فروش  
 ب) مالیات تأمین اجتماعی  
 ج) مالیات بر شرکت‌ها  
 د) سود تقسیم نشده  
 ه) استهلاک

۸- اگر مقدار  $C+I_g+G$  را بدانیم، برای به دست آوردن GNP باید،

- الف) استهلاک را اضافه کنیم  
 ب) افزایش در موجودی انبار را اضافه کنیم  
 ج) مالیات بر فروش را اضافه کنیم  
 د) خالص صادرات را اضافه کنیم

۹- "سرمایه‌گذاری خالص داخلی"، یعنی:

- الف) کل مخارجی که در یک سال صرف ساخت کارخانه‌ها، خرید ماشین‌آلات و تجهیزات، و ساخت مسکن می‌شود



- (ب) اجزاء گزینه (الف) منهای استهلاک هر کدام از اجزاء در طول همان سال
- (ج) اجزاء گزینه (الف) بعلاوه افزایش در موجودی انبار
- (د) اجزاء گزینه (ج) منهای استهلاک هر کدام در طول همان سال

۱۰ - آمارهای GNP نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری ناخالص در آمریکا، در سال ۱۹۸۸، ۷۶۶ میلیارد دلار و میزان استهلاک، ۵۰۶ میلیارد دلار بوده است. بنابراین، سرمایه‌گذاری خالص،

(الف) ۱۲۷۲ میلیارد دلار بوده است

(ب) ۲۶۰ میلیارد دلار بوده است

(ج) ۲۶۰ - میلیارد دلار بوده است

(د) کم‌تر از سرمایه‌گذاری در موجودی انبار بوده است

۱۱ - تفاوت میان NNP و درآمد ملی عمدتاً به خاطر وجود،

(الف) مالیات غیرمستقیم (مالیات بر فروش) است

(ب) مالیاتهای تأمین اجتماعی است

(ج) پرداخت‌های انتقالی است

(د) استهلاک است

۱۲ - "درآمد شخصی"، عبارت است از:

(الف) خالص درآمدی که پس از کسر مالیات، به دست خانوارها می‌رسد

(ب) درآمد خانوارها، به استثنای سود توزیع شده (سود سهام)

(ج) همه درآمدهایی که خانوارها قبل از پرداخت مالیات بر درآمد، به دست می‌آورند

(د) درآمدهای حاصل از دستمزد و حقوق بعلاوه سودها

۱۳ - کدام یک از گزینه‌های زیر در GNP جزء سرمایه‌گذاری به حساب نمی‌آید؟

(الف) خرید کامپیوتر به وسیله یک بنگاه

(ب) ساختن یک کلاس جدید در یک دانشگاه خصوصی

(ج) ساختن یک ساختمان اداری جدید به وسیله شرکت IBM

(د) خرید صد سهم از سهام شرکت IBM به وسیله یک مدیر بازنشسته

۱۴ - "پرداخت‌های انتقالی"، جزء کدام یک از اقلام زیر می‌باشند؟

- (الف) هزینه‌های مصرفی  
 (ب) GNP  
 (ج) NNP  
 (د) درآمد ملی  
 (ه) درآمد شخصی

● پنج پرسش بعدی بر اساس جدول زیر تنظیم شده‌اند. در این جدول تولید ملی یک اقتصاد ساده که فقط اسلحه و کره تولید می‌کند نشان داده شده است:

سال	تولید اسلحه	قیمت اسلحه	تولید کره	قیمت کره
۱۹۸۲	۸۰	۱۰ دلار	۱۱۰۰	۱ دلار
۱۹۹۰	۱۰۰	۱۵ دلار	۱۵۰۰	۲ دلار

۱۵ - در این اقتصاد ساده، GNP به قیمت جاری در سال ۱۹۹۰، برابر است با:

(الف) ۱۱۸۰ دلار (ب) ۱۹۰۰ دلار (ج) ۲۵۰۰ دلار (د) ۳۴۰۰ دلار (ه) ۴۵۰۰ دلار

۱۶ - فرض کنید سال پایه، سال ۱۹۸۲ باشد. GNP واقعی در سال ۱۹۹۰ برابر است با:

(الف) ۱۱۸۰ دلار (ب) ۱۹۰۰ دلار (ج) ۲۵۰۰ دلار (د) ۳۴۰۰ دلار

۱۷ - اگر سال پایه، سال ۱۹۸۲ باشد، ضریب تعدیل GNP در سال ۹۰ برای این اقتصاد برابر است با:

(الف) ۱۳۲ (ب) ۱۸۰ (ج) ۲۰۰ (د) ۲۳۷

۱۸ - در اقتصاد یاد شده، متوسط سطح قیمت‌ها در فاصله سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰، چقدر افزایش می‌یابد؟

(الف) ۳۲ درصد (ب) ۸۰ درصد (ج) ۱۰۰ درصد (د) ۲۳۲ درصد

۱۹ - در اقتصاد یاد شده، GNP واقعی در فاصله سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰، چه مقدار افزایش می‌یابد؟

(الف) ۲۵ درصد (ب) ۳۲ درصد (ج) ۵۶ درصد (د) ۱۲۵ درصد

۲۰ - GNP اسمی سال جاری،

- الف) محصول امسال را به قیمت‌های سال پایه اندازه می‌گیرد
- ب) محصول امسال را به قیمت‌های همین سال اندازه می‌گیرد
- ج) برابر است با NNP منهای استهلاک
- د) برابر است با درآمد ملی منهای استهلاک

۲۱- اگر شاخص قیمت‌ها و نیز GNP به قیمت جاری افزایش یافته باشند، آنگاه می‌توان گفت،

- الف) GNP واقعی افزایش یافته است
- ب) GNP واقعی کاهش یافته است
- ج) GNP واقعی ثابت مانده است
- د) با اطلاعات داده شده نمی‌توان در باره تغییرات GNP واقعی قضاوت نمود

۲۲- اگر شاخص قیمت‌ها افزایش یافته و GNP جاری کاهش یافته باشد، آنگاه می‌توان گفت که:

- الف) GNP واقعی افزایش یافته است
- ب) GNP واقعی کاهش یافته است
- ج) GNP واقعی ثابت مانده است
- د) با اطلاعات موجود نمی‌توان در باره تغییرات GNP واقعی قضاوت نمود

۲۳- فرض کنیم از سال پایه تا سال جاری، همه قیمت‌ها ۱۰۰ درصد افزایش یافته باشد. همچنین فرض کنیم GNP امسال به قیمت جاری ۲۰۰۰ میلیارد ریال باشد. در این حالت GNP به قیمت ثابت برابر است با:

- الف) ۴۰۰۰ میلیارد (ب) ۳۰۰۰ میلیارد (ج) ۲۰۰۰ میلیارد (د) ۱۰۰۰ میلیارد

۲۴- اگر GNP به قیمت جاری سال ۱۳۷۰ را تقسیم بر GNP به قیمت ثابت سال ۱۳۷۰ کنیم، عددی که به دست می‌آید بیانگر،

- الف) تورم در سال ۱۳۷۰ است
- ب) تولید واقعی در سال ۱۳۷۰ است
- ج) تولید اسمی در سال ۱۳۷۰ است

(د) ضریب تعدیل قیمتی GNP برای سال ۱۳۷۰ است

۲۵ - فرض کنید پلیس یک کشور برآورد می‌کند که ۱۰ میلیون دلار هروئین در خیابانهای آن کشور خرید و فروش شده است. این مبلغ در حساب GNP آن کشور،

(الف) گنجانده می‌شود، چرا که مردم حاضر شده‌اند آن مبلغ را بپردازند و GNP بر اساس قیمت‌هایی که در بازار پرداخت می‌شود، محاسبه می‌گردد

(ب) گنجانده نمی‌شود، اما هزینه تولید آن به حساب می‌آید

(ج) گنجانده نمی‌شود چون یک فعالیت غیرقانونی بوده است

(د) گنجانده نمی‌شود، چرا که هروئین یک کالا نیست

۲۶ - آقای «الف» ۱۰ روز صرف چیدن چمن‌های حیاط خود کرد و از این بابت ده هزار ریال صرفه‌جویی نمود. همسایه او آقای «ب» برای چیدن چمن‌های حیاط خود کارگری استخدام کرد و ده هزار ریال به او پرداخت. در حسابهای GNP ،

(الف) هیچ‌کدام از این دو فعالیت به حساب نمی‌آیند، زیرا چیدن چمن‌ها اثر ماندگاری ندارد و چمن‌ها دوباره می‌رویند

(ب) هیچ‌کدام از این دو فعالیت گنجانده نمی‌شود، زیرا بیش‌تر مردم چمن‌هایشان را خود می‌چینند

(ج) اصولاً زدن یا زردن چمن‌ها تأثیری بر رفاه مردم ندارد

(د) هم مبلغی که آقای «الف» صرفه‌جویی کرده، و هم مبلغی که آقای «ب» پرداخت نموده است، محاسبه می‌شود

(ه) پرداخت آقای «ب» محاسبه می‌شود، ولی کار آقای «الف» به حساب نمی‌آید

۲۷ - در آمارهای رسمی GNP ، آلودگی،

(الف) اثری بر GNP ندارد

(ب) تا جایی GNP را افزایش می‌دهد که تجهیزات کنترل آلودگی خریداری شود

(ج) تا جایی GNP را کاهش می‌دهد که منابع، به تولید تجهیزات کنترل آلودگی اختصاص یابند

(د) GNP را به اندازه آسبایی که مردم از آن می‌بینند، کاهش می‌دهد

۲۸ - کدام یک از گزینه‌های زیر نه در GNP و نه در NNP محاسبه نمی‌شود؟

(د) خالص صادرات

(الف) موجودی انبار

(ه) ارزش اوقات فراغت

(ب) افزایش در موجودی انبار

(ج) مالیات بر فروش

۲۹- فرض کنید می‌خواهیم یک معیار گسترده برای رفاه اقتصادی معرفی کنیم که هم NNP را در نظر بگیرد و هم مقدار فراغت مردم را. همچنین فرض کنیم از سال پایه تاکنون، NNP واقعی سرانه ۱۰۰ درصد افزایش یافته، در حالیکه مقدار سرانه فراغت ۵۰ درصد افزایش یافته است. در این صورت منطقاً می‌توان نتیجه گرفت که:

(الف) رفاه اقتصادی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته است

(ب) رفاه اقتصادی بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است

(ج) رفاه اقتصادی کم‌تر از ۵۰ درصد افزایش یافته است

(د) ممکن است حالت (الف) یا (ب) اتفاق افتاده باشد، اما هیچ پایه روشنی برای داوری وجود ندارد

(ه) ممکن است حالت (ب) یا (ج) اتفاق افتاده باشد اما هیچ پایه روشنی برای داوری وجود ندارد

۳۰- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

(الف) ساده‌ترین راه برای محاسبه GNP این است که مجموع فروش همه شرکت‌ها را محاسبه کنیم

(ب) هزینه‌های مصرفی شخصی، شامل هزینه‌های مصرف‌کنندگان برای کالاهای بادوام نیز می‌شود

(ج) سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی خصوصی شامل همه پولهایی است که در طول سال صرف خرید سهام بنگاههای داخلی می‌شود، اما پولهایی که به وسیله افراد کشور صرف خرید سهام بنگاههای خارجی می‌شود را در بر نمی‌گیرد

(د) سرمایه‌گذاری ناخالص می‌تواند در طول یک سال، منفی باشد

(ه) GNP را می‌توان با افزودن مالیات بر فروش به NNP، به دست آورد

## پاسخنامه

ب (۱)	الف (۲)	ه (۳)	ج (۴)	ه (۵)
ب (۶)	ه (۷)	د (۸)	د (۹)	ب (۱۰)
الف (۱۱)	ج (۱۲)	د (۱۳)	ه (۱۴)	ه (۱۵)
ج (۱۶)	ب (۱۷)	ب (۱۸)	ب (۱۹)	ب (۲۰)
د (۲۱)	ب (۲۲)	د (۲۳)	د (۲۴)	ج (۲۵)
ه (۲۶)	ب (۲۷)	ه (۲۸)	د (۲۹)	ب (۳۰)



## نوسان در فعالیت‌های اقتصادی

۱ - رکود بزرگ در فعالیت‌های اقتصادی این قرن، در چه دوره‌ای رخ داد؟

(الف) ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۴ (ج) ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۴

(ب) ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ (د) ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵

۲ - در یک دور تجاری، پس از مرحله شکوفایی<sup>۱</sup>، کدام یک از مراحل زیر رخ می‌دهد؟

(الف) رکود (ب) بحران (ج) اوج (د) حداکثر رکود

۳ - اقتصاددانان و روزنامه‌نگاران، اغلب یک تعریف ساده غیررسمی از کساد<sup>۲</sup> به کار می‌برند. بر اساس این تعریف، یک وضعیت کساد وقتی رخ می‌دهد که GNP واقعی تعدیل شده فصلی<sup>۳</sup>، حداقل،

(الف) یک ماه کاهش یابد (ج) سه ماه کاهش یابد

(ب) دو ماه کاهش یابد (د) دو دوره سه ماهه کاهش یابد

۴ - در سه‌شنبه سیاه (۲۹ اکتبر ۱۹۲۹) که بحران بزرگ آغاز شد، چه اتفاقی افتاد؟

(الف) تحریم تجاری ژاپن علیه آمریکا آغاز شد

(ب) اروپا وارد یک جنگ اقتصادی با آمریکا شد

(ج) همه کارگران عضو اتحادیه کارگری، دست از کار کشیدند

(د) بر اثر هجوم سپرده‌گذاران به بانک‌ها، سیستم بانکی آمریکا ورشکست شد

(ه) بورس اوراق بهادار آمریکا سقوط کرد

۵ - در سالهای آغازین دهه ۱۹۷۰، کشورهای صنعتی غربی در اوج شکوفایی قرار داشتند، اما این اقتصادها در سال ۱۹۷۳ یکباره وارد یک رکود اقتصادی شدند. علت این مسأله چه

1 - expansion

2 - recession

3 - seasonally - adjusted real GNP

بود؟

- الف) سقوط بورس اوراق بهادار نیویورک و آغاز بحران بزرگ اقتصادی  
 ب) شکست آمریکا در جنگ با ویتنام  
 ج) وقوع انقلاب اسلامی ایران و افزایش سریع قیمت‌های نفت (شوگ نفتی دوم)  
 د) تحریم نفتی اعراب و افزایش سریع قیمت‌های جهانی نفت (شوگ نفتی اول)

۶- در طول بحران بزرگ ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳، واردات بیش‌تر کشورها،

- الف) در مقایسه با کاهش GNP، بیش‌تر کاهش یافت  
 ب) به اندازه کاهش GNP، کاهش یافت  
 ج) در مقایسه با کاهش GNP، کم‌تر کاهش یافت  
 د) تقریباً ثابت ماند

۷- معمولاً در وضعیت‌های کساد، نسبت کاهش در سود بنگاهها،

- الف) به اندازه نسبت کاهش در محصول است  
 ب) بیش از نسبت کاهش در محصول است  
 ج) کم‌تر از نسبت کاهش در محصول است  
 د) صفر است، چرا که بنگاهها کاهش در محصول را با افزایش قیمت‌ها جبران می‌کنند

۸- معمولاً در دوره‌های کساد،

- الف) سودها، دستمزدها، و قیمت‌ها، همگی به سرعت سقوط می‌کنند  
 ب) سودها به سرعت سقوط می‌کنند، اما دستمزدها و قیمت‌ها به آهستگی کاهش می‌یابند  
 ج) دستمزدها به سرعت کاهش یافته، اما قیمت‌ها و سودها به آهستگی کاهش می‌یابند  
 د) قیمت‌ها به سرعت کاهش یافته، اما دستمزدها و سودها به آهستگی کاهش می‌یابند

۹- معمولاً در شرایط کساد،

- الف) مخارج دولت (G) بیش از مصرف (C')، کاهش می‌یابد  
 ب) مخارج دولت بیش از سرمایه‌گذاری (I) کاهش می‌یابد  
 ج) مصرف، بیش از سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد  
 د) سرمایه‌گذاری بیش از مصرف کاهش می‌یابد



۱۰ - اگر جمعیت جامعه‌ای ۲۰۰ میلیون نفر، تعداد شاغلین آن جامعه ۹۰ میلیون نفر، و بیکاران آن جامعه ۱۰ میلیون نفر باشد، نرخ بیکاری در این جامعه برابر است با:  
الف) ۵ درصد      ب) تقریباً ۱۱ درصد ج) ۴۵ درصد      د) ۱۰ درصد

۱۱ - کدام یک از گروه‌های زیر به عنوان بیکار شناخته نمی‌شوند؟

الف) افرادی که تحصیلاتشان تمام شده، و منتظر پیدا کردن نخستین شغل خود می‌باشند  
ب) افرادی که به قصد تغییر شغل، کار قبلی خود را رها کرده، و منتظر یافتن شغل جدید می‌باشند

ج) افرادی که موقتاً کارشان تعطیل شده، اما منتظر شغل جدید نیستند، زیرا انتظار دارند به زودی به کار قبلی فرا خوانده شوند

د) افرادی که به تازگی اخراج شده‌اند و منتظر یافتن شغل جدید هستند  
ه) افرادی که بیرون از جمعیت فعال قرار دارند، اما منتظر یافتن شغل هستند

۱۲ - برخی از اقتصاددانان معتقدند که در شرایط کسادگر چه آمارهای رسمی، نشان‌دهنده افزایش بیکاری است، با این حال، نرخ واقعی بیکاری، بیش از آن چیزی است که آمارها نشان می‌دهد، زیرا:

الف) کارگران با سابقه اما سالخورده بیش‌تر در معرض دادن مشاغل خود می‌باشند. از آن جا که تعداد افراد خانواده این گونه کارکنان بیش‌تر است، با اخراج آنها افراد بیش‌تری محروم می‌شوند

ب) افراد تازه استخدام شده بیش‌تر در معرض اخراج قرار دارند. چنین افرادی معمولاً دیرتر می‌توانند شغل جدیدی به دست آورند

ج) در شرایط کسادگر، برخی کارگران ناامید می‌شوند. آنها کار را رها کرده و از نیروی کار خارج می‌شوند و دیگر به عنوان بیکار به حساب نمی‌آیند

د) وقتی برخی از اعضای خانواده بیکار می‌شوند، دیگر اعضای خانواده وارد نیروی کار می‌گردند

۱۳ - بازدهی کار برابر است با:

الف) ستاده، تقسیم بر تعداد واحدهای نهاده کار

ب) مقدار محصول اضافی که کارگران ماهر در مقایسه با کارگران ساده تولید می‌کنند

ج) اضافه تولیدی است که هر کارگر نسبت به کارگر قبلی خود تولید می‌کند  
 د) همه موارد فوق

۱۴ - قانون اوکان<sup>۴</sup> به چه پدیده‌ای اشاره دارد؟

الف) در طول یک دور تجاری، درصد نوسانهای اشتغال بیش از درصد نوسانهای تولید است  
 ب) در طول یک دور تجاری، درصد نوسانهای تولید بیش از درصد نوسانهای اشتغال است  
 ج) در طول یک دور تجاری، درصد نوسانهای سرمایه‌گذاری بیش از نوسانهای مصرف است  
 د) در طول یک دور تجاری، درصد نوسانهای موجودی انبار بیش از نوسانهای سرمایه‌گذاری  
 ناخالص است

۱۵ - در دوران کساد، تعداد بیکاران بلندمدت (بیش از ۱۵ هفته)،

الف) در مقایسه با کل بیکاران، به نسبت بیش‌تری افزایش می‌یابد  
 ب) در مقایسه با کل بیکاران، به نسبت کم‌تری افزایش می‌یابد  
 ج) کاملاً ثابت می‌ماند  
 د) کاهش می‌یابد

۱۶ - بر اساس تعریف رسمی بیکاری، کدام یک از گروههای زیر دارای بالاترین نرخ بیکاری می‌باشند؟

الف) مردان  
 ب) زنان  
 ج) نوجوانان  
 د) دانشجویان ۲۰ ساله و بالاتر

۱۷ - یکی از اهداف اصلی سیاست‌گذاری اقتصاد کلان، کاهش،

الف) بیکاری ادواری است  
 ب) بیکاری اصطکاکی است  
 ج) تحرک نیروی کار است  
 د) ابداعات تولیدی است  
 ه) همه موارد بالا

۱۸ - بیکاری اصطکاکی اشاره دارد به:

الف) کسانی که به تازگی وارد نیروی کار می‌شوند و منتظر بازگشت به شغل اولیه خود هستند

- (ب) کارگرانی که مشاغل قبلی خود را رها کرده، و در انتظار شغل بهتری به سر می‌برند  
(ج) کارگرانی که مشاغل طاقت‌فرسا را رها کرده، و در انتظار شغل قابل‌تحمل‌تری به سر می‌برند  
(د) کارگرانی که موقتاً بیکار شده‌اند تا کارخانه‌هایشان بازسازی شود  
(ه) همه موارد بالا

۱۹ - نمودار GNP بالقوه، بیانگر مسیری است که اقتصاد،

- (الف) در طول دوران بهبود طی خواهد کرد  
(ب) وقتی ظرفیت تولید در حال افزایش است، طی خواهد کرد  
(ج) در صورتی که اشتغال کامل برقرار بماند، طی خواهد کرد  
(د) در صورتی که ظرفیت تولید با نرخ مورد نظر افزایش یابد، طی خواهد کرد

۲۰ - اگر در ماه جاری، نرخ بیکاری ۱۰ درصد باشد، می‌توان نتیجه گرفت که:

- (الف) اقتصاد هنوز به سوی یک کسادی پیش می‌رود  
(ب) اقتصاد در رکود شدید قرار دارد  
(ج) اقتصاد از رکود شدید عبور کرده و اکنون در مرحله بهبود است  
(د) GNP واقعی کم‌تر از GNP بالقوه است  
(ه) GNP بالقوه کم‌تر از GNP واقعی است

۲۱ - شکاف GNP برابر است با:

- (الف) GNP واقعی منهای GNP اسمی  
(ب) GNP اسمی منهای GNP واقعی  
(ج) GNP اسمی منهای GNP بالقوه  
(د) GNP بالقوه منهای GNP اسمی  
(ه) GNP بالقوه منهای GNP واقعی

۲۲ - کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- (الف) معمولاً در طول یک دور تجاری، سرمایه‌گذاری، از نظر درصدی، کم‌تر از مصرف، اما بیش از GNP کل نوسان می‌کند  
(ب) در شرایط کساد، نرخ بیکاری کارگران ساختمانی معمولاً بیش از نرخ کل بیکاری در نیروی کار است  
(ج) در ادوار تجاری، مخارج مصرف‌کنندگان بر روی کالاهای بادوام بیش از مخارج آنها بر روی کالاهای بی‌دوام، نوسان می‌کند

د) در شرایط کساد، نه تنها تعداد بیکاران افزایش می‌یابد، بلکه طول دوره بیکاری نیز بیش‌تر می‌شود

## پاسخنامه

د (۵)	ه (۴)	د (۳)	ج (۲)	ب (۱)
د (۱۰)	د (۹)	ب (۸)	ب (۷)	الف (۶)
الف (۱۵)	ب (۱۴)	الف (۱۳)	ج (۱۲)	ه (۱۱)
د (۲۰)	ج (۱۹)	ه (۱۸)	الف (۱۷)	ج (۱۶)
			الف (۲۲)	ه (۲۱)



## عرضه و تقاضای کل

### تعادل کلاسیک و کینز

۱ - منحنی‌ای که بیانگر مقدار کالاها و خدمات نهایی است که مردم در قیمت‌های فرضی گوناگون خریداری می‌کنند، به عنوان،

- (الف) منحنی عرضه کل شناخته می‌شود  
(ب) منحنی تولید کل شناخته می‌شود  
(ج) منحنی تقاضای کل شناخته می‌شود  
(د) منحنی درآمد کل شناخته می‌شود

۲ - منحنی عرضه کل بیانگر،

(الف) حداکثر کالاها و خدمات نهایی است که عرضه‌کنندگان در هر سطح قیمت فرضی، عرضه می‌کنند

(ب) حداقل کالاها است که عرضه‌کنندگان در هر قیمت عرضه می‌کنند

(ج) حداکثر کالاها و خدماتی است که افراد حاضرند از بازار خریداری کنند

(د) حداکثر کالاها و خدماتی است که اقتصاد می‌تواند تولید کند

۳ - هنگامی که می‌خواهیم یک منحنی تقاضای کل کلاسیکی را رسم کنیم، بر روی محور

عمودی چه شاخصی را نمایش می‌دهیم؟

(الف) کل مقدار تقاضای کالاها و خدمات

(ب) مقدار تقاضای خصوصی (غیردولتی) از کالاها و خدمات

(ج) سطح درآمد جامعه

(د) سطح متوسط قیمت‌ها

۴ - بر اساس دیدگاه کلاسیک، وقتی قیمت‌ها کاهش می‌یابد (با فرض ثبوت بقیه شرایط)،

مردم کالاها و خدمات بیش‌تری می‌خرند، زیرا:

(الف) آنها کالاها را جان‌شین یکدیگر می‌کنند

- (ب) قدرت خرید پول آنها افزایش یافته است  
 (ج) قدرت خرید پول آنها کاهش یافته است  
 (د) اقتصاد از شرایط کساد می‌شود

۵ - فرض کنیم سطح متوسط قیمت‌ها به نصف مقدار اولیه‌اش کاهش یابد. همچنین فرض می‌کنیم که مقدار اسمی پول ثابت باقی بماند. اکنون بر اساس دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک، مقدار کل تقاضای کالاها و خدمات،

- (الف) نیز به نصف سطح اولیه‌اش کاهش می‌یابد  
 (ب) کاهش می‌یابد اما نه به اندازه ۵۰ درصد  
 (ج) ثابت باقی می‌ماند، زیرا سطح متوسط قیمت‌ها اثر چندانی بر روی مقدار تقاضا ندارد  
 (د) نزدیک به ۵۰ درصد افزایش نمی‌یابد  
 (ه) نزدیک به ۱۰۰ درصد افزایش می‌یابد

۶ - در تحلیل تقاضای کل به وسیله اقتصاددانان کلاسیک، کدام یک از موضوعات زیر نقش مرکزی دارد؟

- (الف) پول  
 (ب) هزینه‌های دولتی  
 (ج) درآمدهای مالیاتی دولت  
 (د) سرمایه‌گذاری

۷ - از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک، مقدار کل تقاضای کالاها و خدمات اساساً بستگی دارد به مقدار اسمی پول و،

- (الف) تغییر در قیمت‌های نسبی  
 (ب) سطح متوسط قیمت‌ها  
 (ج) نرخهای مالیاتی  
 (د) حداکثرسازی مطلوبیت

۸ - ما نمی‌توانیم با توجه به این مسأله که منحنی عرضه یک محصول صعودی است، نتیجه بگیریم که منحنی عرضه کل نیز صعودی می‌باشد. دلیل اصلی این امر آن است که:

- (الف) محورها نشان‌دهنده قیمت‌های نسبی هستند، و نه قیمت‌های مطلق  
 (ب) محورها نشان‌دهنده قیمت‌های اسمی هستند، و نه قیمت‌های واقعی  
 (ج) محورها نشان‌دهنده قیمت‌های تورم‌زدایی شده هستند، و نه قیمت‌های نسبی  
 (د) برای تولیدکنندگان، "کالاهای دیگر" وجود ندارد تا هنگام کاهش سطح متوسط قیمت‌ها، به

تولید آنها روی آورند

ه) هیچ کدام از موارد فوق صحیح نیست

۹ - از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک، منحنی عرضه کل،

الف) صعودی است مثل منحنی عرضه گندم د) به شکل L می باشد

ب) نزولی است مثل منحنی عرضه گندم ه) به شکل L معکوس می باشد

ج) در سطح GNP بالقوه، عمودی است

۱۰ - فرض کنید سطح متوسط قیمت‌ها دو برابر شود. آنگاه بر اساس دیدگاه اقتصاددانان

کلاسیک، مقدار کل عرضه کالاها و خدمات،

الف) نزدیک به ۵۰ درصد کاهش می یابد

ب) کاهش می یابد، اما نه به اندازه ۵۰ درصد

ج) ثابت باقی می ماند

د) نزدیک به ۵۰ درصد افزایش می یابد

ه) نزدیک به ۱۰۰ درصد افزایش می یابد

۱۱ - تفاوت منحنی عرضه برای یک کالای منفرد، با منحنی عرضه کل، در این است که

منحنی عرضه یک کالا بر خلاف منحنی عرضه کل،

الف) بیانگر پاسخ‌های فروشندگان به تغییر در قیمت‌های نسبی است

ب) شکلی مایل دارد، زیرا تولیدکنندگان می توانند از تولید یک محصول به تولید محصولات

دیگری جابه‌جا شوند

ج) به احتمال زیاد، دارای شیب مثبت است

د) همه موارد بالا

۱۲ - از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک، رکود بزرگ ۱۹۲۹ بیانگر،

الف) عدم تعادلی است که علت آن، کاهش حجم پول بود

ب) عدم تعادلی است که علت آن، کاهش صادرات بود

ج) عدم تعادلی است که علت آن، کاهش هزینه‌های دولتی بود

د) همه موارد فوق

۱۳ - از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک، وقتی اقتصاد از یک بیکاری شدید رنج می‌برد، اشتغال کامل ممکن است به وسیله کدام یک از تغییرات زیر مجدداً برقرار شود؟

- (الف) افزایش ظرفیت تولیدی اقتصاد  
 (ب) افزایش سطح قیمت‌ها  
 (ج) کاهش سطح قیمت‌ها  
 (د) افزایش حجم پول  
 (ه) کاهش سطح قیمت‌ها یا افزایش حجم پول، و یا ترکیبی از آن دو

۱۴ - کلاسیک‌ها معتقد بودند که بهترین کاری که دولت می‌تواند برای پیش‌گیری از کساد و رکود شدید انجام دهد، این است که:

- (الف) هزینه‌های دولتی را متوقف کند  
 (ب) هزینه‌های دولتی را افزایش دهد  
 (ج) نرخ رشد حجم پول را ثابت نگه دارد  
 (د) سرمایه‌گذاری را تشویق کند  
 (ه) صادرات را تشویق کند

۱۵ - بر اساس دیدگاه کینز، علت اصلی بیکاری شدید،

- (الف) بالا بودن شدید قیمت‌هاست  
 (ب) پایین بودن قیمت‌هاست  
 (ج) صادرات بسیار زیاد است  
 (د) صادرات بسیار اندک است  
 (ه) ناکافی بودن تقاضای کل است

۱۶ - تابع ساده عرضه کل از نظر کینز به شکل یک L معکوس می‌باشد، دلیل اصلی وجود دامنه افقی برای این تابع عبارت است از:

- (الف) تورم  
 (ب) رکود  
 (ج) عدم انعطاف قیمت‌ها و دستمزدها به سوی پایین (چسبندگی قیمت‌ها)  
 (د) ناکافی بودن تقاضای کل  
 (ه) ناکافی بودن ظرفیت تولیدی اقتصاد

۱۷ - از نظر کینز، وقتی اقتصاد در تعادل است، GNP واقعی ممکن است،

- (الف) نزدیک به ۱۰ درصد بالاتر از سطح GNP در نزدیک‌ترین رکود باشد  
 (ب) بالاتر از GNP بالقوه باشد  
 (ج) برابر GNP بالقوه باشد  
 (د) کم‌تر از GNP بالقوه باشد

(ه) در وضعیت (ج) یا (د) باشد، اما بدون وجود اطلاعات در باره تقاضای کل، نمی‌توانیم دقیقاً



معین کنیم در کدام وضعیت است

۱۸ - در حالت کلی، دامنه میانی تابع عرضه کل کینزی،

الف) دارای شیب منفی است (د) عمودی است

ب) افقی است (ه) می تواند هر کدام از موارد فوق الذکر باشد

ج) دارای شیب مثبت است

۱۹ - تشابه تابع عرضه کل کلاسیکی و کینزی در این است که:

الف) هر دو دارای یک دامنه افقی هستند

ب) هر دو دارای یک دامنه میانی با شیب مثبت هستند

ج) هر دو مبتنی بر فرض انعطاف پذیری قیمت ها به سوی پایین هستند

د) هر دو بر فرض چسبندگی قیمت ها، استوار هستند

ه) در هر دو تابع اگر اقتصاد در اشتغال کامل باشد، افزایش در تقاضای کل به تورم می انجامد

۲۰ - کینز پیشنهاد کرد که تقاضای کل از طریق بررسی اجزاء آن، تحلیل شود. این اجزاء به

طور خاص عبارتند از:

الف) هزینه های مصرفی، تقاضای سرمایه گذاری، خریدهای دولتی و خالص واردات

ب) هزینه های مصرفی، تقاضای سرمایه گذاری، خریدهای دولتی، و خالص صادرات

ج) هزینه های مصرفی، تقاضای سرمایه گذاری، و صادرات

د) پس انداز و سرمایه گذاری

ه) پس انداز، سرمایه گذاری، و مالیات

۲۱ - کینز بر این باور بود که:

الف) کاهش تقاضا برای سرمایه گذاری، دلیل اصلی رکود شدید است، و افزایش تقاضای

سرمایه گذاری می تواند باعث بهبود شود

ب) کاهش هزینه های دولتی، علت اصلی رکود شدید است، و افزایش هزینه های دولتی می تواند

شرایط را برای بهبود آماده سازد

ج) کاهش تقاضا برای سرمایه گذاری، علت اصلی پیدایش رکود است، اما افزایش هزینه های

دولتی، بهترین وسیله برای ایجاد بهبود است

د) کاهش هزینه های دولتی، دلیل اصلی رکود شدید است، اما افزایش تقاضای سرمایه گذاری

می تواند شرایط را برای بهبود مهیا سازد

۲۲ - تغییر در سیاست پولی وقتی رخ می دهد که:

- (الف) قیمت ها در حال افزایش باشند
- (ب) قیمت ها در حال کاهش باشند
- (ج) نرخ رشد حجم پول تغییر کرده باشد
- (د) مردم پولهای خود را از بانک ها خارج کنند و به صورت نقدینه نگه دارند
- (ه) حجم پول در هر دوره، با نرخ رشد ثابتی افزایش یابد

۲۳ - تغییر در کدام یک از عوامل زیر، بیانگر تغییر در سیاست مالی است؟

- (الف) درآمدهای مالیاتی دولت
- (ب) نرخهای مالیات
- (ج) قیمت ها
- (د) نرخ بیکاری
- (ه) حجم پول

۲۴ - اگر منحنی تقاضای کل دارای شیب منفی و منحنی عرضه کل دارای شیب مثبت

(مانند دامنه میانی منحنی عرضه) باشد، آنگاه افزایش در عرضه کل، باعث،

- (الف) افزایش در سطح متوسط قیمت ها، و کاهش در ستاده می شود
- (ب) افزایش در سطح متوسط قیمت ها، و افزایش در ستاده می شود
- (ج) کاهش در سطح متوسط قیمت ها، و کاهش در ستاده می شود
- (د) کاهش در سطح متوسط قیمت ها، و افزایش در ستاده می شود

۲۵ - برای کاهش دامنه نوسان ادوار تجاری، بهترین کار این است که:

- (الف) حجم پول افزایش یابد
- (ب) هزینه های دولتی افزایش یابد
- (ج) هزینه های دولتی کاهش یابد
- (د) تقاضای کل تثبیت شود
- (ه) از سقوط قیمت ها در شرایط کساد، جلوگیری شود

۲۶ - نکته ای که هر دو دیدگاه کلاسیک و کینزی بر آن توافق دارند، این است که:

- (الف) علت اصلی بحران بزرگ ۱۹۲۹، کاهش تقاضای کل بود
- (ب) علت اصلی بحران بزرگ ۱۹۲۹، کاهش حجم پول بود
- (ج) علت اصلی بحران بزرگ ۱۹۲۹، کاهش تقاضای سرمایه گذاری بود

د) دولت مسؤولیت دارد تا به گونه‌ای فعال بر تقاضای کل نظارت نماید

۲۷ - برخی از اقتصاددانان پیشنهاد می‌کنند که سیاست‌گذاران به یک قاعده سیاست‌گذاری، پای‌بند باشند. عمومی‌ترین پیشنهاد این اقتصاددانان به عنوان یک قاعده این است که:

الف) حجم پول دارای رشدی ثابت و ملایم باشد

ب) GNP بالقوه، دارای رشدی ثابت و ملایم باشد

ج) سطح متوسط قیمت‌ها، به طور یکنواخت افزایش یابد

د) نرخهای مالیاتی، ثابت و ملایم باشد

ه) درآمدهای مالیاتی دولت دارای رشدی ثابت و ملایم باشد

۲۸ - برای تثبیت تقاضای کل و کاهش دامنه نوسان ادوار تجاری، اقتصاددانان پول‌گرا پیشنهاد می‌کنند که:

الف) مدیریت پولی کشور، به طور فعال وارد سیاست‌گذاری پولی شود

ب) دولت به گونه‌ای فعال از سیاست‌های پولی و مالی استفاده کند

ج) بر حسابهای مالی دولت به گونه‌ای جدی نظارت شود

د) سیاست‌گذاران بر اساس یک قاعده پولی، ملزم شوند که افزایش حجم پول، آهسته و یکنواخت باشد

ه) سیاست‌گذاران بر اساس یک قاعده پولی، ملزم شوند که سطح قیمت‌ها به طور آهسته و یکنواخت افزایش یابد

۲۹ - کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

الف) منحنی تقاضای کل دارای شکل نزولی است، زیرا وقتی قیمت متوسط کالاها کاهش

می‌یابد، مردم مصرف خدمات را رها کرده و به مصرف کالاها روی می‌آورند

ب) حتی اگر قیمت‌های نسبی ثابت بماند، با این وجود، منحنی تقاضای کل می‌تواند دارای شکل نزولی باشد

ج) وقتی سطح قیمت‌ها دو برابر می‌شود، قدرت خرید پول نیز دو برابر می‌گردد

د) منحنی عرضه کل دارای شکل صعودی است، زیرا ظرفیت اشتغال کامل اقتصاد، همراه با افزایش قیمت‌ها، افزایش می‌یابد

## پاسخنامه

ه (٥)	ب (٤)	د (٣)	الف (٢)	ج (١)
ج (١٠)	ج (٩)	د (٨)	ب (٧)	ع الف (٦)
ه (١٥)	ج (١٤)	ه (١٣)	الف (١٢)	د (١١)
ب (٢٠)	ه (١٩)	ج (١٨)	ه (١٧)	ج (١٦)
د (٢٥)	د (٢٤)	ب (٢٣)	ج (٢٢)	ج (٢١)
	ب (٢٩)	د (٢٨)	الف (٢٧)	الف (٢٦)



## تعادل همراه با بیکاری

### نگرش کینزی

۱ - از دیدگاه کینز، مصرف تا به امروز عموماً،

- الف) منطبق بر خط  $45^\circ$  است  
ب) دارای شیب بزرگ‌تر از یک است  
ج) دارای شیب برابر یک است  
د) دارای شیب کم‌تر از یک است  
ه) دارای شیبی کم‌تر از شیب تابع پس‌انداز است

۲ - پس‌انداز وقتی صفر است که:

- الف) مصرف (C) + سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده ( $I^*$ ) = تولید ملی  
ب)  $C + I^* =$  مخارج کل  
ج) درآمد شخصی = درآمد قابل تصرف  
د) مصرف = درآمد قابل تصرف  
ه)  $MPC = 1$

۳ -  $MPC$  برابر است با نسبت،

- الف) تغییرات مصرف به تغییرات درآمد قابل تصرف  
ب) تغییر مصرف به تغییر پس‌انداز  
ج) تغییر پس‌انداز به تغییر مصرف  
د) تغییر مصرف به تغییر درآمد کل

۴ -  $MPS$  بیانگر،

- الف) شیب تابع مصرف است  
ب) شیب تابع مخارج کل است  
ج) شیب تابع پس‌انداز است  
د) هیچ کدام از موارد بالا

۵ - اگر تابع مصرف به شکل یک خط راست باشد، آنگاه:

- الف) مصرف همواره نسبت ثابتی از درآمد است  
 ب) پس انداز همواره نسبت ثابتی از درآمد است  
 ج) MPC ثابت است  
 د) با کاهش درآمد، MPC نیز کاهش می‌یابد  
 ه) با کاهش درآمد، MPC افزایش می‌یابد

۶- اگر تابع مصرف به شکلی باشد که با افزایش درآمد، MPC افزایش یابد، می‌توان نتیجه گرفت که:

- الف) شیب تابع پس انداز کاهش می‌یابد (د) ضریب تکاثر، کوچک‌تر می‌شود  
 ب) شیب تابع پس انداز نیز افزایش می‌یابد (ه) تأثیری بر MPS ندارد  
 ج) میل نهایی به مصرف کاهش می‌یابد

۷- وقتی موجودی انبار ناخواسته افزایش می‌یابد، می‌توان نتیجه گرفت که:

- الف) نرخ بیکاری بالاست (د) تولید ملی در زیر سطح تعادلی‌اش قرار دارد  
 ب) نرخ بیکاری پایین است (ه) پس انداز منفی است  
 ج) تولید ملی بالاتر از سطح تعادلی‌اش قرار دارد

۸- سرمایه‌گذاری واقعی منهای تقاضا برای سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده) برابر است با:

- الف) یک (د) سرمایه‌گذاری ناخواسته در موجودی انبار  
 ب) صفر (ه) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده در  
 ج) سرمایه‌گذاری در موجودی انبار موجودی انبار

۹- فرض کنید در یک مدل ساده کینزی، تولید ملی از مقدار تعادلی‌اش فراتر رود. آنگاه:

- الف) مخارج کل از تولید ملی فراتر می‌رود  
 ب) تقاضای سرمایه‌گذاری بیش از پس انداز می‌باشد  
 ج) سرمایه‌گذاری واقعی بیش از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده (تقاضای سرمایه‌گذاری) می‌باشد  
 د) ضریب تکاثری برابر با ۱ است

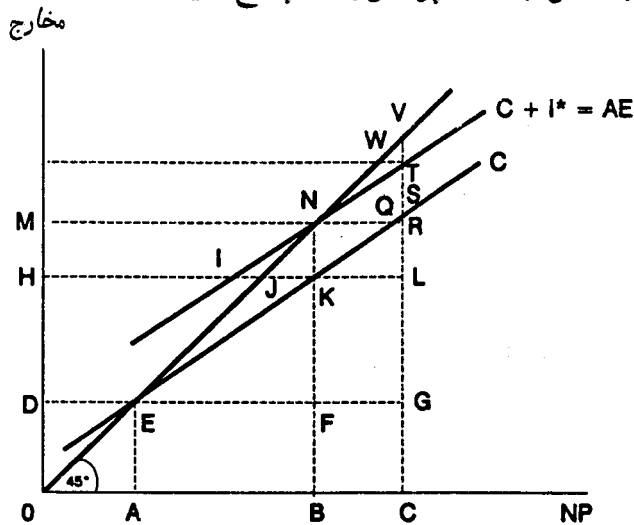
۱۰ - وقتی سرمایه‌گذاری ناخواسته در موجودی انبار صفر است،

- الف)  $S = 0$  هزینه‌های دولتی = درآمدهای مالیاتی  
 ب) سرمایه‌گذاری واقعی  $(I) =$  صفر تولید ملی در سطح تعادلی خودش می‌باشد  
 ج) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده  $(I^*) =$  صفر

۱۱ - در نظر بگیرید که در یک مدل ساده کینزی (بدون دولت و تجارت خارجی)، تولید ملی کم‌تر از سطح تعادلی‌اش باشد. آنگاه بر اساس نظریه پایه کینزی،

- الف) قیمت‌ها کاهش خواهد یافت  
 ب) قیمت‌ها افزایش خواهد یافت  
 ج) سرمایه‌گذاری واقعی کم‌تر از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده است  
 د) سرمایه‌گذاری واقعی بیش از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده است

● شکل زیر بیانگر یک اقتصاد ساده است که در آن دولت و بخش خارجی وجود ندارند. با توجه به شکل، به هفت پرسش بعدی پاسخ دهید:



۱۲ - در این اقتصاد، تعادل در کدام نقطه برقرار است؟

- الف) E      ب) J      ج) K      د) N      ه) V

۱۳ - در اقتصاد ساده بالا، پس انداز در چه نقطه‌ای صفر است؟

الف) E      ب) J      ج) K      د) Q      ه) S

۱۴ - در شکل بالا، MPC برابر است با FK ،

الف) منهای BF      د) تقسیم بر EF

ب) تقسیم بر BF      ه) ضربدر AB

ج) تقسیم بر BN

۱۵ - در اقتصاد یاد شده، ضریب افزایش (ضریب تکاثر) برابر است با:

الف) SV ضربدر EF      د) EF تقسیم بر FN

ب) FN ضربدر EF      ه) EF تقسیم بر KN

ج) EF تقسیم بر SV

۱۶ - با توجه به شکل بالا، اگر تولید ملی در نقطه C برقرار باشد، می‌توان نتیجه گرفت که:

الف) اقتصاد در اشتغال کامل است      د) محصول ملی در سطح تعادلی‌اش قرار دارد

ب) بیکاری شدید وجود دارد      ه) محصول ملی بیش از سطح تعادلی‌اش می‌باشد

ج) فشارهای تورمی شدیدی وجود دارد

۱۷ - با توجه به شکل بالا، اگر تولید ملی در سطح C برقرار باشد، آنگاه:

الف)  $I = I^*$       د)  $I = LV$  ، ولی  $I^* = LT$

ب)  $I = SV$  ، ولی  $I^* = ST$       ه)  $I = LV$  ، ولی  $I^* = LT$

ج)  $I = ST$  ، ولی  $I^* = SV$

۱۸ - با توجه به شکل، اگر تولید ملی در نقطه B برقرار باشد، آنگاه:

الف)  $I = I^*$       د)  $I = LV$  ، ولی  $I^* = LT$

ب)  $I = SV$  ، ولی  $I^* = ST$       ه)  $I = LV$  ، ولی  $I^* = LT$

ج)  $I = ST$  ، ولی  $I^* = SV$

۱۹ - کینز، در کتاب نظریه عمومی، بحث می‌کند که:

الف) یک اقتصاد بازار ممکن است به تعادل برسد، و در عین حال دارای بیکاری شدید باشد



- (ب) علت بیکاریهای شدید، ناکافی بودن تقاضای کل است  
 (ج) بهترین راه برای مبارزه با بیکاری شدید، افزایش هزینه‌های دولتی می‌باشد  
 (د) همه موارد بالا درست است  
 (ه) موارد (الف) و (ج) درست است

۲۰- در جریان گردش مخارج،

- (الف) سرمایه‌گذاری به عنوان تزریق، و پس‌انداز به عنوان نشت به حساب می‌آیند  
 (ب) پس‌انداز یک تزریق، و سرمایه‌گذاری یک نشت می‌باشد  
 (ج) پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، هر دو نشت می‌باشند، ولی مصرف یک تزریق است  
 (د) پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، هر دو تزریق می‌باشند، ولی مصرف یک نشت است

۲۱- کدام یک از گزینه‌های زیر بیانگر شرط تعادل در مدل کینز نیست؟

- (الف) مخارج کل = تولید ملی  
 (ب) سرمایه‌گذاری واقعی = سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده  
 (ج) پس‌انداز = سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده  
 (د) پس‌انداز = سرمایه‌گذاری واقعی

۲۲- در یک اقتصاد ساده بدون دولت و تجارت خارجی، وقتی  $MPC = 0/9$  باشد، ضریب افزایش برابر است با:

- (الف)  $0/9$  (ب) ۱ (ج) ۵ (د) ۱۰ (ه) ۱۰۰

۲۳- بر اساس نظریه کلاسیکی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری،

- (الف) افزون‌تر بودن پس‌انداز نسبت به سرمایه‌گذاری، موجب تورم می‌شود، ولی بیکاری را افزایش نمی‌دهد  
 (ب) افزون‌تر بودن پس‌انداز نسبت به سرمایه‌گذاری، موجب کاهش نرخ بهره می‌شود  
 (ج) افزون‌تر بودن پس‌انداز نسبت به سرمایه‌گذاری، موجب افزایش نرخ بهره می‌شود  
 (د) در تعادل، پس‌انداز برنامه‌ریزی شده همواره بزرگ‌تر از سرمایه‌گذاری است، بنابراین نظریه کینز نادرست است

۲۴- مسأله "تناقض خست" بیانگر این است که افزایش در تمایل برای پس‌انداز، می‌تواند

موجب،

- الف) افزایش در سرمایه‌گذاری واقعی شود (د) کاهش در پس‌انداز شود  
 ب) افزایش در تولید ملی شود (ه) کاهش در نرخ بهره شود  
 ج) افزایش در پس‌انداز شود

۲۵- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- الف) هر چه MPC بزرگ‌تر باشد، ضریب افزایش بزرگ‌تر خواهد بود  
 ب) اگر تولید ملی، بالاتر از سطح تعادلی‌اش باشد، سرمایه‌گذاری واقعی، بزرگ‌تر از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده است  
 ج) اگر موجودی ناخواسته انبار (برنامه‌ریزی نشده) مثبت باشد، محصول ملی واقعی، بیش از محصول ملی تعادلی خواهد بود  
 د) از نظر کینز، افزونی پس‌انداز نسبت به تقاضای سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده)، منجر به کاهش در نرخ بهره می‌شود، و این مسأله تضمین می‌کند که وقتی اقتصاد در تعادل است، اشتغال کامل برقرار باشد

## پاسخنامه

د (۱)	د (۲)	الف (۳)	ج (۴)	ج (۵)
الف (۶)	ج (۷)	د (۸)	ج (۹)	ه (۱۰)
ج (۱۱)	د (۱۲)	الف (۱۳)	د (۱۴)	ه (۱۵)
ه (۱۶)	ب (۱۷)	الف (۱۸)	د (۱۹)	الف (۲۰)
د (۲۱)	د (۲۲)	ب (۲۳)	د (۲۴)	د (۲۵)

بخش سوم



سیاست‌های مربوط به

تقاضای کل





## سیاست مالی

۱ - شکاف رکودی عبارت است از:

- الف) مقداری که GNP واقعی (محقق شده) پایین تر از GNP تعادلی قرار می‌گیرد
- ب) مقداری که GNP واقعی (محقق شده) پایین تر از GNP اشتغال کامل قرار می‌گیرد
- ج) فاصله عمودی بین خط مخارج کل و خط ۴۵ درجه، در سطح تولید ملی تعادلی
- د) فاصله عمودی بین خط مخارج کل و خط ۴۵ درجه، در سطح تولید ملی اشتغال کامل
- ه) فاصله عمودی بین تولید ملی تعادلی و تابع مخارج کل

۲ - شکاف تولیدی<sup>۱</sup> عبارت است از:

- الف) فاصله عمودی میان خط مخارج کل با خط ۴۵ درجه، در سطح تولید ملی تعادلی
- ب) فاصله عمودی میان خط مخارج کل با خط ۴۵ درجه، در سطح تولید ملی اشتغال کامل
- ج) فاصله عمودی میان تولید ملی تعادلی و تابع مخارج کل
- د) مقدار کسری GNP واقعی (محقق شده) نسبت به GNP تعادلی
- ه) مقدار کسری GNP واقعی (محقق شده) نسبت به GNP اشتغال کامل

۳ - اگر شکاف رکودی به اندازه ده میلیارد ریال باشد و فرض کنیم دخالتی انجام نشده و این شکاف در آینده نیز به همین مقدار باقی بماند، در این صورت سیاست مناسب برای حذف این شکاف ده میلیارد ریالی عبارت است از:

- الف) ده میلیارد ریال کاهش مالیاتها
- ب) ده میلیارد ریال کاهش هزینه‌های دولت
- ج) ده میلیارد ریال افزایش مالیاتها
- د) ده میلیارد ریال افزایش هزینه‌های دولت
- ه) افزایش هزینه‌های دولت به اندازه ده میلیارد ریال ضربدر ضریب افزایش

۴ - شکاف تولیدی برابر است با شکاف رکودی،

- (الف) ضربدر ضریب افزایش  
 (ب) تقسیم بر ضریب افزایش  
 (ج) ضربدر نرخ متوسط مالیات  
 (د) تقسیم بر نرخ متوسط مالیات  
 (ه) ضربدر معکوس ضریب افزایش

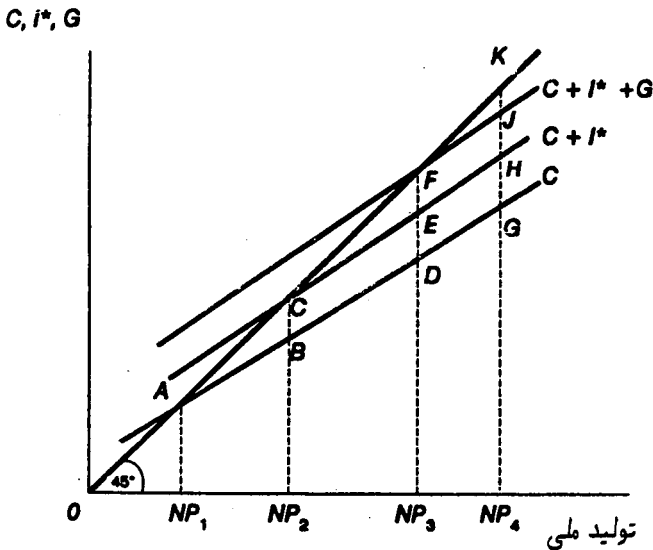
۵ - فرض کنید MPC برابر با  $0/75$  بوده و همه مالیاتها نیز مالیات ثابت (مالیات یکجا) باشند. اکنون اگر تولید ملی  $3000$  میلیارد ریال و تولید ملی اشتغال کامل  $3400$  میلیارد ریال باشد، آنگاه شکاف تولیدی برابر است با:

- (الف)  $100$  میلیارد ریال  
 (ب)  $400$  میلیارد ریال  
 (ج)  $600$  میلیارد ریال  
 (د)  $700$  میلیارد ریال

۶ - با توجه به پرسش شماره ۵، شکاف رکودی برابر است با:

- (الف)  $100$  میلیارد ریال  
 (ب)  $400$  میلیارد ریال  
 (ج)  $600$  میلیارد ریال  
 (د)  $700$  میلیارد ریال

● هفت پرسش بعدی، بر اساس نمودار زیر طراحی شده‌اند:



۷ - در شکل بالا، تولید ملی تعادلی برابر است با:

الف)  $NP_1$  (ب)  $NP_2$  (ج)  $NP_3$  (د)  $NP_4$   
 ه) اطلاعات کافی برای تعیین تولید ملی تعادلی وجود ندارد

۸ - با توجه به شکل بالا، تولید ملی اشتغال کامل در کدام نقطه برقرار می‌شود؟

الف)  $NP_1$  (ب)  $NP_2$  (ج)  $NP_3$  (د)  $NP_4$   
 ه) اطلاعات کافی برای تعیین تولید ملی اشتغال کامل وجود ندارد

۹ - در شکل فوق، تقاضای سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده)،

الف) با افزایش  $NP$  افزایش می‌یابد (د) همواره با پس‌انداز برابر است  
 ب) با افزایش  $NP$  ثابت می‌ماند (ه) در هیچ نقطه‌ای با پس‌انداز برابر نیست  
 ج) با افزایش  $NP$  کاهش می‌یابد

۱۰ - با توجه به شکل، خریدهای دولتی از کالاها و خدمات،

الف) با افزایش  $NP$  افزایش می‌یابد  
 ب) با افزایش درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد  
 ج) نمی‌تواند افزایش یابد، زیرا درآمدهای مالیاتی ثابت هستند  
 د) با افزایش  $NP$  ثابت باقی می‌ماند

۱۱ - فرض کنید در شکل بالا، اشتغال کامل در  $NP_4$  برقرار باشد. در این حالت شکاف رکودی برابر است با:

الف) GK (ب) HK (ج) JK (د) GH (ه) GJ

۱۲ - در نظر بگیرید تابع مخارج کل در شکل بالا ثابت است و تا وقتی سیاست مالی تغییر نکند، جابه‌جا نمی‌شود. همچنین فرض کنید تولید ملی اشتغال کامل در  $NP_4$  برقرار است. در این وضعیت سیاست مالی مناسب چیست؟

الف) عدم هر گونه مداخله دولتی، زیرا تابع مخارج ثابت است  
 ب) یک کاهش مالیات به اندازه JK  
 ج) یک افزایش مالیات به اندازه HK  
 د) افزایش هزینه‌های دولتی به اندازه JK  
 ه) افزایش هزینه‌های دولتی به اندازه GK

۱۳ - در شکل فوق، ضریب افزایش برابر است با فاصله میان  $NP_3$  و  $NP_4$  تقسیم بر فاصله،

الف) JK      ب) EF      ج) DE      د) CE

۱۴ - برای تحریک هزینه‌های کل در شرایط رکود شدید، سیاست مالی مناسب چیست؟

الف) افزایشی در مالیاتها و/یا افزایشی در هزینه‌های دولتی

ب) افزایشی در مالیاتها و/یا کاهشی در هزینه‌های دولتی

ج) کاهشی در مالیاتها و/یا افزایشی در هزینه‌های دولتی

د) کاهشی در مالیاتها و/یا کاهشی در هزینه‌های دولتی

۱۵ - در نموداری که روی محور عمودی آن مخارج کل، و روی محور افقی تولید ملی قرار دارد، ۱۰۰ میلیون ریال افزایش در مالیاتها، باعث می‌شود مخارج کل،

الف) به اندازه ۱۰۰ میلیون ریال به بالا انتقال یابد

ب) کم‌تر از ۱۰۰ میلیون ریال به بالا انتقال یابد

ج) به اندازه ۱۰۰ میلیون ریال به پایین انتقال یابد

د) کم‌تر از ۱۰۰ میلیون ریال به پایین انتقال یابد

ه) ثابت باقی بماند

۱۶ - اگر میل نهایی به مصرف،  $\frac{2}{3}$  بوده، و همه مالیاتها به صورت ثابت (یکجا) باشند،

افزایش مالیاتها به اندازه ۷۵ میلیارد ریال، نمودار مخارج کل را،

الف) به اندازه ۵۰ میلیارد ریال به پایین جابه‌جا می‌کند

ب) به اندازه ۷۵ میلیارد ریال به پایین جابه‌جا می‌کند

ج) به اندازه ۵۰ میلیارد ریال به بالا جابه‌جا می‌کند

د) به اندازه ۷۵ میلیارد ریال به بالا جابه‌جا می‌کند

ه) به اندازه ۱۵۰ میلیارد ریال به بالا جابه‌جا می‌کند

۱۷ - از سال ۱۹۶۰ به این سو، عملاً بخش عمده سیاست‌گذاری مالی معطوف به تغییر

نرخهای مالیاتی بوده است. دلیل آن این است که تغییر مالیاتها،

الف) نسبت به تغییر هزینه‌های دولتی پر قدرت‌تر عمل می‌کند



ب) نسبت به تغییر هزینه‌های دولتی ابزار ضعیف‌تری است، بنابراین نمی‌تواند بر مخارج کل تأثیر چندانی بگذارد

ج) نسبت به تغییر مخارج دولتی، کم‌تر بحث‌انگیز و مورد اختلاف است

د) نسبت به تغییر در هزینه‌های دولتی، بیش‌تر به سود فقر است

### ۱۸ - افزایش در نرخهای مالیات بر درآمد،

الف) تابع مخارج کل را پرشیب‌تر می‌کند، بنابراین ضریب افزایش، کاهش می‌یابد

ب) تابع مخارج کل را پرشیب‌تر می‌کند، بنابراین ضریب افزایش را بزرگ‌تر می‌سازد

ج) تابع مخارج کل را کم‌شیب‌تر می‌کند، بنابراین ضریب افزایش، کوچک‌تر می‌شود

د) تأثیری بر تابع مخارج کل و ضریب افزایش ندارد

### ۱۹ - وقتی تجارت خارجی را وارد مدل اقتصاد کلان می‌کنیم، ضریب افزایش،

الف) بزرگ‌تر می‌شود، زیرا صادرات به عنوان یک تزریق عمل می‌کند

ب) بزرگ‌تر می‌شود، زیرا واردات به عنوان یک تزریق عمل می‌کند

ج) بزرگ‌تر می‌شود، به دلیل واکنش میان مالیاتها و واردات

د) کوچک‌تر می‌شود، زیرا تابع مخارج کل شیب منفی پیدا می‌کند

ه) کوچک‌تر می‌شود، زیرا با افزایش تولید ملی، واردات به عنوان یک نشت، افزایش می‌یابد

### ۲۰ - وقتی دولت و تجارت خارجی وارد مدل اقتصاد کلان می‌شود، شرط تعادل چه

خواهد بود؟

$$S + G + M = I^* + T + X \quad \text{د)} \qquad S + T + M = I^* + G + X \quad \text{الف)}$$

$$S + G + X = I^* + T + M \quad \text{ه)} \qquad S + T + X = I^* + G + M \quad \text{ب)}$$

$$S + T + X + M = I^* + G \quad \text{ج)}$$

### ۲۱ - نمونه‌ای از یک تثبیت‌کننده خودکار، وقتی است که:

الف) با ورود اقتصاد به یک رکود، نسبت مالیاتهای جمع‌آوری شده، افزایش یابد

ب) با ورود اقتصاد به یک رکود، نسبت مالیاتهای جمع‌آوری شده، کاهش یابد

ج) با ورود اقتصاد به یک رکود، نرخهای مالیاتی افزایش یابد

د) با ورود اقتصاد به یک رکود، نرخهای مالیاتی کاهش یابد

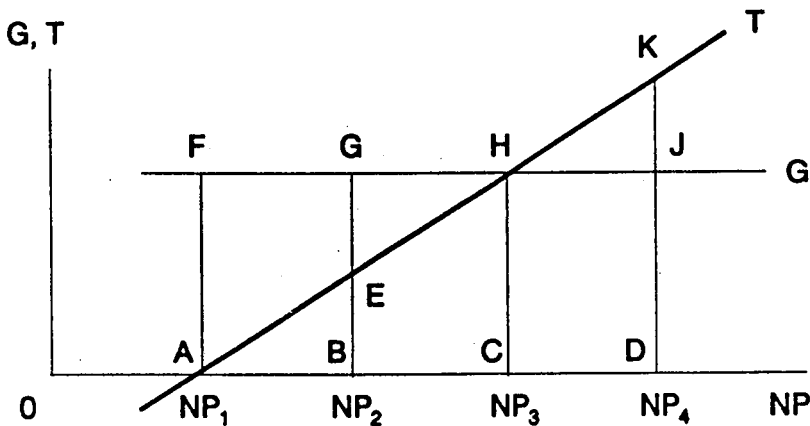
۲۲ - بهترین مثال برای یک تثبیت کننده خودکار چیست؟ یک مالیات بر درآمد وقتی که،

- (الف) نرخها تصاعدی و پایین باشند  
 (ب) نرخها تناسبی و پایین باشند  
 (ج) نرخها کاهنده و پایین باشند  
 (د) نرخها تناسبی و بالا باشند  
 (ه) نرخها کاهنده و متوسط باشند

۲۳ - در کدام یک از حالت‌های زیر، دولت به یک "دام سیاست‌گذاری" گرفتار شده، و اقتصاد را ناپایدارتر می‌سازد؟

- (الف) وقتی اقتصاد وارد یک رکود شده و دولت مالیاتهایش را کاهش می‌دهد، در نتیجه بدهی‌هایش افزایش می‌یابد  
 (ب) وقتی اقتصاد وارد یک رکود شده و دولت نرخهای مالیات را افزایش می‌دهد، در نتیجه مخارج کل تنزل می‌یابد  
 (ج) وقتی اقتصاد وارد یک رکود شده و دولت مخارجش را افزایش می‌دهد، در نتیجه بدهی‌هایش افزایش می‌یابد  
 (د) در همه موارد بالا ممکن است دولت وارد یک دام سیاست‌گذاری شود

● با توجه به نمودار زیر، به سه پرسش بعد پاسخ دهید:



۲۴ - با توجه به شکل، تولید ملی تعادلی برابر است با:

الف)  $NP_1$  (ب)  $NP_2$  (ج)  $NP_3$  (د)  $NP_4$

(ه) با اطلاعات موجود، نمی‌توان تولید ملی تعادلی را تعیین کرد

۲۵ - با توجه به شکل، فرض کنید که تولید ملی واقعی  $NP_2$ ، و تولید ملی اشتغال کامل  $NP_4$  باشد. در این صورت بودجه اشتغال کامل،

الف) متوازن است (د) به اندازه JK کسری دارد

ب) مازادی به اندازه JK دارد (ه) به اندازه  $EG + JK$  کسری دارد

ج) مازادی به اندازه  $EG + JK$  دارد

۲۶ - با توجه به شکل، فرض کنید که تولید ملی واقعی  $NP_2$ ، و تولید ملی اشتغال کامل  $NP_4$  باشد. در این حالت بودجه واقعی،

الف) متوازن است (د) به اندازه EG کسری دارد

ب) مازادی به اندازه EG دارد (ه) به اندازه  $EG + JK$  کسری دارد

ج) مازادی به اندازه  $EG + JK$  دارد

۲۷ - هدف اصلی بودجه اشتغال کامل این است که:

الف) تغییرات سیاست مالی را اندازه‌گیری کند

ب) اندازه شکاف رکودی را نشان دهد

ج) اندازه شکاف تولیدی را نشان دهد

د) همه موارد بالا درست است

۲۸ - اقتصاددانان برای اندازه‌گیری بودجه اشتغال کامل، می‌کوشند تا اثر کدام یک از تغییرات زیر را بر روی بودجه حذف کنند؟

الف) تغییر در سیاست‌های مالی (د) تغییر در پرداخت‌های انتقالی

ب) تغییر در نرخهای مالیات (ه) تحولات فعالیت‌های اقتصادی

ج) تغییر در هزینه‌های دولت

۲۹ - معمولاً دستورالعمل‌هایی پیشنهاد می‌شود تا دولت‌ها در سیاست‌گذاران به کار بندند. کدام یک از دستورالعمل‌های زیر بهترین فرصت را برای یک سیاست مالی فعال که هدفش کاهش دامنه نوسانات تجاری است، فراهم می‌آورد؟

- الف) متوازن کردن هر ساله بودجه واقعی  
 ب) متوازن کردن هر ساله بودجه اشتغال کامل  
 ج) کاهش نرخهای مالیات، هرگاه افزایش دریافتی‌های مالیاتی، موجب مازاد بودجه می‌شود  
 د) افزایش هزینه‌های دولتی، هرگاه افزایش دریافتی‌های مالیاتی موجب مازاد بودجه می‌شود  
 ه) هیچ کدام از موارد بالا امکان اجرای فعال سیاست مالی بر علیه دور تجاری را فراهم نمی‌آورند
- ۳۰- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟
- الف) اگر دولت بخواهد بودجه واقعی را هر ساله متوازن کند، به یک دام سیاست‌گذاری گرفتار می‌شود. زیرا وقتی رکود به وجود می‌آید، دولت برای متوازن نگاه داشتن بودجه‌اش، با افزایش نرخهای مالیاتی یا کاهش هزینه‌ها، موجب تشدید رکود می‌شود  
 ب) وقتی اقتصاد به سوی رکود حرکت می‌کند، بودجه واقعی به طور خودکار به سوی کسری می‌رود، اما بودجه اشتغال کامل چنین نمی‌شود  
 ج) اثر تورمی چاپ اسکناس برای پوشش کسری بودجه، بیش‌تر از اثر تورمی استقراض عمومی برای پوشش کسری بودجه است  
 د) مالیات بر درآمد، فقط اگر تصاعدی باشد، می‌تواند به عنوان یک تثبیت‌کننده خودکار عمل کند

## پاسخنامه

د (۱)	ه (۲)	د (۳)	الف (۴)	ب (۵)
الف (۶)	ج (۷)	ه (۸)	ب (۹)	د (۱۰)
ج (۱۱)	د (۱۲)	الف (۱۳)	ج (۱۴)	د (۱۵)
الف (۱۶)	ج (۱۷)	ج (۱۸)	ه (۱۹)	الف (۲۰)
ب (۲۱)	د (۲۲)	ب (۲۳)	ه (۲۴)	ب (۲۵)
د (۲۶)	الف (۲۷)	ه (۲۸)	ه (۲۹)	د (۳۰)



## پول و سیستم بانکی

۱ - بزرگ‌ترین بخش M1 چیست؟

- الف) مسکوکات
- ب) اسکناس
- ج) حسابهای سپرده جاری
- د) حسابهای جاری و پس‌انداز
- ه) اسناد خزانه‌داری

۲ - حتی اگر بیش‌تر مردم در خریدهایشان از کارتهای اعتباری استفاده کنند، این کارتها را نمی‌توان جزء M1 به حساب آورد. دلیل اصلی آن این است که:

- الف) کارتهای اعتباری راهی هستند برای استفاده از بدهی، در حالیکه اعضاء M1 بیانگر دارایی‌ها می‌باشند
- ب) وقتی پول تعریف می‌شد، هنوز کارتهای اعتباری ابداع نشده بود
- ج) برخی از کارتهای اعتباری به وسیله فروشگاهها منتشر می‌شوند، در حالیکه همه پولها را بانک‌ها منتشر می‌کنند
- د) نقدینگی کارتهای اعتباری بسیار کم‌تر از نقدینگی M1 است

۳ - کدام یک از موارد زیر در تعریف اصلی پول، M1، گنجانده می‌شوند؟

- الف) نقدینه در دست مردم
- ب) یک سپرده جاری که خزانه‌داری در یک بانک تجاری نگاه‌داری می‌کند
- ج) نقدینه نگاه‌داری شده در یک بانک تجاری
- د) یک سپرده که به وسیله یک بانک تجاری در بانک مرکزی نگاه‌داری می‌شود
- ه) همه موارد فوق

۴ - سپرده‌های جاری در حجم پول، M1، گنجانده می‌شوند، مشروط بر آن‌که:

- الف) صاحبان آنها فقط افراد باشند
- ب) صاحبان آنها افراد یا شرکت‌ها و موسسات غیربانکی باشند

ج) صاحبان آنها افراد، دیگر بانک‌ها، یا بانک مرکزی باشد  
د) همه موارد بالا

۵ - احتمال هجوم یکباره سپرده‌گذاران به بانک‌ها چه زمانی افزایش می‌یابد؟

- الف) وقتی مازاد بودجه دولت بسیار بالاست  
ب) وقتی نرخهای مالیات بسیار بالاست  
ج) وقتی بسیاری از فعالیتهای تجاری غیربانکی در حال ورشکستگی هستند  
د) وقتی سرمایه‌گذاری به وسیله مؤسسه‌های غیربانکی، بسیار بالاست  
ه) وقتی بانک‌ها ۱۰۰ درصد بدهی‌های سپرده‌ای را ذخیره می‌سازند

۶ - در ترازنامه پیش‌تر بانک‌های تجاری، بزرگ‌ترین بخش دارایی‌ها مربوط است به:

- الف) سپرده‌های ذخیره شده  
ب) وام‌ها  
ج) سپرده‌های جاری  
د) سپرده‌های مدت‌دار

۷ - قانون، بانک‌های تجاری را ملزم به نگهداری ذخیره می‌کند. در حال حاضر بانک‌ها می‌توانند این ذخیره‌ها را به چه شکلی نگهداری کنند؟

- الف) طلا یا نقدینه  
ب) اسناد خزانه‌داری یا نقدینه  
ج) اوراق قرضه دولتی یا نقدینه  
د) سپرده نزد بانک مرکزی، یا طلا  
ه) سپرده نزد بانک مرکزی، یا نقدینه

۸ - قانون، بانک‌های تجاری را ملزم به نگهداری ذخیره می‌کند. این ذخیره‌ها به عنوان درصدی از،

- الف) کل دارایی‌های بانک تعریف می‌شود  
ب) کل بدهی‌های بانک تعریف می‌شود  
ج) بدهی‌های سپرده‌ای بانک تعریف می‌شود  
د) ذخیره اوراق بهادار دولتی تعریف می‌شود

۹ - در نظر بگیرید که فردی ۱۰۰ ریال به صورت نقد در بانکی سپرده می‌گذارد. نسبت ذخایر قانونی این بانک ۲۰ درصد است. در نتیجه:

- الف) افزایش اولیه حجم پول ۱۰۰ ریال است، و حجم پول با پرداخت یک وام از سوی بانک، ۸۰ ریال دیگر نیز افزایش می‌یابد  
ب) افزایش اولیه حجم پول ۱۰۰ ریال است، و با پرداخت وام از سوی بانک می‌تواند تا ۵۰۰

ریال افزایش یابد

(ج) تغییر اولیه‌ای در حجم پول رخ نمی‌دهد، اما حجم پول می‌تواند با یک وام‌دهی از سوی بانک، ۸۰ ریال افزایش یابد

(د) تغییر اولیه‌ای در حجم پول رخ نمی‌دهد، اما بانک می‌تواند با یک وام‌دهی، حجم پول را تا ۲۰۰۰ ریال افزایش دهد

۱۰ - وقتی یک بانک تجاری وامی به یک داروخانه محلی می‌پردازد،

(الف) دارایی‌های بانک افزایش می‌یابد (د) مقدار سپرده‌های جاری افزایش می‌یابد

(ب) بدهی‌های بانک افزایش می‌یابد (ه) همه موارد فوق

(ج) حجم پول افزایش می‌یابد

۱۱ - ذخایر اضافی یک بانک تجاری برابر است با:

(الف) کل ذخایر، منهای بدهی‌های سپرده‌ای جاری

(ب) سپرده‌های ذخیره‌ای، منهای بدهی‌های سپرده‌ای جاری

(ج) کل ذخایر، منهای ذخایر قانونی

(د) ذخایر قانونی، منهای کل ذخایر

(ه) نقدینه نگه‌داری شده، منهای ذخایر قانونی

۱۲ - یک بانک تجاری می‌تواند بدون هیچ‌گونه خطری وام‌دهی‌اش را تا حد،

(الف) ذخایر اضافی‌اش بالا ببرد

(ب) کل ذخایرش بالا ببرد، اما نه بیش‌تر

(ج) کل ذخایرش تقسیم بر نسبت ذخیره قانونی، بالا ببرد

(د) ذخایر اضافی‌اش تقسیم بر نسبت ذخیره قانونی بالا ببرد

۱۳ - فرض کنید نسبت ذخیره قانونی بانک‌های تجاری،  $R$  باشد. اکنون در نظر بگیرید

۱۰۰ ریال به عنوان ذخیره وارد بانک‌های تجاری شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که

سیستم بانکی می‌تواند سپرده‌های دیداری را،

(الف) به اندازه  $\frac{100}{R}$  افزایش دهد (ج) به اندازه  $100 / (1 + R)$  افزایش دهد

(ب) به اندازه  $100 \times R$  افزایش دهد (د) به اندازه  $100 / (1 - R)$  افزایش دهد

۱۴ - اگر نسبت ذخیره قانونی ۰/۱۲۵ باشد، ضریب افزایش سپرده برابر است با:

الف) ۰/۱۲۵    ب) ۱/۲۵    ج) ۱۲/۵    د) ۰/۸    ه) ۸

۱۵ - اگر مردم تصمیم بگیرند که بخش بزرگ تری از پول را به جای سپرده‌گذاری، به صورت نقدینه نگاهدارند، آنگاه:

الف) حجم پول کاهش می‌یابد    د) سود بانکی افزایش می‌یابد  
 ب) نسبت ذخیره قانونی کاهش می‌یابد    ه) ذخایر اضافی بانک‌ها افزایش می‌یابد  
 ج) ضریب افزایش سپرده‌های دیداری افزایش می‌یابد

۱۶ - در چه شرایطی بانک‌ها آماده‌اند تا مقدار زیادی ذخیره اضافی نگهداری کنند؟

الف) وقتی سودهایشان بالاست  
 ب) وقتی اقتصاد در رونق است  
 ج) وقتی اقتصاد به صورت پایدار و آهسته در حال رشد است  
 د) وقتی اقتصاد در رکود قرار دارد

۱۷ - گاهی سیستم پولی را به یک هرم وارونه تشبیه می‌کنند. منظور از این تشبیه آن است که:

الف) مقدار بسیار زیادی پول به صورت سپرده دیداری (جاری)، می‌تواند بر پایه ذخایر اندکی به وجود آید  
 ب) مقدار بسیار زیادی ذخیره می‌تواند بر پایه مقدار اندکی سپرده دیداری ساخته شود  
 ج) مقدار بسیار بزرگی نقدینه می‌تواند بر پایه اندکی سپرده دیداری ساخته شود  
 د) سپرده‌های دیداری بزرگ‌ترین جزء M1 می‌باشند

۱۸ - کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

الف) وقتی سطح متوسط قیمت‌ها افزایش می‌یابد، بدین مفهوم است که قدرت خرید پول نیز افزایش یافته است  
 ب) سپرده‌های جاری متعلق به شرکت‌های تولیدی، جزء حجم پول (M1) به حساب می‌آید  
 ج) سپرده‌های بانکی متعلق به خزانه‌داری، جزء حجم پول به حساب می‌آید، مشروط بر آن که سپرده‌های دیداری (جاری) باشند



د) سپرده‌هایی که به وسیله یک بانک تجاری به عنوان ذخیره نگهداری می‌شود، جزء حجم پول (M1) به حساب می‌آید

۱۹- کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

الف) سیستم بانکداری که در آن بانک‌ها تنها بخشی از سپرده‌ها را به عنوان ذخیره نگهداری می‌کنند، نخستین بار به وسیله بانک مرکزی ابداع شد

ب) در سیستم بانکی جدید، بیش‌تر بانک‌های تجاری ذخایر خود را به صورت طلا نگهداری می‌کنند

ج) در سیستم بانکداری جدید، بانک‌های تجاری ملزم می‌باشند که همه ذخایرشان را به صورت سپرده نزد بانک مرکزی نگهداری کنند

د) وقتی بنگاهی ۱۰۰ هزار ریال سپرده به یک بانک تجاری می‌سپارد، همین مبلغ به عنوان یک دارایی در ترازنامه آن بنگاه و نیز همین مبلغ به عنوان یک بدهی در ترازنامه آن بانک تجاری ثبت می‌شود

۲۰- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

الف) اگر یک بانک تجاری نقدینه‌ای را به عنوان سپرده دریافت کند، آنگاه هم ذخایر واقعی آن بانک و هم ذخایر اضافی‌اش، افزایش می‌یابد

ب) اگر یک بانک تجاری نقدینه‌ای را به عنوان سپرده دریافت کند، آنگاه هر دوی ذخایر واقعی و ذخایر اضافی‌اش، به همان اندازه سپرده افزایش می‌یابد

ج) ذخایر اضافی برابر است با کل ذخایر منهای ذخایر قانونی

د) اگر یک بانک تجاری سپرده‌ای را به صورت چکی که بر عهده حسابی در یک بانک دیگر است، دریافت دارد، آنگاه هر دوی ذخایر واقعی و ذخایر اضافی‌اش، افزایش می‌یابد

۲۱- کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

الف) اگر یک بانک تجاری چکی دریافت کند که بر عهده حساب جاری یکی از مشتریانش می‌باشد، آنگاه ذخایر اضافی بانک کاهش می‌یابد، اما ذخایر واقعی‌اش بالا می‌رود

ب) یک بانک می‌تواند از روی احتیاط به اندازه ذخایر اضافی‌اش تقسیم بر نسبت ذخیره قانونی، وام دهد

ج) اگر نسبت ذخیره قانونی ۱۰ درصد باشد، سپردن ۱۰۰ ریال پول نقد به یک بانک تجاری،

می تواند منجر به افزایش تا ۱۰۰۰ ریال در سپرده های جاری کل سیستم بانکی شود  
 (د) سپرده های بانکی به طور عادی برابر است با ذخایر تقسیم بر نسبت ذخیره قانونی. اما در شرایط  
 رکود که پول بیش تری برای ایجاد بهبود لازم است، این سپرده ها می تواند بیش از آن مقدار  
 نیز باشد

## پاسخنامه

ج (۱)	الف (۲)	الف (۳)	ب (۴)	ج (۵)
ب (۶)	ه (۷)	ج (۸)	ج (۹)	ه (۱۰)
ج (۱۱)	الف (۱۲)	الف (۱۳)	ه (۱۴)	الف (۱۵)
د (۱۶)	الف (۱۷)	ب (۱۸)	د (۱۹)	ب (۲۰)
ج (۲۱)				



## بانک مرکزی و سیاست‌گذاری پولی

۱ - بانک مرکزی نمی‌تواند یکی از موارد زیر را انجام دهد. آن مورد کدام است؟

- الف) تغییر نرخ مالیات بر سود
- ب) تغییر نرخ تنزیل مجدد
- ج) تغییر نسبت ذخیره قانونی
- د) تغییر مشروط و حدود اعتبار
- ه) خرید اوراق بهادار در بازار باز

۲ - وقتی بانک مرکزی در بازار باز اقدام به خرید اوراق بهادار می‌کند، اوراقی که خریداری می‌نماید عبارتند از:

- الف) سهام عادی بنگاهها و شرکتهایی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده است
- ب) اوراق قرضه شرکتی
- ج) اوراق بهادار منتشر شده به وسیله دولت‌های محلی
- د) اوراق بهادار منتشر شده به وسیله دولت مرکزی
- ه) همه موارد بالا

۳ - در نتیجه عملیات بازار باز به وسیله بانک مرکزی، جریان ایجاد سپرده تشدید می‌شود. فرآیند ایجاد سپرده وقتی بیش‌تر خواهد بود که:

- الف) نسبت ذخیره قانونی بزرگ‌تر باشد
- ب) نرخ تنزیل مجدد بزرگ‌تر باشد
- ج) آن بخش از اوراقی که از بانک‌های تجاری خریداری می‌شود، بیش‌تر از اوراقی باشد که از دیگران خریداری می‌گردد
- د) آن بخش از اوراقی که از عموم فروشندگان خریداری می‌شود، بیش‌تر از اوراقی باشد که از بانک‌های تجاری خریداری می‌گردد
- ه) حجم اوراق بهادار خریداری شده به وسیله بانک مرکزی بیش‌تر باشد

۴ - اگر بانک مرکزی ۱۰۰ هزار ریال اوراق بهادار دولتی در بازار باز خریداری کند و نسبت

ذخیره قانونی ۲۰ درصد باشد، آنگاه حداکثر افزایش در ذخایر بانک‌های تجاری برابر خواهد بود با:

الف) ۲۰ هزار ریال (ب) ۱۰۰ هزار ریال (ج) ۲۰۰ هزار ریال (د) ۴۰۰ هزار ریال

۵- اگر بانک مرکزی ۱۰۰ هزار ریال اوراق بهادار دولتی در بازار باز خریداری کند و نسبت ذخیره قانونی ۱۰ درصد باشد، آنگاه حداکثر افزایش در حجم پول برابر خواهد بود با:

الف) ۱۰ هزار ریال  
 ب) ۱۰۰ هزار ریال  
 ج) ۴۰۰ هزار ریال  
 د) ۵۰۰ هزار ریال  
 ه) یک میلیون ریال

۶- کدام یک از گزینه‌های زیر بیانگر یک سیاست انبساطی به وسیله بانک مرکزی است؟ افزایش در،

الف) نرخ تنزیل مجدد  
 ب) خرید اوراق بهادار در بازار باز  
 ج) نسبت ذخیره قانونی  
 د) حد استقراض  
 ه) نرخهای بهره

۷- وقتی بانک مرکزی یک سند خزانه‌داری ۱۰۰ هزار ریالی از یک شرکت تجاری خریداری می‌کند، و آن شرکت مبلغ دریافتی را به حساب جاری‌اش در بانک A می‌سپارد،

الف) کل ذخایر بانکی A به اندازه ۱۰۰ هزار ریال افزایش می‌یابد  
 ب) ذخایر اضافی بانک A به اندازه ۱۰۰ هزار ریال افزایش می‌یابد  
 ج) بانک A می‌تواند با اطمینان، ۱۰۰ هزار ریال وام دهد  
 د) بدهی‌های بانک مرکزی به اندازه ۵۰۰ هزار ریال افزایش می‌یابد  
 ه) همه موارد فوق

۸- فرض کنید بانک مرکزی یک سند خزانه‌داری ۱۰۰ هزار ریالی از یک بنگاه غیربانکی خریداری می‌کند، و این بنگاه مبلغ دریافتی را به یک بانک تجاری می‌سپارد. اگر نسبت ذخیره قانونی ۲۰ درصد باشد، آنگاه حداکثر مقداری که این بانک تجاری می‌تواند وام دهد، برابر است با:

الف) ۲۰ هزار ریال (د) ۲۰۰ هزار ریال

ه) ۵۰۰ هزار ریال

ب) ۸۰ هزار ریال

ج) ۱۰۰ هزار ریال

۹- اگر بانک مرکزی یک سند خزانه‌داری به مبلغ ۱۰۰ هزار ریال از یک بانک تجاری خریداری کند، و اگر نسبت ذخیره قانونی ۲۰ درصد باشد، حداکثر مبلغی که این بانک می‌تواند با اطمینان وام دهد، برابر است با:

د) ۲۰۰ هزار ریال

الف) ۲۰ هزار ریال

ه) ۵۰۰ هزار ریال

ب) ۸۰ هزار ریال

ج) ۱۰۰ هزار ریال

● پنج سؤال بعد بر اساس ترازنامه زیر طراحی شده است. این ترازنامه ساده شده، ترازنامه مشترک سیستم بانک‌های تجاری است. در این سیستم، نسبت ذخیره قانونی ۲۰ درصد بوده و فرض بر این است که سپرده‌های جاری، تنها نوع سپرده در سیستم بانکی می‌باشد. با توجه به این اطلاعات، به پنج پرسش بعدی پاسخ دهید:

#### ترازنامه سیستم بانک‌های تجاری

دارایی‌ها	(میلیارد ریال)	بدهی‌ها و ارزش ویژه	(میلیارد ریال)
نقدینه	۱۷	سپرده‌های جاری	۱۵۰
سپرده‌های ذخیره‌ای نزد بانک مرکزی	۱۵	وام‌گیری از بانک مرکزی	۴
وامها	۹۵	دیگر بدهی‌ها	؟
اوراق بهادار دولتی	۵۵		
دیگر دارایی‌ها	۱۰	ارزش ویژه	۲۲

۱۰- با توجه به جدول، اگر نسبت ذخیره قانونی ۲۰ درصد باشد، ذخایر اضافی بانک‌های تجاری برابر است با:

الف) ۲ میلیارد ریال ب) ۲۵ میلیارد ریال ج) ۶۵ میلیارد ریال د) صفر

۱۱- با توجه به ترازنامه مشترک بانک‌ها و این که نسبت ذخیره قانونی ۲۰ درصد می‌باشد، اگر بانک مرکزی بخواهد ذخایر اضافی بانک‌های تجاری را حذف کند، می‌تواند،

- الف) ۲ میلیارد ریال اوراق بهادار در بازار باز بفروشد  
 ب) ۲ میلیارد ریال اوراق بهادار در بازار باز بخرد  
 ج) ۱۰ میلیارد ریال اوراق بهادار در بازار باز بفروشد  
 د) ۱۰ میلیارد ریال اوراق بهادار در بازار باز بخرد  
 ه) نرخ تنزیل مجدد را کاهش دهد

۱۲ - با توجه به ترازنامه و نسبت ذخیره قانونی ۲۰ درصد، سیستم بانک‌های تجاری می‌تواند چه مقدار سپرده جاری اضافی تولید کند؟

- الف) ۶۲۵ میلیارد ریال  
 ب) ۱۲۵ میلیارد ریال  
 ج) ۱۰۰ میلیارد ریال  
 د) ۱۰ میلیارد ریال  
 ه) صفر

۱۳ - اقتصاددانان گاهی مفهوم "خالص ذخایر وام‌گیری نشده"<sup>۱</sup> را به کار می‌برند. این گونه ذخایر عبارتند از کل ذخایر، منهای مقدار وام‌گیری از بانک مرکزی. اکنون با توجه به ترازنامه مشترک سیستم بانکی تجاری، خالص ذخایر وام‌گیری نشده برابر است با:

- الف) ۳۲ میلیارد ریال  
 ب) ۲۸ میلیارد ریال  
 ج) ۲۰ میلیارد ریال  
 د) ۱۳ میلیارد ریال

۱۴ - با توجه به ترازنامه یاد شده، مقدار "دیگر بدهی‌های" بانک‌های تجاری برابر است با:

- الف) ۲ میلیارد ریال  
 ب) ۴ میلیارد ریال  
 ج) ۸ میلیارد ریال  
 د) ۱۰ میلیارد ریال  
 ه) ۱۶ میلیارد ریال

۱۵ - اگر سپرده‌های دیداری ۱۰ میلیارد ریال، ذخایر بانکی ۲ میلیارد ریال، و ذخایر اضافی ۵۰۰ میلیون ریال باشد، نسبت ذخیره قانونی برابر است با:

- الف) ۵ درصد      ب) ۱۰ درصد      ج) ۱۵ درصد      د) ۲۰ درصد

۱۶ - در نظر بگیرید که نقدینه در دست مردم ۱۵ میلیارد ریال، ذخایر بانک‌های تجاری

۲۰ میلیارد ریال، و نسبت ذخیره قانونی برای سپرده‌های جاری ۱۰ درصد بوده، و سیستم بانکی نیز دارای ذخایر اضافی نباشد. (فرض کنید سپرده‌های دیداری، تنها نوع سپرده‌های بانک‌های تجاری باشد)، در این صورت حجم پول برابر است با:

الف) ۳۵ میلیارد ریال	د) ۲۱۵ میلیارد ریال
ب) ۱۳۵ میلیارد ریال	ه) ۳۵۰ میلیارد ریال
ج) ۲۰۰ میلیارد ریال	

۱۷ - نرخ تنزیل (مجدد) اشاره دارد به:

الف) جریمه‌های پرداختی به وسیله بانک‌ها به خاطر وام‌گیرهای پرخطر، که معمولاً بیش از نرخ بهره معمولی است

ب) نرخ‌های که بانک‌ها بر روی وام‌های پرخطر می‌بندند

ج) نرخ‌های که بیانگر درصد کاهش ارزش واقعی دارایی‌ها به خاطر تورم می‌باشد

د) نرخ کاهش ارزش واقعی پول، به دلیل تورم

ه) نرخ بهره‌ای که بانک مرکزی بر روی وام‌های پرداختی به بانک‌های تجاری، می‌بندد

۱۸ - اگر نسبت ذخیره قانونی ۲۰ درصد باشد، و اگر بانک‌های تجاری ۱۰۰ میلیون ریال از بانک مرکزی وام بگیرند، اثر اولیه این معامله بر روی حجم پول برابر است با:

الف) یک افزایش ۱۰۰ میلیون ریالی	د) یک کاهش ۵۰۰ میلیون ریالی
ب) یک افزایش ۵۰۰ میلیون ریالی	ه) صفر
ج) یک کاهش ۱۰۰ میلیون ریالی	

۱۹ - کدام یک از گزینه‌های زیر بیانگر یک سیاست انقباض پولی از سوی بانک مرکزی است؟

الف) خرید اوراق بهادار در بازار باز	د) افزایش نرخ تنزیل (مجدد)
ب) کاهش نسبت ذخیره قانونی	ه) افزایش قیمت اسناد خزانه‌داری
ج) کاهش نرخ تنزیل (مجدد)	

۲۰ - وقتی قیمت یک سند خزانه‌داری کاهش می‌یابد، آنگاه:

الف) مطمئناً همه نرخهای بهره کاهش می‌یابند

- ب) احتمالاً همه نرخهای بهره کاهش می‌یابند  
 ج) نرخ بهره مربوط به همین سند، مطمئناً کاهش می‌یابد  
 د) نرخ بهره مربوط به همین سند، احتمالاً کاهش می‌یابد  
 ه) نرخ بهره مربوط به همین سند، مطمئناً افزایش می‌یابد

۲۱- کدام یک از گزینه‌های زیر، نمونه‌ای است از پول بدون پشتوانه؟

الف) مسکوکات طلا

- ب) پول کاغذی که بر اساس طلاهای موجود در خزانه‌داری منتشر می‌شود  
 ج) پول کاغذی که دولت آن را بر اساس قانون، به عنوان پول به جریان می‌اندازد  
 د) پولهایی که بر اساس جواهرات و اشیاء قیمتی موجود در خزانه‌داری، منتشر می‌شود

۲۲- سیاست‌گذاران اقتصاد کلان با دو دام سیاست‌گذاری روبه‌رو هستند. تصمیمات آنها

مخصوصاً وقتی منجر به بی‌ثباتی تقاضای کل می‌شود که آنها می‌کوشند تا،

- الف) بودجه اشتغال کامل را هر ساله متوازن سازند، و نرخ بهره را تثبیت کنند  
 ب) بودجه واقعی را هر ساله متوازن سازند، و نرخ بهره را تثبیت کنند  
 ج) بودجه اشتغال کامل را هر ساله متوازن سازند، و حجم پول را تثبیت کنند  
 د) بودجه واقعی را هر ساله متوازن سازند، و حجم پول را تثبیت کنند  
 ه) رشد ذخایر و رشد حجم پول را تثبیت کنند

## پاسخنامه

الف (۱)	د (۲)	ه (۳)	ب (۴)	ه (۵)
ب (۶)	الف (۷)	ب (۸)	ج (۹)	الف (۱۰)
الف (۱۱)	د (۱۲)	ب (۱۳)	ه (۱۴)	ج (۱۵)
د (۱۶)	ه (۱۷)	ه (۱۸)	د (۱۹)	ه (۲۰)
ج (۲۱)	ب (۲۲)			



بخش چہارم

# مباحث اصلی اقتصاد کلان

عرضہ کل





## همزیستی تورم و بیکاری

۱ - در دامنه عمودی تابع عرضه کل کینزی، افزایش شدید تقاضای کل منجر به افزایش،

الف) قیمت‌ها می‌شود

د) نرخ طبیعی تورم می‌شود

ب) بیکاری می‌شود

ه) همه موارد بالا

ج) نرخ طبیعی بیکاری می‌شود

۲ - در دامنه افقی تابع عرضه کل کینزی، نرخ تورم،

الف) صفر است

د) برابر با نرخ طبیعی است

ب) افزایشده است

ه) کم‌تر از نرخ طبیعی است

ج) بالا، ولی ثابت است

۳ - منحنی فیلیپس اشاره دارد به این که:

الف) تورم و بیکاری یکدیگر را تقویت می‌کنند

ب) هدف اشتغال کامل با هدف تثبیت قیمت‌ها برخورد دارد

ج) مجموع نرخ تورم بعلاوه نرخ بیکاری، همواره مقداری ثابت است

د) تورم و بیکاری در کوتاه‌مدت رابطه‌ای ندارند

۴ - تورم ناشی از فشار هزینه با تورم ناشی از فشار تقاضا تفاوت دارد، زیرا:

الف) تورم ناشی از فشار تقاضا منجر به افزایش همه قیمت‌ها می‌شود، در حالیکه تورم ناشی از

فشار هزینه فقط منجر به افزایش قیمت‌ها در صنایعی می‌شود که دارای قدرت انحصاری هستند

ب) در تورم ناشی از فشار تقاضا، تولید نیز همراه با افزایش قیمت‌ها افزایش می‌یابد، در حالیکه

در تورم ناشی از فشار هزینه، افزایش قیمت‌ها همراه با رکود است

ج) وقتی تورم ناشی از فشار تقاضا رخ می‌دهد، اقتصاد بر روی یک منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت

حرکت می‌کند، اما وقتی تورم ناشی از فشار هزینه رخ می‌دهد، منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت به

بالا جابه‌جا می‌شود

(د) موارد (ب) و (ج) درست است

(ه) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

۵ - کدام یک از گزینه‌های زیر بیانگر حرکت اقتصاد بر روی یک منحنی عرضه کل است؟

(الف) تورم ناشی از فشار هزینه

(د) شوک عرضه‌ای

(ب) تورم ناشی از فشار تقاضا

(ه) همه موارد فوق‌الذکر

(ج) تورم رکودی

۶ - اقتصاددانان در کدام یک از موارد زیر، معمولاً نتیجه می‌گیرند که تورم ناشی از فشار

هزینه رخ داده است؟

(الف) افزایش نرخ تورم همراه با افزایش ستاده

(ب) افزایش نرخ تورم همراه با افزایش نرخ رشد ستاده

(ج) افزایش نرخ تورم همراه با افزایش نرخ بیکاری

(د) افزایش نرخ تورم همراه با افزایش بدهی‌های دولت

(ه) افزایش نرخ تورم همراه با افزایش در حجم پول

۷ - در مسأله تورم ناشی از فشار هزینه، فرض مهم این است که:

(الف) رقابت کامل وجود دارد

(ب) یک مشخصه مهم اقتصاد، وجود قدرت بازاری است

(ج) بیکاری پایین‌تر از نرخ طبیعی است

(د) افزایشی در حجم پول، مهم‌ترین عامل تورم است

(ه) کسری بودجه دولتی، مهم‌ترین عامل تورم است

۸ - نقطه‌ای که در سمت چپ منحنی بلندمدت فیلیپس قرار داشته باشد، ناپایدار است،

زیرا:

(الف) کارگران و دیگران، تورم را کم‌تر برآورد کرده‌اند و وقتی قراردادهای جدید نوشته

می‌شود، درخواست دستمزدها و قیمت‌های بالاتری می‌کنند

(ب) کارگران و دیگران، تورم را بیش‌تر تخمین زده‌اند و موقعی که قراردادهای جدید نوشته

می‌شود، دستمزدها و قیمت‌های کم‌تری درخواست خواهند کرد  
 (ج) سیاست پول انقباضی به طور پیوسته اجرا نمی‌شود  
 (د) سیاست مالی انقباضی به طور پیوسته اجرا نمی‌شود  
 (ه) نرخ بیکاری بالاتر از نرخ طبیعی‌اش می‌باشد

۹ - دو نقطه A و B را بر روی منحنی بلندمدت فیلیپس در نظر بگیرید. B در بالای A قرار دارد. در این صورت دستمزد واقعی در نقطه B ،

(الف) بالاتر از دستمزد واقعی در نقطه A می‌باشد  
 (ب) با دستمزد واقعی در نقطه A برابر است  
 (ج) کم‌تر از دستمزد واقعی در نقطه A می‌باشد  
 (د) با اطلاعات موجود، قابل مقایسه با دستمزد واقعی در نقطه A نیست

۱۰ - بر اساس نظریه شتاب‌گرا<sup>۱</sup> (یعنی دیدگاهی که فرضیه نرخ طبیعی بیکاری را مطرح می‌کند)، منحنی کوتاه‌مدت فیلیپس جابه‌جا می‌شود، هرگاه تغییری در،

(الف) نرخ طبیعی تورم، رخ دهد (د) مقدار عضویت نیروی کار در اتحادیه‌ها،  
 (ب) نرخ طبیعی شتاب تورم، رخ دهد رخ دهد  
 (ج) انتظارات تورمی، رخ دهد (ه) نرخ ابداعات بنگاهها، رخ دهد

۱۱ - بر اساس نظریه شتاب‌گرا، تعادل تنها وقتی می‌تواند برقرار شود که:

(الف) بیکاری در نرخ طبیعی‌اش باشد  
 (ب) نرخ تورم صفر باشد، زیرا هر نرخ غیر صفر تورم، سرانجام شتاب می‌گیرد  
 (ج) نرخ تورم انتظاری صفر باشد، زیرا تورم، موجب شتاب همه چیز می‌شود  
 (د) رشد حجم پول صفر باشد، زیرا تورم، موجب شتاب همه چیز می‌شود  
 (ه) همه شرایط بالا برقرار باشد

۱۲ - در محل برخورد یک منحنی کوتاه‌مدت فیلیپس با یک منحنی بلندمدت فیلیپس،

(الف) نرخ تورم صفر است (د) تورم در حال شتاب گرفتن است  
 (ب) نرخ بیکاری صفر است (ه) نرخ بیکاری در حال افزایش است

ج) تورم واقعی با تورم انتظاری یکسان است

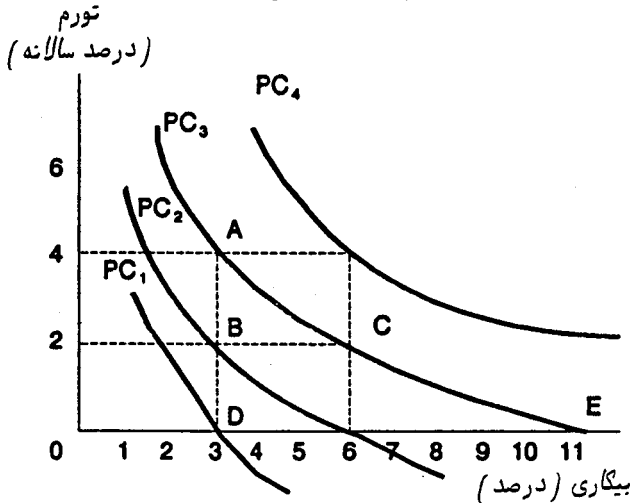
۱۳ - نرخ طبیعی بیکاری وقتی برقرار است که:

- الف) بیکاری نزدیک به صفر باشد  
 ب) بیکاری کم تر از ۴ درصد باشد  
 ج) انتظارات تورمی، تورم را دقیقاً درست پیش‌بینی کند  
 د) نرخ تورم در حال شتاب‌گیری باشد  
 ه) نرخ تورم به آهستگی در حال کاهش باشد

۱۴ - اگر سیاست‌گذار اقتصادی بکوشد بیکاری را در زیر نرخ طبیعی نگه‌دارد، نتیجه آن،

- الف) یک تورم یکنواخت، اما شدید خواهد بود  
 ب) یک تورم شتاب‌گیرنده خواهد بود  
 ج) یک تورم کاهش‌یابنده خواهد بود  
 د) افزایش در قدرت انحصاری خواهد بود  
 ه) افزایش در قدرت اتحادیه‌ها خواهد بود

● سه پرسش بعدی بر اساس شکل زیر طراحی شده است:



۱۵ - در شکل فوق، نرخ طبیعی بیکاری ۶ درصد است. کدام یک از نقاط زیر بیانگر تعادل

می‌باشند؟

- الف) A      ب) B      ج) C      د) D      ه) E

۱۶ - در شکل بالا، نرخ طبیعی بیکاری ۶ درصد است. در نظر بگیرید که اقتصاد در نقطه A بر روی منحنی فیلیپس  $PC_3$  قرار دارد. علت قرار داشتن اقتصاد در آن نقطه این است که هنگام بستن قراردادها، نرخ تورم انتظاری،

- (الف) صفر بوده است  
 (ب) ۲ درصد بوده است  
 (ج) ۳ درصد بوده است  
 (د) ۴ درصد بوده است  
 (ه) ۶ درصد بوده است

۱۷ - در شکل فوق، نرخ طبیعی بیکاری ۶ درصد می‌باشد. در سال گذشته اقتصاد در نقطه A بر روی منحنی کوتاه‌مدت فیلیپس  $PC_3$  قرار داشته است. اگر امسال با گفت‌وگوی مجدد، در قراردادها تجدید نظر شده باشد، کدام یک از منحنی‌های کوتاه‌مدت فیلیپس، با بیش‌ترین احتمال، می‌تواند بیانگر منحنی مربوط به امسال باشد؟

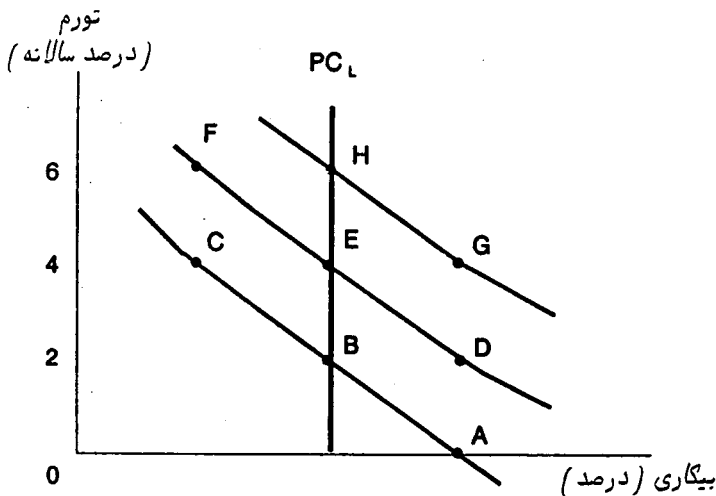
- (الف)  $PC_1$       (ب)  $PC_2$       (ج)  $PC_3$       (د)  $PC_4$   
 (ه) یکی از منحنی‌های  $PC_1$  یا  $PC_2$

۱۸ - بر اساس نظریه شتاب‌گرا (یعنی فرضیه نرخ طبیعی)، وقتی اقتصاد در تعادل است،  
 (الف) هم نرخ بیکاری و هم نرخ تورم در میزان طبیعی‌شان قرار دارند  
 (ب) نرخ بیکاری در میزان طبیعی‌اش خواهد بود، اما برای تورم طبیعی وجود ندارد، و نرخ تورم بستگی به نرخ افزایش در تقاضای کل دارد  
 (ج) نرخ تورم در حد طبیعی خواهد بود، اما نرخ طبیعی بیکاری وجود ندارد  
 (د) هر دو نرخ تورم و بیکاری، در زیر میزان طبیعی‌شان قرار دارند

۱۹ - بر اساس فرضیه نرخ طبیعی، بین هدف اشتغال بالا و هدف تثبیت قیمت‌ها، داد و ستدی وجود دارد که:

- (الف) تنها در کوتاه‌مدت برقرار است، و نه در بلندمدت  
 (ب) تنها در بلندمدت برقرار است، و نه در کوتاه‌مدت  
 (ج) هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت برقرار است  
 (د) فقط در نرخ طبیعی بیکاری برقرار است

● با توجه به شکل زیر، به سه پرسش بعدی پاسخ دهید:



۲۰- با توجه به شکل، کدام یک از نقاط در نرخ طبیعی بیکاری قرار دارند؟

- الف) A، B، C و D  
 ب) B، E، H و G  
 ج) C، E، G  
 د) C و F  
 ه) D و G

۲۱- با توجه به شکل، در کدام نقطه، دستمزد واقعی کم تر از مقدار تعادلی اش می باشد؟

- الف) A  
 ب) B  
 ج) C  
 د) D  
 ه) E

۲۲- با توجه به شکل، در کدام نقطه، نرخ تورم کم تر از نرخ انتظاری است که هنگام بستن

قراردادها پیش بینی می شده است؟

- الف) H  
 ب) B  
 ج) C  
 د) G  
 ه) E

۲۳- کدام یک از گزینه های زیر نادرست است؟

- الف) طرفداران نظریه شتاب گرا (فرضیه نرخ طبیعی) تأکید می کنند که تورم ناشی از فشار هزینه می تواند بخوبی بیانگر این نکته باشد که قدرت بازاری در اقتصاد، نقش مهمی ایفا می کند  
 ب) بر اساس استدلال مربوط به تورم ناشی از فشار هزینه، افزایشی در هزینه ها (مثل افزایش در قیمت نفت)، منجر به افزایش هم در قیمت ها و هم در نرخ بیکاری می شود، مشروط بر آن که



نرخ افزایش در تقاضای کل اسمی، ثابت باشد

ج) با توجه به تابع عرضه کل مربوط به نظریه ساده کینزی، بیکاری بسیار شدید یا تورم سریع

می تواند وجود داشته باشد، اما این دو همزمان با هم محقق نمی شوند

د) بر روی منحنی بلندمدت فیلیپس، نقاط بالاتر نشانگر نرخ تورم بیش تر می باشند

ه) نقاط بالاتر در روی منحنی بلندمدت فیلیپس، بیانگر نرخ بیکاری بیش تر می باشند

## پاسخنامه

الف (۱)	الف (۲)	ب (۳)	د (۴)	ب (۵)
ج (۶)	ب (۷)	الف (۸)	ب (۹)	ج (۱۰)
الف (۱۱)	ج (۱۲)	ج (۱۳)	ب (۱۴)	ج (۱۵)
ب (۱۶)	د (۱۷)	ب (۱۸)	الف (۱۹)	ب (۲۰)
ج (۲۱)	د (۲۲)	ه (۲۳)		

## چگونگی برخورد با تورم - بیکاری

۱ - کدام یک از موارد زیر می‌تواند به کاهش نرخ طبیعی بیکاری بینجامد؟

- الف) کاهشی در نسبت نوجوانان موجود در نیروی کار
- ب) تأکید بیش‌تر بر سیاست مالی، و تأکید کم‌تر بر سیاست پولی
- ج) افزایش مزایای مربوط به بیمه‌های بیکاری
- د) افزایش حداقل دستمزد
- ه) همه موارد بالا

۲ - منتقدین به برقراری حداقل دستمزد، بر این باورند که این کار، نرخ طبیعی بیکاری را

افزایش می‌دهد. چراکه:

- الف) باعث رکود می‌شود
- ب) باعث تورم می‌شود
- ج) قیمت کارگران غیرماهر را در خارج از بازار تعیین نموده و موجب بیکار شدن این گونه کارگران می‌شود
- د) اقتصاد را ناپایدارتر می‌سازد و بنابراین بیکاری را دامن می‌زند
- ه) همه موارد بالا

۳ - اگر دولت به یک سیاست درآمدی متوسل شود، می‌توان نتیجه گرفت که هدف اصلی دولت،

- الف) کاهش هزینه‌های دولتی به عنوان بخشی از تولید ملی است
- ب) کاهش حجم کسری دولتی است
- ج) افزایش سطح سود در درآمد ملی است
- د) افزایش سهم دستمزدها در درآمد ملی است
- ه) کاهش نرخ افزایش قیمت‌ها و دستمزدهای اسمی است

۴ - فرض کنید بازدهی نیروی کار در هر سال به طور متوسط ۲ درصد افزایش یافته، و قیمت‌ها ثابت باشند. همچنین فرض کنید دستمزدهای اسمی سالیانه به طور متوسط، ۲ درصد افزایش یابند. در این صورت سهم نیروی کار از تولید ملی، الف) افزایش می‌یابد، چرا که دستمزدهای واقعی در حال افزایش است ب) افزایش می‌یابد، اما فقط در صورتی که جمعیت ثابت باقی بماند ج) ثابت می‌ماند، چرا که دستمزدهای واقعی ثابت مانده‌اند د) ثابت می‌ماند، چرا که دستمزدهای واقعی و تولید ملی واقعی سرانه با نرخ یکسانی افزایش می‌یابند

ه) کاهش می‌یابد، چرا که با افزایش جمعیت، تولید ملی میان افراد بیش‌تری تقسیم می‌شود

۵ - یکی از مشکلات مربوط به سیاستی که هدفش تثبیت قیمت‌ها و دستمزدهاست، این است که باعث می‌شود مدیران فعالیت‌های تجاری، الف) قیمت‌ها را پیش از تثبیت یکباره افزایش دهند ب) دستمزدها را پیش از شکل‌گیری اتحادیه کارگری، کاهش دهند ج) با مجالس قانون‌گذاری وارد گفت‌وگو شوند تا تثبیت به دلخواه آنان انجام گیرد د) همه موارد بالا

۶ - اتخاذ کدام یک از سیاست‌های زیر، زمینه را برای ایجاد بازارهای سیاه فراهم می‌کند؟ الف) یک سیاست درآمدی مبتنی بر مالیات ج) تثبیت قیمت‌ها همراه با سیاست انقباض پولی ب) تضمین دستمزدهای واقعی د) تثبیت قیمت‌ها همراه با سیاست انبساط پولی

۷ - سیاست کنترل قیمت‌ها گاهی موجب کمبود می‌شود. این کمبود در بیش‌تر موارد در بازارهای،

الف) کالاهای لوکس رخ می‌دهد، چرا که کنترل‌ها بیش‌تر بر قیمت این گونه کالاها اعمال می‌شود ب) کالاهای ضروری رخ می‌دهد، چرا که قیمت این گونه کالاها بیش‌تر مستعد کنترل شدید است ج) کالاهای لوکس رخ می‌دهد، چرا که تولیدکنندگان درمی‌یابند که کالاهای آنها از نظر اجتماعی اهمیت زیادی ندارد و آنها تولید خود را متوقف می‌کنند د) خدمات رخ می‌دهد، چرا که قیمت‌های خدمات را ساده‌تر از کالاها می‌توان کنترل کرد

## ۸ - استدلال اصلی برای مسأله کنترل قیمت‌ها این است که:

- (الف) این تنها راه متوقف کردن تورم است  
 (ب) این تنها راه حفاظت از سود تولیدکنندگان است، وقتی که اتحادیه‌های کارگری مدام برای دستمزدهای بالاتر چانه می‌زنند  
 (ج) این سیاست باعث حفظ توزیع نسبتاً برابر در آمد در جامعه می‌شود  
 (د) کمک می‌کند تا منحنی بلندمدت فلیپس را به چپ انتقال دهیم  
 (ه) اگر برای محدود کردن تورم تنها به سیاست محدود کردن تقاضای کل متوسل شویم، باعث تحمیل هزینه‌های زیادی از نظر بیکاری، بر اقتصاد می‌شود

## ۹ - برخی از سیاست‌های دولتی، از این نظر که موجب اخلاص در مبارزه علیه تورم می‌شود، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. مثلاً دولت موجب تشدید تورم می‌شود، وقتی که:

- (الف) حجم پول را محدود می‌کند  
 (ب) نسبت ذخیره قانونی را افزایش می‌دهد  
 (ج) واردات را محدود می‌سازد  
 (د) هزینه‌های دولتی را کاهش می‌دهد

## ۱۰ - شاخص‌بندی دستمزدها (یعنی پیش‌بینی افزایش دستمزدهای اسمی متناسب با افزایش قیمت‌ها، هنگام انعقاد قراردادهای کار)، باعث کاهش،

- (الف) تغییرات تورم می‌شود  
 (ب) واکنش تورم به تغییر در تقاضای کل می‌شود  
 (ج) عدم اطمینان در باره نرخهای دستمزد اسمی می‌شود  
 (د) عدم اطمینان در باره نرخهای دستمزد واقعی می‌شود  
 (ه) موارد (ج) و (د) درست است

## ۱۱ - یک استدلال در حمایت از شاخص‌بندی دستمزدها این است که:

- (الف) تولیدکنندگان خارجی کالاهای وارداتی، نتوانند قیمت‌های بالاتری بر واردات تحمیل کنند  
 (ب) معمولاً باعث ایجاد نرخ تورم پایدارتر و قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود  
 (ج) نرخ بیکاری را در زیر نرخ طبیعی نگه می‌دارد  
 (د) نرخ تورم را در زیر نرخ طبیعی نگه می‌دارد  
 (ه) کاهش تورم را به صورت سریع‌تر و با دشواریهای کم‌تر، امکان‌پذیر می‌سازد

۱۲ - قوی ترین استدلال بر علیه شاخص بندی دستمزدها این است که:

- الف) باعث می شود نرخ دستمزد واقعی بی ثبات تر شود
- ب) باعث می شود نرخ تورم بی ثبات تر و دارای تغییرات مداوم شود
- ج) وضع ثروتمندان را بهتر و فقرا را بدتر می کند
- د) هزینه های یک سیاست ضد تورمی را به شکل بیکاری، افزایش می دهد

۱۳ - طرفداران ایده مشارکت در سود<sup>۱</sup> (یعنی واگذاری پادشاهی به کارگران، هنگامی که

سودها بالا و یا در حال افزایش است)، در حمایت از این نظریه، استدلال می کنند که:

- الف) درآمدهای واقعی کارگران را انعطاف پذیرتر می کند، و بنابراین نرخ بیکاری مربوط به شرایط رکود را کاهش می دهد
- ب) درآمدهای واقعی کارگران را انعطاف پذیرتر می کند، و بنابراین نرخ متوسط بیکاری را در بلند مدت کاهش می دهد
- ج) برای نیروی کار انگیزه بیش تری برای کاراتر عمل کردن به وجود می آورد، و بنابراین نرخ تورم را در دوره های رونق و رفاه، کاهش می دهد
- د) انگیزه ها را برای عملکرد کاراتر افزایش داده، و بنابراین نرخ متوسط تورم را در بلندمدت کاهش می دهد
- ه) همه موارد بالا

۱۴ - انتظارات تورمی وقتی تطبیقی<sup>۲</sup> هستند که:

- الف) بستگی به سرعتی داشته باشند که بانک مرکزی نسبت به تغییرات نرخ تورم واکنش نشان می دهد
- ب) بستگی به سرعتی داشته باشند که مجلس قانون گذاری، نرخهای مالیاتی را در پاسخ به تغییرات نرخ تورم، تغییر می دهد
- ج) بستگی به نرخ تورمی داشته باشد که در عمل مشاهده شده است
- د) از نظر آماری، ناتور<sup>۳</sup> باشند
- ه) صحیح باشند

1 - profit sharing

2 - Adaptive

3 - unbiased

۱۵ - اگر مردم پیشاپیش، آثار تورمی یا ضدتورمی تغییر در سیاست‌های مربوط به تقاضای کل را پیش‌بینی کنند و به حساب آورند (به جای آن که به طور ساده به تورم گذشته واکنش نشان دهند)، محتمل‌ترین نتیجه این خواهد بود که:

- الف) نرخ تورم ناپایدارتر شود
- ب) وقتی سیاست‌های انبساطی دنبال می‌شود، تورم شتاب بیش‌تری بگیرد
- ج) وقتی سیاست‌های انقباضی دنبال می‌شود، تورم با شتاب بیش‌تری کاهش یابد
- د) همه موارد بالا
- ه) هیچ کدام از موارد بالا، زیرا پیش‌بینی نتایج سیاست‌ها باعث تغییر نرخ طبیعی بیکاری می‌شود و نه نرخ تورم

۱۶ - اگر واکنش مردم آن‌گونه باشد که در سؤال ۱۵ بیان شد، احتمال زیادی وجود دارد که:

- الف) سیاست انقباضی موجب شتاب بیش‌تر تورم شود
- ب) سیاست انبساطی موجب کاهش سریع‌تر تورم شود
- ج) منحنی بلندمدت فیلیپس ناپایدارتر شود
- د) منحنی کوتاه‌مدت فیلیپس ناپایدارتر شود
- ه) همه موارد بالا

۱۷ - انتظارات تورمی وقتی عقلایی<sup>۴</sup> هستند که مردم مرتکب خطا شوند، اما،

- الف) این خطا تنها در باره نرخ تورم باشد، نه در باره نرخ بیکاری
- ب) این خطا تنها در باره نرخ واقعی بیکاری باشد، نه در باره نرخ تورم
- ج) خطاهای آنها تصادفی باشد
- د) انتظارات آنها از نظر آماری ناتور باشد
- ه) موارد (ج) و (د) درست است

۱۸ - بر اساس نظریه انتظارات عقلایی،

- الف) مردم پی‌درپی مرتکب خطاهای یکسان نمی‌شوند
- ب) مردم ممکن است خطا کنند، اما خطاهای آنها تصادفی است

- (ج) یک سیاست مربوط به تقاضای کل که هدفش نگهداری نرخ بیکاری در زیر نرخ طبیعی است، به سرعت منجر به انفجار قیمت‌ها می‌شود
- (د) یک سیاست مربوط به تقاضای کل که هدفش توقف تورم است، نمی‌تواند بدون ایجاد یک دوره طولانی بیکاری شدید، به نتیجه برسد
- (ه) همه موارد بالا

۱۹ - بر اساس نظریه انتظارات عقلایی، اگر مردم پیش‌بینی کنند و دریابند که یک سیاست گسترش تقاضای کل در حال اجراست، این سیاست،

- (الف) شدیداً بر GNP واقعی اثر می‌گذارد، زیرا بنگاههای تجاری زمان کافی برای اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری جدید دارند
- (ب) بر قیمت‌ها اثر می‌گذارد، اما تأثیری بر GNP واقعی ندارد
- (ج) بر GNP واقعی اثر می‌گذارد، اما بر قیمت‌ها تأثیری ندارد
- (د) بر هر دوی قیمت‌ها و GNP واقعی اثر می‌گذارد
- (ه) نه بر قیمت‌ها و نه بر GNP واقعی اثر نمی‌گذارد

۲۰ - از دیدگاه برخی نظریه پردازان انتظارات عقلایی، بانک مرکزی می‌تواند با حيله‌گری موقتاً بیکاری را به سطحی کم‌تر از نرخ طبیعی برساند، اما نباید چنین کند. دلیل اصلی این است که یک سیاست مبتنی بر حيله‌گری،

- (الف) غیراخلاقی است
- (ب) عدم اطمینان در باره سیاست‌های آینده را افزایش می‌دهد، و بنابراین نوسانات بیکاری را در آینده زیادتر می‌کند
- (ج) عدم اطمینان در باره سیاست‌های آینده را کاهش می‌دهد، و بنابراین نوسانات آینده بیکاری را افزایش می‌دهد

- (د) باعث می‌شود که منحنی بلندمدت فیلپس شدیداً به راست جابه‌جا شود
- (ه) باعث می‌شود که منحنی بلندمدت فیلپس شدیداً به چپ منتقل شود

۲۱ - بر اساس دیدگاه انتظارات عقلایی، بهترین سیاست در باره تقاضای کل، سیاستی است که در نتیجه آن،

- (الف) هیچ تغییری در تقاضای کل اسمی به وجود نیاید

- (ب) تغییر اسمی در تقاضای کل، آهسته و یکنواخت باشد  
 (ج) یک حرکت دوره‌ای ملایم در تقاضای کل به وجود آید، که در دوره‌های شکوفایی، برای تأمین مالی تولید اضافی، این افزایش سرعت گیرد  
 (د) یک افزایش ملایم و یکنواخت در تقاضای کل واقعی به وجود آید

۲۲- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- (الف) فرض کنید دستمزدهای اسمی در طول زمان ثابت بمانند. اکنون اگر بازدهی افزایش یابد، این امکان وجود دارد که قیمت‌ها یک روند مداوم کاهنده پیدا کنند  
 (ب) دستمزدهای اسمی می‌توانند دائماً افزایش یابند، حتی وقتی که قیمت‌ها ثابتند، به شرطی که بازدهی افزایش یابد  
 (ج) شاخص‌بندی دستمزدها، عدم اطمینان را در باره نرخهای دستمزد واقعی کاهش می‌دهد، اما عدم اطمینان در باره نرخهای دستمزد اسمی را بیش تر می‌کند  
 (د) گر چه شاخص‌بندی دستمزدها به هنگام انعقاد قراردادها، برخی افراد را از تورم محافظت می‌کند، اما این کار باعث تغییر مداوم و پی‌درپی تورم می‌شود  
 (ه) انتظارات تورمی وقتی تطبیقی است که صحیح باشد، و وقتی عقلایی است که تصادفی باشد

## پاسخنامه

(۱) الف	(۲) ج	(۳) ه	(۴) د	(۵) الف
(۶) د	(۷) ب	(۸) ه	(۹) ج	(۱۰) د
(۱۱) ه	(۱۲) ب	(۱۳) ه	(۱۴) ج	(۱۵) د
(۱۶) د	(۱۷) ه	(۱۸) ه	(۱۹) ب	(۲۰) ب
(۲۱) ب	(۲۲) ه			



## چگونگی تأثیر تورم بر اقتصاد

۱ - بیشترین زیان تورم را چه گروهی متحمل می‌شوند؟

- الف) وام‌گیرندگان، وقتی تورم پیش‌بینی شده است
- ب) وام‌گیرندگان، وقتی تورم پیش‌بینی نشده است
- ج) وام‌دهندگان، وقتی تورم پیش‌بینی شده است
- د) وام‌دهندگان، وقتی تورم پیش‌بینی نشده است
- ه) هم وام‌گیرندگان و هم وام‌دهندگان، وقتی تورم پیش‌بینی نشده است

۲ - وقتی تورم نامتظره‌ای پیش می‌آید،

- الف) صاحبان اوراق قرضه زیان می‌بینند
- ب) وام‌دهندگان زیان می‌بینند
- ج) وام‌گیرندگان سود می‌برند
- د) همه موارد، درست است

۳ - کسی که برای خرید یک خانه، وام گرفته است، احتمالاً،

- الف) از تورم زیان می‌بیند، بویژه اگر هنگام خرید خانه، پیش‌بینی نشده باشد
- ب) از تورم زیان می‌بیند، بویژه اگر هنگام خرید خانه، پیش‌بینی شده باشد
- ج) از تورم سود می‌برد، بویژه اگر هنگام دریافت وام، پیش‌بینی نشده باشد
- د) از تورم سود می‌برد، بویژه اگر هنگام دریافت وام، پیش‌بینی شده باشد
- ه) از تورم زیان می‌بیند، خواه پیش‌بینی شده باشد یا نه

۴ - اگر نرخ اسمی بهره ۱۲ درصد، و نرخ واقعی بهره ۳ درصد باشد، نرخ تورم انتظاری

برابر است با:

- الف) ۱۸ درصد
- ب) ۱۵ درصد
- ج) ۱۲ درصد
- د) ۹ درصد
- ه) ۳ درصد

۵ - فردی را در نظر بگیرید که در گروه مالیاتی ۲۵ درصد قرار دارد (یعنی ۲۵ درصد

درآمدهایش را به عنوان مالیات می‌پردازد). این فرد یک حساب بانکی دارد که بهره مربوط

به آن، ۸ درصد می‌باشد. نرخ تورم نیز ۶ درصد است. بازدهی واقعی حساب این فرد، پس از کسر مالیات، برابر است با:

الف) ۲ - درصد ب) صفر ج) ۲ درصد د) ۴ درصد ه) ۶ درصد

۶ - تورم وقتی بیش‌ترین اثر واقعی را بر اقتصاد می‌گذارد که:

- الف) پیش‌بینی شده باشد
- ب) پیش‌بینی نشده باشد
- ج) دستمزدها به طور کامل بر اساس آن شاخص‌بندی شده باشند
- د) همه وامها به طور کامل پرداخت شده باشند
- ه) همه وامها نرخهای تعدیل‌شده داشته باشند

۷ - فرض کنید نرخ تورم، یکنواخت و سالانه ۷ درصد باشد. در این صورت در طول یک دوره ۲۰ ساله، سطح متوسط قیمت‌ها،

- الف) ۲ برابر خواهد شد د) به اندازه ۵۰۰ درصد افزایش می‌یابد
- ب) ۳ برابر خواهد شد ه) به اندازه ۷۰۰ درصد افزایش می‌یابد
- ج) ۴ برابر خواهد شد

۸ - در دوره‌های تورم سریع، معمولاً در بازار اوراق قرضه بلندمدت، حجم معاملات،

- الف) زیاد است، زیرا نرخهای بهره واقعی پس از مالیات، بالا هستند
- ب) زیاد است، زیرا نرخهای بهره اسمی بالا هستند
- ج) پایین است، زیرا بازده واقعی اوراق، قابل پیش‌بینی نیست
- د) پایین است، زیرا بازده واقعی اوراق قرضه، نسبت به بازده واقعی اوراق بهادار کوتاه‌مدت، پایین است

ه) وقتی تورم شتاب می‌گیرد، افزایش می‌یابد، اما وقتی سطح تورم پایین است، کاهش می‌یابد

۹ - برای محاسبه نرخ بهره واقعی پس از مالیات،

- الف) نرخ مالیات نهایی را از نرخ بهره اسمی کم می‌کنیم
- ب) نرخ مالیات نهایی را از نرخ بهره واقعی کم می‌کنیم
- ج) نرخ مالیات نهایی و نرخ بهره اسمی را از نرخ تورم کم می‌کنیم

د) نرخ تورم را از نرخ بهره اسمی پس از مالیات کم می‌کنیم  
ه) نرخ تورم را از نرخ بهره واقعی پس از مالیات کم می‌کنیم

۱۰ - نرخ واقعی بهره برابر است با نرخ اسمی بهره،

الف) منهای نرخ تورم انتظاری  
ب) به علاوه نرخ تورم انتظاری  
ج) تقسیم بر نرخ تورم انتظاری  
د) ضربدر نرخ تورم انتظاری  
ه) هیچ کدام

۱۱ - کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند عددی منفی باشد؟

الف) نرخ بهره اسمی مربوط به اوراق بهادار کوتاه‌مدت  
ب) نرخ بهره اسمی مربوط به اوراق بهادار بلندمدت  
ج) نرخ بهره واقعی پیش از مالیات، مربوط به اوراق بهادار کوتاه‌مدت  
د) نرخ بهره واقعی پس از مالیات، مربوط به اوراق بهادار کوتاه‌مدت  
ه) موارد (ج) و (د) می‌توانند منفی باشند، اما موارد (الف) یا (ب) منفی نمی‌شوند

۱۲ - کسری واقعی دولت (آن گونه که ایزنر<sup>۱</sup> تعریف کرده است)، برابر است با:

الف) درآمدهای مالیاتی واقعی، منهای هزینه‌های واقعی  
ب) هزینه‌های واقعی، منهای درآمدهای مالیات واقعی  
ج) هزینه‌های مربوط به کالاهای واقعی، منهای درآمدهای مالیاتی  
د) افزایش در ارزش واقعی بدهی‌های معوق  
ه) کسری بودجه اسمی که به وسیله شاخص قیمتی مصرف‌کننده، تورم‌زدایی شده است

۱۳ - اگر قیمت‌ها به طور متوسط سالیانه ۵ درصد افزایش یابند، چند سال طول خواهد کشید تا سطح قیمت‌ها ۲ برابر شود؟

الف) ۱۴ سال      ب) ۱۶ سال      ج) ۱۸ سال      د) ۲۰ سال

۱۴ - کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

الف) وقتی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، با افزایش سطح تولید کالاها و خدمات همراه نباشد،

تورم رخ داده است

ب) در شرایط تورم سریع، عرضه وجوه قابل وام‌دهی کاهش می‌یابد، بنابراین نرخ بهره افزایش

می‌یابد تا تورم را جبران کند

ج) هر نوع تورمی، ناشی از افزایش حجم پول است

د) اصولاً یک نرخ تورم پایین و یکنواخت، می‌تواند برای رشد اقتصادی مفید باشد

ه) وقتی تورم دائمی و قابل پیش‌بینی می‌شود، تنها بر متغیرهای اسمی اقتصاد اثر می‌گذارد

## پاسخنامه

ب (۵)	د (۴)	ج (۳)	د (۲)	د (۱)
الف (۱۰)	د (۹)	ج (۸)	ج (۷)	ب (۶)
	ج (۱۴)	الف (۱۳)	د (۱۲)	ه (۱۱)

## رشد و بازدهی

### چرا چنین پرنوسان؟

۱ - رشد اقتصاد باعث می‌شود،

- (الف) منحنی بلندمدت فیلیپس به راست جابه‌جا شود
- (ب) منحنی بلندمدت فیلیپس کم‌شیب‌تر شود
- (ج) منحنی عرضه کل به راست جابه‌جا شود
- (د) یک شکاف فزاینده میان GNP واقعی و GNP بالقوه به وجود آید
- (ه) همه موارد بالا

۲ - بازدهی متوسط نیروی کار برابر است با:

- (الف) متوسط تولید ملی در طول ۱۰ سال گذشته تقسیم بر جمعیت
- (ب) متوسط تولید ملی در طول ۱۰ سال گذشته تقسیم بر نیروی کار
- (ج) حجم تولید واقعی (Q) تقسیم بر تعداد نیروی کار به کار گرفته شده (L)
- (د)  $Q \times L$
- (ه) Q تقسیم بر حجم پول

۳ - افزایش بسیار سریع نیروی کار معمولاً همراه است با:

- (الف) افزایش بسیار سریع در تولید ملی واقعی و بازدهی
- (ب) افزایش ملایم در تولید ملی واقعی و بازدهی
- (ج) افزایش سریع در بازدهی، و افزایش ملایم در تولید ملی واقعی
- (د) افزایش سریع در بازدهی، و کاهش تولید ملی واقعی
- (ه) افزایش سریع در تولید ملی واقعی، و افزایش ملایم در بازدهی

۴ - در طول این قرن، تعداد متوسط ساعات کار هفتگی در بسیاری از کشورها کاهش یافته

است. این مسأله باعث،

- (الف) افزایش نرخ رشد تولید ملی شده است (د) کاهش بازدهی نیروی کار شده است  
 (ب) کاهش تولید ملی آن کشورها شده است (ه) یک نرخ رشد آهسته برای تولید ملی این  
 (ج) افزایش بازدهی نیروی کار شده است      کشورها شده است

۵ - اقتصادی را در نظر بگیرید که در آن تولید سرانه با نرخ ۲ درصد در هر سال رشد می‌کند، ولی جمعیت با نرخ ۱/۵ درصد در سال رشد دارد. در این اقتصاد، رشد GNP واقعی در سال تقریباً چند درصد است؟

$$\text{الف) } 2 : 1/5 = 1/33$$

$$\text{د) } 1/5 \times 2 = 3$$

$$\text{ب) } 1/5$$

$$\text{ه) } 1/5 + 2 = 3/5$$

$$\text{ج) } 2$$

۶ - اگر اقتصادی با نرخ ۲ درصد در هر سال رشد کند، تقریباً چند سال طول خواهد کشید تا حجم این اقتصاد، دو برابر شود؟

- الف) ۱۰ سال      ب) ۱۵ سال      ج) ۲۰ سال      د) ۳۵ سال      ه) ۵۰ سال

۷ - افزایش سریع قیمت جهانی نفت در سالهای ۴ - ۱۹۷۳ (شوگ نفتی اول)،

الف) باعث افزایش سرعت رشد کشورهای صنعتی شد، چرا که این کشورها واردات نفت خود را کاهش دادند

ب) باعث بهبود سرعت رشد کشورهای صنعتی شد، چرا که سرمایه‌های سرگردان به سوی استخراج نفت روانه شدند

ج) نرخ رشد را سرعت بخشید، زیرا بازدهی سرمایه را افزایش داد

د) نرخ رشد کشورهای صنعتی را کند کرد، چرا که در شرایط جدید برخی صنایع می‌بایست دست به تغییراتی در فرآیند تولید می‌زدند

ه) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

۸ - سه عامل اصلی افزایش تولید متوسط کارگران، عبارت است از:

الف) سرمایه‌گذاری در سرمایه واقعی، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و کارآموزی، و افزایش جمعیت

- ب) سرمایه‌گذاری در سرمایه واقعی، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و کارآموزی، و افزایش در نرخ مشارکت نیروی کار
- ج) سرمایه‌گذاری در سرمایه واقعی، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و کارآموزی، و پیشرفت در تکنولوژی
- د) افزایش نرخ مشارکت نیروی کار، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و کارآموزی، و پیشرفت تکنولوژی
- ه) افزایش در جمعیت، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و کارآموزی، و پیشرفت تکنولوژی

۹ - برای کشوری که در فرآیند توسعه قرار دارد، یک نرخ پس‌انداز بالا، عموماً،

- الف) سودمند است، زیرا منابع سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند
- ب) سودمند است، زیرا باعث رشد سریع تقاضای کل می‌شود، و بنابراین دست‌یابی به صرفه‌های مقیاس را ساده‌تر می‌کند
- ج) زیان‌آور است، زیرا باعث کاهش تقاضای کل می‌شود
- د) زیان‌آور است، زیرا واردات کالاهای مصرفی را افزایش می‌دهد
- ه) اهمیتی ندارد، چرا که رابطه‌ای میان پس‌انداز و رشد مشاهده نشده است

۱۰ - حلقه شوم فقر، یکی از عوامل مهم پایین بودن رشد در برخی از کشورهای کم‌توسعه

یافته می‌باشد. کدام یک از گزینه‌های زیر، جزء این حلقه نمی‌باشد؟

- الف) افزایش جمعیت
- ب) پیری جمعیت
- ج) پس‌انداز پایین
- د) سرمایه‌گذاری پایین
- ه) پایین بودن صرفه‌های مقیاس

۱۱ - وقتی جمعیت یک کشور بیش از اندازه می‌باشد که:

- الف) نرخ رشد جمعیت بیش از ۱ درصد در سال باشد
- ب) GNP سرانه در حال کاهش باشد
- ج) در هر کیلومتر مربع به طور متوسط بیش از ۱۰۰ نفر ساکن باشند
- د) هر کدام از موارد (الف)، (ب) یا (ج)
- ه) هیچ‌کدام از موارد بالا ضرورتاً بیانگر بیش از اندازه بودن جمعیت یک کشور نیست

۱۲ - کدام یک از موارد زیر، سرمایه‌گذاری زیربنایی به شمار می‌آیند؟

- (الف) ساختن نیروگاه  
 (ب) ساختن کارخانه  
 (ج) ساختن شهرکهای مسکونی  
 (د) تولید یا واردات تراکتور و تجهیزات راه‌سازی  
 (ه) همه موارد بالا

۱۳ - اقتصاد بین‌الملل می‌تواند به توسعه هر کشوری کمک کند. این کمک از چه طریقی می‌تواند باشد؟

- (الف) تأمین سرمایه مالی  
 (ب) تأمین تکنولوژی  
 (ج) تدارک بازارهای بزرگ  
 (د) همه موارد بالا  
 (ه) تنها مورد (الف) و (ب)، کشورها تنها با توسعه بازارهای داخلی می‌توانند از صرفه‌های مقیاس سود ببرند

۱۴ - چهار کشوری که در آسیا به سرعت در حال رشد بوده و به چهار ببر آسیایی شناخته شده‌اند، عبارتند از:

- (الف) هند، چین، ژاپن، و کره  
 (ب) هند، تایوان، سنگاپور، و کره  
 (ج) برمه، هند، سنگاپور، و کره  
 (د) برمه، هند، ژاپن، و کره  
 (ه) هنگ‌کنگ، تایوان، سنگاپور، و کره

۱۵ - تولید ناخالص داخلی (GDP) تقریباً مشابه تولید ناخالص ملی (GNP) است. تنها تفاوت آنها این است که:

- (الف) GNP برای کل اقتصاد ملی به کار می‌رود، اما GDP تنها به یک دولت یا دیگر بخش‌های یک ملت اشاره دارد  
 (ب) GNP شامل استهلاک می‌شود، اما GDP استهلاک را شامل نمی‌شود  
 (ج) GNP خریدهای دولت را در بر می‌گیرد، اما GDP شامل هزینه‌های دولت نمی‌شود  
 (د) با پرداخت‌های انتقالی برای تأمین اجتماعی، در این دو شاخص، متفاوت برخورد می‌شود  
 (ه) با درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاریهای بین‌المللی، در این دو شاخص، متفاوت برخورد می‌شود



۱۶ - کشوری دارای مزاد تجاری است که:

- (الف) در مقایسه با کالاهای خارج شده، کالاهای بیش تری به کشور وارد شده باشد
- (ب) ارزش صادرات کشور، بیش از ارزش واردات باشد
- (ج) واردات کشور، سریع تر از صادرات رشد کند
- (د) صادرات کشور، سریع تر از واردات رشد کند
- (ه) صادرات کشور، یا از نظر وزن، و یا از نظر ارزش، بیش از واردات باشد

۱۷ - کدام یک از گزینه‌های زیر احتمال بیش تری دارد که به یک مزاد تجاری بینجامد؟

- (الف) یک سیاست مالی انبساطی
- (ب) یک سیاست پولی انبساطی
- (ج) بالا رفتن ارزش پول داخلی در مقایسه با پول خارجی
- (د) پایین آمدن ارزش پول داخلی در مقایسه با پول خارجی
- (ه) هیچ کدام از موارد بالا

۱۸ - چهار اقتصاد آسیایی دارای رشد سریع، که به چهار ببر آسیایی شناخته شده‌اند، همگی دارای،

- (الف) سیاست توسعه صادرات بوده‌اند
- (ب) اقتصادهای کاملاً آزاد (لسه‌فر) بوده‌اند
- (ج) بخش‌های دولتی بسیار بزرگ و دارای رشد سریع بوده‌اند
- (د) شرکت‌های بسیار بزرگ مسلط بر اقتصاد، بوده‌اند
- (ه) سیاست جایگزینی واردات بوده‌اند

۱۹ - کشورهایی که در بازپرداخت بدهی‌های خارجی‌شان در دهه ۱۹۸۰ با بحران روبه‌رو شدند،

- (الف) تنها، واردکنندگان نفت بودند، که افزایش مداوم قیمت‌های نفت بر آنها اثر منفی گذاشت
- (ب) تنها، صادرکنندگان نفت بودند، چرا که آنها انتظار افزایش درآمدهای صادراتی را در آینده داشتند، و بنابراین اشتباهاً گمان می‌کردند که می‌توانند وام بگیرند
- (ج) تنها، صادرکنندگان محصولات کشاورزی بودند، که به خاطر کاهش قیمت‌های صادراتشان زیان دیدند

د) تنها، صادرکنندگان نوپای کالاهای صنعتی بودند که با رقابت شدید در بازارهای جهانی روبه‌رو شدند

ه) شامل هر چهار نوع کشور بودند: واردکنندگان نفت، صادرکنندگان نفت، صادرکنندگان محصولات کشاورزی، و صادرکنندگان کالاهای ساخته شده

۲۰ - "توماس مالتوس"<sup>۱</sup> بر این باور بود که نرخ دستمزد به سطح حداقل معیشت کاهش خواهد یافت. وی دلیل این امر را در چه می‌دانست؟

الف) قدرت انحصارها

ب) تمایل سرمایه‌داران به استثمار طبقه کارگر

ج) گرایش طبیعی جمعیت به رشد سریع‌تر در مقایسه با تولید مواد غذایی

د) روند کاهنده سرمایه‌گذاری در بلندمدت

ه) بیماری، جنگ، و قحطی

۲۱ - قانون "مفرغ دستمزدها"<sup>۲</sup> در قرن نوزدهم به وسیله تعدادی از اقتصاددانان ارائه شد. این قانون بیانگر این اندیشه بود که:

الف) دستمزدهای واقعی نمی‌توانند سریع‌تر از نرخ رشد جمعیت، رشد کنند

ب) گرایش جمعیت به رشد سریع‌تر در مقایسه با تولید غذا، درآمد طبقه کارگر را تا سطح حداقل معیشت کاهش خواهد داد

ج) گرایش جمعیت به رشد سریع‌تر در مقایسه با تولید غذا، درآمد طبقات بالاتر را تا سطح درآمد طبقه کارگر پایین خواهد آورد

د) به هنگام تورم، دستمزدهای واقعی با سرعت بیش‌تری کاهش می‌یابند، زیرا تورم قانون آهنین عرضه و تقاضا را بر هم می‌زند

ه) هیچ افزایشی در دستمزدهای واقعی امکان‌پذیر نیست، مگر آن که بازارهای صادراتی گسترش یابند

۲۲ - کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

الف) اگر نیروی کار با نرخ بسیار سریعی رشد کند، باعث کند شدن رشد بازدهی می‌شود

ب) وقتی شرایط برای مشارکت زنان در اقتصاد آماده می‌شود، با ورود تعداد زیادی از زنان به نیروی کار، کل ساعات نیروی کار به کار گرفته شده در اقتصاد به سرعت رشد می‌کند و این

می‌تواند باعث کند شدن افزایش بازدهی شود

ج) یکی از علل رشد اقتصادهای صنعتی در این قرن، افزایش سریع بازدهی بوده است

د) چهار کشور آسیایی دارای رشد سریع که به بیرهای آسیایی شناخته شده‌اند، سیاست توسعه

صادرات را همراه با آزادی کامل اقتصادی (یعنی کم‌ترین دخالت دولت) در پیش گرفتند

ه) منظور از سیاست توسعه صادرات آن است که امکانات اقتصادی کشور، بر اساس مزیت‌های

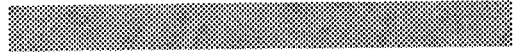
نسبی به سوی تولید کالاهای قابل فروش در بازارهای جهانی، هدایت شود

## پاسخنامه

ج (۱)	ج (۲)	ه (۳)	ه (۴)	ه (۵)
د (۶)	د (۷)	ج (۸)	الف (۹)	ب (۱۰)
ه (۱۱)	الف (۱۲)	د (۱۳)	ه (۱۴)	ه (۱۵)
ب (۱۶)	د (۱۷)	الف (۱۸)	ه (۱۹)	ج (۲۰)
ب (۲۱)	د (۲۲)			



بخش پنجم



# مباحث اصلی اقتصاد کلان

تقاضای کل





## سیاست پولی و سیاست مالی

### کدام یک برای یک تقاضای کل مهم تر است؟

۱ - کدام یک از اقتصاددانان زیر ممکن است بیش از بقیه بر سودمند بودن سیاست مالی به عنوان راهی برای نظارت بر تقاضای کل، تأکید کند؟

- (الف) یک اقتصاددان کینزی  
(ب) یک اقتصاددان پولی  
(ج) یک اقتصاددان طرفدار دیدگاه خزانه‌داری انگلستان  
(د) یک اقتصاددان کلاسیک  
(ه) یک اقتصاددان نهادگرا

۲ - از دیدگاه اقتصاددانان کینزی، تأثیر سیاست پولی بر مخارج کل باید با توجه به سه مرحله، تحلیل شود. یکی از گزینه‌های زیر، جزء این سه مرحله نیست. آن گزینه کدام است؟

- (الف) اثر سیاست پولی بر نرخ بهره  
(ب) اثر تغییر در نرخ بهره بر خریدهایی که بانک مرکزی در بازار باز انجام می‌دهد  
(ج) اثر تغییر در نرخ بهره بر سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده  
(د) اثر تغییر در سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده بر مخارج کل

۳ - وقتی حجم پول افزایش می‌یابد، کدام یک از متغیرهای زیر، بیش‌تر مستعد کاهش هستند؟

- (الف)  $P$   
(ب)  $Q$   
(ج)  $P \times Q$   
(د) نرخ بهره  
(ه) مقدار تقاضای پول

۴ - در نظریه کینزیها در باره تعیین نرخ بهره، کدام یک از قضیه‌های زیر دارای بیش‌ترین اهمیت می‌باشد؟

- الف) اگر مقدار تقاضای پول بیش تر از حجم پول موجود باشد، نرخ بهره کاهش می یابد  
 ب) اگر مقدار تقاضای پول بیش تر از حجم پول موجود باشد، نرخ بهره افزایش می یابد  
 ج) اگر پس انداز، بیش تر از سرمایه گذاری برنامه ریزی شده باشد، نرخ بهره افزایش می یابد  
 د) اگر پس انداز، بیش تر از سرمایه گذاری برنامه ریزی شده باشد، نرخ بهره کاهش می یابد  
 ه) نرخ بهره اصولاً به وسیله تقاضای سرمایه گذاری تعیین می شود

۵ - فرض کنید حجم پولی که مردم در دست دارند، بیش از مقداری باشد که می خواهند نگاهداری کنند. در این حالت بر اساس نظریه کینزی، آنها خواهند کوشید تا اضافه مانده پولی خود را،

- الف) صرف پس انداز بیش تر کنند  
 ب) صرف خرید کالاهای بیش تر کنند  
 ج) صرف خرید خدمات بیش تر کنند  
 د) از سپرده های جاری بیرون بکشند و به صورت نقدینه نگاهدارند  
 ه) از شکل پول، به اوراق بهادار یا دیگر دارایی های مالی تبدیل کنند

۶ - حجم پولی که مردم تمایل به نگاهداری آن دارند، وقتی افزایش می یابد که:

- الف) نرخهای بهره افزایش یابد، و/یا درآمد کاهش یابد  
 ب) نرخهای بهره افزایش یابد، و/یا درآمد افزایش یابد  
 ج) نرخهای بهره افزایش یابد، و/یا نرخ تورم افزایش یابد  
 د) نرخهای بهره کاهش یابد، و/یا درآمد کاهش یابد  
 ه) نرخهای بهره کاهش یابد، و/یا درآمد افزایش یابد

۷ - کاهش نرخ بهره باعث،

- الف) کاهش قیمت اوراق قرضه می شود  
 ب) کاهش قیمت اسناد بهادار دولتی می شود  
 ج) کاهش مقدار تقاضای پول می شود  
 د) افزایش سرمایه گذاری برنامه ریزی شده می شود  
 ه) افزایش تمایل مردم به پس انداز می شود

۸ - کدام یک از گزینه های زیر احتمال بیش تری برای تحقق دارد؟



- الف) عرضه پول افزایش یابد، نرخ بهره کاهش یابد، سرمایه‌گذاری کاهش یابد، آنگاه GNP کاهش یابد
- ب) عرضه پول افزایش یابد، آنگاه نرخ بهره کاهش یابد، سرمایه‌گذاری افزایش یابد، سپس GNP بالا برود
- ج) عرضه پول افزایش یابد، نرخ بهره افزایش یابد، سرمایه‌گذاری افزایش یابد، آنگاه GNP کاهش یابد
- د) عرضه پول افزایش یابد، نرخ بهره افزایش یابد، آنگاه سرمایه‌گذاری و GNP کاهش یابند
- ه) عرضه پول افزایش یابد، نرخ بهره افزایش یابد، آنگاه سرمایه‌گذاری کاهش و GNP افزایش یابد

۹ - منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری، بیانگر رابطه میان،

- الف) نرخ بهره و مقدار اوراق قرضه‌ای است که مردم نگهداری می‌کنند
- ب) نرخ بهره و مقدار پولی است که مردم تمایل دارند در اوراق قرضه سرمایه‌گذاری کنند
- ج) نرخ بهره و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده است
- د) نرخ بهره و سرمایه‌گذاری واقعی است
- ه) نرخ بهره و سرمایه‌گذاری در موجودی انبار است

۱۰ - کینز نسبت به برتر بودن سیاست پولی تردید داشت،

- الف) زیرا بر این باور بود که منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری، پرشیب است
- ب) زیرا بر این باور بود که منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری، کم‌شیب است
- ج) بویژه در دوران رونق، زیرا بانک مرکزی ممکن است نتواند نرخ بهره را به اندازه کافی افزایش دهد تا تورم را متوقف سازد
- د) بویژه در دوران رونق، زیرا بانک مرکزی ممکن است نتواند نرخ بهره را به اندازه کافی کاهش دهد تا از روند رونق محافظت نماید
- ه) بویژه در دوران رکود، زیرا بانک مرکزی ممکن است نتواند نرخ بهره را به اندازه کافی کاهش دهد تا یک محرک قوی برای تقاضای کل به وجود آید

۱۱ - اگر منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری بسیار پرشیب باشد، در نتیجه آن،

- الف) سیاست پولی، مؤثر خواهد بود

- (ب) سیاست پولی، بی‌اثر خواهد بود  
 (ج) سیاست مالی، بی‌اثر خواهد بود  
 (د) ناپایداری شدیدی در ذخایر بانک‌ها به وجود می‌آید  
 (ه) نرخ بهره، بسیار پایدار خواهد بود

۱۲ - سرعت گردش پول ( $V$ ) برابر است با:

(الف)  $MP/Q$       (ب)  $PQ/M$       (ج)  $MQ/P$       (د)  $PQ/Y$       (ه)  $Y/P$

۱۳ - نظریه مقداری پول در واقع بیانگر این قضیه است که:

- (الف)  $MP = VQ$       (د)  $V$  پایدار است  
 (ب)  $MQ = PV$       (ه) همه موارد مذکور جزء نظریه مقداری پول است  
 (ج)  $P$  پایدار است

۱۴ - بیش‌تر اقتصاددانان کینزی بیان می‌دارند که معادله مبادله  $MV = PQ$ ،

- (الف) نادرست است، زیرا  $V$  برابر  $PQ/M$  نیست  
 (ب) نادرست است، زیرا  $V$  ناپایدار است  
 (ج) نادرست است زیرا  $M$  برابر با  $PQ/V$  نیست  
 (د) نادرست است، زیرا  $M$  ناپایدار است  
 (ه) درست است، اما این معادله آغاز خوبی برای اقتصاد کلان نیست، زیرا  $V$  ناپایدار است

۱۵ - سرعت گردش پول برابر است با:

- (الف) تعداد دفعاتی که متوسط حجم پول در یک سال، برای خرید محصولات نهایی به کار می‌رود  
 (ب) نرخ‌ی که بانک مرکزی با آن، حجم پول را افزایش داده، و از آن طریق درآمد ملی اسمی را افزایش می‌دهد  
 (ج) نرخ‌ی که با آن، بانک مرکزی حجم پول را افزایش داده، و از آن طریق درآمد ملی واقعی را بالا می‌برد  
 (د) آن بخش از درآمد ملی یک سال که مردم به شکل نقدینه نگه می‌دارند  
 (ه) آن بخش از درآمد ملی یک سال که مردم به شکل سپرده‌های دیداری نگه می‌دارند

۱۶ - هم اقتصاددانان پولی و هم اقتصاددانان کینزی، در این باره توافق دارند که:

- الف) سیاست پولی، مؤثرتر از سیاست مالی است
- ب) سیاست مالی، مؤثرتر از سیاست پولی است
- ج) نه سیاست پولی و نه سیاست مالی نمی‌تواند بر  $Q$  اثر بگذارد، بلکه تنها بر  $P$  اثر می‌گذارد
- د) منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری عموماً پرشیب است
- ه)  $V = PQ/M$

۱۷ - بر اساس نظریه مقداری پول، افزایشی در حجم پول باعث،

- الف) افزایشی در  $P$ ، در بلندمدت، و نیز احتمالاً افزایشی در  $Q$ ، در کوتاه‌مدت، می‌شود
- ب) افزایشی در  $Q$ ، در بلندمدت، و نیز احتمالاً افزایشی در  $P$ ، در کوتاه‌مدت، می‌شود
- ج) کاهششی در  $P$ ، در کوتاه‌مدت، و افزایشی در  $Q$ ، در بلندمدت، می‌شود
- د) کاهششی در  $P$  و  $Q$ ، هم در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت، می‌شود
- ه) افزایشی در  $Q$ ، در بلندمدت، می‌شود بدون آن که  $P$  تغییر کند

۱۸ - بر اساس نظر پول‌گرایان، افزایشی در  $M$ ، در بلندمدت اثر شدیدی بر،

- الف)  $V$  دارد
- ب)  $Q$  دارد
- ج) تولید ملی واقعی دارد
- د) تولید ملی اسمی دارد
- ه) هیچ کدام از موارد بالا

۱۹ - در کدام یک از موارد زیر، اقتصاددانان کینزی و پول‌گرا بیشترین توافق را دارند؟

- الف) سیاست مالی، در مقایسه با سیاست پولی، اثر قدرتمندتر و قابل پیش‌بینی‌تری بر  $GNP$  دارد
- ب) سیاست پولی، در مقایسه با سیاست مالی، اثر قدرتمندتر و قابل پیش‌بینی‌تری بر  $GNP$  دارد
- ج) منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری کاملاً عمودی است
- د) منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری کاملاً افقی است
- ه) افزایشی در حجم پول، احتمالاً باعث افزایش در  $P \times Q$  می‌شود

۲۰ - کدام یک از موارد زیر، احتمالاً بیش‌تر باعث افزایش تقاضای پول می‌شود؟

- الف) افزایش در نرخ بهره
- ب) افزایش  $V$
- ج) افزایش  $PQ$
- د) افزایش نرخ تنزیل
- ه) افزایش نسبت ذخیره قانونی بانک‌ها

۲۱ - در نظر بگیرید که حجم پولی که مردم در دست دارند، بیش از آن مقداری است که تمایل به نگهداری آن دارند. در این حالت، پول‌گرایان تأکید می‌کنند که مردم خواهند کوشید تا مانده‌های پولی اضافی خود را صرف،

الف) پس‌انداز بیش‌تر کنند

ب) خرید اوراق قرضه کنند

ج) خرید کالا کنند

د) انتقال از حالت نقدینه به سپرده‌های جاری کنند

ه) انتقال از شکل سپرده‌های جاری به شکل نقدینه کنند

۲۲ - این توصیه پول‌گرایان به بانک مرکزی که حجم پول را با نرخ پایین و یکنواختی افزایش دهد، بر اساس این اندیشه است که:

الف) قیمت‌ها به طور تاریخی کاملاً پایدار بوده‌اند

ب) GNP اسمی به طور تاریخی کاملاً پایدار بوده است

ج) سرعت گردش پول پایدار است

د) Q پایدار است

ه) هدف اصلی بانک مرکزی، تثبیت نرخهای بهره است

۲۳ - اثر "برون‌رانی"<sup>۱</sup> سیاست مالی اشاره به کدام یک از وضعیت‌های زیر دارد؟

الف) افزایش در G منجر به افزایش در نرخهای بهره می‌شود، که به افزایش در سرمایه‌گذاری برنامهریزی شده ( $I^*$ ) می‌انجامد

ب) افزایش در G منجر به کاهش نرخ بهره می‌شود، که به افزایش در  $I^*$  می‌انجامد

ج) افزایش در G منجر به افزایش در نرخهای بهره می‌شود، که به کاهش  $I^*$  می‌انجامد

د) افزایش در G منجر به افزایش در  $I^*$  می‌شود، که به افزایش در نرخهای بهره می‌انجامد

ه) هیچ کدام از وضعیت‌های فوق بیانگر اثر برون‌رانی نیست

۲۴ - وقتی اثر برون‌رانی قوی باشد، افزایش هزینه‌های دولت،

الف) اثر شدیدی بر تقاضای کل دارد (د) اثر بسیار اندکی بر تقاضای کل دارد

ب) اثر شدیدی بر عرضه کل دارد  
ج) نرخهای بهره را شدیداً کاهش می‌دهد  
ه) سرمایه‌گذاری بر نامه‌ریزی شده را افزایش می‌دهد

۲۵- اگر منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری نزدیک به حالت افقی باشد، آنگاه انتظار داریم اثر سیاست‌های پولی و مالی بر تقاضای کل چگونه باشد؟

- الف) سیاست پولی قوی باشد، در حالی که سیاست مالی ضعیف است
- ب) سیاست مالی قوی باشد، در حالی که سیاست پولی ضعیف است
- ج) هر دوی سیاست‌های مالی و پولی قوی باشند
- د) هر دوی سیاست‌های مالی و پولی ضعیف باشند
- ه) با اطلاعات موجود نمی‌توان تأثیر سیاست پولی و مالی را تعیین کرد

۲۶- یکی از دلایلی که پول‌گرایان نسبت به مؤثر بودن سیاست مالی بر روی تقاضای کل تردید دارند، وجود اثر برون‌رانی است. این اثر وقتی بسیار قوی است که:

- الف) تابع تقاضای سرمایه‌گذاری پر شیب باشد
- ب) تابع تقاضای سرمایه‌گذاری کم شیب باشد
- ج)  $V$  در پاسخ به افزایش نرخ بهره، بالا برود
- د)  $V$  در پاسخ به افزایش نرخ بهره، پایین بیاید
- ه)  $P$  در پاسخ به افزایش  $M$ ، افزایش یابد

۲۷- منظور اقتصاددانان از سیاست مالی "محض" این است که:

- الف) ملاحظات خاصی بر سیاست‌های مالی تأثیر نگذارد
- ب) سیاست‌های مالی بر بخش‌های غیردفاعی بودجه دولت اعمال شود
- ج) سیاست‌های مالی بر بخش‌های دفاعی بودجه دولت متمرکز شود، زیرا این بخش‌ها اثر اندکی بر ظرفیت تولیدی اقتصاد دارند
- د) تغییر در هزینه‌های دولتی یا نرخهای مالیاتی، همراه با هیچ‌گونه تغییری در نرخ رشد حجم پول نباشد
- ه) تغییر در هزینه‌های دولتی یا نرخهای مالیاتی، به صورتی انجام شود که نرخهای بهره ثابت بمانند

۲۸- پول‌گرایان با توجه به مسأله برون‌رانی بحث می‌کنند که:

الف) سیاست پولی مؤثر است، زیرا قدرت سیاسی بانک مرکزی، آن اندازه بزرگ است که بتواند خزانه‌داری را از تصمیمات سیاست‌گذاری بیرون براند

ب) سیاست مالی با افزایش شدید نرخ بهره، تأثیر سیاست پولی را بیرون می‌راند

ج) تأثیر سیاست‌های پولی و مالی به وسیله سیاست‌های از پیش تعیین شده بودجه دفاعی خنثی می‌شود

د) سیاست مالی اثر اندکی بر تقاضای کل دارد، حتی اگر همراه با تغییر در حجم پول باشد

ه) سیاست مالی اثر اندکی بر تقاضای کل دارد، مگر آن که همراه با تغییر در حجم پول باشد

۲۹- کسری بودجه یک دولت چگونه می‌تواند منجر به کسری تجاری آن کشور شود؟

الف) کسری بودجه باعث افزایش نرخهای بهره می‌شود، که این نیز خود باعث افزایش ارزش پول ملی در برابر پولهای خارجی شده و در نتیجه واردات افزایش می‌یابد

ب) کسری بودجه دولت باعث افزایش نرخهای بهره می‌شود، که این خود باعث کاهش ارزش پول ملی در برابر پولهای خارجی شده، و بنابراین منجر به افزایش واردات می‌شود

ج) کسری بودجه باعث افزایش نرخهای بهره می‌شود، که این خود باعث کاهش ارزش پول ملی در برابر پولهای خارجی شده، و در نتیجه به کاهش واردات می‌انجامد

د) کسری بودجه و کسری تجاری رابطه‌ای با هم ندارند

۳۰- بر اساس فرضیه درآمد دائمی، مصرف،

الف) اساساً به درآمد عادی انتظاری بستگی دارد، تا به درآمد جاری

ب) اساساً به درآمد جاری، و نیز به ثروت بستگی دارد

ج) دائماً در برابر افزایش نرخ بهره، کاهش می‌یابد

د) دائماً در برابر کاهش نرخ بهره، کاهش می‌یابد

ه) با یک نرخ پایدار و دائمی، بدون توجه به درآمد، افزایش می‌یابد

۳۱- بر اساس کدام یک از نظریه‌ها، یک مالیات مضاعف موقت<sup>۲</sup>، در کوتاه‌مدت، بیش‌ترین

اثر را برای محدود کردن تقاضای کل دارد؟

الف) نظریه مصرف - درآمد دائمی      د) نظریه پایه‌کینزی در باره سیاست مالی

ه) نظریه مزیت نسبی

ب) نظریه ریکاردو - برو<sup>۳</sup>

ج) نظریه مقداری

۳۲ - بر اساس نظریه برو - ریکاردو،

$$MV = PQ \text{ (الف)}$$

ب) تغییر منبع تأمین مالی هزینه‌های دولت (مالیات یا وام‌گیری)، تأثیری بر سطح مصرف نمی‌گذارد

ج) تغییر منبع تأمین مالی هزینه‌های دولت (مالیات یا وام‌گیری)، تأثیری بر پس‌انداز شخصی نمی‌گذارد

د) درآمدهای دولت از تغییرات موقت مالیاتها تأثیری نمی‌پذیرد

ه) همه موارد بالا

## پاسخنامه

الف (۱)	ب (۲)	د (۳)	ب (۴)	ه (۵)
ه (۶)	د (۷)	ب (۸)	ج (۹)	ه (۱۰)
ب (۱۱)	ب (۱۲)	د (۱۳)	ه (۱۴)	الف (۱۵)
ه (۱۶)	الف (۱۷)	د (۱۸)	ه (۱۹)	ج (۲۰)
ج (۲۱)	ج (۲۲)	ج (۲۳)	د (۲۴)	الف (۲۵)
ب (۲۶)	د (۲۷)	ه (۲۸)	الف (۲۹)	الف (۳۰)
د (۳۱)	ب (۳۲)			



## تنظیم دقیق اقتصاد، یا سیاست‌گذاری پایدار؟

۱ - اقتصاددانی که بیش‌تر طرفدار سیاست‌گذاری در باره تقاضای کل، بر اساس صلاح‌دید سیاست‌گذار، است، و نه طرفدار یک قاعده سیاست‌گذاری، جزء کدام یک از سنت‌های اقتصادی است؟

- |                |                                 |
|----------------|---------------------------------|
| (الف) کینزیها  | (د) نهائیون                     |
| (ب) کلاسیک‌ها  | (ه) طرفداران آزادی اقتصادی کامل |
| (ج) پول‌گرایان |                                 |

۲ - اقتصاددانانی که از یک قاعده سیاست‌گذاری دفاع می‌کنند که هدفش تثبیت تقاضای کل است، بیش‌تر کدام قاعده را پیشنهاد می‌نمایند؟

- |                             |   |
|-----------------------------|---|
| (الف) استاندارد طلا         | (د) یک رشد ثابت در حجم پول                        |
| (ب) توازن بودجه واقعی       | (ه) همه قواعد بالا، جزء قواعد پیشنهادی آنها هستند |
| (ج) توازن بودجه اشتغال کامل |   |

۳ - "میلتون فریدمن"<sup>۱</sup> یکی از پول‌گرایان مشهور است. او بحث می‌کند که:

(الف) باید به طور مؤثری از سیاست پولی برای تثبیت تقاضای کل استفاده کرد، اما بودجه دولت باید متوازن باشد

(ب) بودجه دولت اثر مهمی بر تقاضای کل و همچنین بر تخصیص منابع ندارد

(ج) هر دوی سیاست‌های پولی و مالی باید برای تثبیت تقاضای کل، به طور مؤثری به کار گرفته شوند

(د) در هر دوی سیاست‌های پولی و مالی به عنوان راهی برای کنترل تقاضای کل، اغراق شده است  
(ه) سیاست پولی فعال، بهترین راه برای حفظ اشتغال کامل، بدون خطر شدید تورم، می‌باشد

1 - Milton Friedman



۴- کینز بر این باور بود که:

- الف) تقاضای کل بسیار پایین می‌باشد، اما معمولاً پایدار است
- ب) تقاضای کل ناپایدار است، حتی وقتی معمولاً بسیار بالا می‌باشد
- ج) تقاضای کل مستعد آن است که هم بسیار پایین باشد و هم ناپایدار
- د) ظرفیت تولیدی ناکافی، مهم‌ترین مشکل اقتصاد کلان است
- ه) ظرفیت تولیدی را می‌توان با نرخ کافی رشد داد، مشروط بر آن که درآمد به سود صاحبان درآمدهای بالا، توزیع مجدد شود

۵- فرض کنید دولت پیش‌بینی کند که اگر تغییری در سیاست‌ها رخ ندهد، یک شکاف GNP به اندازه ۱۰۰ میلیارد ریال در سال آینده به وجود می‌آید. در این صورت کسی که طرفدار،

- الف) قاعده است، توصیه می‌کند که نرخ رشد حجم پول افزایش یابد
- ب) قاعده است، توصیه می‌کند که نرخ رشد هزینه‌های دولت افزایش یابد
- ج) تنظیم فعال است، توصیه می‌کند که نرخهای مالیات افزایش یابد، تا بودجه متوازن شود
- د) تنظیم فعال است، توصیه می‌کند تا هزینه‌های دولتی افزایش یابد
- ه) تنظیم فعال است، توصیه می‌کند که هزینه‌های دولتی افزایش یابد تا تولید واقعی بالا رفته و نیز حجم پول کاهش یابد تا در نهایت، تورم پایین بیاید

۶- فاصله زمانی میان شروع یک وضعیت کساد و موقعی که سیاست‌گذاران شروع آن وضعیت را تشخیص دهند،

- الف) تأخیر در تشخیص نام دارد (د) تأخیر در تأثیر نام دارد
- ب) تأخیر در اقدام نام دارد (ه) تأخیر در تشخیص + تأخیر در اقدام + تأخیر
- ج) تأخیر در تشخیص + تأخیر در اقدام است (د) تأثیر است

۷- وقتی یک سیاست پولی انبساطی اجرا می‌شود، اثر آن بر افزایش قیمت‌ها،

- الف) بسیار سریع‌تر از اثرش بر GNP واقعی محقق می‌شود
- ب) بسیار آهسته‌تر از اثرش بر GNP بالقوه محقق می‌شود
- ج) بسیار آهسته‌تر از اثرش بر GNP واقعی محقق می‌شود
- د) تقریباً همزمان با اثرش بر GNP واقعی محقق می‌شود

ه) تقریباً همزمان با اثرش بر GNP بالقوه محقق می‌شود

۸ - کسانی که طرفدار قواعد سیاست‌گذاری هستند، به جای مدیریت فعال، بیان می‌دارند مدیران فعال اقتصاد معمولاً تمایل دارند که:

الف) امکانات بالقوه را بیش از اندازه تخمین بزنند، و بنابراین سیاست‌های تورمی را به کار بیندازند

ب) امکانات بالقوه را کم‌تر از حد تخمین بزنند، و بنابراین سیاست‌های انقباضی را به کار بیندازند

ج) رشد را کم‌تر از حد تخمین بزنند، و بنابراین سیاست‌های تورمی را به کار بگیرند

د) اثر هزینه‌های دولت را کم‌تر از حد تخمین بزنند، و بنابراین گرایش بیش‌تری به سیاست پولی پیدا کنند

ه) اثر تغییرات مالیات را کم‌تر از حد تخمین بزنند، و بنابراین به سیاست پولی فعال‌تر گرایش پیدا کنند

۹ - گاهی همه چیز به سوی بدتر شدن می‌رود - یعنی تولید کاهش می‌یابد، بیکاری افزایش می‌یابد، و نرخ تورم بالا می‌رود. در این شرایط می‌توان گفت:

الف) اقتصاد در آغاز بهبود قرار دارد

ب) اقتصاد در اواخر شکوفایی قرار دارد، یعنی نزدیک به ۳ یا ۴ ماه پیش از اوج

ج) اقتصاد در آغاز کساد قرار دارد

د) اقتصاد در اواخر یک کساد قرار دارد، یعنی ۳ یا ۴ ماه پیش از حداکثر رکود

ه) اقتصاد در حداکثر رکود قرار دارد

۱۰ - فاصله زمانی میان آغاز یک رکود و اتخاذ یک سیاست افزایش تقاضای کل، عبارت است از:

الف) تأخیر در تشخیص (د) تأخیر در تأثیر

ب) تأخیر در اقدام (ه) تأخیر در تشخیص + تأخیر در اقدام + تأخیر

ج) تأخیر در تشخیص + تأخیر در اقدام در تأثیر

۱۱ - امروزه اقتصاددانان عموماً توافق دارند که وجود تأخیرها به این مفهوم است که:

الف) GNP بالقوه پی‌درپی به وسیله دولت، کم‌تر از حد تخمین زده می‌شود

- ب) سیاست‌های پولی و مالی ممکن است در واقع موجب ناپایداری اقتصاد شوند
- ج) سیاست پولی بر سیاست مالی ارجحیت دارد
- د) سیاست مالی بر سیاست پولی ارجحیت دارد
- ه) بانک مرکزی باید یک قاعده پولی را دنبال کند

۱۲ - اقتصاددانان پول‌گرا به چه دلیل به شیوه برخورد فعال برای مدیریت تقاضای پول، انتقاد دارند؟

- الف) تأخیرهای میان تغییر در سیاست‌گذاری و تغییر در تقاضا، باعث اشتباهات سیاست‌گذاری می‌شود
- ب) آثار تورمی افزایش در تقاضای کل، با تأخیر، پس از آثار آن بر تولید کل ظاهر می‌شود، به همین خاطر، تقاضای کل با انبساط‌های بسیار زیاد و طولانی، گسترش می‌یابد
- ج) سیاست‌گذارانی که می‌خواهند تقاضای کل را مدیریت نمایند، معمولاً بسیار بلندپروازانه عمل می‌کنند
- د) همه موارد بالا
- ه) هیچ کدام از موارد بالا

۱۳ - استدلال اقتصاددانان پول‌گرا مبتنی بر چند قضیه است. کدام یک از گزینه‌های زیر، جزء قضایای مورد نظر پول‌گرایان نیست؟

- الف) روند مطلوب تقاضای کل، وجود یک رشد ملایم و پایدار است
- ب) روند مطلوب قیمت‌ها، وجود یک افزایش تدریجی نزدیک به ۴ درصد در سال است
- ج) بهترین راه برای ایجاد یک افزایش ملایم و ثابت در تقاضای کل، این است که حجم پول با نرخ آهسته و ثابتی افزایش یابد
- د) پی‌گیری یک قاعده پولی، آزادی اقتصادی را افزایش داده، و احتمالاً آزادی سیاسی را نیز گسترش می‌دهد

۱۴ - مخالفان یک قاعده پولی بر این باورند که در واقع یک قاعده انعطاف‌ناپذیر نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا:

- الف) چنین کاری مخالف قانون اساسی است
- ب) بانک مرکزی در واقع تقریباً هیچ کنترلی بر حجم پول ندارد

- (ج) پول، تأثیری بر تقاضای کل نمی‌گذارد  
 (د) پول، تأثیری بر نرخهای بهره ندارد  
 (ه) دولت‌های آینده را نمی‌توان به یک قاعده، بدون توجه به عواقب آن، متعهد کرد

۱۵ - GNP بالقوه، زمانی ممکن است بیش از اندازه تخمین زده شود، که:

- (الف) بازدهی با یک نرخ غیرمنتظره سریع، در حال افزایش باشد  
 (ب) بازدهی با یک نرخ کند غیرمنتظره، در حال بهبود باشد  
 (ج) جمعیت در حال افزایش باشد  
 (د) جمعیت ثابت باشد  
 (ه) جمعیت در حال کاهش باشد

۱۶ - طرفداران مدیریت فعال تقاضا، با اعمال قواعد سیاست‌گذاری مخالفند. آنها دلایل

گوناهگونی برای این مخالفت دارند، که یکی از آنها عبارت است از:

- (الف) تحمیل قواعد سیاست‌گذاری، مستعد ایجاد بیکاری گسترده است  
 (ب) تحمیل قواعد سیاست‌گذاری، مستعد ایجاد تورم دائماً فزاینده است  
 (ج) پیروی از قواعد سیاست‌گذاری، مؤثر نخواهد بود مگر آن که "شما بتوانید همیشه برخی از مردم، یا گاه‌گاه همه مردم را، فریب دهید"  
 (د) قواعد سیاست‌گذاری مستلزم برآورد GNP بالقوه است، و ما GNP بالقوه را فقط به طور ناقص می‌توانیم برآورد کنیم  
 (ه) همه موارد بالا

۱۷ - مخالفان پول‌گرایان، سه انتقاد عمده نسبت به مسأله اعمال قاعده سیاست‌گذاری، بیان

داشته‌اند. کدام یک از موارد زیر، جزء انتقادات آنها نیست؟

- (الف) در عمل، قاعده‌ای وجود ندارد که بتوان آن را بدون توجه به عواقب آن، دنبال کرد  
 (ب) قاعده پیشنهادی به وسیله پول‌گرایان، در بلندمدت به یک نرخ بالای بیکاری می‌انجامد  
 (ج) قاعده پیشنهادی به وسیله پول‌گرایان، در بلندمدت به یک نرخ بالای تورم می‌انجامد  
 (د) یک قاعده سیاستی پولی، نمی‌تواند منجر به یک نرخ رشد پایدار برای تقاضای کل شود، زیرا سرعت گردش پول (V) تغییر می‌کند

۱۸ - وقتی یک کاهش قابل پیش‌بینی در سرعت گردش پول (V) به وجود می‌آید، بهترین

سیاست برای بانک مرکزی این است که:

- الف) حجم پول (M) را افزایش دهد      د) Q را کاهش دهد  
 ب) M را کاهش دهد                              ه) P را افزایش دهد  
 ج) تولید (Q) را افزایش دهد

۱۹ - شاخص‌های هادی یا پیشرو<sup>۲</sup> - یعنی شاخص‌هایی که با تغییر آنها می‌توان تغییرات اقتصاد را پیش‌بینی کرد، (مثل شاخص خالص تعداد واحدهای تأسیس یافته، شاخص سفارشهای مقاطعه‌کاران در مورد تأسیسات و تجهیزات، شاخص سفارشهای جدید واحدهای تولیدی برای مواد مصرفی و اولیه، شاخص عملکرد خریداران، شاخص تغییرات قیمت مواد اولیه اساسی، شاخص قیمت اوراق بهادار، حجم پول، شاخص متوسط ساعات کار در هفته، شاخص تعداد پروانه‌های ساختمانی، شاخص مطالبات هفتگی بابت بیکاری، شاخص موجودی، و شاخص اعتبارات مصرفی مربوط به کار) - عمدتاً به چه کار می‌آیند؟

- الف) برای سیاست‌گذاران فعال که بسته به تشخیص سیاست‌گذار هستند، به کار می‌آیند  
 ب) برای اعمال بهترین قاعده پولی به کار می‌آیند  
 ج) برای محدود کردن رشد هزینه‌های دولت به کار می‌آیند  
 د) برای پیش‌بینی GNP بالقوه به کار می‌آیند  
 ه) برای پیش‌بینی نرخهای بهره به کار می‌آیند

۲۰ - فرض کنید تابع مصرف  $GNP = 0.5C$ ، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده ناخالص ( $I^*$ ) برابر با ۵۰۰، هزینه‌های دولت (G) برابر با ۷۰۰، صادرات (X) برابر با ۳۰۰، و واردات برابر با ۱۰ درصد GNP باشد. آنگاه GNP تعادلی برابر است با:

- الف) ۲۵۰۰      ب) ۳۰۰۰      ج) ۳۷۵۰      د) ۳۹۵۰      ه) ۵۲۰۰

۲۱ - اگر  $GNP = 0.6C$ ،  $I^*_g = 500$ ،  $G = 700$ ،  $X = 300$ ، و واردات ۱۰ درصد GNP باشد، آنگاه GNP تعادلی برابر است با:

- الف) ۲۵۰۰      ب) ۳۰۰۰      ج) ۳۷۵۰      د) ۳۹۵۰      ه) ۵۲۰۰

۲۲ - نظریه ساده شتاب، اساساً حجم مطلوب سرمایه را به چه چیز مرتبط می‌سازد؟

- الف) قیمت سرمایه  
 ب) قیمت کالاهای مصرفی  
 ج) حجم تولید  
 د) سیاست پولی  
 ه) سیاست مالی

۲۳ - بر اساس نظریه ساده شتاب، سرمایه‌گذاری یک بنگاه وقتی افزایش خواهد بود که:

- الف) تولید در حال افزایش باشد  
 ب) رشد تولید، باگذشت زمان، بیش‌تر و بیش‌تر شود  
 ج) قیمت ماشین‌آلات در حال کاهش باشد  
 د) قیمت محصولات بنگاه در حال افزایش باشد  
 ه) نرخهای بهره در حال کاهش باشد

۲۴ - در نظریه ساده شتاب، سرمایه‌گذاری می‌تواند،

- الف) کاهش یابد، حتی وقتی فروش ستاده در حال افزایش است  
 ب) افزایش یابد، حتی وقتی فروش ستاده در حال کاهش است  
 ج) کاهش یابد، وقتی فروش، تراز است  
 د) افزایش یابد، وقتی فروش، تراز است  
 ه) همه موارد فوق

## پاسخنامه

الف (۱)	د (۲)	د (۳)	ج (۴)	د (۵)
الف (۶)	ج (۷)	الف (۸)	ج (۹)	ج (۱۰)
ب (۱۱)	د (۱۲)	ب (۱۳)	ه (۱۴)	ب (۱۵)
الف (۱۶)	ج (۱۷)	الف (۱۸)	الف (۱۹)	الف (۲۰)
ب (۲۱)	ج (۲۲)	ب (۲۳)	ه (۲۴)	

## نرخهای ارز: ثابت یا شناور؟

۱ - یک نرخ ارز، عبارت است از:

- (الف) مقدار وارداتی که در برابر یک واحد پول خارجی معاوضه می‌شود
- (ب) مقدار صادراتی که در برابر یک واحد پول خارجی معاوضه می‌شود
- (ج) قیمت پول یک کشور، بر حسب پول کشور دیگر
- (د) سطح قیمت در یک کشور، نسبت به سطح قیمت در کشور دیگر
- (ه) قیمت دلار در برابر پول هر کشور

۲ - اگر قیمت یک پوند، ۲ دلار باشد، آنگاه یک دلار،

- (الف) ۲ پوند ارزش دارد
- (ب) ۱ پوند ارزش دارد
- (ج) ۰/۷۵ پوند ارزش دارد
- (د) ۰/۵ پوند ارزش دارد
- (ه) ۲۲ پوند ارزش دارد

۳ - فرض کنید نرخهای ارز، شناور باشند، و قیمت پوند انگلیس در برابر ارزهای بین‌المللی، با توجه به تغییرات عرضه و تقاضا، تغییر کند. اگر کاهشی در تقاضای خارجی‌ها از پوند انگلیس رخ دهد، آنگاه محتمل‌ترین نتیجه این خواهد بود که:

- (الف) قیمت پوند بر حسب دلار کاهش یابد (ج) قیمت پوند در برابر دلار تثبیت شود
- (ب) قیمت پوند بر حسب دلار افزایش یابد (د) بودجه دولت انگلستان به سوی تراز برود

۴ - منشأ تقاضا برای پول یک کشور، در بازارهای ارز خارجی، چیست؟

- (الف) خرید پولهای خارجی به وسیله بانک مرکزی آن کشور
- (ب) تقاضای آن کشور از کالاهای خارجی
- (ج) تقاضای آن کشور از خدمات خارجی
- (د) سرمایه‌گذاری آن کشور در کشورهای خارجی
- (ه) تقاضای خارجی‌ها برای صادرات آن کشور

۵- کدام یک از شرایط زیر، منجر به کاهش تقاضا برای پوند انگلیس در بازارهای ارز خارجی می‌شود؟

(الف) کاهش در خریدهای انگلستان از آلمان

(ب) افزایش در تعداد جهانگردان آمریکایی که به انگلستان سفر می‌کنند

(ج) تغییر توجه آمریکایی‌ها از اتومبیل‌های انگلیسی به اتومبیل‌های ژاپنی

(د) افزایش در خرید آمریکاییان از اتومبیل‌های انگلیسی

(ه) افزایش در صادرات پارچه‌های انگلیسی به آمریکا

۶- فرض کنید بانک مرکزی ژاپن دست به یک سیاست پولی انبساطی بزند. آنگاه محتمل‌ترین نتیجه این است که:

(الف) تورم در ژاپن بالا رفته و قیمت ین در بازارهای ارز خارجی افزایش یابد

(ب) تورم در ژاپن پایین آمده و قیمت ین در بازارهای ارز خارجی افزایش یابد

(ج) تورم در ژاپن بالا رفته و قیمت ین در بازارهای ارز خارجی کاهش یابد

(د) تورم در ژاپن پایین آمده و قیمت ین در بازارهای ارز خارجی کاهش یابد

(ه) تورم در ژاپن تغییری نکند، اما قیمت ین در بازارهای ارز خارجی افزایش یابد

۷- در نظام قدیمی پایه طلا، با جریان یافتن طلا به سوی یک کشور،

(الف) به طور خودکار، حجم پول آن کشور افزایش می‌یافت

(ب) حجم پول آن کشور افزایش می‌یافت، اما فقط وقتی که بانک مرکزی آن کشور، دست به

خرید اوراق بهادار دولتی در بازار باز می‌زد

(ج) به طور خودکار، حجم پول آن کشور کاهش می‌یافت

(د) حجم پول آن کشور کاهش می‌یافت، اما فقط وقتی که بانک مرکزی آن کشور دست به فروش

اوراق بهادار دولتی در بازار باز می‌زد

(ه) به طور خودکار کسری بودجه دولتی افزایش می‌یافت

۸- در نظام بین‌المللی پایه طلا،

(الف) با کسری تراز پرداخت‌های یک کشور، طلا به سوی آن کشور جریان می‌یابد

(ب) با مازاد تراز پرداخت‌های یک کشور، طلا از آن کشور خارج می‌شود

(ج) با مازاد تراز پرداخت‌های یک کشور، طلا به سوی آن کشور جریان می‌یابد، و با کسری



تراز پرداخت‌ها، طلا از آن کشور خارج می‌شود

(د) با کسری تراز پرداخت‌ها، طلا وارد، و با مازاد تراز پرداخت‌ها، طلا از کشور خارج می‌شود  
 (ه) طلا در میان کشورها جریان پیدا نمی‌کند، چرا که به عنوان ذخیره در بانک‌های تجاری حفظ می‌شود

#### ۹ - در نظام قدیمی پایه طلا،

(الف) نرخهای ارز بسیار ناپایدار بودند، چرا که جریان‌های طلا باعث تغییر حجم پول کشورهای مختلف می‌شد

(ب) نرخهای ارز بسیار ناپایدار بودند، چرا که هر گاه طلای جدیدی کشف می‌شد، جریانهای طلا باعث تورم می‌گشت

(ج) نرخهای ارز بسیار ناپایدار بودند، چرا که کشورها اغلب برای تصرف ذخایر طلای یکدیگر، به جنگ می‌پرداختند

(د) پوند، دلار، و دیگر پولهای بین‌المللی، با طلا مرتبط بودند و در نتیجه نرخهای ارز ثابت می‌ماندند

(ه) نرخهای ارز ثابت بودند، زیرا برای هیچ کس امکان خرید اوراق بهادار خارجی وجود نداشت، آنها می‌بایست تنها طلا می‌خریدند

#### ۱۰ - در نظام قدیمی پایه طلا، جریان یافتن طلا به سوی کشوری، مثلاً ایالات متحده، چه زنجیره پیامدهایی را به دنبال داشت؟

(الف) افزایش در حجم پول، افزایش در سطح قیمت‌ها، و سرانجام افزایش در صادرات ایالات متحده

(ب) افزایش در حجم پول، افزایش در سطح قیمت‌ها، و سرانجام افزایش در واردات ایالات متحده

(ج) افزایش در حجم پول، افزایش در سطح قیمت‌ها، و سرانجام افزایش در هزینه‌های خارجی‌هایی که در ایالات متحده به سر می‌برند

(د) افزایش در حجم پول، افزایش در سطح قیمت‌های ایالات متحده، و سرانجام کاهش در هزینه‌هایی که آمریکایی‌ها در کشورهای دیگر خرج می‌کنند

(ه) به ترتیب، حجم پول، کسری بودجه دولت، و صادرات کالا در ایالات متحده افزایش می‌یابد

۱۱ - در نظام قدیمی پایه طلا، یک کشور چه موقع با مشکل تضاد میان سیاست‌های لازم برای تثبیت اقتصاد داخلی و سیاست‌های لازم برای تعدیل تجارت خارجی روبه‌رو می‌شد؟

- الف) هنگامی که در رکود به سر می‌برد و به خاطر کسری تراز پرداخت‌ها، طلا از دست می‌داد
- ب) هنگامی که در رکود به سر می‌برد و به خاطر مازاد تراز پرداخت‌ها، طلا به دست می‌آورد
- ج) هنگامی که قیمت‌ها و تعرفه‌ها، همزمان افزایش می‌یافتند
- د) هنگامی که نرخ بیکاری بالا بود
- ه) هنگامی که نرخ تورم بالا بود

۱۲ - برای یک کشور دارای کسری تراز پرداخت‌ها، مکانیزم تعدیل خودکار سیستم پایه طلا تمایل به ایجاد،

- الف) تورم بالایی دارد
- ب) جریان شدید طلا به داخل دارد
- ج) حجم بالایی از تولید ملی دارد
- د) بیکاری شدید دارد
- ه) سرمایه‌گذاری بسیار زیاد دارد

۱۳ - در یک سیستم نرخ ارز تثبیت شده، کاهش ارزش پوند انگلستان باعث،

- الف) گران‌تر شدن کالاهای انگلیسی برای خارجی‌ها، و ارزان‌تر شدن کالاهای خارجی برای انگلیسی‌ها می‌شود
- ب) گران‌تر شدن کالاهای انگلیسی برای خارجی‌ها، و نیز گران‌تر شدن کالاهای خارجی برای انگلیسی‌ها می‌شود
- ج) ارزان‌تر شدن کالاهای انگلیسی برای خارجی‌ها، و گران‌تر شدن کالاهای خارجی برای انگلیسی‌ها می‌شود
- د) ارزان‌تر شدن کالاهای انگلیسی برای خارجی‌ها، و نیز ارزان‌تر شدن کالاهای خارجی برای انگلیسی‌ها می‌شود
- ه) کاهش قیمت‌های داخلی در انگلستان می‌شود

۱۴ - بر اساس طرح اولیه صندوق بین‌المللی پول (IMF) - آن گونه که قبل از سال ۱۹۷۱

- وجود داشت - نرخهای ارز،
- الف) کاملاً شناور بودند

- (ب) شناور بودند، اما بانک‌های مرکزی در بازارهای ارز مداخله می‌کردند  
(ج) همواره ثابت بودند  
(د) از سیاست‌های پولی داخلی، تأثیری نمی‌پذیرفتند  
(ه) تثبیت شده، اما قابل تعدیل بودند

۱۵ - در سیستم اولیه IMF (قبل از ۱۹۷۱)، ارزش برابری اسمی یک پول رایج عبارت بود از:

- (الف) ارزش پول رایج، هر گاه بانک‌ها قیمت‌های اوراق را ثابت نگه می‌داشتند  
(ب) ارزش پول رایج، هر گاه بانک مرکزی یک قاعده پولی را دنبال می‌کرد  
(ج) قیمت رسمی پول رایج، که معمولاً بر حسب دلار آمریکا مشخص می‌شد  
(د) ارزش پول رایج، وقتی سیاست‌ها در جهت برابری بودند، و تورم پایین بود  
(ه) ارزش پول رایج، وقتی سیاست‌ها در جهت برابری بودند، و تورم و بیکاری هر دو پایین بودند

۱۶ - در سیستم IMF، وقتی یک کشور ارزش برابری اسمی پول رایج خود را تغییر می‌داد، که:

- (الف) با تعرفه‌های خارجی بالا روبه‌رو می‌شد (ج) با تورم روبه‌رو می‌شد  
(ب) با عدم تعادل مهمی در تراز (د) با بیکاری روبه‌رو می‌شد  
(ه) با ترکیبی از تورم و بیکاری روبه‌رو می‌شد

۱۷ - گاهی در سیستم تثبیتی قابل تعدیل IMF اولیه، سفته‌بازی به عنوان دشواری بزرگی پدیدار می‌گشت. علت اصلی سفته‌بازی گسترده این بود که:

- (الف) قیمت اوراق بهادار دولتی، شدیداً نوسان می‌کرد  
(ب) قیمت طلا شدیداً نوسان می‌کرد  
(ج) قیمت نفت شدیداً بالا و پایین می‌رفت  
(د) اگر ارزش برابری اسمی تغییر می‌کرد، سفته‌بازان سود می‌بردند، اما اگر ارزش برابری اسمی حفظ می‌شد، آنها ضرر چندانی نمی‌کردند  
(ه) اگر IMF به یک کشور، برای حفظ ارزش برابری اسمی پولش وام می‌داد، سفته‌بازان سود می‌بردند

۱۸ - در سیستم IMF اولیه، یعنی وقتی که نرخهای ارز تثبیت شده ولی قابل تعدیل بودند، یکی از دشواریها، مسأله "انتظارات خودتربخش"<sup>۱</sup> بود. این دشواری به این صورت بود که:

- (الف) وقتی کشورها انتظار مزاد تجاری داشتند، عملاً آن را به دست می‌آوردند  
 (ب) وقتی کشورها انتظار کسری تجاری داشتند، عملاً به آن گرفتار می‌شدند  
 (ج) وقتی مقامات پولی انتظار اجتناب از کاهش ارزش پول را داشتند، معمولاً موفق می‌شدند، زیرا اطلاعات و قدرت تصمیم‌گیری آنها مؤثر و مثبت بود  
 (د) وقتی سفته‌بازان گمان می‌بردند که ممکن است ارزش برابری یک پول کاهش یابد، دست به فروش آن پول می‌زدند، و با این کار احتمال این که عملاً ارزش برابری آن پول کاهش یابد را افزایش می‌دادند  
 (ه) وقتی سفته‌بازان گمان می‌بردند که ارزش برابری یک پول ممکن است کاهش یابد، دست به خرید آن پول می‌زدند، و با این کار احتمال این که عملاً ارزش آن پول کاهش یابد را بالا می‌بردند

۱۹ - فرض کنید ژاپن اجازه دهد ارزش پول رایج این کشور در بازارهای ارز، در پاسخ به تغییرات شدید در شرایط عرضه و تقاضا، تغییر کند، اما با این وجود، گاه‌گاهی در بازار مداخله کرده و با خرید و فروشهای رسمی دلار، بر نرخ ارز اثر بگذارد. در چنین وضعیتی، ژاپن دارای یک سیستم،

- (الف) شناوری پالوده است  
 (ب) شناوری آلوده است  
 (ج) نرخ ارز دائماً تثبیت شده است  
 (د) نرخ ارز تثبیت شده، اما قابل تعدیل است  
 (ه) پایه طلا است

۲۰ - در یک سیستم نرخ ارز شناور، کدام یک از گزینه‌های زیر بیانگر یک "حلقه خبیث" برای یک کشور - مثلاً ایران - می‌باشد؟

- (الف) تورم در ایران باعث افزایش ارزش برابری ریال در بازارهای ارز می‌شود، که این در جای خود موجب تورم بیش‌تر شده، و افزایش تورم، به افزایش بیش‌تر ارزش ریال می‌انجامد  
 (ب) تورم در ایران موجب کاهش ارزش برابری ریال در بازارهای ارز می‌شود، که این خود به

تورم بالاتر انجامیده، و افزایش تورم نیز موجب کاهش بیش تر ارزش ریال می شود  
(ج) نرخهای بهره بالاتر در ایران موجب کاهش ارزش برابری ریال می شود، و این خود به افزایش  
بیش تر نرخهای بهره می انجامد

(د) نرخهای بهره پایین تر در ایران موجب افزایش ارزش برابری ریال می شود، و این نیز خود به  
کاهش بیش تر نرخهای بهره می انجامد

۲۱ - در یک سیستم نرخ ارز شناور، کدام یک از گزینه های زیر بیانگر یک "حلقه شریف"  
برای یک اقتصاد - مثلاً ایران - می باشد؟

(الف) موفقیت ایران در مبارزه با تورم، موجب افزایش ارزش ریال در بازارهای ارز می شود، که  
این کمک می کند تا ایران تورم را پایین تر آورده، و کاهش تورم نیز باعث افزایش بیش تر در  
ارزش ریال می شود

(ب) موفقیت ایران در مبارزه با تورم موجب کاهش ارزش ریال در بازارهای ارز می شود، که این  
به ایران کمک می کند تا تورم را پایین تر نیز آورده، و کاهش تورم به کاهش بیش تر در ارزش  
ریال می انجامد

(ج) نرخهای بهره بالاتر در ایران منجر به افزایش ارزش ریال شده، که این باعث می شود نرخهای  
بهره بالاتر نیز برود

(د) هیچ کدام از موارد فوق، برای یک اقتصاد، مطلوب نیست

۲۲ - در نظام نرخ ارز شناور، بروز یک افزایش در ارزش مبادله پول یک کشور، با چه  
اصطلاحی بیان می شود؟

(الف) تضعیف (کاهش دادن) ارزش پول - devaluation

(ب) تقویت (افزایش دادن) ارزش پول - revaluation

(ج) تنزل (کاهش یافتن) ارزش پول - depreciation

(د) ترقی (افزایش یافتن) ارزش پول - appreciation

(ه) تعالی ارزش پول

۲۳ - فرض کنید که قیمت دلار آمریکا در بازارهای ارز خارجی افزایش یابد. این امر منجر  
به:

(الف) تشویق صادرات آمریکا، و کاهش آهسته تورم در این کشور می شود

- ب) کند شدن صادرات آمریکا، و شدت یافتن تورم در این کشور می‌شود  
 ج) کند شدن صادرات آمریکا، و کاهش آهسته تورم در این کشور می‌شود  
 د) تشویق صادرات آمریکا، و افزایش تورم در این کشور می‌شود  
 ه) افزایش صادرات و کاهش واردات آمریکا می‌شود

۲۴- فرض کنید نرخ ارز میان آمریکا و انگلستان، در تعادل اولیه یک پوند = دو دلار باشد. حال در نظر بگیرید که قیمت‌های داخلی در انگلستان ۲ برابر شده، در حالی که قیمت‌های داخلی در آمریکا ثابت مانده‌اند. اکنون بر اساس نظریه برابری قدرت خرید<sup>۲</sup>، نرخ ارز تعادلی جدید عبارت خواهد بود از:

- الف) یک پوند = یک دلار  
 ب) بین یک پوند = یک دلار و یک پوند = دو دلار قرار می‌گیرد، اما نمی‌توان مقدار آن را دقیقاً مشخص کرد  
 ج) هنوز نرخ ارز در همان مقدار قبلی یک پوند = دو دلار می‌باشد  
 د) بین یک پوند = دو دلار و یک پوند = چهار دلار قرار می‌گیرد، اما نمی‌توان مقدار آن را دقیقاً مشخص کرد  
 ه) یک پوند = چهار دلار

۲۵- اگر قیمت‌های داخلی انگلستان ثابت بمانند، ولی قیمت‌های داخلی فرانسه به سرعت افزایش یابند، آنگاه باعث خواهد شد که:

- الف) ارزش پوند در برابر فرانک بالا برود  
 ب) ارزش فرانک در برابر پوند بالا برود  
 ج) ارزش فرانک در برابر دلار بالا برود  
 د) هم ارزش پوند و هم ارزش فرانک در برابر دلار بالا برود  
 ه) هم ارزش پوند و هم ارزش فرانک در برابر دلار کاهش یابد

۲۶- کدام یک از شرایط زیر باعث کاهش صادرات کالاهای آمریکایی و افزایش واردات کالاهای خارجی به این کشور می‌شود؟

- الف) تورم در آمریکا و کاهش ارزش دلار
- ب) تورم در خارج آمریکا و کاهش ارزش دلار
- ج) تورم در آمریکا و افزایش ارزش دلار
- د) تورم در خارج آمریکا و افزایش ارزش دلار
- ه) کاهش ارزش دلار، و افزایش ارزش پولهای خارجی

۲۷ - در فاصله سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵، ارزش دلار آمریکا در بازارهای بین‌المللی ارز شدیداً افزایش یافت. این مسأله به دلیل،

- الف) خرید اموال و دارایی‌های آمریکا توسط خارجی‌ها رخ داد و موجب شد آمریکا به سوی یک مازاد تجاری برود
- ب) خرید اموال و دارایی‌های خارجی توسط آمریکایی‌ها رخ داد و موجب شد آمریکا به سوی یک مازاد تجاری برود
- ج) خرید اموال و دارایی‌های آمریکا توسط خارجی‌ها رخ داد و موجب شد آمریکا به سوی یک کسری تجاری برود
- د) خرید اموال و دارایی‌های خارجی توسط آمریکایی‌ها رخ داد و موجب شد آمریکا به سوی یک کسری تجاری برود
- ه) تغییر نرخهای ارز و کاهش دیدار جهانگردان از آمریکا رخ داد

۲۸ - در تراز پرداخت‌های هر کشور، صادرات کالاهای آن کشور به خارج به صورت،

- الف) یک رقم مثبت وارد می‌شود
- ب) یک رقم منفی وارد می‌شود
- ج) یکی از اقلام حساب سرمایه بلندمدت، وارد می‌شود
- د) یکی از اقلام حساب سرمایه کوتاه‌مدت، وارد می‌شود
- ه) یک تغییر در ذخایر وارد می‌شود

۲۹ - در حسابهای تراز پرداخت‌های هر کشور، افزایش در موجودی ذخایر رسمی آن کشور از ارزهای خارجی، به عنوان،

- الف) یک رقم مثبت وارد می‌شود
- ب) یک رقم منفی وارد می‌شود
- د) یک قلم صادرات، وارد می‌شود
- ه) سرمایه‌گذاری مستقیم وارد می‌شود

ج) یک قلم حساب جاری وارد می‌شود

۳۰ - در حسابهای تراز پرداخت‌ها، اقلامی که در زیر حسابهای سرمایه وارد می‌شوند، بیانگر،

الف) پرداخت‌های بهره‌ای هستند

ب) تغییر در مالکیت دارایی‌های خارجی هستند

ج) صادرات ماشین‌آلات سرمایه‌ای هستند

د) صادرات وسایط نقلیه سنگین و تجهیزات شبیه به آنها هستند

ه) همه موارد بالا

۳۱ - در حسابهای تراز پرداخت‌های یک کشور، "اختلاف آماری" به این دلیل به وجود می‌آید که:

الف) یک کشور ممکن است به خاطر اختلافات مرزی با یکی از همسایگانش، معاملات خارجی با آن کشور را نادیده بگیرد

ب) تعدادی از کشورها ممکن است پول آن کشور را به عنوان ذخیره نگه‌داری کنند، آنگاه اختلاف آماری وقتی به وجود می‌آید که کشورهای خارجی ذخایرشان را از پول رایج آن کشور افزایش دهند

ج) کشورها از سیستم پایه طلا خارج شده‌اند، چراکه در سیستم پایه طلا چنین اختلافات آماری به وجود نمی‌آید

د) نرخهای ارز شناور می‌باشند، چراکه در سیستم نرخهای تثبیت شده IMF، چنین اختلافاتی به وجود نمی‌آید

ه) هنگامی که دولت حسابهای تراز پرداخت‌ها را برآورد می‌کند، برخی از معاملات از قلم می‌افتد

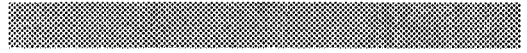


## پاسخنامه

ج (۵)	ه (۴)	الف (۳)	د (۲)	ج (۱)
ب (۱۰)	د (۹)	ج (۸)	الف (۷)	ج (۶)
ج (۱۵)	ه (۱۴)	ج (۱۳)	د (۱۲)	الف (۱۱)
ب (۲۰)	ب (۱۹)	د (۱۸)	د (۱۷)	ب (۱۶)
الف (۲۵)	الف (۲۴)	ج (۲۳)	د (۲۲)	الف (۲۱)
ب (۳۰)	ب (۲۹)	الف (۲۸)	ج (۲۷)	ج (۲۶)
				ه (۳۱)



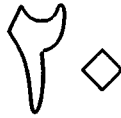
بخش هشتم



# پایه‌های اقتصاد خرد

مصرف‌کننده و بنگاه





## کاربرد عرضه و تقاضا: مفهوم کشش

۱ - کشش برای کدام یک از موارد زیر محاسبه می‌شود؟

الف) تقاضا      ب) عرضه      ج) هر دو      د) هیچ کدام  
ه) فقط تقاضا یا فقط عرضه، بسته به این که کدام یک از آنها نسبت به قیمت حساس‌تر باشند

۲ - یک منحنی تقاضا وقتی بی‌کشش است که درآمد کل،

الف) با کاهش قیمت، ثابت بماند      د) با قیمت رابطه‌ای نداشته باشد  
ب) با کاهش قیمت، کاهش یابد      ه) با افزایش قیمت، ثابت بماند  
ج) با کاهش قیمت، افزایش یابد

۳ - وقتی منحنی عرضه به راست جابه‌جا می‌شود، درآمد کل،

الف) باید افزایش یابد  
ب) باید کاهش یابد  
ج) فقط وقتی افزایش می‌یابد که منحنی تقاضا باکشش باشد  
د) فقط وقتی افزایش می‌یابد که منحنی تقاضا بی‌کشش باشد  
ه) فقط وقتی افزایش می‌یابد که منحنی عرضه بی‌کشش باشد

۴ - اگر یک درصد تغییر در قیمت، منجر به ۱۰ درصد تغییر در مقدار تقاضا شود، کشش تقاضا برابر است با:

الف) ۱۰      ب) ۱      ج) صفر      د) ۰/۱      ه) ۰/۰۱

۵ - در نظر بگیرید که وقتی قیمت نفت برای هر بشکه ۳۰ دلار است، ۴۰ میلیون بشکه نفت در روز تقاضا می‌شود، اما وقتی قیمت هر بشکه نفت ۴۰ دلار می‌باشد، در هر روز تنها ۳۵ میلیون بشکه تقاضا می‌شود. در این صورت تقاضا برای نفت،

الف) پرکشش است      د) دارای شیب مثبت است

(ب) کم‌کشش است  
(ج) کشش واحد دارد  
(ه) کاملاً باکشش است

۶- اگر یک منحنی تقاضا دارای شیب بیش‌تری نسبت به دیگری باشد، آنگاه منحنی تقاضای پرشیب‌تر،

(الف) نسبت به دیگری پرکشش‌تر است  
(ب) نسبت به دیگری کم‌کشش‌تر است  
(ج) در محل تلاقی، نسبت به دیگری پرکشش‌تر است  
(د) در محل تلاقی، نسبت به دیگری کم‌کشش‌تر است  
(ه) در نقاط عدم تلاقی، نسبت به دیگری کم‌کشش‌تر است

۷- اگر خانواده‌ای ۱۰۰ واحد از درآمدها را برای مخارج تفریحی کنار بگذارند - و به هیچ وجه یک واحد کم‌تر یا بیش‌تر صرف مخارج تفریحی نکنند - آنگاه تقاضای آنها برای تفریح و سرگرمی،

(الف) پرکشش است  
(ب) کم‌کشش است  
(ج) دارای کشش واحد است  
(د) دارای کشش صفر است  
(ه) دارای کشش نامعین است

۸- اگر کشش تقاضا ۲ باشد، یک کاهش ۲ درصدی در قیمت منجر به:

(الف) کاهش تقاضا به اندازه ۲ درصد می‌شود  
(ب) افزایش تقاضا به اندازه ۲ درصد می‌شود  
(ج) کاهش تقاضا به اندازه ۴ درصد می‌شود  
(د) دو برابر شدن مقدار تقاضا می‌شود  
(ه) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

۹- اگر تقاضا برای یک کالای کشاورزی کاملاً پرکشش باشد - یعنی کشش تقاضا بی‌نهایت باشد - تغییر در شرایط آب و هوا،

(الف) بر قیمت اثر می‌گذارد، اما بر مقدار فروش بی‌اثر است  
(ب) بر مقدار فروش اثر می‌گذارد، اما بر قیمت بی‌اثر است

ج) نه بر قیمت و نه بر مقدار فروش، تأثیر نمی‌گذارد

د) مطمئناً بر قیمت و مقدار فروش، اثر می‌گذارد

ه) احتمالاً بر قیمت و مقدار فروش، اثر می‌گذارد

۱۰ - اگر قیمت کالای X از  $1/5$  واحد به  $2/5$  واحد افزایش یابد، و با این تغییر، عرضه‌کنندگان، عرضه خود را از ۹۰۰۰ به ۱۱۰۰۰ افزایش دهند، آنگاه کشش عرضه در

نقطه میانی (نقطه‌ای که در وسط فاصله تغییرات قرار دارد)، برابر است با:

الف)  $0/1$       ب)  $0/4$       ج)  $8$       د)  $2/5$       ه)  $4$

۱۱ - اگر یک منحنی عرضه، خط راستی باشد که از مبدأ عبور کند، کشش عرضه برابر است با:

الف) بیش از یک      د) صفر

ب) یک      ه) یک مقدار منفی

ج) بین صفر و یک

۱۲ - اگر دو منحنی عرضه از یک نقطه عبور کنند،

الف) منحنی خوابیده‌تر، کم‌کشش‌تر است

ب) منحنی خوابیده‌تر، کم‌کشش‌تر است، مشروط بر آن که از مبدأ بگذرد

ج) منحنی خوابیده‌تر، پرکشش‌تر است

د) کشش آنها یکسان است

ه) نمی‌توان کشش‌های آنها را مقایسه کرد

۱۳ - تقاضا برای یک کالا وقتی کم‌کشش خواهد بود که:

الف) آن کالا جانشین‌های نزدیک زیادی در مصرف داشته باشد

ب) آن کالا نسبتاً یک کالای لوکس باشد

ج) ما به منحنی تقاضای بلندمدت توجه کنیم، نه به منحنی کوتاه‌مدت

د) آن کالا در بودجه بیش‌تر خریداران، سهم اندکی را اشغال کند

ه) آن کالا جانشین‌های نزدیکی در تولید داشته باشد

۱۴ - این واقعیت که گندم و کاه، محصولات مشترک یک فرآیند تولیدی هستند، باعث

می‌شود،

- |                                 |                            |
|---------------------------------|----------------------------|
| (الف) عرضه گاه پرکشش باشد       | (د) تقاضای گاه پرکشش باشد  |
| (ب) عرضه گاه کم‌کشش باشد        | (ه) تقاضای گاه کم‌کشش باشد |
| (ج) عرضه گاه دارای کشش صفر باشد |                            |

۱۵ - اگر تقاضای گندم به راست جابه‌جا شود، افزایش در قیمت آن وقتی بیش‌ترین مقدار خواهد بود که:

- |  |
|--|
| (الف) تقاضا و عرضه پرکشش باشند             |
| (ب) تقاضا پرکشش، و عرضه کم‌کشش باشد        |
| (ج) تقاضا پرکشش، و عرضه دارای کشش صفر باشد |
| (د) تقاضا کم‌کشش، و عرضه پرکشش باشد        |
| (ه) تقاضا و عرضه هر دو کم‌کشش باشند        |

۱۶ - این واقعیت که کره دارای جانشین نزدیکی در مصرف به نام مارگارین (کره نباتی) می‌باشد، باعث می‌شود،

- |                                |                            |
|--------------------------------|----------------------------|
| (الف) عرضه کره پرکشش باشد      | (د) تقاضای کره پرکشش باشد  |
| (ب) عرضه کره کم‌کشش باشد       | (ه) تقاضای کره کم‌کشش باشد |
| (ج) تقاضا تحت تأثیر قرار نگیرد |                            |

۱۷ - عرضه گوجه‌فرنگی در کوتاه‌مدت کم‌کشش است، زیرا:

- |  |
|--|
| (الف) گوجه را نمی‌توان انبار کرد   |
| (ب) برای مصرف‌کنندگان دشوار است که خریدهایشان را از گوجه، به سبزی‌گونه‌های دیگر جابه‌جا کنند |
| (ج) برای مصرف‌کنندگان آسان است که خریدهای خود را از گوجه، به سبزی‌گونه‌های دیگر جابه‌جا کنند |
| (د) برای کشاورزان آسان است که تولیدشان را از گوجه، به سبزی‌گونه‌های دیگر تغییر دهند          |
| (ه) برخی از مردم به گوجه به عنوان یک کالای لوکس می‌نگرند                                     |

۱۸ - اگر دولت هزینه انبارداری محصولات کشاورزی را به کشاورزان بپردازد، باعث



می‌شود،

- (الف) کشش تقاضا بیش تر شود
- (ب) کشش تقاضا کم تر شود
- (ج) کشش عرضه کم تر شود
- (د) کشش عرضه بیش تر شود
- (ه) تغییری در عرضه یا تقاضا به وجود نمی‌آید

۱۹- اگر دولت یک مالیات بر فروش بر یک کالای کاملاً رقابتی برقرار کند، آنگاه فروشندگان بخش بیش تری از فشار مالیاتی را تحمل خواهند کرد، اگر،

- (الف) تقاضا پرکشش، و عرضه کم کشش باشد
- (ب) تقاضا کم کشش، و عرضه پرکشش باشد
- (ج) هر دوی عرضه و تقاضا کم کشش باشند
- (د) هر دوی عرضه و تقاضا پرکشش باشند
- (ه) کشش عرضه بی‌نهایت باشد

۲۰- هنگامی تمام بار برقراری مالیات بر یک کالا، بر خریداران تحمیل می‌شود که:

- (الف) خریداران در همه موارد، تمامی بار مالیات را تحمل کنند
- (ب) عرضه دارای کشش واحد باشد
- (ج) تقاضا دارای کشش واحد باشد
- (د) تقاضا دارای کشش بی‌نهایت باشد
- (ه) تقاضا دارای کشش صفر باشد

۲۱- اگر یک مالیات بر فروش، بر کالای X برقرار شود، درآمد دولت وقتی حداکثر خواهد بود که:

- (الف) عرضه و تقاضا، هر دو پرکشش باشند
- (ب) عرضه و تقاضا، هر دو کم کشش باشند
- (ج) تقاضا پرکشش، و عرضه کم کشش باشد
- (د) عرضه پرکشش، و تقاضا کم کشش باشد
- (ه) تقاضا دارای کشش بی‌نهایت باشد

۲۲- اگر تقاضا برای کالای X کم کشش تر از آن چیزی باشد که دولت برآورد می‌کند، آنگاه

درآمدی که دولت از یک مالیات بر فروش کالای X به دست می‌آورد،

- الف) قابل جمع‌آوری نخواهد بود  
 ب) تغییر می‌کند، اما معلوم نیست  
 ج) کم‌تر از مقدار پیش‌بینی خواهد بود  
 د) بیش‌تر از مقدار پیش‌بینی خواهد بود  
 ه) تغییری نمی‌کند

۲۳ - درآمد سالیانه دولت از یک مالیات بر فروش،

- الف) در بلندمدت بیش‌تر از کوتاه‌مدت خواهد بود  
 ب) در بلندمدت کم‌تر از کوتاه‌مدت خواهد بود  
 ج) در کشورهای دارای جمعیت کم‌تر، بیش‌تر خواهد بود  
 د) در کشورهای دارای شهرهای بزرگ در مناطق مرزی، بیش‌تر خواهد بود  
 ه) هیچ‌کدام از موارد فوق درست نیست

۲۴ - کشش درآمدی تقاضا،

- الف) برای یک کالای پست، مثبت است  
 ب) برای یک کالای عادی (نرمال)،  
 منفی است  
 ج) برای یک کالای پست، صفر است  
 د) برای یک کالای پست، منفی است  
 ه) (الف) و (ب) درست است

۲۵ - کشش متقاطع تقاضا،

- الف) اگر کالاها جانشین باشند، مثبت است  
 ب) اگر کالاها مکمل باشند، مثبت است  
 ج) اگر کالاها جانشین باشند، منفی است  
 د) اگر کالاها جانشین باشند، صفر است  
 ه) اگر کالاها مکمل باشند، صفر است

۲۶ - فرض کنید وقتی قیمت Y به اندازه ۱۰ درصد افزایش می‌یابد، تقاضای X به اندازه

۲۰ درصد کاهش یابد، و سایر عوامل ثابت باشند. در این صورت، کشش متقاطع تقاضا  $(E_{XY})$ ، برابر است با:

- الف) ۵  
 ب)  $-۰/۵$   
 ج) نامعلوم  
 د) ۲  
 ه)  $-۲$

۲۷ - کشش درآمدی تقاضا بیانگر،

- الف) درصد تغییر در مقدار تقاضا، تقسیم بر درصد تغییر در قیمت است  
 ب) درصد تغییر در درآمد، تقسیم بر درصد تغییر در تقاضا است  
 ج) درصد تغییر در قیمت، تقسیم بر درصد تغییر در تقاضا است  
 د) درصد تغییر در مقدار تقاضا، تقسیم بر مقدار درآمد است  
 ه) درصد تغییر در مقدار تقاضا، تقسیم بر درصد تغییر در درآمد است

۲۸- کشش متقاطع تقاضا، بیانگر درصد تغییر در مقدار تقاضای  $X$  تقسیم بر درصد تغییر در،

- الف) مقدار تقاضای  $Y$  می‌باشد  
 ب) مقدار عرضه  $Y$  می‌باشد  
 ج) درآمد می‌باشد  
 د) قیمت  $X$  می‌باشد  
 ه) قیمت  $Y$  می‌باشد

۲۹- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- الف) کشش تقاضا بیانگر چگونگی حساسیت خریداران به تغییر در قیمت است، در حالی که کشش عرضه بیانگر چگونگی حساسیت فروشندگان به تغییر در قیمت می‌باشد  
 ب) کشش عرضه در کوتاه‌مدت بزرگ‌تر از بلندمدت است  
 ج) کشش تقاضای کالاهای لوکس بیش‌تر از کالاهای ضروری است  
 د) عرضه پوست کم‌کشش است، زیرا پوست و گوشت محصولات مشترک هستند  
 ه) هر چه کالاها در تولید، جانشین بهتری برای هم باشند (یعنی به راحتی بتوان یکی را به جای دیگری تولید کرد)، عرضه دارای کشش بیش‌تر، و هر چه کالاهایی در مصرف جانشین بهتری باشند، تقاضا دارای کشش بیش‌تر می‌باشد

## پاسخنامه

ب (٥)	الف (٢)	ج (٣)	ب (٢)	ج (١)
ب (١٥)	ب (٩)	ه (٨)	ج (٧)	د (٦)
ه (١٥)	ب (١٤)	د (١٣)	ج (١٢)	ب (١١)
ه (٢٥)	الف (١٩)	د (١٨)	الف (١٧)	د (١٦)
الف (٢٥)	د (٢٤)	ب (٢٣)	د (٢٢)	ب (٢١)
	ب (٢٩)	ه (٢٨)	ه (٢٧)	ه (٢٦)



## تقاضا و مطلوبیت

۱ - تقاضای بازار برای یک کالا، عبارت است از:

- (الف) مجموع عمودی تقاضاهای افراد  
(ب) متوسط تقاضاهای افراد  
(ج) مجموع افقی تقاضاهای افراد  
(د) حاصل ضرب عمودی تقاضاهای افراد  
(ه) حاصل ضرب افقی تقاضاهای افراد

۲ - منحنی تقاضای بازار، دارای،

- (الف) شیب کم‌تری نسبت به منحنی‌های تقاضای افراد می‌باشد  
(ب) شیب بیش‌تری نسبت به منحنی‌های تقاضای افراد می‌باشد  
(ج) شیب کم‌تر یا بیش‌تر است، به طور کلی نمی‌توان آن را تعیین کرد  
(د) شیبی همانند منحنی‌های تقاضای افراد می‌باشد  
(ه) شیب بیش‌تری نسبت به منحنی‌های تقاضای افراد است، اگر این منحنی‌ها پرکشش باشند

۳ - مطلوبیت نهایی را می‌توان با،

- (الف) ارتفاع منحنی تقاضا به علاوه قیمتی که مصرف‌کننده واقعاً حاضر است بپردازد، اندازه گرفت  
(ب) ارتفاع منحنی تقاضا منهای قیمتی که مصرف‌کننده واقعاً حاضر است بپردازد، اندازه گرفت  
(ج) قیمتی که مصرف‌کننده حاضر است بپردازد، به علاوه قیمتی که او واقعاً می‌پردازد، اندازه گرفت  
(د) فاصله میان محور عمودی و منحنی تقاضا اندازه گرفت  
(ه) ارتفاع منحنی تقاضا، اندازه گرفت

۴ - ارتفاع منحنی تقاضا در هر مقدار، بیانگر،

- (الف) حداکثر قیمتی است که مصرف‌کننده حاضر است برای خرید آخرین واحد، بپردازد  
(ب) حداقل قیمتی است که مصرف‌کننده انتظار دارد برای خرید آخرین واحد، بپردازد

(ج) حداکثر مقداری است که مصرف‌کننده حاضر است با قیمت جاری خریداری کند  
(د) حداقل مقداری است که مصرف‌کننده حاضر است با قیمت جاری خریداری کند

۵ - یک مصرف‌کننده تا جایی به خرید یک کالا ادامه می‌دهد که:

(الف) مطلوبیت نهایی آن کالا برای مصرف‌کننده به صفر برسد

(ب) مطلوبیت نهایی آن کالا تا سطح قیمت آن کاهش یابد

(ج) مطلوبیت کل آن کالا تا سطح قیمت آن کاهش یابد

(د) مطلوبیت کل آن کالا به صفر برسد

(ه) مطلوبیت کل آن کالا تا سطح قیمت آن بالا برود

۶ - مقدار کالایی که یک مصرف‌کننده خریداری می‌کند (در وضعیتی که اطلاعات کامل وجود ندارد)، بستگی دارد به:

(د) فقط قیمت و هزینه جست‌وجو

(الف) فقط مطلوبیت نهایی آن کالا

(ه) مطلوبیت نهایی، هزینه جست‌وجو، و قیمت

(ب) فقط هزینه جست‌وجو<sup>۱</sup>

(ج) فقط قیمت

۷ - بر اساس قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی،

(الف) مطلوبیت حاصل از یک واحد دیگر، هرگز نمی‌تواند افزایش یابد

(ب) مطلوبیت نهایی همواره باید منفی باشد

(ج) مطلوبیت نهایی همواره باید مثبت باشد

(د) مطلوبیت نهایی نخست باید افزایش یابد، اما به ناچار ممکن است کاهش یابد

(ه) مطلوبیت نهایی نخست ممکن است افزایش یابد، اما به ناچار باید کاهش یابد

۸ - در کدام یک از موارد زیر، مصرف‌کنندگان از کم‌ترین مازاد مصرف‌کننده<sup>۲</sup> بهره می‌برند؟

(در هر مورد فرض کنید که مصرف‌کنندگان با قیمت‌های یکسانی روبه‌رو بوده و مقادیر

یکسانی خریداری می‌کنند.)

(د) کشش عرضه ۱ باشد

(الف) کشش تقاضا ۱ باشد

1 - search cost - هزینه‌های جست‌وجو برای یافتن کم‌ترین قیمت پیشنهادی

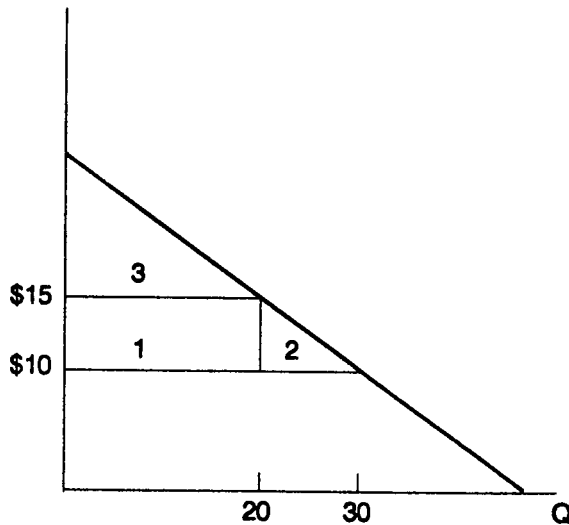
2 - consumer surplus

(ه) عرضه شدیداً پرکشش باشد

(ب) تقاضا شدیداً کم‌کشش باشد

(ج) تقاضا شدیداً پرکشش باشد

● هفت سؤال بعدی بر اساس شکل زیر طراحی شده‌اند:



۹- اگر قیمت ۱۵ دلار باشد، کدام ناحیه بیانگر مازاد مصرف‌کننده است؟

الف) ۱      ب) ۲      ج) ۳      د) ۱ + ۲      ه) ۱ + ۲ + ۳

۱۰- اگر قیمت از ۱۵ دلار به ۱۰ دلار کاهش یابد، نفعی که مصرف‌کنندگان می‌برند، برابر است با ناحیه،

الف) ۱      ب) ۲      ج) ۳      د) ۱ + ۲      ه) ۱ + ۲ + ۳

۱۱- اگر قیمت از ۱۵ دلار به ۱۰ دلار کاهش یابد، آنگاه نفع مصرف‌کننده برابر است با:

الف) ۵ دلار      ب) ۱۵ دلار      ج) ۱۰۰ دلار      د) ۱۲۵ دلار      ه) ۱۵۰ دلار

۱۲- اگر قیمت از ۱۵ دلار به ۱۰ دلار کاهش یابد، ناحیه ۱ بیانگر،

الف) نفع مصرف‌کنندگان است، زیرا اکنون واحدهای بیش‌تری مصرف می‌شود

ب) نفع مصرف‌کنندگان اولیه است، زیرا واحدهایی که نخست با ۱۵ دلار خریداری می‌شد، اکنون می‌تواند با ۱۰ دلار خریداری شود

(ج) مازاد مصرف‌کننده پس از تغییر قیمت است

(د) منافع کل مصرف‌کننده از همه واحدهای خریداری شده است

(ه) منافع نهایی حاصل از آخرین واحد خریداری شده برای مصرف‌کننده است

۱۳ - اگر قیمت از ۱۵ دلار به ۱۰ دلار کاهش یابد، ناحیه ۲ بیانگر،

(الف) نفع مصرف‌کنندگان از واحدهای جدیدی است که اکنون خریداری می‌کنند

(ب) نفع مصرف‌کنندگان از واحدهایی است که نخست خریداری می‌کردند، و اکنون می‌توانند با

۵ دلار کم‌تر خریداری نمایند

(ج) مازاد مصرف‌کنندگان پس از تغییر قیمت است

(د) منافع کل مصرف‌کنندگان از همه واحدهای خریداری شده است

(ه) منافع نهایی مصرف‌کنندگان از آخرین واحد خریداری شده است

۱۴ - اگر قیمت از ۱۵ دلار به ۱۰ دلار کاهش یابد، ناحیه ۳ + ۲ + ۱ بیانگر،

(الف) نفع مصرف‌کننده بر روی کالاهای جدیدی است که اکنون خریداری می‌کند

(ب) نفع مصرف‌کننده بر روی کالاهایی است که نخست خریداری می‌کرد، و اکنون می‌تواند با ۵

دلار کم‌تر خریداری کند

(ج) مازاد مصرف‌کننده پس از تغییر قیمت است

(د) منافع کل مصرف‌کننده از همه واحدهای خریداری شده است

(ه) منافع نهایی مصرف‌کننده از آخرین واحد خریداری شده است

۱۵ - اگر قیمت از ۱۰ دلار به ۱۵ دلار افزایش یابد، کدام یک از ناحیه‌های زیر بیانگر زیان

مصرف‌کننده است؟

(الف) ۱      (ب) ۲      (ج) ۳      (د) ۱ + ۲      (ه) ۱ + ۲ + ۳

۱۶ - مازاد مصرف‌کننده عبارت است از:

(الف) ارتفاع منحنی تقاضا به علاوه قیمتی که مصرف‌کنندگان عملاً می‌پردازند

(ب) ارتفاع منحنی تقاضا منهای قیمتی که مصرف‌کنندگان عملاً می‌پردازند

(ج) قیمتی که مصرف‌کنندگان تمایل به پرداخت آن دارند، به علاوه قیمتی که آنها عملاً

می‌پردازند

(د) قیمتی که مصرف‌کنندگان تمایل به پرداخت آن دارند، منهای ارتفاع منحنی تقاضا



ه) ارتفاع منحنی تقاضا

۱۷ - اگر قیمت کالای A افزایش یابد، آنگاه:

الف) مطلوبیت نهایی کاهش، و مطلوبیت کل افزایش می‌یابد

ب) مطلوبیت نهایی افزایش، و مطلوبیت کل کاهش می‌یابد

ج) مطلوبیت نهایی کاهش می‌یابد، اما کم‌تر از کاهش مطلوبیت کل

د) مطلوبیت نهایی کاهش می‌یابد، بیش از کاهش مطلوبیت کل

ه) هر دو مطلوبیت نهایی و کل افزایش می‌یابند

۱۸ - هر چه گرایش مردم به تحمل هزینه‌های جست‌وجو بیش‌تر باشد،

الف) قیمت‌های پیشنهادی فروشندگان، اختلاف بیش‌تری خواهد داشت

ب) قیمت‌های پیشنهادی فروشندگان، اختلاف کم‌تری خواهد داشت

ج) قیمت‌های پیشنهادی فروشندگان، بالاتر خواهد بود

د) تأثیری در قیمت‌های پیشنهادی فروشندگان نخواهد داشت

۱۹ - معمولاً خرید و استفاده از یک جنس، دارای هزینه‌های زمان است. هزینه‌های زمان،

الف) در یک کشور دارای درآمد بالا (نسبت به یک کشور کم‌درآمد)، بزرگ‌تر است، و این

یکی از دلایل خرید اتومبیل‌های ارزان در آن کشورهاست

ب) در یک کشور پردرآمد، بزرگ‌تر است، و این یکی از دلایل این موضوع است که چرا در

این کشورها اتومبیل‌های گران‌تر و مطمئن‌تر خریداری می‌شود

ج) در کشورهای پردرآمد، کم‌تر است، و این یکی از دلایل خرید اتومبیل‌های گران و مطمئن

در این کشورهاست

د) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

۲۰ - یک مصرف‌کننده خریدار دو کالا، آنگاه در تعادل خواهد بود که:

الف) نسبت مطلوبیت‌های نهایی این دو کالا، بزرگ‌تر از نسبت قیمت‌هایشان باشد

ب) نسبت مطلوبیت‌های نهایی این دو کالا، کوچک‌تر از نسبت قیمت‌هایشان باشد

ج) نسبت مطلوبیت‌های نهایی این دو کالا، برابر با ۱ باشد

د) نسبت مطلوبیت‌های نهایی این دو کالا، برابر با نسبت قیمت‌هایشان باشد

۲۱ - افزایشی در قیمت پوشاک (در حالی که قیمت غذا ثابت باقی می ماند)،

الف) شیب منحنی های بی تفاوتی همه افراد را تغییر می دهد

ب) شیب همان منحنی بی تفاوتی مربوط را تغییر می دهد

ج) شیب خط بودجه را تغییر می دهد

د) هم شیب خط بودجه و هم شیب همه منحنی های بی تفاوتی را تغییر می دهد

ه) هیچ کدام از تغییرات فوق، صورت نمی گیرد

۲۲ - بر اساس اثر جانشینی، کاهش قیمت سیب منجر می شود به:

الف) افزایشی در خرید سیب، زیرا کالاهای دیگر نسبت به سیب ارزان تر شده اند

ب) افزایشی در خرید سیب، زیرا سیب نسبت به کالاهای دیگر ارزان تر شده است

ج) کاهش قیمت سیب، زیرا سیب نسبت به کالاهای دیگر ارزان تر شده است

د) تنها بر کالاهای جانشین سیب اثر می گذارد، و بر تقاضای سیب، بی اثر است

۲۳ - اثر درآمدی (برای یک کالای عادی) به این مفهوم است که کاهش قیمت سیب،

منجر می شود به:

الف) افزایشی در خرید سیب، زیرا کالاهای دیگر نسبت به سیب، ارزان تر شده اند

ب) افزایشی در خرید سیب، زیرا سیب نسبت به کالاهای دیگر، ارزان تر شده است

ج) کاهش قیمت سیب، زیرا سیب نسبت به کالاهای دیگر، ارزان تر شده است

د) کاهش قیمت سیب، زیرا درآمد واقعی خریدار، افزایش یافته است

ه) افزایشی در خرید سیب، زیرا درآمد واقعی خریدار، افزایش یافته است

۲۴ - اگر همچنان که مصرف کننده خریدش را از یک کالا افزایش می دهد، قیمت آن کالا

مرتباً افزایش یابد، خط بودجه،

الف) گرد یکی از محورها، چرخش می کند

ب) تغییری نمی کند

ج) به طرف مبدأ خمیده می شود (مثل یک منحنی امکانات تولید)

د) به طرف بیرون خمیده می شود (مثل یک منحنی بی تفاوتی)

ه) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

۲۵- اگر A یک کالای پست باشد، و قیمتش کاهش یابد، آنگاه:

- (الف) اثر جانشینی، مثبت و اثر درآمدی، منفی خواهد بود  
 (ب) هر دو اثر جانشینی و درآمدی، منفی خواهند بود  
 (ج) یک اثر جانشینی منفی، بر یک اثر درآمدی مثبت تسلط دارد  
 (د) یک اثر جانشینی مثبت، بر یک اثر درآمدی مثبت تسلط دارد

۲۶- اگر B یک کالای گیفن<sup>۳</sup> باشد، و قیمتش کاهش یابد، آنگاه:

- (الف) یک اثر جانشینی مثبت توسط یک اثر درآمدی منفی جبران شده است  
 (ب) یک اثر جانشینی مثبت توسط یک اثر درآمدی مثبت کاملاً جبران شده است  
 (ج) یک اثر جانشینی منفی توسط یک اثر درآمدی مثبت کاملاً جبران شده است  
 (د) یک اثر جانشینی منفی توسط یک اثر درآمدی منفی کاملاً جبران شده است

۲۷- اگر C یک کالای گیفن باشد، آنگاه:

- (الف) تقاضایش دارای شیب منفی است  
 (ب) تقاضایش دارای شیب منفی است، اما بسیار کم‌کشش است  
 (ج) تقاضایش افقی است  
 (د) تقاضایش دارای شیب مثبت است  
 (ه) تقاضایش عمودی است

## پاسخنامه

ب (۵)	الف (۴)	ه (۳)	الف (۲)	ج (۱)
د (۱۰)	ج (۹)	ج (۸)	ه (۷)	ه (۶)
د (۱۵)	ج (۱۴)	الف (۱۳)	ب (۱۲)	د (۱۱)
د (۲۰)	ب (۱۹)	ب (۱۸)	ب (۱۷)	ب (۱۶)
ج (۲۵)	ج (۲۴)	ه (۲۳)	ب (۲۲)	ج (۲۱)
			د (۲۷)	ج (۲۶)



## سازمان تجاری

### بنگاههای فردی<sup>۱</sup>، بنگاههای شراکتی<sup>۲</sup> و شرکت های سهامی<sup>۳</sup>

۱ - شراکت (بنگاه شراکتی)، در مقایسه با شرکت سهامی چه مزیت هایی دارد؟

الف) مسؤولیت محدود و سادگی افزایش تأمین مالی

ب) مسؤولیت نامحدود و سادگی افزایش تأمین مالی

ج) مسؤولیت محدود و تداوم

د) مسؤولیت نامحدود و تداوم

ه) سادگی و انعطاف پذیری

۲ - در یک شراکت معمول (بنگاه شراکتی)، هر شریک،

الف) باید مالیات بر درآمد شخصی را برای کل درآمد شرکت بپردازد

ب) دارای مسؤولیت نامحدود است، اما فقط نسبت به بدهی هایی که خود شخصاً تعهد کرده است

ج) دارای مسؤولیت نامحدود است، اما فقط نسبت به سهمش از بدهی های شرکت

د) دارای مسؤولیت نامحدود نسبت به همه بدهی های شرکت می باشد، از جمله بدهی هایی که

دیگر شریکانش تعهد کرده اند

ه) به اندازه سرمایه گذاری اولیه اش می تواند زیان کند، و نه بیش تر

۳ - شکل شراکت سازمان تجاری،

الف) برای هر شریک مسؤولیتی محدود به سهمش از بنگاه در نظر می گیرد

ب) به طور معمول برای افزایش وجوه لازم برای گسترش بنگاه، سهم عادی منتشر می کند

ج) می تواند حداکثر پنج شریک داشته باشد (چرا که هر تعداد بیش تر، به این مفهوم است که

1 - proprietorships

2 - partnerships

3 - corporations

تشکیل شرکت لازم است)

د) نمی‌تواند مانند یک شرکت سهامی که با مرگ یکی از مالکان به طور خود به خود تداوم می‌یابد، تداوم پیدا کند

۴ - در مقایسه با شراکت معمول، شرکت سهامی چه مزیت‌هایی دارد؟

الف) بدهی ندارد، زیرا شرکت سهامی  
ب) فقط می‌تواند سهام منتشر کند  
ج) مسؤلیت محدود دارد  
د) سود این شرکت‌ها از مالیات آزاد است  
ه) مسؤلیت نامحدود دارد

۵ - شرکت سهامی، متضمن "مسؤولیت محدود"<sup>۴</sup> می‌باشد. این بدین مفهوم است که:

الف) مالکان سهام‌دار، شخصاً در برابر بدهی‌های شرکت مسؤلیتی ندارند  
ب) شرکت قانوناً در مورد بدهی‌هایش، در هر سال، بیش از  $\frac{1}{4}$  ثروت خالصش مسؤلیت ندارد  
ج) مدیران شرکت را نمی‌توان برای هر فعالیت فریب‌کارانه شرکت، مسؤل دانست  
د) همه موارد بالا درست است

۶ - شرکت سهامی در مقایسه با مشارکت معمول، چه نقضی دارد؟

الف) مسؤلیت نامحدود  
ب) مسؤلیت محدود  
ج) مالیات‌گیری مضاعف از سودهای سهام  
د) فقدان تداوم  
ه) همه موارد فوق

۷ - سودهایی که به وسیله یک شراکت (بنگاه شراکتی) کسب می‌شود،

الف) دوبار مالیات‌بندی می‌شود  
ب) اغلب به وسیله خود بنگاه نگه‌داری می‌شود، که در این حالت از مالیات فرار می‌کند  
ج) با آنها به عنوان درآمد شخصی شرکا رفتار می‌شود و بنابراین موضوع مالیات بر درآمد شخصی قرار می‌گیرد  
د) برای گرفتن مالیات، با آنها به عنوان سود سرمایه برخورد می‌شود  
ه) مشمول مالیات نمی‌شوند

۸ - سودهای یک بنگاه فردی (مؤسسه شخصی)،

- الف) دوبار مالیات‌گیری می‌شود
- ب) اگر در داخل بنگاه باقی بماند، به عنوان بخشی از درآمدهای قابل مالیات‌گیری مالک به حساب نمی‌آید
- ج) به عنوان منافع سرمایه، موضوع مالیات قرار می‌گیرد
- د) به عنوان درآمد شخصی تلقی شده، و بنابراین موضوع درآمد شخصی قرار می‌گیرد
- ۹- یکی از عیوب مالیات‌بندی مضاعف بر سود سهام شرکت‌های سهامی، این است که این گونه مالیات‌بندی،
- الف) تنازلی است
- ب) تصاعدی است
- ج) باعث می‌شود شرکت‌های سهامی ترجیح دهند برای افزایش سرمایه‌هایشان به جای انتشار سهام، وام بگیرند، و بنابراین وام‌گیری آنها افراطی شود
- د) باعث می‌شود شرکت‌های سهامی برای افزایش سرمایه‌هایشان، به جای وام‌گیری دست به انتشار سهام بزنند، و بنابراین حجم سهامشان شدیداً افزایش یابد
- ۱۰- مالیات‌های شرکتی، بر چه اساسی جمع‌آوری می‌شود؟
- الف) به صورت درصدی از بدهی‌های شرکت
- ب) به صورت درصدی از بهره پرداختی به وسیله شرکت
- ج) به صورت درصدی از سود سهام پرداخت شده به وسیله شرکت
- د) به صورت درصدی از سودهای شرکت
- ۱۱- ارزش اسمی یک برگه قرضه<sup>۵</sup> عبارت است از:
- الف) ارزش بازاری آن
- ب) اندازه سهمیه آن
- ج) کل پرداخت‌های بهره‌ای که انتظار می‌رود از آن برگه حاصل شود
- د) اصل سرمایه آن برگه
- ه) هیچ کدام از موارد فوق
- ۱۲- اسناد تجاری<sup>۶</sup> عبارتند از:
- الف) بدهی‌های کوتاه‌مدت شرکتی
- د) بدهی‌های بلندمدت بانکی

ب) بدهی‌های کوتاه‌مدت بانکی  
ج) هر دارایی کوتاه‌مدت یک بانک تجاری  
ه) بدهی‌های بلندمدت شرکتی

۱۳ - کدام یک از دارایی‌های زیر نقدتر است؟

الف) سهام عادی یک شرکت بزرگ  
ب) اوراق قرضه یک شرکت بزرگ  
ج) اسناد تجاری  
د) یک حساب پس‌انداز در یک مؤسسه وام و پس‌انداز  
ه) هیچ‌کدام از موارد بالا، دارایی نقد به حساب نمی‌آید

۱۴ - به طور عادی، خرید کدام یک از اوراق بهادار زیر، ریسک بیش‌تری دارد؟

الف) یک برگه قرضه دولت مرکزی  
ب) یک بدهی کوتاه‌مدت دولت مرکزی  
ج) یک برگه قرضه دولت محلی  
د) یک برگه قرضه شرکتی  
ه) یک برگه سهام عادی

۱۵ - قدرت مالی<sup>۷</sup> (اهرم مالی) را با،

الف) روند ارزش ویژه<sup>۸</sup>، بر حسب دلار، می‌سنجند  
ب) روند بدهی، بر حسب دلار، می‌سنجند  
ج) روند بدهی، پس از تعدیل تورم، می‌سنجند  
د) نسبت بدهی به ارزش ویژه، می‌سنجند

۱۶ - ارزش ویژه یک بنگاه، برابر است با:

الف) دارایی‌ها منهای بدهی‌ها  
ب) بدهی‌ها منهای دارایی‌ها  
ج) سودها منهای هزینه‌ها  
د) هزینه‌ها منهای سودها  
ه) سودها منهای مالیات‌ها

۱۷ - تعهدی از طرف یک بانک، که تا حد از پیش تعیین شده‌ای به یک مشتری خاص وام دهد، به عنوان،

- (الف) یک شکل از اهرم مالی نسبت به  
بانک شناخته شده است  
(ب) اختیار خرید شناخته شده است  
(ج) سند تجاری شناخته شده است  
(د) حد اعتبار<sup>۹</sup> شناخته شده است  
(ه) هیچ کدام از موارد فوق

۱۸ - هرگاه یک شرکت سهامی، برای افزایش منابع مالی خود، به جای انتشار سهام عادی جدید، دست به انتشار اوراق قرضه بزند، آن شرکت،

(الف) اهرمش را افزایش می‌دهد

(ب) اهرمش را کاهش می‌دهد

(ج) خطری که سهام‌داران با آن روبه‌رو هستند را افزایش می‌دهد

(د) خطری که دارندگان اوراق قرضه با آن روبه‌رو هستند را افزایش می‌دهد

۱۹ - یک پاداش سفته‌بازی یا "جایزه خطر"<sup>۱۰</sup> بر روی یک برگه قرضه، بیانگر،

(الف) یک بازده اضافی برای خریدار آن برگه است، تا ریسک را جبران کند

(ب) پاداشی است که انتشاردهنده برگه قرضه با انتشار اوراق دارای ریسک، دریافت می‌کند

(ج) هر پرداخت اضافی به انتشاردهنده یک برگه قرضه است، تا خطر احتمال افزایش مالیات را

جبران کند

(د) همه موارد فوق

۲۰ - جایزه خطر مربوط به اوراق قرضه، چه هنگام افزایش می‌یابد؟

(الف) به هنگام کسادبهای شدید

(ب) وقتی دولت مرکزی به سوی کسریهای شدید پیش می‌رود

(ج) وقتی شرکت‌های سهامی در حال کاهش دادن اهرم مالی خود هستند

(د) وقتی سودها در حال افزایش بوده، و بنابراین خرید سهام، بهتر از خرید اوراق قرضه است

۲۱ - نرخهای بهره مربوط به اوراق قرضه دولتی، در چه دوره‌هایی افزایش می‌یابد؟

(الف) کسادبها  
(ج) در دوره‌های کاهش قیمت‌ها

(ب) رکودها  
(د) در دوره‌های تورم فراینده

۲۲ - در ترازنامه یک شرکت سهامی،



الف) بدهی‌ها + دارایی‌ها = ارزش ویژه  
 ب) بدهی‌ها - ارزش ویژه = دارایی‌ها  
 ج) ارزش ویژه - بدهی‌ها = دارایی‌ها  
 د) ارزش ویژه + بدهی‌ها = دارایی‌ها

۲۳- ارزش دفتری<sup>۱۱</sup> یک سهم از سهام عادی یک شرکت سهامی، چگونه محاسبه می‌شود؟

الف) با تقسیم کل دارایی‌ها بر تعداد سهام موجود  
 ب) با تقسیم کل دارایی‌ها بر کل بدهی‌ها  
 ج) با تقسیم ارزش ویژه بر تعداد سهام موجود  
 د) با تقسیم ارزش ویژه بر کل بدهی‌ها

۲۴- در صورت درآمد<sup>۱۲</sup> یک شرکت سهامی، چه مواردی ذکر می‌شود؟

الف) استهلاک  
 ب) درآمد پیش از مالیات  
 ج) درآمد پس از مالیات  
 د) همه موارد بالا  
 ه) هیچ کدام از موارد فوق

۲۵- استهلاک، یکی از اقلام،

الف) هزینه‌هاست  
 ب) سودهاست  
 ج) سرمایه‌گذاریهاست  
 د) زیانهاست  
 ه) هیچ کدام

## پاسخنامه

الف (۵)	ج (۴)	د (۳)	د (۲)	ه (۱)
د (۱۰)	ج (۹)	د (۸)	ج (۷)	ج (۶)
د (۱۵)	ه (۱۴)	د (۱۳)	الف (۱۲)	د (۱۱)
الف (۲۰)	الف (۱۹)	الف (۱۸)	د (۱۷)	الف (۱۶)
الف (۲۵)	د (۲۴)	ج (۲۳)	د (۲۲)	د (۲۱)



## هزینه‌های تولید

۱ - یک بنگاه در بلندمدت می‌تواند،

الف) تنها تجهیزات سرمایه‌ای خود را تغییر دهد، ولی تعداد کارگرانی که استخدام می‌کند، قابل تغییر نیستند

ب) هم تجهیزات سرمایه‌ای، و هم تعداد کارگران به کار گرفته در تولید را تغییر دهد

ج) نه تجهیزات سرمایه‌ای، و نه تعداد کارگرانش را تغییر دهد

د) تعداد کارگرانش را تغییر دهد، ولی حجم سرمایه‌اش را نمی‌تواند تغییر دهد

۲ - یک بنگاه به سوی کاربرتر<sup>۱</sup> شدن می‌رود، اگر،

الف) کارگر کم‌تر و سرمایه بیش‌تری به کار گیرد

ب) کارگر کم‌تر و همان مقدار سرمایه قبلی را به کار گیرد

ج) همان مقدار کار را با سرمایه بیش‌تری به کار گیرد

د) ۱۰ درصد کار بیش‌تر، و ۶۰ درصد سرمایه بیش‌تر به کار گیرد

ه) با همان مقدار سرمایه، کار بیش‌تری به کار گیرد

۳ - همچنان که ستاده در کوتاه‌مدت افزایش می‌یابد،

الف) هزینه‌های ثابت افزایش می‌یابد، اما هزینه‌های متغیر تغییری نمی‌کند

ب) هزینه‌های ثابت کاهش می‌یابد، اما هزینه‌های متغیر تغییری نمی‌کند

ج) هزینه‌های ثابت و متغیر، هر دو تغییر می‌کنند

د) هیچ کدام از هزینه‌های ثابت و متغیر تغییری نمی‌کنند

ه) هزینه‌های متغیر افزایش می‌یابند، اما هزینه‌های ثابت تغییری نمی‌کند

۴ - هزینه نهایی، مقداری است که:

---

1 - labor - intensive

- الف) هزینه ثابت افزایش می‌یابد، وقتی یک کارگر بیش‌تر به کار گرفته می‌شود  
 ب) هزینه کل افزایش می‌یابد، وقتی یک کارگر بیش‌تر به کار گرفته می‌شود  
 ج) هزینه متغیر افزایش می‌یابد، وقتی یک کارگر بیش‌تر به کار گرفته می‌شود  
 د) هزینه ثابت افزایش می‌یابد، وقتی یک واحد محصول بیش‌تر تولید می‌شود  
 ه) هزینه کل افزایش می‌یابد، وقتی یک واحد محصول بیش‌تر تولید می‌شود

۵ - هزینه‌های یک بنگاه، به چه صورت با هم ارتباط دارند؟

- الف) هزینه متوسط  $ATC$ ، هزینه نهایی  $MC$  را در نقطه مینیمم  $MC$  قطع می‌کند  
 ب) هزینه متوسط  $ATC$ ، هزینه متغیر متوسط  $AVC$  را در نقطه مینیمم  $AVC$  قطع می‌کند  
 ج) منحنی  $MC$ ، منحنی  $ATC$  را در نقطه مینیمم  $ATC$  قطع می‌کند  
 د) منحنی  $MC$ ، هزینه کل را در نقطه مینیمم هزینه کل قطع می‌کند

۶ - اگر هزینه متوسط در حال کاهش باشد، هزینه نهایی باید،

- الف) افزایشنده باشد  
 ب) کاهشنده باشد  
 ج) ثابت باشد  
 د) بیش‌تر از هزینه متوسط باشد  
 ه) کم‌تر از هزینه متوسط باشد

۷ - اگر هزینه‌های کل در حال افزایش باشند، هزینه نهایی باید،

- الف) افزایشنده باشد  
 ب) کاهشنده باشد  
 ج) مثبت باشد  
 د) منفی باشد  
 ه) صفر باشد

۸ - قانون بازده نزولی بیان می‌کند که همزمان با استفاده بیش‌تر و بیش‌تر از یک نهاد، تولید نهایی آن نهاد، باید به ناچار،

- الف) افزایش یابد، اگر مقدار استفاده از همه نهاده‌های دیگر، ثابت بماند  
 ب) افزایش یابد، اگر مقدار استفاده از نهاده‌های دیگر نیز افزایش یابد  
 ج) افزایش یابد، اگر مقدار استفاده از نهاده‌های دیگر، کاهش یابد  
 د) کاهش یابد، اگر مقدار استفاده از نهاده‌های دیگر، افزایش یابد  
 ه) کاهش یابد، اگر مقدار استفاده از همه نهاده‌های دیگر، ثابت بماند

۹ - قانون بازده نزولی بیان می‌دارد، همچنان که ستاده در کوتاه‌مدت افزایش می‌یابد،

(الف) هزینه ثابت به ناچار کاهش خواهد یافت

(ب) هزینه ثابت به ناچار افزایش خواهد یافت

(ج) هزینه‌های نهایی به ناچار افزایش می‌یابند

(د) هزینه‌های نهایی به ناچار کاهش می‌یابند

۱۰ - تولید نهایی کار، برابر است با تعداد واحدهای اضافی،

(الف) محصول، که از به کارگیری یک واحد بیش‌تر از کار، حاصل می‌شود

(ب) کار، که باید به کار گرفته شود تا یک واحد محصول اضافی تولید گردد

(ج) کار، که باید به کار گرفته شود تا سطح جاری محصول، محفوظ بماند

(د) ستاده، که باید فروش رود تا یک واحد اضافی کارگر استخدام شود

۱۱ - برای محاسبه تمامی هزینه‌های کوتاه‌مدت یک بنگاه، که دو نهاده به کار می‌گیرد - کار

و سرمایه - همه آنچه باید بدانیم عبارت است از:

(الف) تابع تولید کوتاه‌مدت بنگاه

(ب) تابع تولید کوتاه‌مدت بنگاه و هزینه‌های ثابت آن

(ج) تابع تولید کوتاه‌مدت بنگاه و نرخ دستمزد آن بنگاه

(د) تابع تولید کوتاه‌مدت بنگاه، نرخ دستمزد، و هزینه‌های ثابت آن

(ه) هیچ کدام از گزینه‌های بالا کافی نیست

۱۲ - اگر هزینه ثابت یک بنگاه ۱۰۰ ریال، و هزینه کل آن بنگاه برای تولید یک واحد

محصول ۲۰۰ ریال، و برای تولید دو واحد ۳۱۰ ریال باشد، آنگاه هزینه نهایی دومین

واحد محصول برابر است با:

(الف) ۱۰۰ ریال (ب) ۱۱۰ ریال (ج) ۲۰۰ ریال (د) ۲۱۰ ریال (ه) ۳۱۰ ریال

۱۳ - با توجه به اطلاعات سؤال ۱۲، هزینه متغیر آن بنگاه برای تولید دو واحد محصول

برابر است با:

(الف) ۱۰۰ ریال (ب) ۱۱۰ ریال (ج) ۲۰۰ ریال (د) ۲۱۰ ریال (ه) ۳۰۰ ریال

۱۴ - با توجه به اطلاعات سؤال ۱۲، هزینه متوسط بنگاه برای هر واحد تولیدش برابر

است با:

الف) ۵۰ ریال (ب) ۱۰۰ ریال (ج) ۱۰۵ ریال (د) ۱۱۰ ریال (ه) ۱۵۵ ریال

۱۵ - با توجه به اطلاعات سؤال ۱۲، هزینه متغیر متوسط بنگاه برای تولید هر واحد محصولش برابر است با:

الف) ۵۰ ریال (ب) ۱۰۰ ریال (ج) ۱۰۵ ریال (د) ۱۱۰ ریال (ه) ۱۵۵ ریال

۱۶ - با توجه به اطلاعات سؤال ۱۲، هزینه ثابت متوسط بنگاه برای هر واحد محصولش برابر است با:

الف) ۵۰ ریال (ب) ۱۰۰ ریال (ج) ۱۰۵ ریال (د) ۱۱۰ ریال (ه) ۱۵۵ ریال

۱۷ - با توجه به اطلاعات سؤال ۱۲، بنگاه یاد شده،

الف) پیش‌تر با بازده‌های نزولی روبه‌رو شده است

ب) هنوز با بازده‌های نزولی روبه‌رو نشده است

ج) با بازده ثابت روبه‌روست

د) پیش‌تر با بازده فزاینده روبه‌رو شده است

ه) با اطلاعات داده شده نمی‌توان تعیین کرد که بنگاه یاد شده دارای چه نوع بازدهی است

۱۸ - کدام یک از موارد زیر، جزء هزینه‌های ثابت به شمار می‌آید؟

الف) هزینه نگهداری ماشین‌آلات (د) استهلاک بهره‌دهی‌ها

ب) دستمزدها (ه) (الف)، (ج)، و (د)

ج) استهلاک ماشین‌آلات و تجهیزات

۱۹ - اگر صرفه‌های مقیاس وجود داشته باشد،

الف) هزینه متوسط کوتاه‌مدت، افزایش می‌یابد

ب) هزینه متوسط کوتاه‌مدت، ثابت می‌ماند

ج) هزینه متوسط کوتاه‌مدت، کاهش می‌یابد

د) هزینه متوسط بلندمدت، کاهش می‌یابد

ه) هزینه متوسط بلندمدت، افزایش می‌یابد

۲۰ - در بلندمدت،

- الف) هزینه‌های ثابت، همچنان ثابتند  
 ب) هزینه‌های متغیر، ثابتند  
 ج) هزینه‌های متغیر، دیگر وجود نخواهد داشت  
 د) هزینه‌های متوسط، دیگر وجود نخواهد داشت  
 ه) هزینه‌های ثابت، متغیرند

۲۱ - صرفه‌های مقیاس وقتی وجود دارند که  $X\%$  افزایش در همه نهاده‌ها، منجر به،

- الف) انتقال منحنی هزینه متوسط بلندمدت، به اندازه  $X\%$  به بالا شود  
 ب) انتقال منحنی هزینه نهایی، به اندازه  $X\%$  به چپ شود  
 ج) یک افزایش  $X\%$  در محصول شود  
 د) یک افزایش کم‌تر از  $X\%$  در محصول شود  
 ه) یک افزایش بیش از  $X\%$  در محصول شود

۲۲ - منحنی هزینه متوسط بلندمدت یک بنگاه، عبارت است از منحنی پوش،

- الف) منحنی‌های هزینه نهایی  
 ب) منحنی‌های هزینه ثابت  
 ج) منحنی‌های هزینه متغیر متوسط  
 د) منحنی‌های هزینه متوسط  
 ه) منحنی‌های هزینه کل

۲۳ - اگر ستاده یک بنگاه ۱۰ درصد افزایش یابد، در حالی که همه نهاده‌هایش ۵ درصد افزایش یافته‌اند، آنگاه این بنگاه با،

- الف) هزینه‌های متوسط افزایشده روبه‌روست  
 ب) هزینه‌های نهایی افزایشده روبه‌روست  
 ج) بازده‌های نزولی روبه‌روست  
 د) هزینه‌های متغیر متوسط افزایشده روبه‌روست  
 ه) صرفه‌های مقیاس روبه‌روست

۲۴ - زیانهای مقیاس<sup>۲</sup> وقتی ایجاد می‌شوند که:

- الف) منحنی هزینه متوسط بلندمدت، افزایشده باشد  
 ب) منحنی هزینه متوسط بلندمدت، کاهنده باشد  
 ج) منحنی هزینه متوسط کوتاه‌مدت، افزایشده باشد  
 د) منحنی هزینه متوسط کوتاه‌مدت، کاهنده باشد

ه) منحنی هزینه نهایی بلندمدت، کاهنده باشد

۲۵ - اگر بنگاهی به طور همزمان، با بازده‌های نزولی و صرفه‌های مقیاس روبه‌رو باشد،  
آنگاه:

الف) منحنی هزینه متوسط بلندمدت آن کاهنده، در حالی که منحنی هزینه نهایی کوتاه‌مدتش  
افزاینده می‌باشد

ب) منحنی هزینه متوسط بلندمدتش افزاینده، در حالی که منحنی هزینه نهایی کوتاه‌مدت آن نیز  
افزاینده می‌باشد

ج) منحنی هزینه متوسط بلندمدت آن افزاینده، در حالی که منحنی هزینه متوسط کوتاه‌مدتش  
کاهنده می‌باشد

د) بازده نزولی نمی‌تواند همزمان با صرفه‌های مقیاس وجود داشته باشد

۲۶ - یک خط هزینه یکسان<sup>۳</sup> (خط هم‌هزینه)، نشان‌دهنده،

الف) ترکیب‌هایی از نهاده‌هاست، که می‌توان با یک هزینه معین خریداری کرد

ب) ترکیب‌هایی از نهاده‌هاست، که می‌توان برای کسب یک درآمد معین به کار گرفت

ج) مقدار کاری است که می‌توان با یک هزینه معین خریداری کرد

د) مقدار سرمایه‌ای است که می‌توان با یک هزینه معین خریداری کرد

ه) بهترین ترکیب‌های تولیدی است، که می‌توان با یک هزینه معین انجام داد

۲۷ - اگر قیمت نسبی کار و سرمایه تغییر کند، آنگاه:

الف) همه اجزاء تابع تولید تغییر می‌کنند

ب) استفاده از همه نهاده‌ها افزایش می‌یابد

ج) استفاده از همه نهاده‌ها کاهش می‌یابد

د) شیب هر منحنی تولید یکسان (هم‌مقداری)، تغییر می‌کند

ه) شیب هر خط هزینه یکسان (هم‌هزینه)، تغییر می‌کند

۲۸ - در تعادل بلندمدت یک بنگاه،

الف) یک منحنی هم‌مقداری تولید، بر یک خط هم‌هزینه مماس است

- (ب) یک منحنی هم‌مقداری تولید، یک خط هم‌هزینه را در نقطه‌ای قطع می‌کند  
 (ج) یک منحنی بی‌تفاوتی، بر یک خط بودجه مماس می‌شود  
 (د) یک منحنی بی‌تفاوتی مطلوبیت، بر یک خط هم‌هزینه مماس می‌شود  
 (ه) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

۲۹ - هزینه فرصت یک نهاد، برابر است با:

- (الف) بیش‌ترین منفعی که می‌توان از آن نهاد، در کم‌بازده‌ترین کاربرد جانشین، به دست آورد  
 (ب) کم‌ترین منفعی که می‌توان از آن نهاد، در کم‌بازده‌ترین کاربرد جانشین، به دست آورد  
 (ج) بیش‌ترین منفعی که می‌توان از آن نهاد، در پربازده‌ترین کاربرد جانشین، به دست آورد  
 (د) (الف) یا (ج)  
 (ه) (ب) یا (ج)

۳۰ - فردی شغلش را که برای او سالانه ۱۸ دلار درآمد داشت، رها کرد، و با ۳۰۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری، فروشگاهی را افتتاح نمود. این مبلغ را از حساب پس‌اندازش که دارای بهره سالانه ۱۰ درصد بود، برداشت کرد. اگر سود حسابداری او برای سال اول عملیاتش ۵۲ هزار دلار باشد، آنگاه سود اقتصادی‌اش برابر خواهد بود با:

- (الف) صفر  
 (ب) ۴ هزار دلار  
 (ج) ۱۸ هزار دلار  
 (د) ۳۰ هزار دلار  
 (ه) ۵۲ هزار دلار

## پاسخنامه

ب (۱)	ه (۲)	ه (۳)	ه (۴)	ج (۵)
ه (۶)	ج (۷)	ه (۸)	ج (۹)	الف (۱۰)
د (۱۱)	ب (۱۲)	د (۱۳)	ه (۱۴)	ج (۱۵)
الف (۱۶)	الف (۱۷)	ه (۱۸)	د (۱۹)	ه (۲۰)
ه (۲۱)	د (۲۲)	ه (۲۳)	الف (۲۴)	الف (۲۵)
الف (۲۶)	ه (۲۷)	الف (۲۸)	ج (۲۹)	ب (۳۰)



بخش هفتم



ساختار بازار

و

اقتصاد بازار



## عرضه در یک بازار کاملاً رقابتی

۱ - برای یک بنگاه کاملاً رقابتی، درآمد نهایی،  
 الف) کم تر از قیمت محصول آن بنگاه می باشد  
 ب) برابر با قیمت محصول آن بنگاه می باشد  
 ج) بزرگ تر از قیمت محصول آن بنگاه می باشد  
 د) تنها وقتی کشش تقاضا برای محصول بنگاه، بزرگ تر از ۱ است، درآمد نهایی بزرگتر از  
 قیمت محصول می باشد  
 ه) ارتباطی با قیمت محصول ندارد

۲ - به چه دلیل منحنی عرضه کوتاه مدت، دارای شیب مثبت است؟  
 الف) قانون بازده نزولی  
 ب) صرفه های مقیاس  
 ج) شیب مثبت منحنی هزینه نهایی  
 د) (الف) و (ج)  
 ه) (ب) و (ج)

۳ - در یک بازار کاملاً رقابتی، یک بنگاه تولیدی منفرد،  
 الف) قیمت محصولش را تعیین می کند، اما مقدار آن را مشخص نمی نماید  
 ب) مقدار محصولش را تعیین می کند، اما قیمت آن را تعیین نمی نماید  
 ج) هم مقدار و هم قیمت محصولش را تعیین می کند  
 د) نه مقدار و نه قیمت محصولش را تعیین نمی کند، بنگاه تنها مقدار نهاده هایش را مشخص  
 می نماید  
 ه) هم قیمت، هم مقدار محصول، و هم مقدار نهاده هایش را تعیین می کند

۴ - در رقابت کامل، تقاضای یک خریدار منفرد،  
 الف) کاملاً پرکشش است، اما تقاضایی که فروشنده منفرد با آن روبه روست، بی کشش می باشد  
 ب) کاملاً پرکشش است، همانند تقاضایی که فروشنده منفرد با آن روبه روست

- ج) کاملاً پرکشش نیست، اما تقاضایی که فروشنده منفرد با آن روبه‌روست، کاملاً پرکشش است  
 د) بی‌کشش است، همانند تقاضایی که فروشنده منفرد با آن روبه‌روست  
 ه) به صورت یک خط افقی است

۵- در رقابت کامل، سود هر واحد محصول برای یک بنگاه منفرد، برابر است با:

- الف) هزینه کل بنگاه، منهای درآمد کل آن بنگاه  
 ب) درآمد کل بنگاه، منهای هزینه کل آن بنگاه  
 ج) هزینه کل متوسط بنگاه، منهای قیمت محصول بنگاه  
 د) هزینه کل متوسط بنگاه، به علاوه قیمت محصول بنگاه  
 ه) قیمت فروش محصول بنگاه، منهای هزینه کل متوسط آن بنگاه

۶- یک صنعت کاملاً رقابتی را در نظر بگیرید که در آن تعداد زیادی بنگاه یکسان وجود دارند که در ابتدا با سود (اضافی) صفر به تولید اشتغال دارند. اگر تقاضا کاهش یابد، در کوتاه‌مدت،

- الف) هر بنگاه بیش‌تر تولید خواهد کرد و با زیان، به فعالیت ادامه می‌دهد  
 ب) هر بنگاه بیش‌تر تولید خواهد کرد و با سود، به فعالیت ادامه می‌دهد  
 ج) هر بنگاه بیش‌تر تولید خواهد کرد و با سود صفر، به فعالیت ادامه می‌دهد  
 د) هر بنگاه کم‌تر تولید خواهد کرد و با سود، به فعالیت ادامه می‌دهد  
 ه) هر بنگاه کم‌تر تولید خواهد کرد و با زیان، به فعالیت ادامه می‌دهد

۷- منحنی عرضه کوتاه‌مدت بنگاه رقابتی، آن بخش از منحنی هزینه نهایی کوتاه‌مدت آن بنگاه است که در بالای،

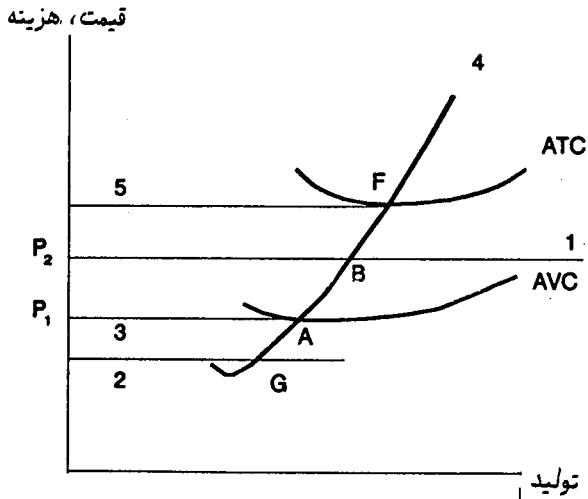
- الف) منحنی هزینه کل متوسط، قرار گیرد (د) منحنی هزینه کل، قرار گیرد  
 ب) منحنی هزینه متغیر متوسط، قرار گیرد (ه) منحنی هزینه ثابت، قرار گیرد  
 ج) منحنی هزینه ثابت متوسط، قرار گیرد

۸- یک بنگاه در رقابت کامل، وقتی سودهای اضافی می‌برد که:

- الف) قیمت، بالاتر از هزینه ثابت باشد  
 ب) قیمت، بالاتر از هزینه متغیر متوسط تولید باشد

- (ج) قیمت، بیش تر از هزینه های کل متوسط تولید باشد  
 (د) هزینه نهایی، کم تر از هزینه متغیر متوسط باشد  
 (ه) هزینه نهایی، کم تر از هزینه کل متوسط باشد

● چهار پرسش بعدی بر اساس شکل زیر طراحی شده اند:



۹- در شکل بالا، منحنی عرضه کوتاه مدت بنگاه عبارت است از:

- (الف) AVC در بالا و سمت راست نقطه A (ج) منحنی ۴ در بالای نقطه F  
 (ب) منحنی هزینه متوسط در بالا و سمت (د) منحنی ۴ در بالای نقطه A  
 (ه) منحنی ۴ بین نقطه A و F راست نقطه F

۱۰- در شکل فوق، نقطه سرریه سر کدام است؟

- (الف) A (ب) B (ج) F (د) G  
 (ه) نشان داده نشده است

۱۱- در شکل بالا، نقطه تعطیل بنگاه کدام است؟

- (الف) A (د) A یا F (به قیمت بستگی دارد)  
 (ب) B (ه) نشان داده نشده است  
 (ج) F

۱۲ - در شکل بالا، فاصله‌ای که بنگاه در آن فاصله، با وجود این که با زیان روبه‌روست، به تولید ادامه می‌دهد، کدام است؟

- الف) AB  
ب) BF  
ج) FA  
د) منحنی ۴ بالای نقطه F  
ه) منحنی ۴ زیر نقطه A

۱۳ - اگر یک بنگاه کاملاً رقابتی، بیش از مقداری که سودش را حداکثر می‌کند، تولید نماید، آنگاه قیمت باید،

- الف) بالاتر از هزینه نهایی قرار داشته باشد  
ب) برابر هزینه نهایی باشد  
ج) در زیر هزینه نهایی قرار داشته باشد  
د) در زیر هزینه متغیر متوسط باشد  
ه) برابر با هزینه متغیر متوسط باشد

۱۴ - فاصله‌ای که در آن، یک بنگاه می‌تواند در کوتاه‌مدت هزینه‌های متغیرش را پرداخته، و نیز بخشی از هزینه‌های ثابتش را بپوشاند، دامنه‌ای است که بر روی منحنی MC قرار داشته و،

- الف) بالای نقطه سربه‌سر باشد  
ب) زیر نقطه سربه‌سر باشد  
ج) زیر نقطه تعطیل باشد  
د) بالای نقطه تعطیل باشد  
ه) بین نقطه تعطیل و نقطه سربه‌سر باشد

۱۵ - حداکثر سود برای یک بنگاه کاملاً رقابتی، در آن مقدار محصولی به دست می‌آید که:

- الف) فاصله عمودی میان منحنی‌های هزینه کل و درآمد کل، حداکثر باشد  
ب) منحنی‌های سود و زیان همدیگر را قطع کنند  
ج) هزینه کل، حداقل باشد  
د) درآمد کل، حداکثر باشد  
ه) هیچ کدام از موارد بالا

۱۶ - در کوتاه‌مدت، سود اقتصادی یک بنگاه،

- الف) در نقطه تعطیل بنگاه، صفر است  
ب) در نقطه تعطیل بنگاه، بزرگ‌تر از صفر است

- (ج) در نقطه سر به سر بنگاه، صفر است  
(د) در نقطه سر به سر بنگاه، بزرگ تر از صفر است  
(ه) بیش از صفر است، به شرطی که بنگاه در فاصله نقاط سر به سر و تعطیل، فعالیت کند

۱۷ - فرض کنید نخست در یک صنعت، محدودیت ورود وجود داشته باشد. با برداشتن محدودیت ورود برای بنگاه‌های جدید،

- (الف) منحنی عرضه صنعت به چپ جابه‌جا می‌شود  
(ب) منحنی تقاضای صنعت به چپ جابه‌جا می‌شود  
(ج) منحنی عرضه صنعت به راست جابه‌جا می‌شود  
(د) منحنی عرضه صنعت تأثیری نمی‌پذیرد  
(ه) هیچ کدام از منحنی‌های عرضه و تقاضای صنعت، تأثیری نمی‌پذیرند

۱۸ - اگر در یک صنعت کاملاً رقابتی، تقاضا کاهش یابد، آنگاه قیمت،

- (الف) در کوتاه‌مدت افزایش، و در بلندمدت کاهش می‌یابد  
(ب) در کوتاه‌مدت افزایش، و در بلندمدت افزایش بیش‌تر می‌یابد  
(ج) در کوتاه‌مدت کاهش، و در بلندمدت کاهش بیش‌تر می‌یابد  
(د) در کوتاه‌مدت کاهش می‌یابد، و در بلندمدت به سوی همان قیمت اولیه افزایش خواهد یافت  
(ه) در کوتاه‌مدت کاهش می‌یابد، و در همان سطح، ثابت باقی می‌ماند

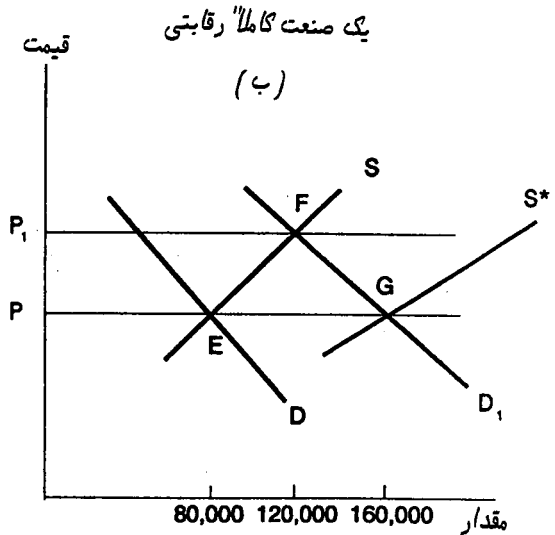
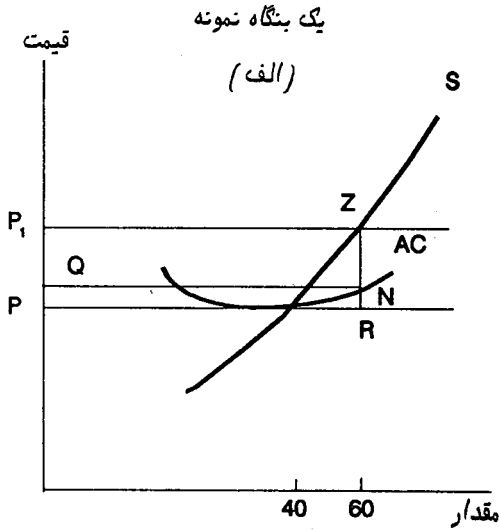
۱۹ - برای آن که عرضه بلندمدت صنعت، کاملاً پرکشش (افقی) باشد،

- (الف) صنعت باید به اندازه کافی بزرگ باشد، به گونه‌ای که بتواند بر قیمت نهاده‌ها تأثیر بگذارد  
(ب) نهاده‌ها باید با همان کیفیت و قیمتی که در اختیار بنگاه‌های قبلی قرار داشته‌اند، در دسترس بنگاه‌های جدید نیز قرار داشته باشند  
(ج) هر دو گزینه (الف) و (ب) درست است  
(د) هیچ کدام از گزینه‌ها درست نیست  
(ه) منحنی عرضه صنعت نمی‌تواند کاملاً افقی باشد

۲۰ - منحنی عرضه بلندمدت یک صنعت، معمولاً دارای شیب مثبت است، زیرا:

- (الف) ورود بنگاه‌های جدید، باعث افزایش قیمت نهاده‌ها می‌شود

(ب) با ورود بنگاههای جدید و خرید نهاده‌های بیش‌تر، کیفیت نهاده‌ها کاهش می‌یابد  
 (ج) (الف) و (ب) درست است  
 (د) اصولاً منحنی عرضه بلندمدت نمی‌تواند شیب مثبت داشته باشد  
 ● به توجه به شکل زیر، به پنج پرسش بعدی پاسخ دهید:



۲۱- با داشتن عرضه و تقاضای اولیه،  $S$  و  $D$ ، تعادل صنعت در نمودار «ب» در نقطه،

- (الف)  $F$ ، با ۱۲۰ هزار واحد فروش و ۳ هزار بنگاه، برقرار می‌شود  
 (ب)  $F$ ، با ۱۲۰ هزار واحد فروش و ۲ هزار بنگاه، برقرار می‌شود  
 (ج)  $G$ ، با ۱۶۰ هزار واحد فروش و ۴ هزار بنگاه، برقرار می‌شود  
 (د)  $E$ ، با ۸۰ هزار واحد فروش و ۴ هزار بنگاه، برقرار می‌شود  
 (ه)  $E$ ، با ۸۰ هزار واحد فروش و ۲ هزار بنگاه، برقرار می‌شود

۲۲- اگر تقاضای صنعت از  $D$  به  $D_1$  جابه‌جا شود، تعادل در کوتاه‌مدت به،

- (الف)  $G$  جابه‌جا می‌شود، که قیمت در  $P$  ثابت می‌ماند و ۴ هزار بنگاه در صنعت وجود دارد  
 (ب)  $G$  جابه‌جا می‌شود، که قیمت در  $P$  ثابت می‌ماند و ۲ هزار بنگاه در صنعت وجود دارد  
 (ج)  $F$  جابه‌جا می‌شود، که قیمت به  $P_1$  افزایش می‌یابد و ۲ هزار بنگاه در صنعت وجود دارد  
 (د)  $F$  جابه‌جا می‌شود، که قیمت به  $P_1$  افزایش می‌یابد و ۳ هزار بنگاه در صنعت وجود دارد



۲۳- اگر تقاضای صنعت از  $D$  به  $D_1$  جابه‌جا شود، در تعادل کوتاه‌مدت جدید، هر بنگاه در نمودار «الف»،

- الف) هیچ سودی بیش از سود عادی نمی‌برد (د) سودی برابر  $P_1ZRP$  می‌برد  
 ب) سودی برابر  $P_1ZNRQ$  می‌برد (ه) زیانی به اندازه  $P_1ZRP$  می‌دهد  
 ج) سودی برابر  $QNRP$  می‌برد

۲۴- فرض کنید تقاضا از  $D$  به  $D_1$  جابه‌جا شود و صنعت به سوی تعادل کوتاه‌مدت جدید در  $F$  حرکت کند. پس از آن در بلندمدت، یک حرکت دیگری به سوی تعادل می‌تواند وجود داشته باشد، یعنی از،

- الف)  $F$  به  $G$ ، که تعداد بنگاه‌های صنعت ثابت می‌ماند  
 ب)  $F$  به  $G$ ، که تعداد بنگاه‌های صنعت به ۳ هزار افزایش می‌یابد  
 ج)  $F$  به  $G$ ، که تعداد بنگاه‌های صنعت به ۴ هزار افزایش می‌یابد  
 د)  $F$  به  $E$ ، که تعداد بنگاه‌های صنعت به ۴ هزار افزایش می‌یابد

۲۵- در شکل بالا، عرضه بلندمدت عبارت است از:

- الف)  $S$  (ب)  $S^*$  (ج)  $FG$  (د)  $P_1F$  (ه)  $EG$

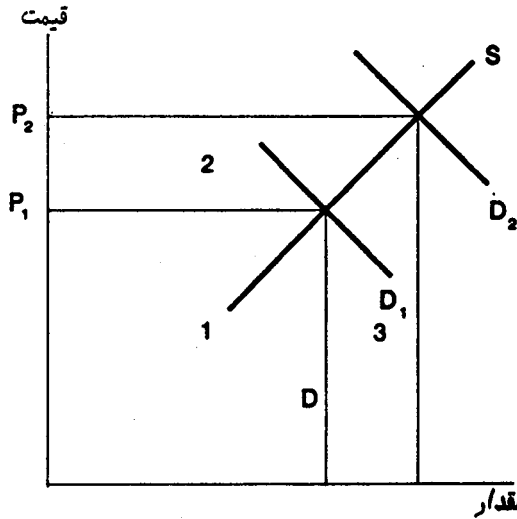
۲۶- اگر قیمت کاهش یابد، آنگاه منفعت تولیدکنندگان،

- الف) بیشتر می‌شود، به اندازه ناحیه سمت چپ منحنی عرضه میان قیمت قبلی و جدید  
 ب) بیشتر می‌شود، به اندازه ناحیه سمت چپ منحنی تقاضا میان قیمت قبلی و جدید  
 ج) کم‌تر می‌شود، به اندازه ناحیه سمت چپ منحنی تقاضا میان قیمت قبلی و جدید  
 د) کم‌تر می‌شود، به اندازه ناحیه سمت چپ منحنی عرضه میان قیمت قبلی و جدید

۲۷- وقتی دولت بر کالایی، مالیات غیرمستقیم وضع می‌کند،

- الف) زیان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان کم‌تر از مالیاتی است که دولت جمع می‌کند  
 ب) زیان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان برابر با مالیاتی است که دولت جمع می‌کند  
 ج) منفعت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان برابر با مالیاتی است که دولت جمع می‌کند  
 د) منفعت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان کم‌تر از مالیاتی است که دولت جمع می‌کند  
 ه) زیان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بیش از مالیاتی است که دولت جمع می‌کند

● چهار سؤال بعدی بر اساس شکل زیر طرح شده‌اند:



۲۸ - وقتی تقاضای بازار به بالا جابه‌جا می‌شود، قیمت از  $P_1$  به  $P_2$  افزایش می‌یابد. در این حالت درآمد کل صنعت چه مقدار افزایش می‌یابد؟

- (الف) به اندازه ناحیه ۱
- (ب) به اندازه ناحیه ۲
- (ج) به اندازه ناحیه ۳
- (د) به اندازه ناحیه ۲ + ۳
- (ه) به اندازه ناحیه ۱ + ۲ + ۳

۲۹ - وقتی قیمت بازار از  $P_1$  به  $P_2$  افزایش می‌یابد، هزینه‌های صنعت چه مقدار افزایش می‌یابند؟

- (الف) به اندازه ناحیه ۱
- (ب) به اندازه ناحیه ۲
- (ج) به اندازه ناحیه ۳
- (د) به اندازه ناحیه ۲ + ۳
- (ه) هزینه‌ها را در این شکل نمی‌توان نشان داد

۳۰ - وقتی قیمت بازار از  $P_1$  به  $P_2$  افزایش می‌یابد، خالص منفعتی که تولیدکنندگان می‌برند، برابر است با:

- (الف) ناحیه ۱
- (ب) ناحیه ۲
- (ج) ناحیه ۳
- (د) ناحیه ۲ + ۳
- (ه) منفعت تولیدکنندگان را نمی‌توان در این شکل نشان داد

۳۱ - وقتی قیمت بازار از  $P_1$  به  $P$  افزایش می‌یابد، منافی که مصرف‌کنندگان از دست می‌دهند، برابر است با:

- |               |  |
|---------------|--|
| (الف) ناحیه ۱ | (د) ناحیه ۳ + ۲                                |
| (ب) ناحیه ۲   | (ه) ناحیه‌ای که بر روی شکل، نشان داده نشده است |
| (ج) ناحیه ۳   |  |

## پاسخنامه

ب (۱)	د (۲)	ب (۳)	ج (۴)	ه (۵)
ه (۶)	ب (۷)	ج (۸)	د (۹)	ج (۱۰)
الف (۱۱)	ج (۱۲)	ج (۱۳)	ه (۱۴)	الف (۱۵)
ج (۱۶)	ج (۱۷)	د (۱۸)	ب (۱۹)	ج (۲۰)
ه (۲۱)	ج (۲۲)	ب (۲۳)	ج (۲۴)	ه (۲۵)
د (۲۶)	ه (۲۷)	د (۲۸)	ج (۲۹)	ب (۳۰)
ه (۳۱)				

## رقابت کامل و کارایی اقتصادی

۱ - در یک بازار کاملاً رقابتی، جایی که عرضه با تقاضا برابر است، منفعت نهایی هر مصرف‌کننده،

- (الف) بزرگ‌تر از هزینه نهایی هر تولیدکننده خواهد بود
- (ب) برابر با هزینه نهایی هر تولیدکننده خواهد بود
- (ج) کم‌تر از هزینه نهایی هر تولیدکننده خواهد بود
- (د) کم‌تر از هزینه متغیر متوسط هر تولیدکننده خواهد بود

۲ - کدام یک از گزینه‌های زیر، جزء شروط لازم برای برقراری کارایی، در یک بازار کاملاً رقابتی، نیست؟

- (الف) هزینه‌های اجتماعی و هزینه‌های خصوصی برابر باشند
- (ب) منافع اجتماعی و منافع خصوصی برابر باشند
- (ج) مصرف‌کنندگان، منفعت نهایی را با قیمت برابر کنند
- (د) تولیدکنندگان، هزینه نهایی را با قیمت برابر کنند
- (ه) مصرف‌کنندگان، منفعت نهایی را با هزینه کل برابر کنند

۳ - وقتی محصولی که تولید می‌شود، بیش از مقدار کارا باشد، آنگاه:

- (الف) منفعت نهایی اجتماعی،  $MB_S$ ، با هزینه نهایی اجتماعی،  $MC_S$ ، برابر است
- (ب)  $MB_S$ ، کوچک‌تر از  $MC_S$  است
- (ج)  $MB_S$ ، بزرگ‌تر از  $MC_S$  است
- (د)  $MB_S$  برابر صفر است
- (ه)  $MC_S$  برابر صفر است

۴ - کارایی، مستلزم آن است که یک فعالیت تا جایی گسترش یابد که:

- (الف) منفعت کل آن فعالیت، با هزینه کل آن برابر باشد

- (ب) منفعت کل آن فعالیت، با هزینه نهایی آن برابر باشد
- (ج) منفعت کل آن فعالیت، با هزینه ثابت آن برابر باشد
- (د) منفعت نهایی آن فعالیت، با هزینه کل آن برابر باشد
- (ه) منفعت نهایی آن فعالیت، با هزینه نهایی آن برابر باشد

۵ - ایجاد یک تحول در تکنولوژی، که باعث افزایش تقاضای کشاورزان برای کودهای شیمیایی شود،

- الف) سطح کارای تولید کود شیمیایی را افزایش می‌دهد
- ب) سطح کارای تولید کود شیمیایی را کاهش می‌دهد
- ج) تأثیری بر سطح کارای تولید کود شیمیایی ندارد
- د) اصولاً تحول تکنولوژی باعث کاهش مصرف کود شیمیایی می‌شود

۶ - وقتی تولید در سطح کارای خود نباشد، یک زیان کارایی وجود دارد. در این وضعیت می‌توان نتیجه گرفت که منفعت نهایی اجتماعی،

- الف) بزرگ‌تر از هزینه نهایی اجتماعی است
- ب) کوچک‌تر از هزینه نهایی اجتماعی است
- ج) برابر با هزینه نهایی اجتماعی است
- د) بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از هزینه نهایی اجتماعی است
- ه) صفر است

۷ - برای آن که یک بازار کاملاً رقابتی، کارا باشد، باید،

- الف) منافع حاصل از کالای مربوط به آن بازار، میان همه مردم پخش شود
- ب) همه منافع آن کالا به دست خریدارانش برسد، و هیچ کس غیر از خریداران، نتواند از آن کالا بهره‌برد

- ج) جامعه همه هزینه‌های تولید آن کالا را متحمل شود، حتی اگر تولیدکنندگان، آنها را نپردازند
- د) تولیدکنندگان نتوانند همه هزینه‌ها را بر مصرف‌کنندگان تحمیل کنند

۸ - در کدام یک از موارد زیر، یک سیاست، باعث یک بهبود پارتویی شده است؟

- الف) ایجاد یک منفعت ۱۰۰ ریالی هم برای فرد A و هم برای فرد B - این دو نفر تنها کسانی

هستند که از این سیاست متأثر می‌شوند

(ب) تحمیل یک هزینه ۵۰۰ ریالی بر فرد A بدون آن که تغییری در وضعیت B حاصل شود  
(ج) فراهم آمدن یک منفعت ۱۰۰ ریالی برای فرد A، بدون آن که تغییری در وضعیت B ایجاد شود

(د) (الف) و (ب)، هر کدام مثالی از یک بهبود پارتویی هستند

(ه) (الف) و (ج)، هر کدام مثالی از یک بهبود پارتویی هستند

۹- وقتی کالایی دارای منفعت خارجی (آثار خارجی مثبت) است،

(الف) منفعت نهایی‌اش برای جامعه، کم‌تر از منفعت نهایی‌اش برای خریداران است

(ب) منفعت نهایی جامعه، برابر با منفعت نهایی خریداران است

(ج) هزینه نهایی جامعه، برابر با هزینه نهایی فروشندگان است

(د) هزینه نهایی جامعه، بزرگ‌تر از هزینه نهایی فروشندگان است

(ه) هزینه نهایی جامعه، رابطه ناشناخته‌ای با هزینه نهایی فروشندگان دارد

۱۰- وقتی ماشین‌آلات پیشرفته یک کارخانه، به خاطر عدم رسیدگی و عدم صرف هزینه‌های نگهداری، فرسوده و مستهلک می‌شوند،

(الف) ناکارایی تخصیصی وجود دارد (د) علت آن نقص ذاتی رقابت کامل است

(ب) ناکارایی تکنولوژیک وجود دارد (ه) علت آن نقص ذاتی انحصار است

(ج) ناکارایی پویا وجود دارد

۱۱- رقابت کامل، نسبت به انحصار،

(الف) از نظر کارایی پویا<sup>۱</sup> مزیت دارد، اما از نظر کارایی تخصیصی ضرورتاً برتری ندارد

(ب) از نظر کارایی تخصیصی مزیت دارد، اما از نظر کارایی پویا ضرورتاً برتری ندارد

(ج) از نظر کارایی تخصیصی مزیت دارد، اما از نظر کارایی فنی برتری ندارد

(د) هم از نظر کارایی پویا و هم از نظر کارایی تخصیصی مزیت دارد

۱۲- گاهی گفته می‌شود که رقابت کامل در ایجاد ابداعات و نوآوریها، نسبت به اشکال دیگر بازار، ضعیف است، زیرا معمولاً بنگاههای کوچک،

- (الف) با وجود داشتن وجوه کافی، انگیزه‌ای برای صرف هزینه‌های تحقیق و توسعه ندارند
- (ب) با وجود داشتن انگیزه کافی، وجوه کافی برای انجام هزینه‌های تحقیق و توسعه ندارند
- (ج) نه وجوه کافی، و نه انگیزه‌های لازم برای انجام هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) ندارند
- (د) اصولاً بازارهای رقابتی، همه مزیت‌هایی که هر نوع بازار دیگری دارد، را دارا می‌باشد

۱۳- اگر در یک اقتصاد کاملاً رقابتی که آثار خارجی در آن وجود ندارد، تغییری در توزیع درآمد خریداران به وجود آید (به طور خودکار یا به وسیله مداخلات دولتی)، آنگاه اقتصاد،

- (الف) از یک وضعیت کارا، به یک وضعیت ناکارا حرکت می‌کند
- (ب) از یک وضعیت ناکارا، به یک وضعیت کارا حرکت می‌کند
- (ج) از یک وضعیت ناکارا، به یک وضعیت کارای دیگر حرکت می‌کند
- (د) از یک وضعیت کارا، به یک وضعیت کارای دیگر حرکت می‌کند
- (ه) از یک وضعیت کارا، به وضعیت دیگری حرکت می‌کند که نمی‌توان تعیین کرد کاراست یا ناکارا

۱۴- از آن جا که از نظر علمی نمی‌توان مطلوبیتی که یک فرد دریافت می‌کند را با مطلوبیت دریافتی توسط فرد دیگر مقایسه کرد،

- (الف) نمی‌توان گفت که آیا یک نتیجه بازار، کاراست یا خیر
- (ب) نمی‌توان گفت که یک نتیجه، از دیگری کارا تر است
- (ج) نمی‌توان گفت که کدام یک از دو نتیجه کارا از دیگری برتر است
- (د) نمی‌توان گفت که کارایی یک نتیجه مطلوب است

۱۵- یک الگوی حلقه خبیثه در قیمت‌ها، وقتی به وجود می‌آید که:

- (الف) میان تصمیم برای تولید، و تحویل محصول به بازار، تأخیر زمانی وجود دارد، و کشاورزان گمان می‌برند که قیمت‌های آینده بالاتر از امروز خواهد بود
- (ب) میان تصمیم برای تولید، و تحویل محصول به بازار، یک تأخیر زمانی وجود دارد، و کشاورزان گمان می‌برند که قیمت‌های آینده کم‌تر از امروز خواهد بود
- (ج) میان تصمیم برای تولید، و تحویل محصول به بازار، تأخیر زمانی وجود ندارد، ولی کشاورزان گمان می‌برند که قیمت‌های آینده بالاتر از امروز خواهد بود
- (د) میان تصمیم برای تولید، و تحویل محصول به بازار، تأخیر زمانی وجود ندارد، اما کشاورزان

گمان می‌برند که قیمت‌های آینده کم‌تر از امروز خواهد بود  
 ه) میان تصمیم برای تولید، و تحویل محصول به بازار، یک تأخیر زمانی وجود دارد، و کشاورزان گمان می‌برند که قیمت‌های آینده نیز مشابه قیمت‌های امروز است

۱۶ - در یک بازار، که در آن تنها چند فروشنده وجود دارد (یعنی فروشندگان می‌توانند بر قیمت تأثیر بگذارند)، معمولاً کدام یک از شرایط کارایی مربوط به رقابت کامل، نقض می‌شود؟

الف) عدم وجود هزینه‌های خارجی

ب) عدم وجود منافع خارجی

ج) برابر ساختن هزینه نهایی با قیمت، توسط فروشندگان

د) برابر ساختن منفعت نهایی با قیمت توسط خریداران

ه) همه موارد بالا نقض می‌شود

۱۷ - وقتی بنگاهی آلودگی ایجاد می‌کند، کدام یک از شرایط کارایی زیر، زیر پا گذاشته می‌شود؟

الف) برابری هزینه نهایی اجتماعی، با هزینه نهایی خصوصی تولیدکننده

ب) برابری منفعت نهایی اجتماعی، با منفعت نهایی خصوصی مصرف‌کننده

ج) فروشندگان، هزینه نهایی خود را با قیمت برابر می‌کنند

د) خریداران، منفعت نهایی خود را با قیمت برابر می‌کنند

ه) همه موارد بالا نقض می‌شود

۱۸ - سفته‌بازی یعنی:

الف) فروش یک کالا، با این انتظار که قیمتش افزایش خواهد یافت

ب) خرید یک کالا، با این انتظار که قیمتش افزایش خواهد یافت

ج) خرید یک کالا، با این انتظار که قیمتش تغییری نخواهد کرد

د) اصولاً سفته‌بازی مربوط به بازارهای پول و استفاده از بهره‌های منابع مالی است

۱۹ - فرض کنید سفته‌بازان در سال اول خرید کنند، و در سال دوم بفروشند، در این

صورت:



الف) اگر قیمت در سال دوم بالاتر باشد، این سفته‌بازی منجر به یک زیان کارایی برای جامعه، اما یک سود برای سفته‌بازان می‌شود

ب) اگر قیمت در سال دوم بالاتر باشد، این سفته‌بازی منجر به یک منفعت کارایی برای جامعه، اما یک زیان برای سفته‌بازان می‌شود

ج) اگر قیمت در سال دوم پایین‌تر باشد، این سفته‌بازی منجر به یک زیان کارایی برای جامعه، و یک زیان برای سفته‌بازان می‌شود

د) اصولاً سفته‌بازان سود ببرند یا زیان کنند، جامعه با زیان کارایی روبه‌روست  
ه) وقتی سفته‌بازان زیان می‌کنند، جامعه چیزی از دست نمی‌دهد

۲۰ - سفته‌بازی، اگر منجر به کاهش نوسانهای قیمت و مقدار شود،

الف) برای جامعه سودمند است، زیرا باعث می‌شود کالاها از یک سال و فور به یک سال کمبود، که قیمت کالاها بالاست، حرکت کنند

ب) برای جامعه سودمند است، زیرا باعث می‌شود کالاها از یک سال کمبود به یک سال و فور، حرکت کنند

ج) سفته‌بازی معمولاً موجب کاهش نوسانها نمی‌شود، زیرا نفع سفته‌بازان، در همین نوسانهاست

د) اصولاً جابه‌جایی کالاها از یک سال به سال دیگر، برای جامعه هزینه دارد، و حتی اگر سفته‌بازان سود ببرند، جامعه زیان می‌کند

۲۱ - در یک وضعیت بهینه پارتو،

الف) می‌توان وضع یک فرد را بهبود داد، بدون آن که وضع دیگری بدتر شود

ب) نمی‌توان وضع هیچ کس را بهبود داد، مگر آن که وضع دیگری بدتر شود

ج) می‌توان وضع همه را بهبود داد، بدون آن که وضع هیچ کس بدتر شود

د) در یک وضعیت بهینه پارتویی، به هیچ طریقی نمی‌توان وضع هیچ یک از افراد را بهبود بخشید

۲۲ - نقشه منحنی‌های بی‌تفاوتی اجتماعی تغییر می‌کند، وقتی که:

الف) توزیع درآمد تغییر کند

ج) قیمت‌های همه کالاها تغییر کند

ب) منحنی امکانات تولید (PPC)

د) (الف) و (ج)

ه) (الف) و (ب)

تغییر کند

۲۳ - ناکارایی فنی، باعث می‌شود یک اقتصاد،

الف) در داخل منحنی امکانات تولیدش (PPC) قرار بگیرد

ب) در بالای PPC قرار بگیرد

ج) بر روی PPC قرار بگیرد، اما نزدیک به محور عمودی

د) بر روی PPC قرار بگیرد، اما نزدیک به محور افقی

ه) هیچ یک از موارد بالا

۲۴ - اگر قیمت‌های نسبی در یک اقتصاد کاملاً رقابتی، در مقدار تعادلی نباشند، آنگاه:

الف) برای یک کالا، تقاضای اضافی وجود خواهد داشت

ب) برای یک کالای دیگر، عرضه اضافی وجود خواهد داشت

ج) نقطه تولید با نقطه مطلوب مصرف، یکسان نیست

د) همه موارد بالا

## پاسخنامه

الف (۵)	ه (۴)	ب (۳)	ه (۲)	ب (۱)
الف (۱۰)	ج (۹)	ه (۸)	ب (۷)	د (۶)
ه (۱۵)	ج (۱۴)	د (۱۳)	ج (۱۲)	ب (۱۱)
الف (۲۰)	ج (۱۹)	ب (۱۸)	الف (۱۷)	ج (۱۶)
	د (۲۴)	الف (۲۳)	الف (۲۲)	ب (۲۱)

# ۲۶

## انحصار

۱ - حداقل هزینه متوسط یک بنگاه، ۳۰ ریال است که در سطح ۱۰۰۰ واحد محصول قابل دستیابی است. این بنگاه در صورتی یک انحصار طبیعی خواهد بود که مقدار تقاضا در قیمت ۳۰ ریال، نزدیک به،

- (الف) یک میلیون واحد باشد  
(ب) ۱۰۰ هزار واحد باشد  
(ج) ۱۰ هزار واحد باشد  
(د) ۲ هزار واحد باشد  
(ه) هزار واحد باشد

۲ - در کدام یک از شرایط زیر، انتظار داریم که یک انحصار پدیدار شود؟  
(الف) تعداد زیادی بنگاه در صنعت وجود دارد، که هر کدام از آنها فقط بخش کوچکی از تقاضای کل را برآورده می‌سازند، و هر کدام از آنها در جایی که منحنی AC آن شروع به افزایش می‌کند، در حال تولید هستند

- (ب) دولت ممنوع کرده است که بیش از یک بنگاه، در بازار، کالا بفروشد  
(ج) مواد خام لازم برای تولید کالا، در اختیار یک بنگاه است  
(د) (الف) و (ب)  
(ه) (ب) و (ج)

۳ - معمولاً شرکت‌های تلفن محلی را جزء کدام یک از حالت‌های زیر می‌توان در نظر گرفت؟

- (الف) یک انحصار قانونی  
(ب) یک انحصار طبیعی  
(ج) یک انحصار غیر طبیعی  
(د) یک انحصار چندقطبی  
(ه) یک انحصار ناشی از تباری

۴ - درآمد نهایی در یک انحصار،

- الف) همواره بیش از هزینه نهایی است  
 ب) همواره در بالای هزینه متوسط  
 ج) برابر با ارتفاع منحنی تقاضا می‌باشد  
 د) کم‌تر از ارتفاع منحنی تقاضا می‌باشد  
 ه) بزرگ‌تر از ارتفاع منحنی تقاضا می‌باشد  
 قرار دارد

۵ - اقتصاددانان، قدرت بازاری را چگونه تعریف می‌کنند؟

- الف) توانایی یک بنگاه برای تأثیر بر تصویب قوانین مربوط به اقتصاد  
 ب) توانایی یک بنگاه برای تأثیر بر تعیین نرخهای مالیاتی  
 ج) توانایی مصرف‌کنندگان برای تأثیر بر قیمت‌های بازار  
 د) توانایی یک بنگاه برای تأثیر بر قیمت بازار  
 ه) هیچ کدام از موارد فوق

۶ - در کدام یک از موارد زیر، قدرت بازاری بنگاه بیش‌تر است؟

- الف) یک بنگاه کاملاً رقابتی  
 ب) یک انحصار که مجبور شده است از قاعده قیمت‌گذاری بر اساس هزینه نهایی تبعیت کند  
 ج) یک انحصار نظارت‌شده که با یک سقف قیمت روبه‌روست  
 د) یک انحصار نظارت‌نشده  
 ه) یک بنگاه که در حال مطالعه برای ورود به یک صنعت فعلاً انحصاری است

۷ - تقاضایی که یک انحصارگر با آن روبه‌روست،

- الف) با تقاضای کل بازار یکسان است  
 ب) در سمت راست تقاضای کل بازار قرار دارد  
 ج) در سمت چپ تقاضای کل بازار قرار دارد  
 د) دارای کشش بی‌نهایت است  
 ه) پرکشش‌تر از تقاضای کل بازار است

۸ - در تعادل یک انحصارگر نظارت‌نشده، درآمد نهایی،

- الف) کم‌تر از هزینه نهایی است  
 ب) بیش‌تر از هزینه نهایی است  
 ج) بیش‌تر از قیمت بازار است  
 د) برابر با قیمت بازار است  
 ه) کم‌تر از قیمت بازار است

۹ - یک انحصارگر نظارت نشده (که آزادانه سودش را حداکثر می‌سازد)، ناکارا عمل می‌کند، زیرا:

- الف) هزینه نهایی‌اش را بدون توجه به درآمد نهایی، با تقاضا برابر می‌کند
- ب) درآمد نهایی‌اش را بدون توجه به هزینه نهایی، با تقاضا برابر می‌کند
- ج) درآمد نهایی‌اش را بدون توجه به هزینه نهایی، با هزینه متوسط برابر می‌کند
- د) هزینه متوسط را بدون توجه به هزینه نهایی، برابر تقاضا قرار می‌دهد
- ه) هزینه نهایی را بدون توجه به تقاضا، برابر درآمد نهایی قرار می‌دهد

۱۰ - وقتی یک انحصارگر، سودش را حداکثر می‌کند، هزینه نهایی آخرین واحد تولید،

- الف) برابر با منفعت نهایی آن برای جامعه است
- ب) بیش از منفعت نهایی آن برای جامعه است
- ج) کم‌تر از منفعت نهایی آن برای جامعه است
- د) کم‌تر از منفعت نهایی آن برای بنگاه انحصاری است
- ه) بیش‌تر از منفعت نهایی آن برای بنگاه انحصاری است

۱۱ - وقتی یک صنعت کاملاً رقابتی، به یک انحصار تبدیل می‌شود، نتیجه آن،

- الف) محصول بیش‌تر، و قیمت کم‌تر است (د) محصول کم‌تر، و قیمت بیش‌تر است
- ب) محصول بیش‌تر، با همان قیمت است (ه) محصول کم‌تر، و قیمت کم‌تر است
- ج) محصول بیش‌تر، و قیمت بیش‌تر است

۱۲ - کدام یک از شرایط زیر، شرط حداکثرسازی سود، هم برای یک انحصارگر و هم برای یک بنگاه رقابتی کامل است؟

- الف) قیمت، بیش‌تر از هزینه نهایی نباشد (د) قیمت، برابر با هزینه نهایی باشد
- ب) قیمت، برابر با هزینه متوسط باشد (ه) قیمت، برابر با درآمد نهایی باشد
- ج) درآمد نهایی، برابر با هزینه نهایی باشد

۱۳ - صرف نظر از تعداد بنگاه‌های یک صنعت، ارتفاع منحنی تقاضایی که در برابر یک بنگاه قرار دارد، نشان دهنده،

- الف) درآمد نهایی آن است (د) هزینه متوسط آن است

- (ب) هزینه نهایی آن است  
 (ج) درآمد متوسط آن است  
 (ه) درآمد کل آن است

۱۴ - مستطیل سود برای یک انحصارگر، برابر است با مقدار تولید آن انحصارگر ضرب در،

- (الف) هزینه متوسطش  
 (ب) قیمتش  
 (ج) قیمت، منهای هزینه متوسطش  
 (د) هزینه نهایی اش  
 (ه) قیمت، منهای هزینه نهایی اش

۱۵ - ناکارایی فنی<sup>۱</sup> به این مفهوم است که انحصارگر،

- (الف) بسیار کم تر از رقابت تولید می کند  
 (ب) بسیار بیش تر از رقابت تولید می کند  
 (ج) جایی تولید می کند که هزینه نهایی، برابر با منفعت نهایی برای جامعه نیست  
 (د) برای تحقیق و توسعه (R&D) سرمایه گذاری بسیار اندکی می کند  
 (ه) بر روی پایین ترین منحنی هزینه ای که برای او امکان پذیر است، تولید نمی کند

۱۶ - انحصار، عموماً منجر به،

- (الف) کارایی تخصیصی می شود  
 (ب) ناکارایی تخصیصی می شود  
 (ج) ناکارایی فنی می شود  
 (د) ناکارایی تکنولوژیک (پویا) می شود  
 (ه) (ب) و (ج)

۱۷ - در کدام یک از موارد زیر، سود بنگاه، صفر است؟

- (الف) انحصارگر نظارت نشده ای که یک قیمت دریافت می کند  
 (ب) انحصارگر نظارت نشده ای که تبعیض قیمت اعمال می کند  
 (ج) انحصارگر نظارت شده ای که قیمت را بر اساس هزینه نهایی تعیین می کند  
 (د) انحصارگر نظارت شده ای که قیمت را بر اساس هزینه متوسط تعیین می کند  
 (ه) انحصارگر نظارت شده ای که قیمت را بر اساس درآمد نهایی تعیین می کند

۱۸ - در مقایسه با قیمت گذاری بر اساس هزینه نهایی، یک سیاست دولتی که انحصارگر را

مجبور به قیمت‌گذاری بر اساس هزینه متوسط می‌کند،

الف) منفعت کارایی یکسانی به دست می‌دهد

ب) منفعت کارایی بیش‌تری ایجاد می‌کند، اما ممکن است پرداخت سوبسید لازم باشد تا انحصارگر به تولید ادامه دهد

ج) منفعت کارایی بیش‌تری ایجاد می‌کند، و نیازی نیز به پرداخت سوبسید وجود ندارد

د) منفعت کارایی کم‌تری ایجاد می‌کند، و پرداخت سوبسید نیز لازم است

ه) منفعت کارایی کم‌تری ایجاد می‌کند، اما نیازی به پرداخت سوبسید وجود ندارد

۱۹ - بر اساس نظریه بهینه دوم،

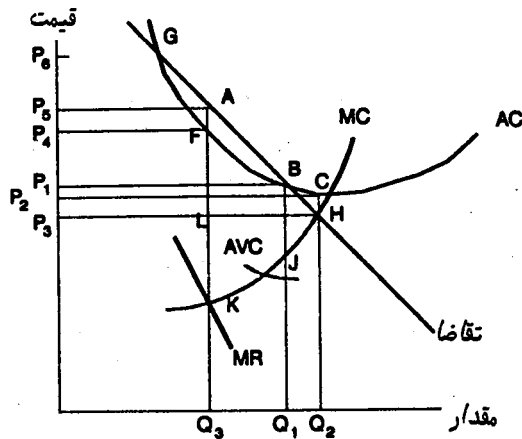
الف) ضرورتی ندارد بکوشیم شرط کارایی را در یک بخش برآورده سازیم، در حالی که بقیه اقتصاد، انحصاری است

ب) باید بکوشیم شرط کارایی را حتماً در یک بخش برآورده سازیم، حتی اگر بقیه اقتصاد، انحصاری باشد

ج) اگر بیش‌تر اقتصاد، انحصاری است، باید بکوشیم بخش‌های دیگر نیز تبدیل به انحصار شوند

د) محصول باید در همه بخش‌هایی که قبلاً انحصاری بوده‌اند، کاهش یابد

● ده سؤال بعدی بر پایه شکل زیر تنظیم شده‌اند:



۲۰ - با توجه به شکل، انحصار نظارت نشده،

- الف) نقطه H را بر روی منحنی تقاضایش انتخاب می‌کند  
 ب) مقدار  $Q_3$  را تولید، و قیمت  $P_5$  را دریافت می‌کند  
 ج) مقدار  $Q_2$  را تولید، و قیمت  $P_2$  را دریافت می‌کند  
 د) مقدار  $Q_1$  را تولید، و قیمت  $P_1$  را دریافت می‌کند  
 ه) مقدار  $Q_3$  را تولید، و قیمت  $P_4$  را دریافت می‌کند

۲۱ - با توجه به شکل، سود یک انحصار نظارت نشده چه مقدار است؟

- الف)  $P_5 AFP_3$   
 ب)  $P_4 FLP_3$   
 ج)  $P_5 AFP_4$   
 د)  $P_2 CHP_3$   
 ه) صفر

۲۲ - با توجه به شکل، یک انحصار نظارت نشده،

- الف) برای هر واحد تولیدش، سودی به اندازه FA می‌برد  
 ب) تولید را جایی انتخاب می‌کند که هزینه نهایی با درآمد نهایی، برابر باشد  
 ج) تولید را جایی انتخاب می‌کند که هزینه نهایی، منحنی تقاضا را قطع کند  
 د) الف) و ب)  
 ه) الف) و ج)

۲۳ - با توجه به شکل، اگر انحصار به صورت نظارت نشده به حال خود رها شود، زیان

کارایی برابر خواهد بود با:

- الف) BJH      ب) ABJK      ج) AHK      د)  $P_5 AFP_4$       ه) BCH

۲۴ - با توجه به شکل، در نظر بگیرید که یک سازمان دولتی، مسؤول تنظیم انحصار بر

اساس قیمت‌گذاری هزینه نهایی شده است. قیمتی که این سازمان تعیین می‌کند، برابر است با:

- الف)  $P_3$       ب)  $P_2$       ج)  $P_1$       د)  $P_4$       ه)  $P_5$

۲۵ - با توجه به شکل، انحصارگر نظارت شده‌ای که بر اساس قیمت‌گذاری هزینه نهایی

عمل می‌کند،



- الف) مقدار  $Q_2$  را در قیمت  $P_3$  می‌فروشد، و سودی به اندازه  $P_2 - P_3$  می‌برد  
 ب) مقدار  $Q_2$  را در قیمت  $P_3$  می‌فروشد، و زیانی به اندازه  $P_2 - P_3$  می‌برد  
 ج) مقدار  $Q_2$  را در قیمت  $P_3$  می‌فروشد، و سود و زیانی نمی‌برد  
 د) مقدار  $Q_1$  را در قیمت  $P_1$  می‌فروشد، و سود و زیانی نمی‌برد

۲۶ - با توجه به شکل، قیمت‌گذاری بر اساس هزینه نهایی،

- الف) ناکارایی انحصار را از AKH به صفر کاهش می‌دهد  
 ب) ناکارایی انحصار را از AKH به BJH کاهش می‌دهد  
 ج) ناکارایی انحصار را از AKH به ABJK کاهش می‌دهد  
 د) ناکارایی انحصار را از BJH به ABJK افزایش می‌دهد

۲۷ - با توجه به شکل، فرض کنید دولت، انحصار را با توجه به قیمت‌گذاری بر اساس هزینه متوسط، تنظیم می‌کند. در این صورت قیمتی که تعیین می‌شود، برابر است با:

- الف)  $P_3$       ب)  $P_2$       ج)  $P_1$       د)  $P_4$       ه)  $P_5$

۲۸ - با توجه به شکل، انحصاری که بر اساس هزینه متوسط قیمت‌گذاری می‌کند،

- الف) مقدار  $Q_2$  را با قیمت  $P_3$  می‌فروشد، و سودی به اندازه  $P_2 - P_3$  می‌برد  
 ب) مقدار  $Q_2$  را با قیمت  $P_3$  می‌فروشد، و زیانی به اندازه  $P_2 - P_3$  می‌برد  
 ج) مقدار  $Q_2$  را با قیمت  $P_3$  می‌فروشد، و سود و زیانی نمی‌برد  
 د) مقدار  $Q_1$  را با قیمت  $P_1$  می‌فروشد، و سود و زیانی نمی‌برد

۲۹ - با توجه به شکل، قیمت‌گذاری بر اساس هزینه متوسط،

- الف) ناکارایی انحصار را AKH از به صفر کاهش می‌دهد  
 ب) ناکارایی انحصار را از AKH به BJH کاهش می‌دهد  
 ج) ناکارایی انحصار را از AKH به ABJK کاهش می‌دهد  
 د) ناکارایی انحصار را از BJH به ABJK افزایش می‌دهد

۳۰ - چه هنگام دادن اجازه به انحصارگر، برای تبعیض قیمت، دارای توجیه منطقی است؟

- الف) وقتی که قیمت‌های تبعیضی برای همه مصرف‌کنندگان پایین‌تر باشد  
 ب) وقتی که قیمت متوسط در کل ثابت بماند

ج) وقتی که در غیر این صورت، بنگاه نتواند هزینه‌هایش را پوشاند

د) وقتی بنگاه بتواند بازاریش را تقسیم کند

۳۱ - یک انحصارگر حداکثر کننده سود که می‌تواند میان دو گروه از خریداران، تبعیض قیمت اعمال کند،

الف) از گروهی که تقاضایش کم‌کشش‌تر است، قیمت بالاتری دریافت می‌کند

ب) از گروهی که تقاضایش کم‌کشش‌تر است، قیمت کم‌تری دریافت می‌کند

ج) از هر دو گروه، قیمت یکسانی دریافت می‌کند

د) از هر کدام از گروهها، به انتخاب خود، قیمت بالاتری دریافت می‌کند

## پاسخنامه

د (۵)	د (۴)	ب (۳)	ه (۲)	ه (۱)
ج (۱۰)	ه (۹)	ه (۸)	الف (۷)	د (۶)
ه (۱۵)	ج (۱۴)	ج (۱۳)	ج (۱۲)	د (۱۱)
ب (۲۰)	الف (۱۹)	ه (۱۸)	د (۱۷)	ه (۱۶)
ب (۲۵)	الف (۲۴)	ج (۲۳)	د (۲۲)	ج (۲۱)
ج (۳۰)	ب (۲۹)	د (۲۸)	ج (۲۷)	الف (۲۶)
				الف (۳۱)



## بازارهای در حد فاصل انحصار و رقابت کامل

۱ - وقتی بنگاههای یک صنعت، محصولات خود را از همدیگر متمایز می‌سازند، چه نوع بازاری پدیدار می‌شود؟

- (الف) رقابت کامل  
(ب) انحصار  
(ج) انحصار و رقابت کامل  
(د) رقابت انحصاری<sup>۱</sup>  
(ه) محصولات بنگاهها در همه ساختارهای بازاری، متمایز است

۲ - در بلندمدت، یک بنگاه در بازار رقابت انحصاری،

- (الف) با یک منحنی تقاضای کاملاً پرکشش روبه‌روست  
(ب) بیش از مقداری که هزینه‌های متوسط کل اش را حداقل می‌سازد، تولید می‌کند  
(ج) کم‌تر از مقداری که هزینه‌های متوسط کل اش را حداقل می‌سازد، تولید می‌کند  
(د) به مقداری تولید می‌کند که هزینه‌های متوسط کل اش را حداقل سازد  
(ه) سودی بیش از حد عادی به دست می‌آورد

۳ - در رقابت انحصاری،

- (الف) دقیقاً همچون رقابت کامل، یک محصول استاندارد و همگون وجود دارد  
(ب) بر خلاف ایجاد تمایز محصول در رقابت کامل، یک محصول استاندارد همگون وجود دارد  
(ج) بر خلاف ورود آزادانه که در رقابت کامل وجود دارد، ورود بنگاههای جدید با دشواریهایی روبه‌روست

- (د) دقیقاً همچون رقابت کامل، ورود بنگاههای جدید با دشواریهایی روبه‌روست  
(ه) دقیقاً همچون رقابت کامل، تعداد فروشندگان بسیار زیاد است

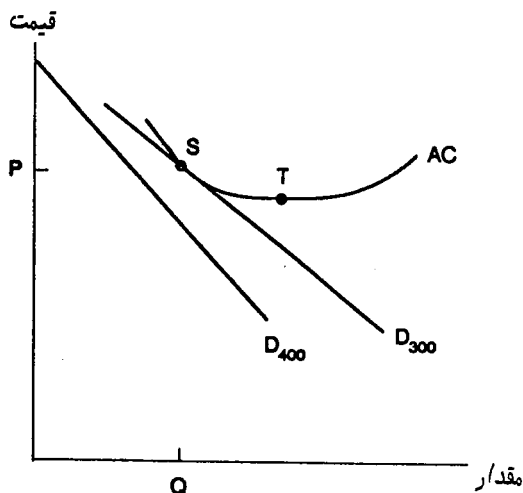
۴ - چه ویژگی در رقابت انحصاری، باعث می‌شود سود یک بنگاه در بلندمدت صفر باشد؟

---

1 - monopolistic competition

- (الف) تمایز محصول  
 (ب) هدایت قیمت  
 (ج) قدرت بازاری  
 (د) ورود آزاد  
 (ه) تبانی فروشندگان

● چهار پرسش بعد، بر پایه شکل زیر سازمان یافته‌اند. در این شکل،  $AC$  هزینه متوسط یک بنگاه نمونه از ۴۰۰ بنگاه یکسان یک بازار رقابت انحصاری است. تقاضایی که هر کدام از این بنگاهها با آن روبه‌روست،  $D_{400}$  می‌باشد (اگر ۳۰۰ بنگاه در این صنعت وجود می‌داشت، تقاضایی که هر کدام با آن روبه‌رو بود،  $D_{300}$  می‌بود).



۵ - با توجه به شکل، بنگاهی که در کوتاه‌مدت با منحنی  $D_{400}$  روبه‌روست،

(الف) سود می‌برد

(ب) سودش صفر است

(ج) زیان می‌کند، زیرا  $D_{400}$  در همه جا در زیر  $AC$  قرار دارد

(د) زیان می‌کند، زیرا هزینه متوسط در  $T$  کم‌تر از قیمت فروش می‌باشد

(ه) زیان می‌کند، زیرا هزینه نهایی بنگاه (که در این جا نشان داده نشده است)، باید در زیر قیمت

فروش آن قرار داشته باشد

۶ - با توجه به شکل، در این صنعت، در بلندمدت،

- الف) بنگاه‌های جدیدی وارد خواهند شد  
 ب) در تعداد بنگاه‌ها تغییری رخ نخواهد داد  
 ج) کم‌تر از ۱۰۰ بنگاه از بنگاه‌های موجود، از صنعت بیرون خواهند رفت  
 د) ۱۰۰ بنگاه از بنگاه‌های موجود، از صنعت بیرون خواهند رفت  
 ه) بیش‌تر از ۱۰۰ بنگاه از بنگاه‌های موجود، از صنعت بیرون خواهند رفت

۷- با توجه به شکل، در بلندمدت،

- الف) ۳۰۰ بنگاه در صنعت وجود خواهد داشت، که هر کدام از آنها در نقطه S، با سود اضافی صفر به فعالیت می‌پردازد  
 ب) ۳۰۰ بنگاه در صنعت وجود خواهد داشت، که هر کدام از آنها در نقطه P، با سود اضافی صفر به فعالیت خواهد پرداخت  
 ج) ۴۰۰ بنگاه در صنعت وجود خواهد داشت، که هر کدام از آنها زیانی متحمل می‌شود  
 د) ۴۰۰ بنگاه در صنعت وجود خواهد داشت، که سود اضافی هر کدام از آنها صفر خواهد بود  
 ه) کم‌تر از ۳۰۰ بنگاه در صنعت وجود خواهد داشت، که هر کدام از آنها یک سود اضافی می‌برد

۸- با توجه به شکل، تعادل بلندمدت،

- الف) کاراست، زیرا سود هر بنگاه صفر است  
 ب) کاراست، زیرا هر بنگاه در حداقل هزینه متوسط، تولید می‌کند  
 ج) ناکاراست، زیرا سود هر بنگاه صفر است  
 د) ناکاراست، زیرا هر بنگاه با هزینه متوسطی بالاتر از حداقل، تولید می‌کند  
 ه) ممکن است کارا یا ناکارا باشد، نمی‌توان مطمئن بود

۹- حداقل هزینه متوسط یک بنگاه، ۱۰ ریال است که در سطح ۲۰ هزار واحد تولید به آن دست می‌یابد. این صنعت وقتی می‌تواند کاملاً رقابتی باشد که مقدار کل تقاضای این محصول در قیمت ۱۰ ریال، برابر باشد با:

- الف) یک میلیون واحد  
 ب) ۱۰۰ هزار واحد  
 ج) ۴۰ هزار واحد  
 د) ۲۰ هزار واحد  
 ه) ۱۰ هزار واحد

۱۰ - اگر بنگاه‌های انحصار چندقطبی<sup>۲</sup>، برای افزایش قیمت، تبانی کنند،

(الف) هر کدام از آنها سودی خواهد برد، گرچه اقتصاد به عنوان یک کل، زیان خواهد کرد  
(ب) بنگاهی که قیمت را تعیین می‌کند، سود خواهد برد و بقیه بنگاهها و اقتصاد به عنوان یک کل، زیان خواهند کرد

(ج) همه بنگاهها، و اقتصاد به عنوان یک کل، سود خواهند برد

(د) همه بنگاهها سود خواهند برد، اما تأثیری بر اقتصاد به عنوان یک کل، ندارد

(ه) همه بنگاهها، و اقتصاد به عنوان یک کل، زیان خواهند کرد

۱۱ - یک بنگاه در انحصار چندقطبی،

(الف) نباید نگران این باشد که اگر او با یکی از بنگاههای رقیبش ادغام شود، دولت چه واکنشی نشان می‌دهد

(ب) نباید نگران واکنش رقبایش به قیمت‌هایی که او تعیین می‌کند، باشد

(ج) باید نگران واکنش رقبایش به قیمت‌هایی که او تعیین می‌کند، باشد

(د) همیشه می‌تواند با اطمینان، واکنش رقبایش را پیش‌بینی کند

(ه) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

۱۲ - در یک انحصار چندقطبی طبیعی، منحنی هزینه متوسط یک بنگاه منفرد، از کجا شروع به افزایش می‌کند؟

(الف) از سمت راست منحنی تقاضای کل بازار

(ب) از جایی که منحنی تقاضای کل بازار را قطع می‌کند

(ج) درست از سمت چپ منحنی تقاضای کل بازار

(د) از جایی که هنوز در بالای منحنی تقاضای کل بازار قرار دارد

(ه) هیچ کدام از موارد فوق

۱۳ - جایی که منحنی هزینه متوسط یک بنگاه به حداقل می‌رسد، مقدار تولید، ۱۰۰ هزار واحد، و هزینه متوسط برای هر واحد محصول، ۱۰۰ ریال می‌باشد. در سطح قیمت ۱۰۰ ریال، کدام یک از مقادیر تقاضای کل زیر، بیانگر یک انحصار طبیعی است؟

(د) ۳۰۰ هزار واحد

(ه) ۹۰ هزار واحد

(الف) ۱۰ میلیون واحد

(ب) یک میلیون واحد

(ج) ۶۰۰ هزار واحد

۱۴ - یکی از معیارهایی که اقتصاددانان برای تشخیص ساختار بازارها به کار می‌برند، نسبت تمرکز است. این نسبت بیانگر سهم بزرگ‌ترین بنگاه‌های یک صنعت در تولید کل صنعت می‌باشد. معمولاً برای محاسبه این نسبت، سهم چند بنگاه از بزرگ‌ترین بنگاه‌های صنعت را محاسبه می‌کنند؟

(د) ۳۰ بنگاه

(ه) ۱۰۰ بنگاه

(الف) ۲ بنگاه

(ب) ۴ بنگاه

(ج) ۲۰ بنگاه

۱۵ - اگر منحنی‌های تقاضای بازارها، شبیه یکدیگر باشند، کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

(الف) منحنی هزینه متوسط بنگاه انحصار چندقطبی طبیعی، دیرتر از انحصار طبیعی به حداقل خودش می‌رسد

(ب) منحنی هزینه متوسط بنگاه انحصار طبیعی، دیرتر از چندقطبی طبیعی به حداقل خودش می‌رسد

(ج) منحنی هزینه متوسط بنگاه کاملاً رقابتی، دیرتر از چندقطبی طبیعی به حداقل خودش می‌رسد

(د) منحنی هزینه متوسط بنگاه کاملاً رقابتی، دیرتر از انحصار طبیعی به حداقل خودش می‌رسد

۱۶ - منحنی هزینه متوسط یک بنگاه، در سطح تولید ۱۰ هزار واحد به حداقل خودش (۲۰ ریال)، می‌رسد. این بنگاه وقتی در یک بازار چندقطبی طبیعی قرار خواهد داشت، که تقاضای کل در قیمت ۲۰ ریال، مثلاً،

(د) ۱۰ هزار واحد باشد

(ه) ۹ هزار واحد باشد

(الف) یک میلیون واحد باشد

(ب) ۵۰۰ هزار واحد باشد

(ج) ۵۰ هزار واحد باشد

۱۷ - شاخص هرفیندال - هیرشمن<sup>۳</sup> برای نشان دادن تمرکز صنعتی، کدام است؟

- (الف) مجموع سهم بازاری همه بنگاههای صنعت
- (ب) حاصل ضرب سهم بازاری همه بنگاههای صنعت
- (ج) حاصل ضرب مربعات سهم بازاری همه بنگاههای صنعت
- (د) مجموع مربعات سهم بازاری همه بنگاههای صنعت
- (ه) مجموع سهم چهار بنگاه بزرگ تر صنعت

۱۸ - شاخص هرفیندال - هیرشمن برای صنعتی که در آن، یک بنگاه ۸۰ درصد محصولات، و دو بنگاه دیگر هر کدام ۱۰ درصد محصولات آن را تولید کنند، عبارت است از:

- (الف) ۰/۶۶
- (ب) ۶۶۰۰
- (ج) ۰/۸۸
- (د) ۸۸۰۰
- (ه) ۱

۱۹ - کدام یک از بنگاههای زیر، بیش از سایر بنگاهها، دارای قدرت بازاری است؟

- (الف) یک بنگاه کاملاً رقابتی
- (ب) یک بنگاه در رقابت انحصاری
- (ج) یک انحصارگر چندقطبی
- (د) یک انحصارگر نظارت نشده
- (ه) یک انحصارگر نظارت شده

۲۰ - بنگاهی که با یک منحنی تقاضای شکسته<sup>۴</sup> روبه روست، انتظار دارد که رقبايش،

- (الف) خود را با افزایش قیمت توسط آن بنگاه، تطبیق داده، اما با کاهش قیمت تطبیق ندهند
- (ب) خود را با کاهش قیمت توسط آن بنگاه، تطبیق داده، اما با افزایش قیمت تطبیق ندهند
- (ج) خود را با هر تغییری که آن بنگاه در قیمت هایش دهد، تطبیق دهند
- (د) خود را با هیچ گونه تغییر قیمتی که او انجام می دهد، تطبیق ندهند
- (ه) هر تغییری که او انجام دهد (در باره قیمت، ستاده، تبلیغات، و غیره)، را نادیده بگیرند

۲۱ - رهبری قیمت<sup>۵</sup>،

- (الف) تنها وقتی رخ می دهد که در یک صنعت، تبلیغات سنگینی وجود داشته باشد
- (ب) در یک انحصار چندقطبی، ابزاری است برای انجام تغییرات "باقاعده" قیمت

3 - Herfindahl - Hirschman index

4 - kinked demand curve

5 - price leadership



- ج) نشان می‌دهد که در یک بنگاه، کدام مدیر برتر، تصمیمات قیمت‌گذاری را می‌گیرد  
د) بیش‌تر در رقابت کامل رخ می‌دهد  
ه) بیش‌تر در یک صنعت انحصاری شده رخ می‌دهد

۲۲ - منحنی تقاضای شکسته،

- الف) کمک می‌کند تا توضیح دهیم چرا قیمت انحصار چندقطبی تا حدودی پایدار است  
ب) این پرسش را که قیمت نخستین بار چگونه تعیین می‌شود، بی‌پاسخ رها می‌کند  
ج) بر این فرض استوار است که اگر بنگاهی قیمتش را کاهش دهد، رقبایش از آن پیروی می‌کنند  
د) بر این فرض استوار است که اگر بنگاهی قیمتش را افزایش دهد، رقبایش از آن پیروی نمی‌کنند  
ه) همه موارد بالا

۲۳ - روش رهبری قیمت،

- الف) شناسایی تبانی تلویحی را دشوار می‌سازد  
ب) تنها در رقابت انحصاری رخ می‌دهد  
ج) تنها در انحصار دوقطبی رخ می‌دهد  
د) تنها در رقابت کامل رخ می‌دهد  
ه) تنها در انحصار رخ می‌دهد

۲۴ - رقابت غیرقیمتی، میان چه بنگاههایی درمی‌گیرد؟

- الف) میان انحصارگرانی که هر یک، بازار مخصوص خود را در اختیار دارند  
ب) میان بنگاههای کاملاً رقابتی  
ج) فقط میان انحصارگران دوقطبی  
د) فقط میان بنگاههای بازار رقابت انحصاری  
ه) میان چندقطبی‌هایی که نگران ویرانگر بودن رقابت قیمتی هستند

- ۲۵ - این نظریه که رقابتی بودن یک بازار را بسته به تعداد رقبای بالقوه می‌داند، و نه رقبایی که عملاً در بازار وجود دارند، نظریه،

الف) بازارهای رقابت‌پذیر<sup>۱</sup> است      د) بازارهای اجباری است

ه) قدرت هم‌سنگ<sup>۷</sup> است

ب) تقاضای شکسته است

ج) بازارهای جمعی است

۲۶ - در یک بازار رقابت‌پذیر،

الف) یک بنگاه وجود دارد که می‌تواند به عنوان انحصارگر عمل کند

ب) ورود آزاد وجود ندارد

ج) ورود بالقوه بنگاه‌های جدید، قدرت بازاری بنگاه موجود را افزایش می‌دهد

د) امکان بالقوه ورود بنگاه‌های جدید، اثری بر قدرت بازاری بنگاه فعلی ندارد

ه) اگر حتی یک بنگاه در بازار وجود داشته باشد، نمی‌تواند آن گونه که یک انحصارگر عمل

می‌کند، عمل نماید

۲۷ - در یک بازار انحصار دوقطبی، فریب‌کاری میان رقبا، وقتی افزایش می‌یابد که:

الف) توافق میان رقبا، مکتوب نباشد

ب) شناسایی فریب‌کاری یکی از رقبا، دشوار باشد

ج) مقابله به مثل برای رقیب فریب‌خورده، بسیار زمان‌بر باشد

د) الف) و ب) درست است

ه) ب) و ج) درست است

۲۸ - بازی میان انحصارگران دوقطبی، همچون معمای زندانی است، یعنی:

الف) نفع انفرادی هر بنگاه در حفظ قیمت است، اما نفع مشترک آنها در کاهش قیمت می‌باشد

ب) نفع انفرادی هر بنگاه در کاهش قیمت است، اما نفع مشترک آنها در حفظ قیمت توافق شده

می‌باشد

ج) نفع انفرادی و مشترک بنگاه‌ها، در حفظ قیمت توافق شده است

د) نفع انفرادی و مشترک بنگاه‌ها، در کاهش قیمت توافق شده است

## پاسخنامه

د (۱)	ج (۲)	ه (۳)	د (۴)	ج (۵)
د (۶)	الف (۷)	ه (۸)	الف (۹)	الف (۱۰)
ج (۱۱)	ج (۱۲)	ه (۱۳)	ب (۱۴)	ب (۱۵)
ج (۱۶)	د (۱۷)	ب (۱۸)	د (۱۹)	ب (۲۰)
ب (۲۱)	ه (۲۲)	الف (۲۳)	ه (۲۴)	الف (۲۵)
ه (۲۶)	ه (۲۷)	ب (۲۸)		



بخش هشتم



# کارایی اقتصادی

مباحث نو



## ۵ - تنظیم نگاهها به وسیله دولت

- ۱ - رقابت ویرانگر، عبارت است از:
- (الف) قیمت‌گذاری بالاتر از هزینه، برای بیرون راندن رقبا از بازار
  - (ب) قیمت‌گذاری بر اساس هزینه، برای بیرون راندن رقبا از بازار
  - (ج) قیمت‌گذاری در زیر هزینه، برای بیرون راندن رقبا از بازار
  - (د) تبلیغات شدید، برای بیرون راندن رقبا از بازار
  - (ه) اقدامات قانونی، برای بیرون راندن رقبا از بازار
- ۲ - برقراری یک قانون ضد تراست که یک انحصار طبیعی را از بین می‌برد، ممکن است،

- (الف) منافع حاصل از صرفه‌های مقیاس را محدود کند
- (ب) منافع حاصل از صرفه‌های مقیاس را افزایش دهد
- (ج) منافع حاصل از قانون بازدهی نزولی را افزایش دهد
- (د) منافع حاصل از قانون بازدهی نزولی را کاهش دهد
- (ه) اصولاً برقراری قانون ضد تراست، اثری بر صرفه‌های مقیاس ندارد

### ۳ - کدام یک از موارد زیر، مثالی از تبانی است؟

- (الف) توافق برای ثابت نگهداشتن قیمت
- (ب) توافق برای کم کردن فروش
- (ج) توافق برای تقلب در حراج
- (د) همه موارد فوق
- (ه) موارد (الف) و (ب)

### ۴ - در شرایط ایده‌آل، کدام یک از سیاست‌های زیر، هدف کارایی را بهتر دنبال می‌کند؟

- (الف) متلاشی کردن همه نوع انحصارات
- (ب) متلاشی کردن انحصارهای طبیعی، و رها کردن دیگر انحصارات
- (ج) متلاشی کردن انحصارهای طبیعی، و تنظیم بقیه انحصارها
- (د) تنظیم انحصارهای طبیعی، و متلاشی کردن بقیه انحصارها

ه) عدم دخالت در هیچ یک از انحصارها

۵ - روش رهبری قیمت،

- الف) شناسایی تبانی‌های ضمنی را دشوار می‌سازد  
ب) به وسیله انحصارگران به کار گرفته می‌شود  
ج) تنها در رقابت کامل به کار گرفته می‌شود  
د) اساساً در رقابت ویرانگر به کار گرفته می‌شود  
ه) در انحصار چندقطبی، کاربرد ندارد

۶ - ادغام یک بنگاه با بنگاهی که عرضه‌کننده نهاده‌های آن است،

- الف) ادغام عمودی نامیده می‌شود  
ب) ادغام افقی نامیده می‌شود  
ج) ادغام مستقیم نامیده می‌شود  
د) ادغام غیرمستقیم نامیده می‌شود  
ه) هیچ کدام

۷ - ادغام دو بنگاه در یک صنعت،

- الف) ادغام عمودی است  
ب) ادغام افقی است  
ج) ادغام متقاطع است  
د) ادغام مستقیم است

۸ - اگر مشتریهای یک بنگاه، مالکیت آن را خریداری کنند،

- الف) یک ادغام عمودی انجام شده است  
ب) یک ادغام افقی انجام شده است  
ج) یک ادغام چند جانبه انجام شده است  
د) یک ادغام مستقیم انجام شده است  
ه) یک تبانی عمودی انجام شده است

۹ - معمولاً در تلاش برای سازمان‌دهی یک کارتل،

- الف) سازمانهای دولتی، در مقایسه با گروههای خصوصی تولیدکنندگان، با موانع و محدودیت‌های قانونی کم‌تری، مواجه می‌شوند  
ب) گروههای خصوصی از پیگرد قانونی مصونند، اما یک سازمان دولتی با برخورد قانونی روبه‌رو می‌شود  
ج) همه تولیدکنندگان، دولتی یا خصوصی، به یکسان با برخورد قانونی روبه‌رو می‌شوند  
د) قوانین ضد تراست، معمولاً در باره بنگاههایی اعمال می‌شود که کالاهای استراتژیک ملی



تولید می‌کنند

۱۰ - نظارت دولت بر شرکت‌های هواپیمایی،

- الف) رقابت را با محدود کردن ورود بنگاههای جدید، تشویق می‌کند  
 ب) رقابت را با اجازه ورود به بنگاههای جدید، تشویق می‌کند  
 ج) با اجازه ورود به بنگاههای جدید، مانع گسترش رقابت می‌شود  
 د) با محدود کردن ورود بنگاههای جدید، مانع گسترش رقابت می‌شود  
 ه) اثری بر رقابت ندارد، زیرا نظارت دولتی تنها مانع پرواز بنگاههای جدید در مسیرهای موجود می‌شود

۱۱ - کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- الف) قوانین ضد تراست که یک انحصار طبیعی را به بنگاههای کوچک‌تر تقسیم می‌کند، منجر به کاهش هزینه‌های متوسط تولید می‌شود  
 ب) در "رقابت عملی"<sup>۱</sup>، هدف، دستیابی به مزیت‌های هزینه‌ای حاصل از صرفه‌های مقیاس بنگاههای بزرگ، و در عین حال کنترل سوءاستفاده‌های شرم‌آور از بزرگی مقیاس بنگاهها است  
 ج) در سوبسیددهی غیرمستقیم<sup>۲</sup>، قیمت را برای یک گروه افزایش می‌دهند، تا گروه دیگری سود ببرد  
 د) اگر دولت حقوق بارگیری را از طریق فروش یا اجاره به شرکت‌های هواپیمایی موجود واگذار کند، این مسأله به عنوان محدودیتی برای ورود به این صنعت عمل می‌کند

## پاسخنامه

الف (۵)	د (۴)	د (۳)	الف (۲)	ج (۱)
د (۱۰)	الف (۹)	الف (۸)	ب (۷)	الف (۶)
				الف (۱۱)

## چرا کشاورزی بخش پر نوسانی است؟

۱ - در یک سال پر محصول، درآمد کشاورزان کاهش می‌یابد،

(الف) صرف نظر از چگونگی کاهش عرضه و تقاضا

(ب) اگر تقاضا پر کاهش باشد

(ج) اگر تقاضا کم کاهش باشد

(د) اگر عرضه و تقاضا دارای کاهش یکسان باشند

(ه) اگر کاهش تقاضا بی‌نهایت باشد

۲ - قیمت مواد غذایی، وقتی پایدارتر خواهد بود که:

(الف) تقاضا برای مواد غذایی کم کاهش باشد

(ب) محصولات غذایی را به سادگی بتوان انبار کرد

(ج) عرضه مواد غذایی کم کاهش باشد

(د) تغییرات آب و هوایی، شدید باشد

(ه) تقاضا برای مواد غذایی دارای کاهش صفر باشد

۳ - معمولاً بهبود بازدهی در کشاورزی، مستعد آن است که:

(الف) قیمت‌ها و درآمدهای کشاورزی را افزایش دهد

(ب) قیمت‌های کشاورزی را کاهش دهد

(ج) قیمت‌های کشاورزی را افزایش داده، ولی درآمدهای آن را کاهش دهد

(د) اصولاً بهبود بازدهی، اثری بر قیمت‌های کشاورزی ندارد

(ه) اصولاً بهبود بازدهی، اثری بر درآمدهای کشاورزی ندارد

۴ - قیمت‌های محصولات کشاورزی، نسبت به قیمت دیگر کالاها،

(الف) در کوتاه‌مدت پایدار بوده، و در بلندمدت یک روند رو به بالا داشته‌اند

(ب) در کوتاه‌مدت پایدار بوده، و در بلندمدت یک روند رو به پایین داشته‌اند

- ج) در کوتاه‌مدت ناپایدار بوده، و در بلندمدت روند ثابتی داشته‌اند
- د) در کوتاه‌مدت ناپایدار بوده، و در بلندمدت یک روند رو به پایین داشته‌اند
- ه) در کوتاه‌مدت ناپایدار بوده، و در بلندمدت یک روند رو به بالا داشته‌اند

۵ - قیمت بلندمدت محصولات کشاورزی، نسبت به قیمت دیگر کالاها،

- الف) به دلیل کمیابی زمین‌های مزروعی، کاهش یافته است
- ب) به دلیل فراوانی زمین‌های مزروعی، افزایش یافته است
- ج) به دلایل دیگری، غیر از حجم زمین‌های مزروعی، افزایش یافته است
- د) به دلیل ثابت بودن حجم زمین‌های مزروعی، ثابت بوده است
- ه) به دلایل دیگری، غیر از حجم زمین‌های مزروعی، کاهش یافته است

۶ - در سالهای کم‌محصول، درآمد کشاورزانی که با تقاضای،

- الف) پرکشش روبه‌رو باشند، افزایش می‌یابد
- ب) پرکشش روبه‌رو باشند، کاهش می‌یابد
- ج) پرکشش روبه‌رو باشند، ثابت می‌ماند
- د) کم‌کشش روبه‌رو باشند، ثابت می‌ماند
- ه) کم‌کشش روبه‌رو باشند، کاهش می‌یابد

۷ - هنگام اجرای برنامه‌های حمایت دولت از قیمت محصولات کشاورزی، کدام گروه از

کشاورزان، بیش از همه سود می‌برند؟

- الف) کشاورزانی که هنگام اعلان برنامه‌ها، بر روی زمین‌های اجاره‌ای کشت می‌کنند
- ب) کشاورزانی که هنگام اعلان برنامه‌ها، مالک زمین کشاورزی هستند
- ج) کشاورزانی که پیش از اعلان برنامه‌ها، زمین‌های خود را فروخته‌اند
- د) کشاورزانی که برای مالکان زمین‌ها کار می‌کنند

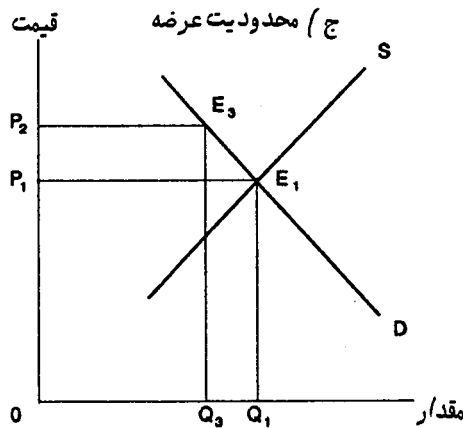
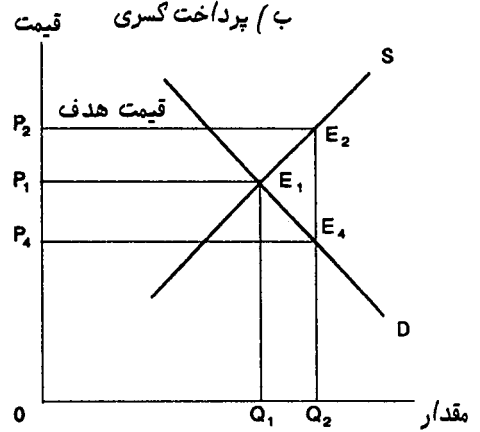
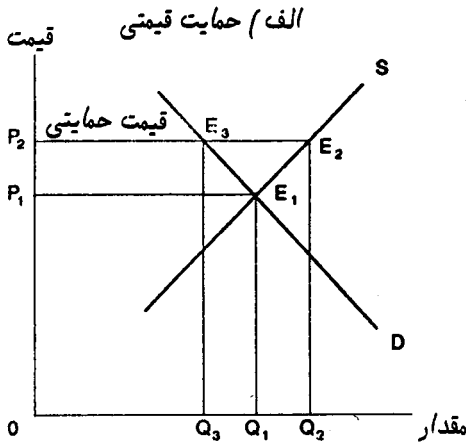
۸ - وقتی دولت قیمت محصولات کشاورزی را بالاتر از قیمت بازاری آن تعیین می‌کند،

- الف) یک منفعت کارایی به وجود می‌آید، و منافع از کشاورزان به مالیات‌دهندگان منتقل می‌شود
- ب) یک منفعت کارایی به وجود می‌آید، و منافع از مالیات‌دهندگان به کشاورزان منتقل می‌شود
- ج) یک منفعت کارایی به وجود می‌آید، ولی انتقالی در منافع صورت نمی‌گیرد
- د) یک زیان کارایی به وجود می‌آید، و بخشی از منافع مالیات‌دهندگان به کشاورزان منتقل

می‌شود

ه) یک زیان کارایی به وجود می‌آید، و بخشی از منافع کشاورزان به مالیات‌دهندگان منتقل می‌شود

● شانزده پرسش بعدی بر اساس نمودارهای زیر تنظیم شده‌اند:



۹ - در نمودار «الف» شکل بالا، تعیین قیمت حمایتی  $P_2$  توسط دولت،

الف) برای خزانه‌داری، هزینه‌ای به اندازه  $E_3E_2Q_2Q_3$  دارد

ب) برای خزانه‌داری، هزینه‌ای به اندازه  $P_2E_2Q_2O$  دارد

ج) برای خزانه‌داری، هزینه‌ای به اندازه  $E_3E_1Q_1Q_2$  دارد  
 د) درآمد یا هزینه‌ای برای خزانه‌داری ندارد

۱۰ - در نمودار «الف»، اگر سیاست دولت، آزادی اقتصادی و عدم تضمین هیچ گونه قیمتی باشد،

الف) خزانه‌داری به ازاء هر واحد تولید، سودی به اندازه  $P_1P_2$  می‌برد  
 ب) خزانه‌داری، هزینه‌ای به اندازه  $P_2E_2Q_2O$  متحمل می‌شود  
 ج) خزانه‌داری، هزینه‌ای به اندازه  $E_2E_1Q_1Q_2$  متحمل می‌شود  
 د) نه درآمد و نه هزینه‌ای برای خزانه‌داری در پی ندارد  
 ه) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

۱۱ - در نمودار «الف»، اگر دولت قیمت  $P_2$  را تضمین کند، جابه‌جایی منافع میان گروهها چگونه خواهد بود؟

الف) از تولیدکنندگان، به سوی خزانه‌داری و مصرف‌کنندگان  
 ب) از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، به سوی خزانه‌داری  
 ج) از خزانه‌داری، به سوی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان  
 د) از خزانه‌داری و تولیدکنندگان، به سوی مصرف‌کنندگان  
 ه) از خزانه‌داری و مصرف‌کنندگان، به سوی تولیدکنندگان

۱۲ - در نمودار «ب»، اگر قیمت هدف،  $P_2$  باشد، و دولت کسری قیمت را به کشاورزان بپردازد،

الف) خزانه‌داری، هزینه‌ای به اندازه  $P_2E_2E_4P_4$  متحمل می‌شود  
 ب) خزانه‌داری، هزینه‌ای به اندازه  $P_2E_2Q_2O$  متحمل می‌شود  
 ج) خزانه‌داری، هزینه‌ای به اندازه  $E_2E_1Q_1Q_2$  متحمل می‌شود  
 د) درآمد و هزینه‌ای برای خزانه‌داری در پی ندارد

۱۳ - در نمودار «ب»، با قیمت هدف  $P_2$ ، پرداخت کسری به وسیله دولت،

الف) باعث می‌شود به اندازه  $Q_2$  تولید، و به اندازه  $Q_1$  مصرف شود  
 ب) برای تولیدکنندگان، سودی به اندازه  $P_2E_2E_4P_4$  دارد

ج) برای تولیدکنندگان، سودی به اندازه  $E_2E_1Q_1Q_2$  دارد  
 د) درآمد یا هزینه‌ای برای خزانه‌داری در پی ندارد  
 ه) هیچ کدام از موارد فوق درست نیست

۱۴ - در نمودار «ب»، پرداخت کسری قیمت به وسیله دولت، با توجه به قیمت هدف  $(P_2)$ ، چه جابه‌جایی‌هایی در منافع (اضافه رفاه) گروهها ایجاد می‌کند؟

الف) از تولیدکنندگان، به خزانه‌داری و مصرف‌کنندگان  
 ب) از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، به خزانه‌داری  
 ج) از خزانه‌داری، به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان  
 د) از خزانه‌داری و تولیدکنندگان، به مصرف‌کنندگان  
 ه) از خزانه‌داری و مصرف‌کنندگان، به تولیدکنندگان

۱۵ - در نمودار «ج»، تحمیل یک محدودیت عرضه به اندازه  $Q_3$  به وسیله دولت،

الف) هزینه‌ای به اندازه  $P_2E_3E_1P_1$  برای خزانه‌داری در بر دارد  
 ب) هزینه‌ای به اندازه  $P_2E_3Q_3O$  برای خزانه‌داری در بر دارد  
 ج) هزینه‌ای به اندازه  $P_1E_1Q_1O$  برای خزانه‌داری در بر دارد  
 د) هزینه یا درآمدی برای خزانه‌داری در بر ندارد  
 ه) هیچ کدام از موارد بالا

۱۶ - در نمودار «ج»، تحمیل یک محدودیت عرضه به وسیله دولت، چه جابه‌جایی‌هایی در منافع (اضافه رفاه) ایجاد می‌کند؟

الف) از تولیدکنندگان، به مصرف‌کنندگان و خزانه‌داری  
 ب) از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، به خزانه‌داری  
 ج) از خزانه‌داری، به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان  
 د) از خزانه‌داری و تولیدکنندگان، به مصرف‌کنندگان  
 ه) از مصرف‌کنندگان، به تولیدکنندگان

۱۷ - اگر دولت، سیاست حمایت قیمتی، یا سیاست پرداخت کسری را به گونه‌ای اعمال کند که در هر حالت، افزایش درآمد کشاورزان یکسان باشد،

الف) سیاست پرداخت کسری، قیمت محصولات کشاورزی را بیش از سیاست حمایت قیمتی افزایش می‌دهد

ب) سیاست پرداخت کسری، قیمت محصولات کشاورزی را کم‌تر از سیاست حمایت قیمتی افزایش می‌دهد

ج) هر دو سیاست، قیمت محصولات کشاورزی را به یکسان افزایش می‌دهند، و هزینه‌ای که بر مالیات‌دهندگان تحمیل می‌شود نیز دقیقاً در هر دو سیاست برابر است

د) هر دو سیاست، قیمت محصولات کشاورزی را به یکسان افزایش می‌دهد، اما سیاست پرداخت کسری، هزینه کم‌تری را بر مالیات‌دهندگان تحمیل می‌کند

ه) هر دو سیاست، قیمت محصولات کشاورزی را به یکسان افزایش می‌دهد، اما با اطلاعات موجود نمی‌توان گفت کدام سیاست هزینه بیش‌تری را بر مالیات‌دهندگان تحمیل می‌کند

۱۸ - تولیدکنندگان از میان سه گونه سیاستی که در شکل بالا نمایش داده شده است،

الف) سیاست محدودیت عرضه را بر حمایت قیمتی ترجیح می‌دهند

ب) میان سیاست حمایت قیمتی و سیاست محدودیت عرضه، بی‌تفاوت هستند

ج) میان سیاست پرداخت کسری و سیاست محدودیت عرضه، بی‌تفاوت هستند

د) سیاست محدودیت عرضه را به سیاست پرداخت کسری ترجیح می‌دهند

ه) سیاست حمایت قیمتی یا پرداخت کسری را به سیاست محدودیت عرضه ترجیح می‌دهند

۱۹ - در مقایسه سه گونه سیاست یاد شده، مصرف‌کنندگان، کدام یک را ترجیح می‌دهند؟

الف) حمایت قیمتی یا محدودیت عرضه را به پرداخت کسری ترجیح می‌دهند

ب) باره هر سه سیاست، بی‌تفاوت هستند

ج) پرداخت کسری را به محدودیت عرضه یا حمایت قیمتی ترجیح می‌دهند

د) محدودیت عرضه را به پرداخت کسری ترجیح می‌دهند

ه) محدودیت قیمتی را به پرداخت کسری ترجیح می‌دهند

۲۰ - در مقایسه سه سیاست یاد شده، مالیات‌دهندگان، کدام یک را ترجیح می‌دهند؟

الف) میان سیاست پرداخت کسری و محدودیت عرضه، بی‌تفاوت هستند

ب) میان سیاست حمایت قیمتی و محدودیت عرضه، بی‌تفاوت هستند

ج) سیاست پرداخت کسری را به محدودیت عرضه ترجیح می‌دهند

(د) سیاست محدودیت عرضه را به حمایت قیمتی ترجیح می‌دهند  
(ه) سیاست حمایت قیمتی را به محدودیت عرضه ترجیح می‌دهند

۲۱ - مقایسه سه گونه سیاستی که در شکل بالا نشان داده شده است، نشان می‌دهد که:

- (الف) تولید اضافی در نمودار «الف» و «ب»، منجر به یک زیان کارایی، و تولید کم در نمودار «ج»، منجر به یک منفعت کارایی می‌شود  
(ب) تولید بسیار زیاد در نمودارهای «الف» و «ب»، منجر به یک زیان کارایی، و تولید بسیار کم در نمودار «ج»، نیز منجر به یک زیان کارایی می‌شود  
(ج) تولید بیش از حد در هر سه سیاست، باعث ایجاد یک زیان کارایی می‌شود  
(د) تولید بسیار کم در هر سه نمودار، باعث ایجاد یک زیان کارایی می‌شود  
(ه) کارایی در هیچ یک از سیاست‌ها، تغییری نمی‌کند

۲۲ - اگر هدف دولت، نگهداری ذخایر اضافی از محصولات کشاورزی باشد، کدام سیاست را دنبال می‌کند؟

- (الف) در هر سه سیاست، می‌تواند به هدف خود دست یابد  
(ب) در هیچ کدام از سیاست‌ها، به این هدف دست نمی‌یابد  
(ج) تنها در سیاست حمایت قیمتی، به این هدف دست می‌یابد  
(د) تنها در سیاست پرداخت کسری، به این هدف دست می‌یابد  
(ه) تنها در سیاست محدودیت عرضه، به این هدف دست می‌یابد

۲۳ - اجرای کدام یک از سیاست‌های یاد شده، برای دولت کم‌ترین هزینه را در بر دارد؟

- (الف) فقط سیاست حمایت قیمتی  
(ب) فقط سیاست پرداخت کسری  
(ج) فقط سیاست محدودیت عرضه  
(د) سیاست‌های حمایت قیمتی و پرداخت کسری  
(ه) سیاست‌های حمایت قیمتی و محدودیت عرضه

۲۴ - کدام یک از سیاست‌های یاد شده، قیمت بازاری محصولات کشاورزی را کاهش می‌دهد؟



- الف) سیاست حمایت قیمتی و سیاست پرداخت کسری
- ب) سیاست حمایت قیمتی و سیاست محدودیت عرضه
- ج) سیاست محدودیت عرضه
- د) سیاست حمایت قیمتی
- ه) سیاست پرداخت کسری

۲۵ - سیاست‌های حمایت قیمتی محصولات کشاورزی (تضمین قیمت)،

الف) بهترین روش برای چاره کردن فقر کشاورزان است، بدون آن که کشاورزان ثروتمند، ثروتمندتر شوند

ب) برای چاره کردن فقر کشاورزان، روش نسبتاً نامؤثری است، زیرا بر پایه این سیاست‌ها، به کشاورزان ثروتمندتر در مقایسه با کشاورزان فقیر، سوبسید بیش‌تری پرداخت می‌شود

ج) روش نسبتاً مؤثری برای درمان فقر کشاورزی است، زیرا به کشاورزان فقیر، بیش‌تر از کشاورزان ثروتمند، سوبسید پرداخت می‌شود

د) اصولاً سیاست‌های حمایت قیمتی، تأثیری بر توزیع درآمد ندارد

۲۶ - یکی از دلایل این اعتقاد که دولت ممکن است نقشی بهتر از یک سفته‌باز خصوصی در تثبیت قیمت محصولات کشاورزی ایفا کند، این است که:

الف) دولت، بهتر می‌تواند قیمت‌های آینده را پیش‌بینی کند

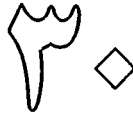
ب) کارشناسان دولتی، بهتر از دیگران می‌توانند با سفته‌بازی، بر قیمت‌های آینده اثر بگذارند

ج) دولت می‌تواند قیمت‌های آینده محصولات کشاورزی را تضمین کند، در حالی که سفته‌بازان خصوصی نمی‌توانند چنین کاری انجام دهند

د) دولت می‌تواند با صادرات محصولات کشاورزی، قیمت آنها را بالا نگه‌دارد، در حالی که سفته‌بازان خصوصی نمی‌توانند چنین کاری انجام دهند

## پاسخنامه

ج (۱)	ب (۲)	ب (۳)	د (۴)	ه (۵)
ب (۶)	ب (۷)	د (۸)	الف (۹)	د (۱۰)
ه (۱۱)	الف (۱۲)	ه (۱۳)	ج (۱۴)	د (۱۵)
ه (۱۶)	ه (۱۷)	ه (۱۸)	ج (۱۹)	د (۲۰)
ب (۲۱)	ج (۲۲)	ج (۲۳)	ه (۲۴)	ب (۲۵)
ج (۲۶)				



## دخالت دولت برای حفظ سطح زندگی

۱ - کدام یک از نمونه‌های زیر، بیانگر درونی شدن آثار خارجی اقتصادی است؟  
الف) مجبور کردن یک بنگاه صادراتی، به افزایش قیمت کالایی که آن را در داخل نیز می‌فروشد

ب) افزایش تعداد شبکه‌های تلویزیون دولتی، همراه با افزایش مالیاتها، برای تأمین مالی افزایش در هزینه‌های دولت

ج) ممنوع کردن کارخانه‌ها از ریختن پسابهایشان به رودخانه‌ها  
د) اجبار کارخانه‌ها به برگزاری دوره‌های بازآموزی برای کارگزارانشان

۲ - در یک بازار کاملاً رقابتی، منفعت نهایی تولید یک کالای آلوده‌کننده، با هزینه نهایی خصوصی تولید آن کالا برابر خواهد بود، اگر:

- الف) مالیاتی که بر تولید آن کالا تحمیل می‌شود، با هزینه نهایی خارجی آن، برابر باشد
- ب) مالیاتی که بر تولید آن کالا تحمیل می‌شود، با هزینه نهایی داخلی آن، برابر باشد
- ج) سوبسیدی که به آن کالا پرداخت می‌شود، با هزینه نهایی داخلی آن، برابر باشد
- د) سوبسیدی که به آن کالا پرداخت می‌شود، با هزینه نهایی خارجی آن، برابر باشد
- ه) دولت از طریق سوبسید یا مالیات، در تولید آن کالا دخالتی نکند

۳ - در یک بازار کاملاً رقابتی، وقتی منفعت نهایی کالایی که تولیدش آلودگی دارد، با هزینه‌های نهایی اجتماعی‌اش برابر است که:

- الف) مالیاتی بر آن کالا برقرار شود، که با هزینه نهایی خارجی کالا برابر باشد
- ب) مالیاتی بر آن کالا برقرار شود، که با هزینه نهایی داخلی کالا برابر باشد
- ج) سوبسیدی بر آن کالا برقرار شود، که با هزینه نهایی داخلی کالا برابر باشد
- د) سوبسیدی بر آن کالا برقرار شود، که با هزینه نهایی خارجی کالا برابر باشد
- ه) دولت از طریق مالیات یا سوبسید، دخالتی در تولید آن کالا نکند

۴- وقتی برای تولید کالایی که دارای آثار خارجی مثبت است، سوبسید پرداخت می‌شود،

(الف) هزینه خارجی، درونی شده است

(ب) منافع خارجی، درونی شده است

(ج) دریافت سوبسید باعث می‌شود بنگاه زودتر به حداکثر سود خود دست یابد و تولیدش را کاهش دهد

(د) هزینه‌های داخلی بنگاه، کاهش می‌یابد

(ه) گزینه‌های (ج) و (د) درست است

۵- در یک بازار کاملاً رقابتی، وقتی که دولت سیاست عدم مداخله<sup>۱</sup> را در پیش گرفته است، کالایی که تولیدش با آلودگی همراه است،

(الف) کم‌تر از مقدار کارا تولید می‌شود

(ب) بیش‌تر از مقدار کارا تولید می‌شود

(ج) به اندازه مقدار کارا تولید می‌شود

(د) قیمت آن در سطح کارا خواهد بود، اما مقدار کالا در سطح کارا نیست

(ه) مقدار تولید کالا در سطح تعادلی خواهد بود، اما قیمت آن در سطح تعادلی نیست

۶- زیان کارایی حاصل از تولید یک کالای آلوده‌کننده،

(الف) اگر در یک بازار کاملاً رقابتی تولید شود، صفر است

(ب) اگر آن کالا به وسیله انحصارگری تولید شود که تولید را محدود می‌کند، به طور اتفاقی می‌تواند صفر باشد

(ج) اگر آن کالا به وسیله انحصارگری تولید شود که تولید را محدود می‌کند، افزایش خواهد یافت

(د) موارد (الف) و (ج) درست است

۷- هواپیماهایی که بر فراز بام خانه‌های اطراف فرودگاهها پرواز می‌کنند، موجب آلودگی صوتی می‌شوند. کاراترین سیاستی که در این باره می‌توان به کار برد، این است که:

(الف) آن را به "دست نامرئی" بازار بسپاریم، تا خودبه‌خود موضوع را حل کند

ب) به شرکت‌های هواپیمایی که از هواپیماهای کم‌صداتر استفاده می‌کنند، سوبسید پرداخت شود

ج) نسبت به کل سر و صدایی که هر پرواز بر همسایگان فرودگاه تحمیل می‌کند، مالیاتی بر آن بسته شود

د) بر تعداد مسافران هر پرواز، مالیاتی بسته شود

ه) برای هر شرکت هوایی، سهمیه پروازی مشخص شود

۸- مسأله اصلی در هر سیاست‌گذاری ضدآلودگی، این است که:

الف) چگونه آلودگی کاملاً از بین برود؟

ب) چگونه آلودگی به سطح مناسبش کاهش یابد؟

ج) چگونه هزینه‌های خارجی به منافع خارجی تبدیل شوند؟

د) چگونه هزینه‌های مربوط به مبارزه با آلودگی، از خانوارها دریافت شود؟

۹- با گذشت زمان، برخورد با مسأله آلودگی بسیار دشوارتر خواهد شد، زیرا هزینه نهایی کاهش آلودگی<sup>۲</sup> (MCR)،

الف) به چپ جابه‌جا می‌شود، همچنان که هزینه نهایی آلودگی (MCP) افزایش می‌یابد

ب) به راست جابه‌جا می‌شود، همچنان که MCP افزایش می‌یابد

ج) به راست جابه‌جا می‌شود، همچنان که MCP کاهش می‌یابد

د) به چپ جابه‌جا می‌شود، همچنان که MCP کاهش می‌یابد

ه) ثابت باقی می‌ماند، همچنان که MCP افزایش می‌یابد

۱۰- بنگاهی که با یک مالیات بر آلودگی روبه‌روست، به گونه‌ای عمل می‌کند که این مالیات،  
با،

الف) هزینه نهایی کاهش آلودگی‌اش برابر شود

ب) هزینه نهایی تولیدش برابر شود

ج) هزینه کل تولیدش برابر شود

د) آثار خارجی منفی‌اش برابر شود

۱۱ - برای تعیین مالیات مناسب بر آلودگی دریاچه‌ای که بسیاری از صنایع آلوده‌کننده،

پیرامون آن گرد آمده‌اند، دولت باید چه اطلاعاتی داشته باشد؟

الف) هزینه نهایی کاهش آلودگی (MCR) ، و هزینه نهایی ایجاد آلودگی (MCP) را بداند

ب) MCP را بداند، اما نیازی به دانستن MCR نیست

ج) فقط لازم است منفعت نهایی کاهش آلودگی (MBR) را بداند

د) کافی است هزینه نهایی تجهیزات کنترل آلودگی را بداند

۱۲ - اگر کسی - همانند رونالد کوز<sup>۳</sup> - بر این باور باشد که برای برخورد با آلودگی، باید

حقوق مالکیت تعریف شده باشد، آنگاه این مسأله که چه کسی در عمل، حقوق مالکیت را

متصرف شود،

الف) باید از طریق واگذاری آن حقوق به دولت مرکزی، حل شود

ب) باید از طریق واگذاری آن حقوق به بنگاههای آلوده‌کننده، حل شود

ج) بیش‌تر از دیدگاه عدالت اهمیت دارد، تا از دیدگاه کارایی

د) بیش‌تر از دیدگاه کارایی اهمیت دارد، تا از دیدگاه عدالت

ه) نه از دیدگاه عدالت و نه از دیدگاه کارایی، اهمیتی ندارد

۱۳ - اگر یک محدودیت فیزیکی بر مقدار مواد آلوده‌کننده‌ای که هر بنگاه می‌تواند پخش

کند، برقرار شود،

الف) آلودگی را با هزینه‌ای بیش از حد لازم، کاهش خواهد داد

ب) آلودگی را با حداقل هزینه ممکن، کاهش خواهد داد

ج) تغییری در مقدار آلودگی ایجاد نخواهد کرد

د) آلودگی را بدون تحمیل هر گونه هزینه‌ای بر بنگاه، کاهش خواهد داد

۱۴ - اگر اجازه ایجاد آلودگی در یک دریاچه را بتوان خرید و فروش کرد، و قیمت اجاره

هر واحد آلودگی، T باشد، آنگاه آلودگی،

الف) به وسیله بنگاههایی کاهش خواهد یافت که بتوانند با هزینه‌ای کم‌تر از T ، چنین کنند

ب) به وسیله بنگاههایی کاهش خواهد یافت که بتوانند با هزینه‌ای بیش‌تر از T ، چنین کنند

ج) به نسبت یکسان به وسیله همه بنگاهها، کاهش خواهد یافت  
د) به وسیله بنگاههایی کاهش خواهد یافت که بتوانند این آثار داخلی را به آثار خارجی تبدیل کنند

- با توجه به سه سیاست زیر که جهت کاهش آلودگی وضع شده است، به سه پرسش بعدی پاسخ دهید:

- ۱ ○ - تحمیل یک محدودیت فیزیکی بر مقدار آلودگی
- ۲ ○ - تحمیل یک محدودیت فیزیکی بر مقدار آلودگی، و مجاز نمودن خرید و فروش جوازهای آلودگی
- ۳ ○ - برقراری یک مالیات بر آلودگی

۱۵ - کدام یک از سه سیاست فوق، دارای کمترین هزینه است؟

الف) ۱ یا ۲

ب) ۲ یا ۳

ج) سیاست ۱

د) هیچ کدام از آنها، زیرا در هیچ یک از آنها از مکانیزم بازار استفاده نمی‌شود

ه) همه آنها، زیرا اثر همه آنها یکسان است و در همه آنها از مکانیزم بازار استفاده می‌شود

۱۶ - در کدام یک از سیاست‌های یاد شده، از مکانیزم بازار استفاده می‌شود؟

الف) سیاست ۱ و ۲

د) سیاست ۱، ۲، و ۳

ب) سیاست ۱ و ۳

ه) فقط سیاست ۲

ج) سیاست ۲ و ۳

۱۷ - سیاست دوم،

الف) بیش‌تر از دو سیاست دیگر، مورد پسند اهل کسب و کار است، اما نامعقول‌ترین سیاست است، زیرا به سود بنگاههایی است که در گذشته آلوده‌کننده بوده‌اند

ب) بیش‌تر از بقیه مورد پسند است، و معقول‌ترین سیاست نیز هست، زیرا به آلوده‌کنندگان سابق هزینه‌های سنگینی تحمیل می‌کند

ج) کم‌تر از بقیه مورد پسند است، و کم‌تر از بقیه نیز معقول است، زیرا بر آلوده‌کنندگان سابق

پرداخت‌های سنگینی تحمیل می‌کند

(د) پرهزینه‌ترین سیاست در میان سیاست‌های یاد شده است

۱۸ - هزینه‌های کنترل آلودگی که مردم باید متحمل شوند، شامل کدام یک از موارد زیر می‌شود؟

(الف) مالیاتهای بالاتر، برای تأمین سوبسیدهای مربوط به نصب تجهیزات کنترل آلودگی

(ب) قیمت‌های بالاتر کالاهایی که به وسیله بنگاههای آلوده‌کننده، تولید شده است

(ج) هزینه‌های بالاتر اتومبیل‌ها

(د) همه موارد بالا

(ه) موارد (الف) و (ب)

۱۹ - مقررات مربوط به بهبود بهداشت و ایمنی،

(الف) دارای منافع، و بدون هزینه است

(ب) دارای هزینه، و بدون منفعت است

(ج) هم دارای منافع، و هم دارای هزینه‌هایی است

(د) نه منفعی دارد و نه هزینه‌هایی، زیرا بهداشت و ایمنی جزء اهداف اقتصادی نیستند

۲۰ - در بهداشت و ایمنی،

(الف) نمی‌توان نظارت بسیار زیادی داشت، زیرا بهداشت و ایمنی نباید جزء اهداف نخستین دولت قرار گیرد

(ب) تا جایی باید دخالت کرد که منجر به کاهش تولید بنگاه نشود

(ج) اگر منافع قوانین ایمنی اضافی، بیش‌تر از هزینه‌های آنها باشد، درمی‌یابیم که نظارت، بسیار کم بوده است

(د) چون موضوع آنها کارگران بنگاه هستند، آثار خارجی برای جامعه ندارد، و نیازی به نظارت دولتی نیست



## پاسخنامه

ب (۵)	ب (۴)	الف (۳)	هـ (۲)	ج (۱)
الف (۱۰)	ب (۹)	ب (۸)	ج (۷)	ب (۶)
ب (۱۵)	الف (۱۴)	الف (۱۳)	ج (۱۲)	الف (۱۱)
ج (۲۰)	ج (۱۹)	د (۱۸)	الف (۱۷)	ج (۱۶)



## منابع طبیعی

### آیا آنها را با نرخ درستی به کار می‌گیریم؟

۱ - در یک بازار کاملاً رقابتی، آخرین واحد یک منبع دارای مالکیت خصوصی،

الف) بالاتر از قیمت خودداری<sup>۱</sup> اش، فروخته خواهد شد

ب) پایین‌تر از قیمت خودداری اش، فروخته خواهد شد

ج) در سطح قیمت خودداری اش، فروخته خواهد شد

د) بالاتر از قیمت پایدگی<sup>۲</sup> اش فروخته خواهد شد

ه) پایین‌تر از قیمت پایدگی اش فروخته خواهد شد

۲ - ارتفاع منحنی عرضه منبعی که دارای مالکیت خصوصی است، بیانگر،

الف) هزینه استخراج است

ب) جبرانی است برای مقدار کوچک‌تر منبع موجود در آینده

ج) هزینه استخراج است، منهای جبران مقدار کوچک‌تر منبع موجود در آینده

د) هزینه استخراج است، به علاوه جبران منبع کوچک‌تر موجود در آینده

ه) هزینه استخراج است یا جبران مقدار منبع کوچک‌تر منبع موجود در آینده، هر کدام که

بزرگ‌تر باشد

۳ - ارتفاع منحنی عرضه یک منبع دارای مالکیت عمومی، بیانگر،

الف) هزینه استخراج است

ب) جبران منبع کوچک‌تر آینده است

ج) هزینه استخراج است منهای جبران منبع کوچک‌تر آینده

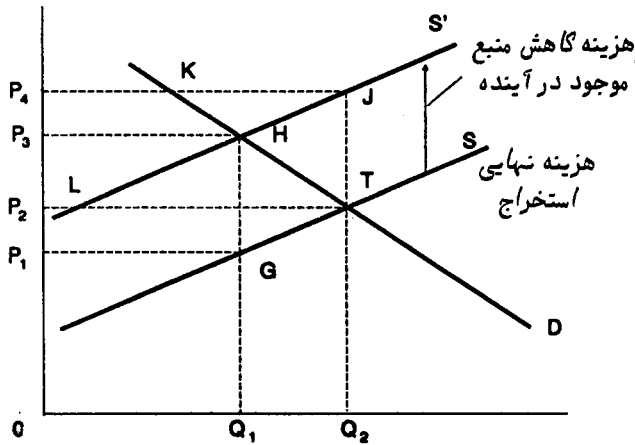
د) هزینه استخراج است به علاوه جبران منبع کوچک‌تر آینده

1 - reservation price

2 - conservation price

ه) هزینه استخراج است یا جبران منبع کوچک‌تر آینده، هر کدام که بزرگ‌تر باشد

● به چهار پرسش بعدی بر اساس شکل زیر، پاسخ دهید:



۴- با توجه به شکل، اگر منبع مورد نظر، دارای مالکیت عمومی باشد، آنگاه:

- الف) قیمت،  $P_3$  و مقدار،  $Q_1$  خواهد بود (د) قیمت،  $P_4$  و مقدار،  $Q_2$  خواهد بود  
 ب) قیمت،  $P_1$  و مقدار،  $Q_1$  خواهد بود (ه) قیمت،  $P_2$  و مقدار،  $Q_1$  خواهد بود  
 ج) قیمت،  $P_2$  و مقدار،  $Q_2$  خواهد بود

۵- با توجه به شکل، اگر منبع یاد شده، دارای مالکیت خصوصی باشد، آنگاه:

- الف) قیمت،  $P_4$  و مقدار،  $Q_2$  خواهد بود (د) قیمت،  $P_3$  و مقدار،  $Q_1$  خواهد بود  
 ب) قیمت،  $P_1$  و مقدار،  $Q_1$  خواهد بود (ه) قیمت،  $P_2$  و مقدار،  $Q_1$  خواهد بود  
 ج) قیمت،  $P_2$  و مقدار،  $Q_2$  خواهد بود

۶- اگر منبع یاد شده، دارای مالکیت عمومی باشد، زیان کارایی در شرایط رقابت کامل

برابر خواهد بود با:

- الف) LHT (ب) GHT (ج) HJT (د) HKJ (ه) صفر

۷- اگر منبع یاد شده، دارای مالکیت خصوصی باشد، زیان کارایی در شرایط رقابت کامل

برابر است با:

- الف) LHT (ب) GHT (ج) HJT (د) HKJ (ه) صفر

۸ - اقتصاددانان در تحلیل کاربرد منابع، از اصطلاح "قیمت خودداری"، چه مفهومی را مورد نظر دارند؟

- الف) پایین‌ترین پیشنهادی که یک فروشنده در یک مزایده می‌پذیرد
- ب) بالاترین پیشنهادی که یک خریدار در یک مزایده ارائه می‌دهد
- ج) هزینه برداشت یا استخراج یک منبع، در حال حاضر
- د) مقدار لازم برای جبران کاهش مقدار موجود منبع در آینده
- ه) (ج) به علاوه (د)

۹ - قیمت خودداری یک منبع کاهش خواهد یافت، اگر،

- الف) هزینه انتظاری استخراج منبع در آینده، افزایش یابد
- ب) قیمت انتظاری منبع در آینده، افزایش یابد
- ج) قیمت انتظاری منبع در آینده، ثابت بماند
- د) قیمت‌های مزایده ثابت بمانند
- ه) قیمت‌های مزایده افزایش یابند

۱۰ - حداکثر بازده پایدار یک منبع تجدیدشونده، وقتی محقق می‌شود که:

- الف) جمعیت، در بالاترین اندازه خود باشد
- ب) جمعیت، دارای حداکثر ممکن درآمد سرانه باشد
- ج) منحنی بازده، به بالاتر از محور افقی افزایش یابد
- د) منحنی بازده، به بالاترین نقطه خود برسد
- ه) منحنی بازده، شروع به افزایش کند

۱۱ - منظور اقتصاددانان از بقا یا پایداری<sup>۳</sup> یک منبع (مثلاً ماهی)، این است که جمعیت آن منبع،

- الف) در حداکثر اندازه ممکن خود باشد (د) هر سال به آهستگی کاهش یابد
- ب) تقریباً حداکثر بازده پایدار را تولید کند (ه) هر سال به آهستگی افزایش یابد
- ج) تقریباً حداقل بازده پایدار را تولید کند

۱۲ - همچنان که یک منبع غیر قابل تجدید، مصرف می‌شود،

- (الف) مقدار تقاضای آن افزایش می‌یابد (د) قیمتش می‌تواند در هر دو جهت تغییر کند
- (ب) ارزان‌تر می‌شود (ه) با یک نرخ سریع‌تری استخراج می‌شود
- (ج) گران‌تر می‌شود

۱۳ - برقراری مالکیت خصوصی بر منبعی که پیش‌تر در مالکیت عمومی بوده است،

- (الف) یک تغییر غیرقانونی است، که دولت نباید انجام دهد
- (ب) اگر مالکان جدید دارای قدرت انحصاری باشند، ممکن است باعث شود آنها استخراج منبع را بیش از آن چیزی که برای حفظ بقای آن لازم است، محدود کنند
- (ج) کارایی استخراج آن منبع را قطعاً کاهش می‌دهد
- (د) اثری بر استخراج آن منبع ندارد

۱۴ - یک الگوی کارا برای استفاده از یک منبع، مستلزم آن است که:

- (الف) قیمت منبع در همه سالها یکسان باشد
- (ب) قیمت در هر سال به اندازه نرخ بهره، کاهش یابد
- (ج) قیمت در هر سال به اندازه نرخ بهره، افزایش یابد
- (د) هزینه استخراج منبع، به اندازه نرخ بهره، بیش از قیمت باشد

۱۵ - اگر تقاضا در سه سال آینده ثابت باقی بماند، مقداری که عملاً از یک منبع غیرقابل

تجدید کاملاً رقابتی استخراج می‌شود،

- (الف) هر سال افزایش خواهد یافت
- (ب) هر سال کاهش خواهد یافت
- (ج) اگر تقاضایش پرکشش باشد، هر سال ثابت باقی خواهد ماند
- (د) اگر تقاضایش کم‌کشش باشد، هر سال ثابت باقی خواهد ماند

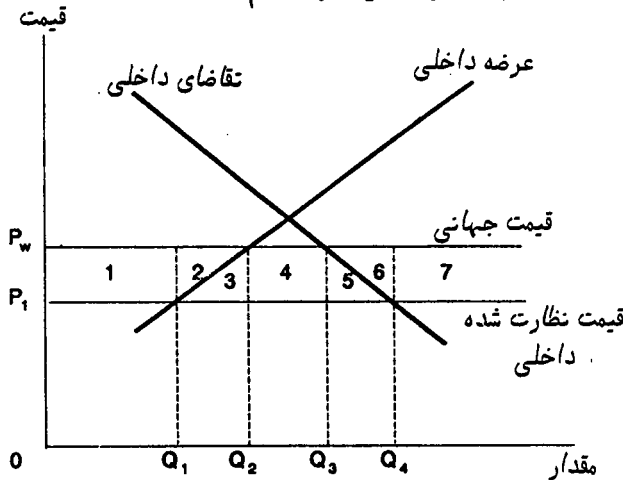
۱۶ - اگر تقاضا در سه سال آینده ثابت باقی بماند، قیمت کارایی یک منبع غیرقابل تجدید

کاملاً رقابتی،

- (الف) هر سال افزایش می‌یابد
- (ب) هر سال کاهش می‌یابد

- ج) اگر تقاضا پرکشش باشد، ثابت باقی می ماند  
 د) اگر تقاضا کم کشش باشد، ثابت باقی می ماند

● هشت پرسش بعد بر اساس شکل زیر تنظیم شده اند:



۱۷ - با توجه به شکل، وقتی قیمت کنترل شده داخلی،  $P_1$  باشد، تولید داخلی،

- الف) صفر خواهد بود  
 ب)  $Q_2$  خواهد بود و مصرف داخلی  $Q_4$   
 ج)  $Q_2$  خواهد بود و مصرف داخلی  $Q_3$   
 د)  $Q_1$  خواهد بود و مصرف داخلی  $Q_3$   
 ه)  $Q_1$  خواهد بود و مصرف داخلی  $Q_4$

۱۸ - با توجه به شکل، وقتی قیمت نظارت شده،  $P_1$  است، تقاضای کشور مورد نظر برای واردات، برابر خواهد بود با:

- الف)  $Q_1Q_4$       ب)  $Q_2Q_3$       ج)  $Q_1Q_2$       د)  $Q_3Q_4$       ه)  $Q_1$

۱۹ - اگر اجازه داده شود که قیمت نظارت شده  $P_1$ ، به سطح قیمت جهانی  $P_w$  افزایش یابد، آنگاه تولید داخلی،

- الف) از  $Q_1$  به  $Q_2$  افزایش خواهد یافت، در حالی که مصرف داخلی از  $Q_3$  به  $Q_4$  افزایش می یابد  
 ب) از  $Q_1$  به  $Q_3$  افزایش خواهد یافت، در حالی که مصرف داخلی از  $Q_3$  به  $Q_4$  افزایش می یابد  
 ج) از  $Q_1$  به  $Q_2$  افزایش خواهد یافت، در حالی که مصرف داخلی از  $Q_4$  به  $Q_3$  کاهش می یابد  
 د) از  $Q_1$  به  $Q_3$  افزایش خواهد یافت، در حالی که مصرف داخلی از  $Q_4$  به  $Q_3$  کاهش می یابد

۲۰- (ه) از  $Q_2$  به  $Q_1$  کاهش خواهد یافت، در حالی که مصرف داخلی از  $Q_4$  به  $Q_3$  کاهش می‌یابد  
 اگر به قیمت داخلی اجازه داده شود به سطح  $P_W$  افزایش یابد، آنگاه واردات این کشور برابر خواهد بود با:

الف)  $Q_3$  (ب)  $Q_1Q_4$  (ج)  $Q_2Q_3$  (د)  $Q_1Q_2$  (ه)  $Q_3Q_4$

۲۱- با توجه به شکل، وقتی به قیمت اجازه داده شود از  $P_1$  به  $P_W$  افزایش یابد، منفعتی که تولیدکنندگان داخلی می‌برند، برابر است با ناحیه،

الف) ۱ (ب)  $۱ + ۲$  (ج)  $۱ + ۲ + ۳$  (د)  $۳ + ۴ + ۵$  (ه)  $۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵$

۲۲- با توجه به شکل، زیانی که مصرف‌کنندگان به خاطر افزایش قیمت از  $P_1$  به  $P_W$  متحمل می‌شوند، برابر است با ناحیه،

الف)  $۶ + ۷$  (ب)  $۱ + ۲$  (ج)  $۳ + ۴ + ۵$  (د)  $۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵$  (ه)  $۵ + ۶$

۲۳- با توجه به شکل، اگر دولت بخواهد قیمت داخلی را در سطح  $P_1$  نگه دارد، به اندازه کدام ناحیه باید بر روی واردات، سویسید پردازد؟

الف)  $۳ + ۴ + ۵$  (ب) ۴ (ج) ۶ (د)  $۲ + ۶$  (ه)  $۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۶$

۲۴- با توجه به شکل، وقتی این کشور اجازه می‌دهد قیمت از  $P_1$  به  $P_W$  افزایش یابد، نفع کارایی‌اش به اندازه کدام ناحیه است؟

الف)  $۳ + ۴ + ۵$  (ب) ۲ (ج) ۶ (د)  $۲ + ۶$  (ه)  $۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۶$

۲۵ - نگاه‌داری قیمت داخلی نفت در زیر قیمت جهانی،

الف) تولید و مصرف را محدود می‌کند

ب) تولید و مصرف را تشویق می‌کند

ج) مصرف را محدود، و تولید را تشویق می‌کند

د) مصرف را تشویق، و تولید را محدود می‌کند

ه) مصرف را تشویق می‌کند، اما اثری بر تولید ندارد

## پاسخنامه

د (۵)	ج (۴)	الف (۳)	د (۲)	ج (۱)
د (۱۰)	الف (۹)	ه (۸)	ه (۷)	ج (۶)
ب (۱۵)	ج (۱۴)	ب (۱۳)	ج (۱۲)	ب (۱۱)
ج (۲۰)	ج (۱۹)	الف (۱۸)	ه (۱۷)	الف (۱۶)
د (۲۵)	د (۲۴)	ه (۲۳)	د (۲۲)	ب (۲۱)





## کالاهای عمومی

۱ - کدام یک از گزینه‌های زیر، بیش از بقیه بیانگر یک کالای خصوصی بدون منافع خارجی است؟

- الف) دفاع ملی
- ب) رنگ زدن بیرون خانه
- ج) رنگ زدن درون خانه
- د) استخدام یک باغبان
- ه) نیروی پلیس

۲ - اگر دولت، سیاست عدم مداخله را در پیش گیرد، تولید یک کالای کاملاً رقابتی که دارای منافع خارجی است، منجر به:

- الف) منفعت نهایی خارجی بزرگ‌تر از منفعت نهایی اجتماعی می‌شود
- ب) منفعت نهایی خارجی برابر با منفعت نهایی اجتماعی می‌شود
- ج) هزینه نهایی اجتماعی برابر با منفعت نهایی اجتماعی می‌شود
- د) هزینه نهایی اجتماعی بزرگ‌تر از منفعت نهایی اجتماعی می‌شود
- ه) هزینه نهایی اجتماعی کوچک‌تر از منفعت نهایی اجتماعی می‌شود

۳ - پرداخت سوبسید به کالایی که دارای،

- الف) منفعت خارجی است، راه مناسبی است برای درونی کردن آن منافع
- ب) منفعت خارجی است، راه مناسبی است برای برونی کردن آن منافع
- ج) هزینه خارجی است، راه مناسبی است برای برونی کردن آن هزینه
- د) هزینه داخلی است، راه مناسبی است برای برونی کردن آن هزینه

۴ - برای دستیابی به کارایی اقتصادی، دولت باید،

- الف) سوبسیدی برابر با منفعت نهایی اجتماعی یک کالا، برای هر واحد تولید آن پردازد
- ب) مالیاتی برابر با منفعت نهایی اجتماعی یک کالا، بر هر واحد تولید آن وضع کند
- ج) سوبسیدی برابر با منفعت نهایی خصوصی یک کالا، برای هر واحد تولید آن پردازد

د) سوپسیدی برابر با منفعت نهایی خارجی یک کالا، برای هر واحد تولید آن پردازد

۵ - پرداخت سوپسید به خریداران یک کالای دارای منفعت خارجی،

الف) منحنی تقاضا را به اندازه مقدار سوپسید، به بالا جابه‌جا می‌کند

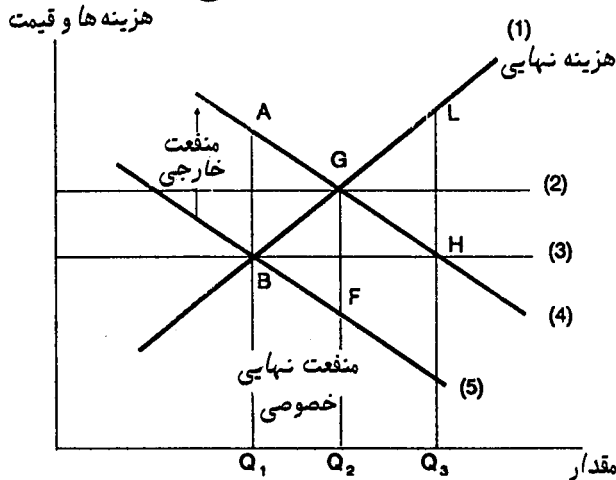
ب) منحنی تقاضا را به اندازه مقدار سوپسید، به پایین جابه‌جا می‌کند

ج) منحنی عرضه را به اندازه مقدار سوپسید، به پایین جابه‌جا می‌کند

د) منحنی عرضه را به اندازه مقدار سوپسید، به بالا جابه‌جا می‌کند

ه) اثری بر منحنی‌های عرضه و تقاضا ندارد

● با توجه به شکل زیر، به شش پرسش بعدی پاسخ دهید:



۶ - با توجه به شکل، در غیاب مداخله دولتی در بازار،

الف) منحنی تقاضا «۴» و منحنی عرضه «۳» می‌باشد

ب) منحنی تقاضا «۴» و منحنی عرضه «۲» می‌باشد

ج) منحنی تقاضا «۴» و منحنی عرضه «۱» می‌باشد

د) منحنی تقاضا «۵» و منحنی عرضه «۱» می‌باشد

ه) منحنی تقاضا «۵» و منحنی عرضه «۲» می‌باشد

۷ - با توجه به شکل، در غیاب مداخله دولت در بازار،

الف) تعادل در A ، و ستاده  $Q_1$  است      ج) تعادل در G ، و ستاده  $Q_2$  است

- (ب) تعادل در B ، و ستاده  $Q_1$  است  
 (د) تعادل در F ، و ستاده  $Q_2$  است
- ۸- با توجه به شکل بالا، تعادل کارا،  
 الف) در A ، با ستاده  $Q_1$  برقرار است  
 ب) در B ، با ستاده  $Q_1$  برقرار است  
 ج) در G ، با ستاده  $Q_2$  برقرار است  
 د) در F ، با ستاده  $Q_2$  برقرار است

۹- با توجه به شکل بالا، در غیاب مداخله دولت در بازار،

- الف) نتیجه بازار، کارا می‌باشد  
 ب) یک زیان کارایی به اندازه GFB وجود دارد  
 ج) یک زیان کارایی به اندازه GLH وجود دارد  
 د) یک زیان کارایی به اندازه GHB وجود دارد  
 ه) یک زیان کارایی به اندازه AGB وجود دارد

۱۰- با توجه به شکل، دولت چگونه می‌تواند کارایی را بهبود بخشد؟

- الف) با عدم مداخله  
 ب) با تحمیل یک مالیات LH بر واحد، برای این کالا  
 ج) با تحمیل یک مالیات AB بر واحد این کالا  
 د) با پرداخت سوبسید AB بر واحد کالا  
 ه) با پرداخت سوبسید LH بر واحد کالا

۱۱- با توجه به شکل، پرداخت یک سوبسید به اندازه GF ،

- الف) منحنی تقاضا را از «۵» به «۴» جابه‌جا می‌کند، و بنابراین تعادل را از نقطه ناکارای B به نقطه کارای G منتقل می‌نماید  
 ب) منحنی تقاضا را از «۵» به «۴» جابه‌جا می‌کند، و بنابراین تعادل را از نقطه کارای B به نقطه ناکارای G منتقل می‌نماید  
 ج) منحنی تقاضا را از «۵» به «۴» جابه‌جا می‌کند، و بنابراین تعادل را از نقطه ناکارای B به نقطه ناکارای G منتقل می‌نماید  
 د) منحنی تقاضا را از «۴» به «۵» جابه‌جا می‌کند، و بنابراین تعادل را از نقطه ناکارای G به نقطه کارای B منتقل می‌نماید

۱۲ - اگر پرداخت سوبسید به یک کالای دارای منفعت خارجی، با هزینه‌های اجرایی بالایی همراه باشد، دولت باید،

الف) برای دستیابی به کارایی، به جای سوبسید، از مالیات‌بندی استفاده کند

ب) صرف نظر از هزینه‌های اجرایی، سوبسید پردازد

ج) پرداخت سوبسید را متوقف کند

د) اگر منفعت کارایی حاصل از پرداخت سوبسید، کم‌تر از هزینه‌های اجرایی آن باشد، پرداخت سوبسید را متوقف کند

ه) اگر منفعت کارایی حاصل از پرداخت سوبسید، بیش از هزینه‌های اجرایی آن باشد، پرداخت سوبسید را متوقف کند

۱۳ - منفعت داخلی یک کالا، عبارت است از:

الف) منفعتی که نصیب کسانی می‌شود که آن کالا را خریداری نکرده‌اند

ب) منفعتی که نصیب کسانی می‌شود که آن کالا را خریداری کرده‌اند

ج) منفعتی که نصیب کسانی می‌شود که سواری مجانی<sup>۱</sup> می‌گیرند

د) منفعتی که نصیب دولت می‌شود، حتی اگر مردم، آن کالا را خریداری کرده باشند

۱۴ - برای تعریف منفعت نهایی یک کالای عمومی برای جامعه،

الف) منحنی‌های تقاضای افراد را به صورت افقی جمع می‌کنیم

ب) منحنی‌های تقاضای افراد را به صورت عمودی جمع می‌کنیم

ج) منحنی‌های تقاضای افراد را نخست به صورت افقی و سپس به صورت عمودی جمع می‌کنیم

د) به همان صورتی که منحنی تقاضای بازار برای یک کالای خصوصی به دست می‌آید، منحنی

تقاضا برای کالای عمومی نیز به دست می‌آید

۱۵ - یک کالای عمومی، کالایی است که:

الف) همه افراد، به جز خریدار واقعی، می‌توانند از منافع آن بهره ببرند

ب) همه افراد، از جمله خریدار واقعی، می‌توانند از منافع آن بهره ببرند

ج) هیچ کس، به جز خریدار واقعی، نمی‌تواند از منافع آن بهره ببرد

د) فقط کسانی که سواری مجانی می‌گیرند، از منافع آن بهره می‌برند

۱۶ - برآوردهایی که دولت از افراد در باره این که طرحهای عمومی برای آنها چه ارزشی دارد، جمع‌آوری می‌کند، معمولاً قابل اعتماد نیستند، زیرا:

الف) اگر مردم گمان برند مالیاتی که می‌پردازند، بر پایه ارزشی که آنان برای این طرحها برمی‌شمارند، تعیین می‌شود، ارزش طرحها را کم‌تر از حد بیان خواهند کرد

ب) اگر مردم گمان برند مالیاتی که می‌پردازند، بر پایه ارزشی است که برای این طرحها برمی‌شمارند، تمایل به ارزش‌گذاری بیش از حد خواهند داشت

ج) اگر مردم گمان برند مالیاتی که می‌پردازند، ربطی به ارزشی که برای این طرحها برمی‌شمارند، ندارد، آنگاه این طرحها را بیش از حد با ارزش برآورد خواهند کرد

د) هیچ کدام از موارد بالا درست نیست

ه) موارد الف) و ج) درست است

۱۷ - کسانی سواری مجانی می‌گیرند که:

الف) نمی‌توان مانع استفاده آنها از منافع یک طرح شد، حتی اگر آنان هیچ چیزی برای تأمین هزینه‌های آن طرح نپردازند

ب) آنها را بتوان از استفاده از منافع یک طرح، باز داشت

ج) می‌کوشند تا دولت را تشویق به تداوم سوبسیدهای مربوط به حمل و نقل کنند

د) با حيله گری از پرداخت مالیات می‌گریزند

۱۸ - کالای عمومی، کالایی است که:

الف) منافعش همه افراد را در بر می‌گیرد، بدون توجه به آن که چه کسی هزینه‌های آن را پرداخته است

ب) تنها در اختیار مؤسسه‌های عمومی قرار دارد، و نه افراد

ج) فقط در بنگاههای عمومی قابل تولید است و نه بنگاههای خصوصی

د) فقط در مجامع عمومی قابل مصرف است

ه) همه موارد بالا درست است

۱۹ - عموماً یک بنگاه دولتی انحصارگر،

الف) بسیار بیش‌تر از حد کارا تولید می‌کند، در حالی که یک انحصارگر خصوصی بسیار کم‌تر از

حد کارا تولید می‌نماید

- (ب) بسیار کم‌تر از حد کارا تولید می‌کند، دقیقاً همچون یک انحصارگر خصوصی  
 (ج) بسیار بیش‌تر از حد کارا تولید می‌کند، دقیقاً همچون یک انحصارگر خصوصی  
 (د) دقیقاً به اندازه مقدار کارا تولید می‌نماید، در حالی که یک انحصارگر خصوصی کم‌تر از حد کارا تولید می‌کند

● جدول زیر بیانگر دو سیاست گوناگون و تأثیر آنها (منفعت یا هزینه) بر سه فرد مختلف می‌باشد. این افراد می‌توانند برای گریز از هزینه‌های هر سیاست یا کسب منافع بیش‌تر از هر سیاست، دست به بده بستن رأی<sup>۲</sup> بزنند، یعنی با تبتانی، رأی همدیگر را خرید و فروش کنند و به نفع سیاست‌های مورد نظر همدیگر رأی دهند. اجرای هر سیاست، مشروط به رأی مثبت اکثریت ساده این جامعه سه نفری است. اکنون با توجه به جدول، به شش پرسش بعدی پاسخ دهید.

منافع (+) یا هزینه‌های (-) هر سیاست برای هر فرد			
فرد ۳	فرد ۲	فرد ۱	
- ۲۰	- ۲۰	+ ۳۰	سیاست A
- ۲۰	+ ۳۰	- ۲۰	سیاست B

۲۰ - بده بستن (رأی) میان فرد ۱ و فرد ۲، برای جامعه،

الف) یک منفعت خالص ۶۰ واحدی دارد

ب) یک منفعت خالص ۲۰ واحدی دارد

ج) یک زیان خالص ۴۰ واحدی دارد

د) یک زیان خالص ۸۰ واحدی دارد

ه) یک زیان خالص ۲۰ واحدی دارد

۲۱ - بده بستان (رأی) میان فرد ۱ و فرد ۲،

- الف) برای هر کدام از افراد ۱ و ۲، یک منفعت خالص ۳۰ واحدی در بر دارد  
 ب) برای هر کدام از افراد ۱ و ۲، یک منفعت خالص ۶۰ واحدی در بر دارد  
 ج) برای هر کدام از افراد ۱ و ۳، منفعت یکسانی در بر دارد  
 د) برای هر کدام از افراد ۲ و ۳، منفعت یکسانی در بر دارد  
 ه) برای هر کدام از افراد ۱ و ۲، یک منفعت خالص ۱۰ واحدی در بر دارد

۲۲ - اگر به جای هر دو عدد +۳۰ در جدول بالا، +۵۰ جایگزین کنیم، آنگاه بده بستان رأی

میان فرد ۱ و فرد ۲ برای جامعه،

- الف) منفعت خالصی برابر با ۵۰ دارد      د) زیان خالصی برابر با ۲۰ دارد  
 ب) منفعت خالصی برابر با ۱۰۰ دارد      ه) زیان خالصی برابر با ۸۰ دارد  
 ج) منفعت خالصی برابر با ۲۰ دارد

۲۳ - با جایگزینی +۵۰ به جای +۳۰ در هر دو سیاست جدول بالا، بده بستان رأی میان

فرد ۱ و فرد ۲، باعث،

- الف) ۳۰ واحد منفعت خالص برای هر کدام از افراد ۱ و ۲ می شود  
 ب) ۵۰ واحد منفعت خالص برای هر کدام از افراد ۱ و ۲ می شود  
 ج) منفعت خالص یکسانی برای افراد ۱ و ۳ می شود  
 د) منفعت خالص یکسانی برای افراد ۲ و ۳ می شود  
 ه) ۲۰ واحد زیان خالص برای هر یک از افراد ۱ و ۲ می شود

۲۴ - اگر در جدول بالا، به جای +۳۰ در هر سیاست، +۴۰ را جایگزین کنیم، بده بستان

رأی میان فرد ۱ و فرد ۲، برای جامعه،

- الف) ۴۰ واحد منفعت خالص در بر دارد  
 ب) ۸۰ واحد منفعت خالص در بر دارد  
 ج) هیچ منفعت خالصی در بر ندارد  
 د) ۲۰ واحد زیان خالص در بر دارد  
 ه) ۸۰ واحد زیان خالص در بر دارد

۲۵ - با جایگزینی ۴۰+ به جای ۳۰+ در هر دو سیاست جدول بالا، بده بستان رأی میان فرد ۱ و فرد ۲،

- الف) یک منفعت خالص ۴۰ واحدی برای هر یک از افراد ۱ و ۲ در بر دارد  
 ب) یک منفعت خالص ۲۰ واحدی برای هر یک از افراد ۱ و ۲ در بر دارد  
 ج) منفعت خالص یکسانی برای افراد ۱ و ۳ در بر دارد  
 د) منفعت خالص یکسانی برای افراد ۲ و ۳ در بر دارد  
 ه) یک زیان خالص ۲۰ واحدی برای هر یک از افراد ۱ و ۲ در بر دارد

۲۶ - قاعده اکثریت که دولت در تصمیمات عمومی اعمال می‌کند، به این مفهوم است که:

- الف) این تصمیمات همیشه رفاه عمومی را افزایش می‌دهد  
 ب) این تصمیمات هرگز رفاه عمومی را افزایش نمی‌دهد  
 ج) این تصمیمات در بسیاری از موارد، رفاه عمومی را افزایش می‌دهد، اما همیشه این طور نیست  
 د) این تصمیمات هرگز رفاه عمومی را کاهش نمی‌دهند

۲۷ - بده بستان رأی،

- الف) هرگز منافع عمومی را کاهش نمی‌دهد  
 ب) همواره منافع عمومی را کاهش می‌دهد  
 ج) همواره منافع عمومی را بهبود می‌بخشد  
 د) گاهی باعث کاهش منافع عمومی و گاهی باعث افزایش آن می‌شود  
 ه) هر اثری داشته باشد، قابل برآورد نیست، زیرا هیچ راهی برای دست‌یابی به ترجیحات افراد وجود ندارد

۲۸ - در مورد یک انحصار طبیعی، نقش مناسب دولت این است که:

- الف) قوانین ضد تراست را تصویب و اجرا کند  
 ب) بر قیمت نظارت کند  
 ج) بر تولید نظارت کند  
 د) بازار را به حال خود رها کند  
 ه) تبعیض قیمت را تشویق کند

۲۹ - در مورد یک انحصار چندقطبی طبیعی، نقش مناسب دولت این است که:

- الف) قوانین ضد تراست را تصویب و اجرا کند  
 ج) کالا را خودش تولید کند



- اجرا کند  
 (ب) بر قیمت نظارت کند  
 (د) بازار را به حال خود رها کند  
 (ه) بر مقدار تولید نظارت کند

۳۰- در مورد یک کالای عمومی، نقش مناسب دولت این است که:

- (الف) بر قیمت نظارت کند  
 (ب) بر مقدار تولید نظارت کند  
 (ج) کالا را خودش تولید کند  
 (د) بازار را به حال خود رها کند  
 (ه) بنگاه‌های خصوصی را مجبور به تولید آن کالا کند

## پاسخنامه

(۱) ج	(۲) ه	(۳) الف	(۴) د	(۵) الف
(۶) د	(۷) ب	(۸) ج	(۹) ه	(۱۰) د
(۱۱) الف	(۱۲) د	(۱۳) ب	(۱۴) ب	(۱۵) ب
(۱۶) ه	(۱۷) الف	(۱۸) الف	(۱۹) الف	(۲۰) ه
(۲۱) ه	(۲۲) ج	(۲۳) الف	(۲۴) ج	(۲۵) ب
(۲۶) ج	(۲۷) د	(۲۸) ب	(۲۹) الف	(۳۰) ج



## منافع تجارت بین الملل

۱- اگر درهای یک کشور به سوی تجارت بین الملل گشوده شود، کدام یک از گزینه‌های زیر ممکن است محقق گردد؟

(الف) یک انحصار طبیعی در بازار داخلی، تبدیل به یک چندقطبی طبیعی در بازار جهانی می‌شود

(ب) یک صنعت کاملاً رقابتی، تبدیل به یک چندقطبی طبیعی می‌شود

(ج) یک چندقطبی طبیعی، تبدیل به یک انحصار طبیعی می‌شود

(د) یک صنعت کاملاً رقابتی، تبدیل به یک انحصار طبیعی می‌شود

(ه) بنگاه‌های بزرگ می‌توانند از قدرت بازاری بیش‌تری برخوردار شوند، زیرا اندازه بازار گسترش یافته است

۲- تجارت بین الملل باعث می‌شود بنگاه‌های داخلی در کدام یک از موارد زیر، بیش‌تر رقابتی شوند؟

(د) معرفی محصولات جدید

(ه) همه موارد بالا

(الف) قیمت

(ب) کیفیت

(ج) طراحی

۳- تجارت بین الملل،

(الف) بسیاری از صنایع را به رقابت کامل نزدیک‌تر می‌کند

(ب) به این مفهوم است که تولیدکنندگان داخلی، دیگر نباید به عنوان گیرنده قیمت عمل کنند

(ج) شدت رقابت را برای تولیدکنندگان داخلی کاهش می‌دهد

(د) همه قیمت‌های داخلی را افزایش می‌دهد

(ه) همه قیمت‌های داخلی را ثابت نگه می‌دارد

۴- تجارت بین الملل، کالای بیش‌تری در دسترس همگان قرار می‌دهد، بویژه اگر،

- الف) دولت‌های ملی، واردات را سهمیه‌بندی کنند  
 ب) تجارت جهانی، انحصار یک بازار را در دست یک تولیدکننده قرار دهد  
 ج) قیمت‌های خارجی و داخلی برابر باشد  
 د) تعرفه همه کشورها یکسان باشد  
 ه) صرفه‌های مقیاس، وجود داشته باشد

● در جدول زیر، تولید متوسط هر کارگر به‌طور فرضی برای کشورهای ایالات متحده و ژاپن داده شده است. با توجه به جدول، به سه پرسش بعد پاسخ دهید:

متوسط تولید هر کارگر

کاغذ	ماشین آلات	
۸	۷	ایالات متحده
۴	۵	ژاپن

۵- با توجه به جدول، ژاپن دارای،

- الف) یک مزیت مطلق در ماشین‌آلات است  
 ب) یک مزیت نسبی در ماشین‌آلات است  
 ج) یک مزیت مطلق در کاغذ است  
 د) یک مزیت نسبی در کاغذ است  
 ه) مزیت نسبی در هیچ‌کدام از کالاها نیست

۶- با توجه به جدول، ایالات متحده دارای،

- الف) یک مزیت نسبی در ماشین‌آلات است  
 ب) یک مزیت نسبی در کاغذ است  
 ج) مزیت نسبی در هیچ‌کدام از کالاها نیست  
 د) مزیت مطلق در هیچ‌کدام از کالاها نیست  
 ه) یک مزیت نسبی در هر دو کالا است

۷- با توجه به جدول بالا، فرض کنید نخست تجارتی میان ژاپن و ایالات متحده برقرار نبوده باشد، اما بعداً اجازه داده شود ژاپن و ایالات متحده در ماشین‌آلات و کاغذ بین یکدیگر تجارت نمایند. در این حالت این احتمال وجود دارد که بیکاری کوتاه‌مدتی در صنعت تولیدکننده،

الف) کاغذ در ایالات متحده به وجود آید

ب) کاغذ در ژاپن به وجود آید

ج) ماشین‌آلات در ژاپن به وجود آید

د) کاغذ در هر دو کشور به وجود آید

ه) ماشین‌آلات در هر دو کشور به وجود آید

۸- در تجارت جهانی، هر کشور، کالاهایی را صادر می‌کند که:

الف) هزینه مواد اولیه آنها به طور نسبی پایین است

ب) هزینه دستمزد آنها به طور نسبی پایین است

ج) هزینه حسابداری آنها به طور نسبی پایین است

د) هزینه فرصت آنها به طور نسبی پایین است

ه) هزینه سربار آنها به طور نسبی پایین است

۹- اگر کشوری دارای یک مزیت مطلق در کالایی باشد، آنگاه آن کشور،

الف) ممکن است آن کالا را صادر کند، یا صادر نکند

ب) قطعاً آن کالا را صادر می‌کند

ج) قطعاً از صادرات آن کالا پرهیز می‌کند

د) قطعاً آن کالا را وارد می‌کند

ه) قطعاً از واردات آن کالا پرهیز می‌کند

۱۰- تجارت بین‌الملل، امکان افزایش درآمد یک کشور را چگونه فراهم می‌کند؟

الف) با در دسترس قرار دادن نقطه‌ای در بیرون منحنی امکانات تولید آن کشور (PPC)

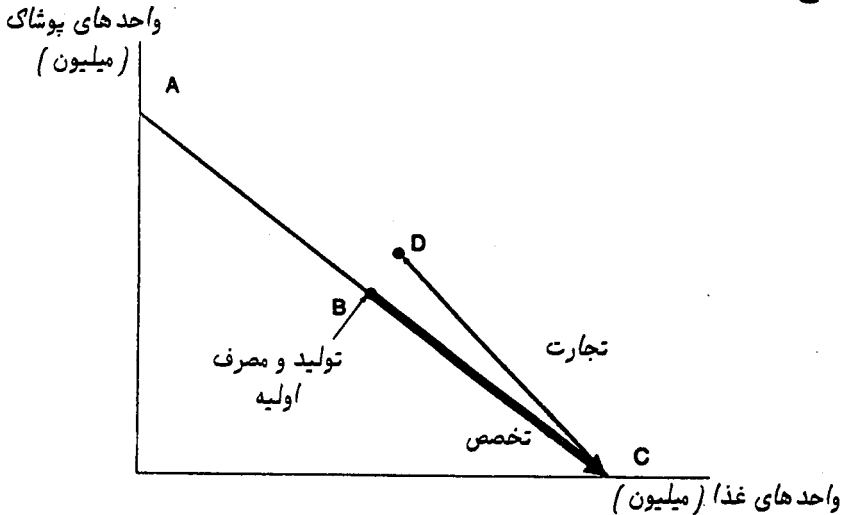
ب) با در دسترس قرار دادن نقطه‌ای در درون PPC آن کشور

ج) با انتقال آن کشور به نقطه‌ای بر روی PPC و نزدیک به محور عمودی

د) با انتقال آن کشور به نقطه‌ای بر روی PPC و نزدیک به محور افقی

ه) با انتقال آن کشور به نقطه‌ای که تابع رفاه اجتماعی بر PPC مماس می‌شود

● پنج پرسش بعد، براساس شکل زیر طراحی شده‌اند:



۱۱ - با توجه به شکل، این کشور در تولید،

- الف) غذا تخصص پیدا می‌کند، و برای کسب مواد غذایی بیشتر، تجارت می‌کند
- ب) پوشاک تخصص پیدا می‌کند، و برای کسب پوشاک بیشتر، تجارت می‌کند
- ج) پوشاک تخصص پیدا می‌کند، و برای کسب مواد غذایی بیشتر، تجارت می‌کند
- د) غذا تخصص پیدا می‌کند، و برای کسب پوشاک بیشتر، تجارت می‌کند
- ه) هر دو کالا تخصص پیدا می‌کند، و برای کسب بیشتر از هر دو کالا، تجارت می‌کند

۱۲ - با توجه به شکل، منفعت این کشور از تجارت، برابر است با:

- الف) BD
- ب) CD
- ج) BC
- د) AD
- ه) AC

۱۳ - با توجه به شکل، نفعی که شرکای تجاری این کشور از تجارت با این کشور می‌برند،

برابر است با:

- الف) BD
- ب) CD
- ج) BC
- د) AD
- ه) نشان داده نشده است

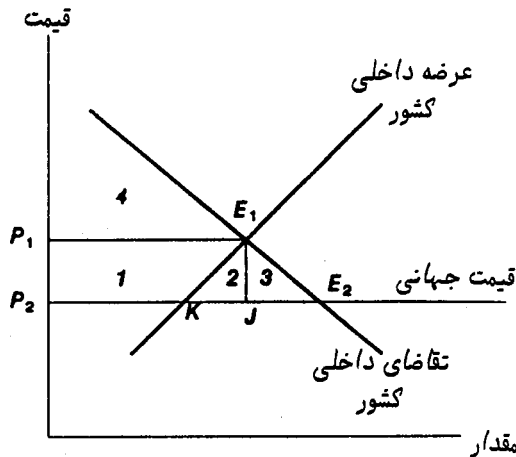
۱۴ - با توجه به شکل، وقتی تجارت انجام می‌شود،

- الف) نسبت قیمت جهانی، برابر است با شیب BC
- ب) نسبت قیمت جهانی، برابر است با شیب CD
- ج) نسبت قیمت جهانی، برابر است با شیب BD
- د) نسبت قیمت جهانی، برابر است با شیب AD
- ه) هیچ کدام از موارد بالا، نسبت قیمت جهانی را نشان نمی‌دهد

۱۵ - در شکل بالا، نفعی که این کشور از تجارت می‌برد، به چه صورت است؟

- الف) افزایش مصرف مواد غذایی
- ب) افزایش مصرف پوشاک
- ج) افزایش مصرف هر دو کالا
- د) عدم افزایش مصرف هیچ کدام از کالاها
- ه) کاهش مصرف مواد غذایی

● هشت پرسش بعدی در باره نتایج تجارت، و بر اساس شکل زیر، تنظیم شده‌اند:



۱۶ - در شکل بالا، تعادل پیش از تجارت،

- الف) در  $E_1$  برقرار است، و تعادل پس از تجارت در L
- ب) در L برقرار است، و تعادل پس از تجارت در  $E_2$
- ج) در K برقرار است، و تعادل پس از تجارت در L
- د) در K برقرار است، و تعادل پس از تجارت در  $E_2$
- ه) در  $E_1$  برقرار است، و تعادل پس از تجارت در  $E_2$

۱۷ - کشوری که در شکل بالا نشان داده شده است، چه مقدار واردات خواهد داشت؟

الف)  $P_2E_1$       ب)  $P_2K$       ج)  $P_2E_2$       د)  $KE_2$       ه)  $KE_2 - P_2K$

۱۸ - وقتی کشور یاد شده، شروع به واردات می‌کند، ناحیه ۱ + ۲ + ۳ بیانگر،

الف) زیان تولیدکنندگان است  
 ب) منفعت تولیدکنندگان است  
 ج) منفعت مصرف‌کنندگان است  
 د) زیان مصرف‌کنندگان است  
 ه) منفعتی است که از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان منتقل می‌شود

۱۹ - وقتی این کشور شروع به واردات می‌کند، ناحیه ۱ بیانگر،

الف) منفعت مصرف‌کنندگان است  
 ب) زیان مصرف‌کنندگان است  
 ج) منفعت تولیدکنندگان است  
 د) زیان تولیدکنندگان است  
 ه) مقدار منفعتی است که از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان منتقل می‌شود

۲۰ - در شکل بالا، منفعت کارایی حاصل از تجارت، برابر است با:

الف) ناحیه ۳      ب) ناحیه ۱      ج) ناحیه ۲      د) ناحیه ۱ + ۲      ه) ناحیه ۲ + ۳

۲۱ - در شکل بالا، مقدار منفعتی که تجارت، از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان منتقل

می‌کند، برابر است با:

الف) ناحیه ۱      ب) ناحیه ۲      ج) ناحیه ۳      د) ناحیه ۱ + ۳      ه) ناحیه ۴

۲۲ - در شکل بالا، منافعی که از واردات، به جای تولید در داخل با هزینه بالاتر، ناشی

می‌شود، برابر است با:

الف) ناحیه ۱      ب) ناحیه ۲      ج) ناحیه ۳      د) ناحیه ۴      ه) ناحیه ۲ + ۳

۲۳ - در شکل بالا، منافع ناشی از افزایش مصرف از طریق واردات ارزان، برابر است با:

الف) ناحیه ۱      ب) ناحیه ۲      ج) ناحیه ۳      د) ناحیه ۴      ه) ناحیه ۲ + ۳

۲۴ - تجارت جهانی همانند پیشرفت تکنولوژیک می‌باشد، زیرا در هر دو مورد،

الف) درآمد ملی واقعی افزایش می‌یابد  
 ب) کشور مجبور می‌شود در بیرون از مرز امکانات تولیدش، تولید کند  
 ج) همه افراد جامعه سود می‌برند

(د) بیکاری کاهش می‌یابد

(ه) باید صرفه‌های مقیاس وجود داشته باشد

۲۵ - منفعت کارایی حاصل از صادرات یک کالا، بیانگر منفعتی است که:

(الف) مصرف‌کنندگان می‌برند، به علاوه منفعت تولیدکنندگان

(ب) مصرف‌کنندگان می‌برند، منهای زیان تولیدکنندگان

(ج) تولیدکنندگان می‌برند، منهای زیان مصرف‌کنندگان

(د) فقط مصرف‌کنندگان می‌برند

(ه) جامعه می‌برد، نه مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان

۲۶ - با آغاز تجارت بین‌الملل،

(الف) مصرف‌کنندگان یک کشور به خاطر افزایش قیمت کالاهایی که آن کشور صادر می‌کند،

زیان می‌بینند، اما از قیمت پایین کالاهای وارداتی سود می‌برند

(ب) مصرف‌کنندگان یک کشور از کاهش قیمت کالاهای صادراتی‌شان سود می‌برند، اما از

قیمت‌های بالای کالاهای وارداتی زیان می‌کنند

(ج) تولیدکنندگان یک کشور از صادرات زیان می‌کنند، اما از واردات سود می‌برند

(د) (الف) و (ج) درست است

(ه) (ب) و (ج) درست است

۲۷ - ورود ناگهانی یک کشور به تجارت آزاد بین‌المللی، به احتمال زیاد باعث بیکاری

کوتاه‌مدت در صنایعی می‌شود که:

(الف) اکنون صادراتی ندارند، ولی در آینده می‌توانند صادرات داشته باشند

(ب) فقط صادرات دارند

(ج) هم صادرات دارند و هم کالاهایشان را در بازارهای داخلی می‌فروشند

(د) با رقابت کالاهای وارداتی روبه‌رو می‌شوند

(ه) با رقابت کالاهای صادراتی روبه‌رو می‌شوند

۲۸ - در دنیایی که تنها دو کشور، و دو کالا وجود دارد، اگر تجارت خارجی وجود نداشته

باشد، درآمد واقعی کشوری بالاتر خواهد بود که:



- الف) در هر دو کالا دارای مزیت مطلق است  
 ب) در هیچ کدام از کالاها مزیت مطلق ندارد  
 ج) در هیچ کدام از کالاها مزیت نسبی ندارد  
 د) در هر دو کالا دارای مزیت نسبی است

## پاسخنامه

الف (۱)	ه (۲)	الف (۳)	ه (۴)	ب (۵)
ب (۶)	ب (۷)	د (۸)	الف (۹)	الف (۱۰)
د (۱۱)	الف (۱۲)	ه (۱۳)	ب (۱۴)	ج (۱۵)
ه (۱۶)	د (۱۷)	ج (۱۸)	د (۱۹)	ه (۲۰)
الف (۲۱)	ب (۲۲)	ج (۲۳)	الف (۲۴)	ج (۲۵)
الف (۲۶)	د (۲۷)	الف (۲۸)		

## سیاست‌گذاری در تجارت خارجی

۱- در دو دهه اخیر، در تجارت جهانی،

- الف) تعرفه‌ها افزایش، اما موانع غیر تعرفه‌ای کاهش یافته‌اند
- ب) تعرفه‌ها کاهش، اما موانع غیر تعرفه‌ای افزایش یافته‌اند
- ج) تعرفه‌ها کاهش یافته، و موانع غیر تعرفه‌ای کاملاً از بین رفته‌اند
- د) موانع غیر تعرفه‌ای کاهش یافته، و تعرفه‌ها کاملاً حذف شده‌اند

۲- در وارد آوردن فشار سیاسی برای تغییر سیاست‌های مربوط به تجارت خارجی، معمولاً کدام یک از گروه‌ها موفق‌ترند؟

الف) تولیدکنندگان، به خاطر امکان ایجاد تشکل و چانه‌زنی با سیاست‌گذاران در باره محدودیت‌های وارداتی

ب) مصرف‌کنندگان، به خاطر امکان فشار بر سیاست‌گذاران از طریق نمایندگانشان در مجامع قانون‌گذاری

ج) کارگران، از طریق اتحادیه‌های کارگری برای تغییر تعرفه‌های واردات

د) فشار سیاسی گروه‌های فوق‌الذکر همدیگر را خنثی نموده و اثری بر سیاست تجاری ندارد

۳- در برخورد با مسأله مهم بیکاری، کشوری که شدیداً درگیر تجارت جهانی است، باید به طور عادی، نخست در پی،

د) محدود کردن صادراتش باشد

الف) افزایش تعرفه‌ها باشد

ه) اصلاح سیاست‌های پولی و مالی داخلی‌اش

ب) افزایش سهمیه‌ها باشد

باشد

ج) افزایش دیگر موانع غیر تعرفه‌ای باشد

۴- وقتی کشوری از یک صنعت نوزاد حمایت می‌کند، کدام یک از دشواریهای زیر ممکن است به وجود آید؟

- الف) هزینه این صنعت ممکن است هرگز به پایین تر از هزینه همین صنعت در کشورهای خارجی نرسد، زیرا خارجی‌ها ممکن است از برخی مزیت‌های طبیعی برخوردار باشند
- ب) این امکان وجود دارد که صنعت نوزاد مورد حمایت قرار گرفته، هرگز به بلوغ نرسد و نتواند بدون حمایت، پایدار بماند
- ج) این صنعت ممکن است کارکنان بسیار زیادی را به کار گیرد، آنگاه حتی زمانی که دیگر به حمایت نیازی نیست، ممکن است قدرت سیاسی این کارکنان مانع حذف حمایت شود
- د) همه موارد بالا درست است
- ه) موارد (الف) و (ب) درست است

۵- کدام یک از گزینه‌های زیر، بیانگر یک سیاست فقیرسازی همسایه<sup>۱</sup> است؟

- الف) خرید مواد اولیه اساسی از خارج، تشویق شود
- ب) صادرات کنترل شود، تا از فروش منابع طبیعی داخلی به کشورهای خارجی پیشگیری به عمل آید
- ج) محدودیت‌های وارداتی برقرار شود تا اشتغال داخلی، به هزینه بیکاری در دیگر کشورها، افزایش یابد
- د) برای تشویق واردات منابع طبیعی خارجی، سوبسید برقرار شود
- ه) برای تشویق واردات کالاهای لوکس خارجی، سوبسید برقرار شود

۶- کدام یک از گزینه‌های زیر، بیانگر یک مانع غیرتعرفه‌ای است؟

- الف) سهمیه‌بندی
- ب) برقراری استانداردهای ایمنی
- ج) برقراری یک رویه گمرکی پیچیده
- د) برقراری یک رویه گمرکی پرهزینه
- ه) همه موارد بالا

۷- یک صنعت دارای آثار خارجی مثبت،

- الف) نباید در برابر رقابت خارجی حمایت شود، زیرا کالاهای تولیدی آن را می‌توان ارزان‌تر وارد کرد
- ب) نباید حمایت شود، زیرا هرگز نخواهد توانست با تولیدکنندگان خارجی رقابت کند
- ج) باید مورد حمایت قرار گیرد، زیرا واردات آن کالاهای، دارای آثار خارجی منفی است

د) باید مورد حمایت قرار گیرد، زیرا منفعت نهایی اجتماعی حاصل از تولید کالا در داخل، بیش تر از منفعت نهایی اجتماعی واردات آن کالا است  
ه) موارد (ج) و (د) درست است

۸- اگر صنعتی، دارای آثار خارجی مثبت بسیار زیاد است،

الف) باید حمایت (تعرفه‌ای) شود  
ب) بهتر است حمایت (تعرفه‌ای) شود  
ج) بهتر است هم حمایت (تعرفه‌ای) شود، و هم سوبسید دریافت کند  
د) بهتر است سوبسید بگیرد، اما حمایت (تعرفه‌ای) نشود، چرا که ممکن است باعث مقابله به مثل دیگر کشورها گردد  
ه) بهتر است سوبسید بگیرد، اما حمایت (تعرفه‌ای) نشود، چرا که ممکن است هرگز نتواند وارد رقابت شود

۹- موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)، در چه سالی منعقد شد؟

الف) ۱۹۳۴ ب) ۱۹۴۷ ج) ۱۹۵۹ د) ۱۹۶۷ ه) ۱۹۸۱

۱۰- برقراری استانداردهای ایمنی، بهداشت، کیفیت، و غیره برای واردات،

الف) همواره برای محدود کردن تجارت طراحی می‌شود  
ب) همیشه کیفیت و ایمنی کالاهای تولید داخل را افزایش می‌دهد  
ج) همیشه به دلایل غیر تجاری انجام می‌شود  
د) جزء محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای است و تجارت را کاهش می‌دهد  
ه) همه موارد بالا

۱۱- شرکت‌های چندملیتی،

الف) باعث کند شدن انتقال تکنولوژی جدید، میان کشورها می‌شوند  
ب) یافتن و توسعه فعالیت‌هایی را که برای کشورها دارای مزیت نسبی است، آسان می‌کنند  
ج) مزیت نسبی کشورها را تغییر می‌دهند و از این طریق هزینه‌ای بر این کشورها تحمیل می‌کنند  
د) موارد (الف) و (ب)  
ه) موارد (ب) و (ج)

۱۲ - وقتی یک شرکت چندملیتی، شعبه‌ای در یک کشور خارجی تأسیس می‌کند، ممکن است،

- الف) بازاریش را در آن کشور خارجی، رقابتی‌تر کند
- ب) رقابت را در بازاریش، در آن کشور خارجی، کاهش دهد
- ج) قدرت بازاری بنگاههای موجود در آن کشور خارجی را افزایش دهد
- د) الف) یا ب) درست است
- ه) الف) و ج) درست است

۱۳ - یک بنگاه ممکن است چندملیتی شود، تا،

- الف) به مواد خام لازم دسترسی پیدا کند د) همه موارد بالا
- ب) کارگران با دستمزد کم‌تر به کار بگیرد ه) موارد ب) و ج)
- ج) در داخل کشوری تولید کند که صادرات به آن کشور با دشواری روبه‌روست

۱۴ - اگر یک سیاست سهمیه‌بندی واردات و یک سیاست برقراری تعرفه، هر دو قیمت داخلی را به یک اندازه افزایش دهند، آنگاه:

- الف) این دو سیاست، اثرات اقتصادی یکسانی دارند
- ب) بر مقدار تولید و مصرف اثر یکسانی دارند، اما اثرشان بر توزیع درآمد، یکسان نیست
- ج) تعرفه با یک زیان کارایی همراه است، اما سهمیه‌بندی، نه
- د) سهمیه‌بندی با یک زیان کارایی همراه است، اما تعرفه، نه
- ه) تعرفه در کل برای اقتصاد، پرهزینه‌تر از سهمیه‌بندی است

۱۵ - بر اساس نظریه تجارت بین‌الملل،

- الف) معمولاً در برقراری تعرفه‌ها، یک منفعت کارایی وجود دارد
- ب) معمولاً در برقراری موانع غیر تعرفه‌ای، یک منفعت کارایی وجود دارد
- ج) معمولاً در برقراری تعرفه‌ها، یک زیان کارایی وجود دارد
- د) معمولاً در برقراری تعرفه‌ها، مصرف‌کنندگان به هزینه تولیدکنندگان، نفع می‌برند

۱۶ - افزایشی در تعرفه یک کالای وارداتی،

- الف) قیمت و مقدار مصرف را کاهش می‌دهد

- (ب) قیمت را کاهش، و مقدار مصرف را افزایش می‌دهد  
 (ج) قیمت را افزایش می‌دهد، ولی معمولاً تأثیری بر مصرف ندارد  
 (د) هم قیمت و هم مقدار مصرف را افزایش می‌دهد  
 (ه) قیمت را افزایش داده، و مصرف را کاهش می‌دهد

## ۱۷ - افزایش تعرفه یک کالا،

- (الف) واردات و حجم تولید داخلی آن کالا را افزایش می‌دهد  
 (ب) واردات را افزایش، و تولید داخلی را کاهش می‌دهد  
 (ج) واردات را افزایش می‌دهد، و اثری بر تولید داخلی ندارد  
 (د) هم واردات و هم تولید داخلی را کاهش می‌دهد  
 (ه) واردات را کاهش، و تولید داخلی آن کالا را افزایش می‌دهد

۱۸ - "تجارت منصفانه"<sup>۲</sup>، به این مفهوم است که:

- (الف) یک کشور بهتر است بر کالاهایی محدودیت‌های وارداتی برقرار کند، که از کشورهای دارای سیاست‌های حمایتی بیش‌تر، وارد می‌شوند  
 (ب) یک کشور بهتر است بر کالاهایی محدودیت‌های وارداتی برقرار کند، که از کشورهای دارای سیاست‌های حمایتی کم‌تر، وارد می‌شوند  
 (ج) یک کشور بهتر است برای هر تغییر نامطلوب در رابطه مبادله‌اش، تعرفه برقرار کند  
 (د) یک کشور بهتر است با تغییر نامطلوب در رابطه مبادله‌اش، به صادرات، سوبسید پردازد

۱۹ - "مهندسی یک مزیت نسبی"<sup>۳</sup>، به این مفهوم است که:

- (الف) دانشگاهها باید متخصصینی پرورش دهند که کارشان طراحی مزیت نسبی برای یک کشور است  
 (ب) دانشگاهها باید در رشته‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که باعث ایجاد مزیت نسبی در کشور می‌شود  
 (ج) سیاست‌های دولت باید در جهت ایجاد و طراحی یک مزیت نسبی برای کشور باشد  
 (د) مزیت نسبی را می‌توان با تغییر سیاست‌های دولت، تغییر داد  
 (ه) سیاست‌های دولت باید آگاهانه به گونه‌ای طراحی شده باشد که مزیت نسبی برخی

فعالیت‌ها را توسعه دهد

۲۰- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

الف) گاهی کارگران با آزادسازی تجاری مخالفت می‌کنند، زیرا از عواقب آن می‌ترسند. مشاغلی که آنها ممکن است از دست بدهند، آشکارند، این مشاغل همانهایی هستند که اکنون وجود دارند و کارگران در آنها مشغولند. اما مشاغلی که کارگران ممکن است در صنایع صادراتی جدید به دست بیاورند، برای آنها کم‌تر آشکار است

ب) تعرفه‌ها علی‌رغم داشتن یک زیان کارایی، اغلب بسته می‌شوند. دلیل آن این است که تولیدکنندگان، بیش از مصرف‌کنندگان دارای قدرت تأثیرگذاری سیاسی هستند

ج) تنوع بخشیدن به فعالیت‌های یک اقتصاد، می‌تواند منافع ناشی از تجارت خارجی را کاهش دهد

د) تعرفه‌هایی که به منظور برابر کردن هزینه‌های تولید در داخل و خارج، بسته می‌شوند، گرایش به کاهش یا حذف تجارت بین‌الملل دارند

ه) یک صنعت نوزاد، پس از یک دوره حمایت و رسیدن به بلوغ، به راحتی می‌تواند وارد رقابت شود

## پاسخنامه

ب (۱)	الف (۲)	ه (۳)	د (۴)	ج (۵)
ه (۶)	د (۷)	د (۸)	ب (۹)	د (۱۰)
ب (۱۱)	د (۱۲)	د (۱۳)	ب (۱۴)	ج (۱۵)
ه (۱۶)	ه (۱۷)	الف (۱۸)	ه (۱۹)	ه (۲۰)





بخش نهم



توزیع درآمد





## دستمزدها در یک اقتصاد کاملاً رقابتی

۱ - تولید نهایی فیزیکی کار،

الف) بر پایه این فرض محاسبه می‌شود که با افزایش اشتغال نهاده کار در بنگاه، حجم سرمایه بنگاه ثابت می‌ماند

ب) بر پایه این فرض محاسبه می‌شود که افزایش حجم سرمایه و اشتغال کار، یکسان است  
ج) نشان‌دهنده درآمد اضافی است که یک بنگاه می‌تواند با استخدام یک کارگر بیش‌تر، کسب کند

د) در تعادل بنگاه، با نرخ دستمزد، برابر است

۲ - منحنی تقاضای یک بنگاه برای کار، منحنی است که نشان‌دهنده،

الف) کل تولید فیزیکی کار است  
ب) تولید متوسط کار است  
ج) تولید نهایی فیزیکی کار است  
د) تولید متوسط فیزیکی کار است  
ه) درآمد نهایی حاصل از کار است

۳ - تقاضای یک بنگاه برای نیروی کار، وقتی به بالا جابه‌جا می‌شود که:

الف) قیمت محصول آن بنگاه، افزایش یابد  
ب) بازدهی کار در آن صنعت، کاهش یابد  
ج) تقاضا برای محصول آن بنگاه، به پایین جابه‌جا شود  
د) حجم ماشین‌آلات و تجهیزات آن بنگاه، کاهش یابد

۴ - جابه‌جایی منحنی عرضه کار به سمت چپ، ممکن است نتیجه،

الف) انتقال نمودار درآمد نهایی نیروی کار به راست باشد  
ب) انتقال نمودار درآمد نهایی نیروی کار به چپ باشد  
ج) افزایش دستمزدها در دیگر صنایع باشد  
د) کاهش در بازدهی کار باشد

ه) کاهش می‌دهد در هزینه فرصت کار باشد

۵- اگر بازار برای نیروی کار کشاورزی، کاملاً رقابتی باشد، و کاهش در قیمت محصولات کشاورزی به وجود آید، آنگاه:

- الف) منحنی عرضه کار به چپ جابه‌جا می‌شود
- ب) منحنی عرضه کار به راست جابه‌جا می‌شود
- ج) منحنی تقاضای کار به چپ جابه‌جا می‌شود
- د) منحنی تقاضای کار به راست جابه‌جا می‌شود
- ه) الف) و ج)

۶- چه موقع ارزش تولید نهایی کار، با درآمد نهایی تولید کار<sup>۱</sup>، برابر است؟

- الف) همیشه
- ب) هیچ‌گاه
- ج) فقط وقتی بنگاه استخدام‌کننده، در بازار محصولش، انحصارگر باشد
- د) فقط وقتی بنگاه استخدام‌کننده، در یک بازار محصول کاملاً رقابتی قرار داشته باشد
- ه) فقط وقتی بنگاه استخدام‌کننده، در بازار محصولش، چندقطبی باشد

۷- در یک اقتصاد کاملاً رقابتی، منحنی درآمد نهایی تولید کار برای یک بنگاه، بیانگر،

- الف) عرضه کار است
- ب) تقاضای کار است
- ج) هزینه نهایی استخدام کار است
- د) هزینه نهایی تولید محصولش می‌باشد
- ه) تولید نهایی فیزیکی است

۸- هزینه فرصت کار در یک صنعت،

- الف) تقریباً با ارتفاع منحنی تقاضا سنجیده می‌شود
- ب) تقریباً با ارتفاع منحنی عرضه سنجیده می‌شود
- ج) با افزایش اشتغال در صنعت، کاهش می‌یابد
- د) کاملاً عمودی است، زیرا کار می‌تواند بین صنایع، جابه‌جا شود

۹- در کدام یک از موارد زیر، تقاضای کار در یک صنعت، به راست جابه‌جا می‌شود؟

الف) افزایش بازدهی نیروی کار در صنعت

ب) کاهش بازدهی نیروی کار در صنعت

ج) افزایش حداقل دستمزد

د) افزایش قیمت انتقال<sup>۲</sup> کار

ه) کاهش قیمت انتقال کار

۱۰- کل ناحیه‌ای که در زیر منحنی تقاضای کار یک صنعت، در سمت چپ مقدار اشتغال موجود قرار دارد، برابر است با:

الف) درآمد دریافت شده به وسیله دیگر عوامل تولید، در صنعت

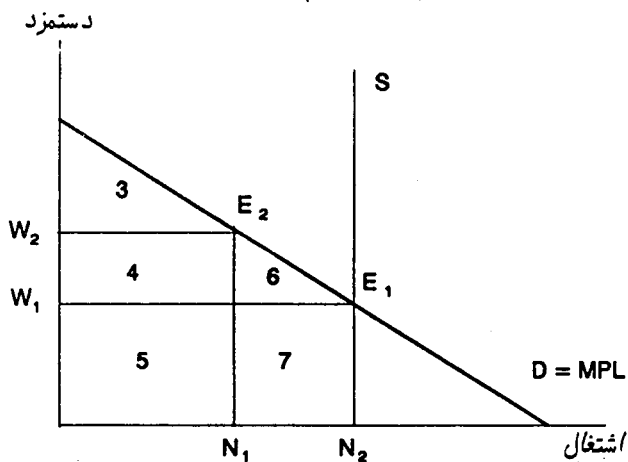
ب) کل درآمد کار، در صنعت

ج) کل درآمد کار و همه عوامل دیگر تولید، در صنعت

د) کل سود صنعت

ه) درآمد نهایی دریافت شده به وسیله صنعت

● ده پرسش بعدی بر پایه نمودار زیر تنظیم شده است:



۱۱- در تعادل  $E_1$ ، درآمد کل همه عوامل تولید این صنعت، برابر است با ناحیه،

الف) ۳

ب) ۵ + ۷

۳ + ۴ + ۵ + ۶ + ۷ (ه)

۳ + ۴ + ۶ (ب)

۳ + ۴ + ۵ (ج)

۱۲ - در تعادل  $E_1$ ، درآمد کار در این صنعت، با کدام ناحیه نشان داده می‌شود؟

۵ + ۷ (د)

۳ (الف)

۳ + ۴ + ۵ + ۶ + ۷ (ه)

۳ + ۴ + ۶ (ب)

۳ + ۴ + ۵ (ج)

۱۳ - در تعادل  $E_1$ ، درآمد همه عوامل تولید غیر از کار در صنعت، با کدام ناحیه نشان داده می‌شود؟

۵ + ۷ (د)

۳ (الف)

۳ + ۴ + ۵ + ۶ + ۷ (ه)

۳ + ۴ + ۶ (ب)

۳ + ۴ + ۵ (ج)

۱۴ - اگر حداقل دستمزدی در  $W_2$  برقرار شود، آنگاه درآمد نیروی کار، برابر خواهد بود با:

۵ + ۷ (د)

۴ + ۵ (الف)

۴ + ۵ + ۶ + ۷ (ه)

۳ + ۴ (ب)

۳ (ج)

۱۵ - اگر حداقل دستمزدی در  $W_2$  برقرار باشد، آنگاه درآمد عوامل تولید غیر از کار، برابر خواهد بود با:

۳ + ۴ + ۶ (د)

۴ + ۵ (الف)

۴ + ۵ + ۶ + ۷ (ه)

۳ + ۴ (ب)

۳ (ج)

۱۶ - اگر حداقل دستمزدی برابر با  $W_2$  برقرار شود، آنگاه منفعت کارگرانی که هنوز شاغل هستند، برابر خواهد بود با ناحیه،

۴ + ۶ (ه)

۶ (د)

۴ (ج) ۳ + ۴ + ۶ (ب)

۷ (الف)

۱۷ - برقراری یک حداقل دستمزد  $W_2$ ، بخشی از کارگران را بیکار می‌کند و آنان

نمی‌توانند شغل دیگری نیز به دست آورند. مجموع درآمدی که این گونه کارگران از دست می‌دهند، برابر است با ناحیه،

الف) ۵ (ب) ۷ (ج) ۶+۷ (د) ۶ (ه) ۴+۶

۱۸ - برقراری یک حداقل دستمزد  $W_2$ ، درآمد دیگر عوامل تولید را به چه میزان، کاهش می‌دهد؟

الف) ۴ (ب) ۶ (ج) ۳ (د) ۴+۶ (ه) ۳+۴+۶

۱۹ - برقراری حداقل دستمزد  $W_2$ ، بخشی از درآمد دیگر عوامل تولید را به کارگرانی که هنوز شاغل هستند، منتقل می‌کند. این مقدار برابر است با ناحیه،

الف) ۴+۶ (ب) ۳+۴ (ج) ۴ (د) ۶+۷ (ه) ۳+۴+۶

۲۰ - اگر یک حداقل دستمزد  $W_2$  در کل اقتصاد برقرار شود، زیان کارایی که در کوتاه‌مدت در این صنعت به وجود می‌آید، برابر است با ناحیه،

الف) ۶+۷ (ب) ۴+۵ (ج) ۴+۶ (د) ۷ (ه) ۶

۲۱ - اگر منحنی عرضه کار، عمودی باشد، آنگاه یک بهبود تکنولوژیک باعث می‌شود،

الف) دستمزد افزایش یابد، ولی اشتغال ثابت بماند

ب) هم دستمزد و هم اشتغال، افزایش یابند

ج) اشتغال افزایش یابد، ولی دستمزد ثابت بماند

د) هم اشتغال و هم دستمزد، ثابت بمانند

ه) دستمزد کاهش یابد، ولی اشتغال ثابت بماند

۲۲ - در یک بازار کار کاملاً رقابتی برای یک صنعت، اگر در همه جای اقتصاد، جز این

صنعت، دستمزدها افزایش یابد، باعث می‌شود،

الف) منحنی عرضه کار در این صنعت، به راست جابه‌جا شود

ب) دستمزدها و اشتغال در این صنعت، افزایش یابد

ج) دستمزدها و اشتغال در این صنعت، کاهش یابد

د) دستمزدها در این صنعت کاهش یافته، ولی اشتغال افزایش یابد

ه) دستمزدها در این صنعت افزایش یافته، ولی اشتغال کاهش یابد

۲۳- در یک بازار کار کاملاً رقابتی برای یک صنعت، یک زیان کارایی وجود خواهد داشت، مگر آن که نیروی کار در این صنعت تا جایی به کار گمارده شود که:

- الف) بازدهی نهایی نیروی کار در این صنعت، بیش از بازدهی نهایی اش در هر جای دیگر باشد
- ب) بازدهی نهایی نیروی کار در این صنعت، کم تر از بازدهی نهایی اش در هر جای دیگر باشد
- ج) بازدهی نهایی نیروی کار در این صنعت، برابر با بازدهی نهایی اش در هر جای دیگر باشد
- د) بازدهی نهایی نیروی کار در این صنعت، بیش از هزینه فرصت کار در هر جای دیگر باشد

۲۴- اگر در یک صنعت، تعداد کارگران استخدام شده، کم تر از حد استخدام رقابت کامل باشد،

- الف) تولید نهایی کار در این صنعت، بیش از تولید نهایی اش در هر جای دیگر خواهد بود
- ب) تولید نهایی کار در این صنعت، کم تر از تولید نهایی اش در هر جای دیگر خواهد بود
- ج) تولید نهایی کار در این صنعت، برابر با تولید نهایی اش در هر جای دیگر خواهد بود
- د) تولید نهایی کار در این صنعت، ممکن است کوچک تر، برابر، و یا بزرگ تر از تولید نهایی اش در هر جای دیگر باشد

۲۵- در بازارهای کاملاً رقابتی بدون نظارت دولتی، معمولاً گروههای اقلیت،

- الف) نخستین استخدام شوندگان، و آخرین اخراج شوندگان هستند
- ب) نخستین استخدام شوندگان، و نخستین اخراج شوندگان هستند
- ج) آخرین استخدام شوندگان، و نخستین اخراج شوندگان هستند
- د) آخرین استخدام شوندگان، و آخرین اخراج شوندگان هستند

۲۶- برقراری یک حداقل دستمزد، می تواند کارایی را افزایش دهد، اگر،

- الف) کارفرما نتواند پس از برقراری حداقل دستمزد، کارگران را اخراج کند
  - ب) همه دستمزدها در اقتصاد، پیش از برقراری حداقل دستمزد، بالاتر از آن باشد
  - ج) همه دستمزدها در اقتصاد، زیر حداقل دستمزد باشد
  - د) همه دستمزدها در اقتصاد، با حداقل دستمزد، برابر باشد
- ه) بازار کار، رقابت کامل نباشد

۲۷- اگر در یک صنعت، تعداد کارگران استخدام شده، بیش از مقدار مربوط به رقابت کامل



باشد، آنگاه یک زیان کارایی وجود خواهد داشت، زیرا بازده نهایی این کارگران اضافی در صنعت،

الف) صفر خواهد بود

ب) برابر با بازده نهایی آنها در هر جای دیگر خواهد بود

ج) بزرگتر از بازده نهایی آنها در هر جای دیگر خواهد بود

د) کمتر از بازده نهایی آنها در هر جای دیگر خواهد بود

ه) با بازده نهایی آنها در هر جای دیگر، هیچ رابطه‌ای ندارد

۲۸ - اگر دولت یک حداقل دستمزدی بالاتر از دستمزد جاری در بازار کار رقابت کامل، برقرار کند،

الف) یک منفعت کارایی به وجود خواهد آمد

ب) عوامل تولید غیر کار، زیان خواهند کرد

ج) کارگران، مجموعاً سود خواهند برد

د) کارگران، مجموعاً زیان خواهند کرد

ه) اشتغال، افزایش خواهد یافت

۲۹ - منحنی عرضه کار در یک اقتصاد، دارای "انحنای عقب" است، اگر،

الف) افزایشی در نرخ دستمزد، کارگران را به کار بیش‌تر برانگیزاند

ب) کارگران تصمیم بگیرند افزایش دستمزدهای خود را صرف "خرید فراغت بیش‌تر" کنند

ج) کارگران تصمیم بگیرند همه افزایش دستمزد خود را صرف خرید کالاهای بیش‌تری کنند

د) اثر جانشینی افزایش دستمزد، بر اثر درآمدی آن غلبه داشته باشد

۳۰ - فرض کنید یک بنگاه انحصاری در بازار یک محصول، بتواند بازارش را به طور کامل

تقسیم کند، و برای هر واحد فروش، حداکثر قیمتی را که بازار حاضر است بپردازد،

دریافت نماید. اگر این بنگاه، اجازه یابد این سیاست را دنبال کند،

الف) منحنی تقاضایش، همان منحنی درآمد نهایی‌اش خواهد بود

ب) این بنگاه، تولیدش را تا کاراترین سطح افزایش می‌دهد

ج) این بنگاه، در مقایسه با دیگر انواع انحصار، بخش بزرگ‌تری از منافع را از مصرف‌کننده به

سوی خودش منتقل می‌کند

- (د) این بنگاه، تولید را تا جایی افزایش می‌دهد که منحنی تقاضایش با منحنی هزینه نهایی اش برخورد می‌کند  
(ه) همه موارد فوق

- ۳۱ - در نظر بگیرید یک مالیات غیرمستقیم بر یک کالایی که دارای آلودگی است و یک کالایی که آلودگی ایجاد نمی‌کند، برقرار شود، در این دو حالت،  
الف) اثرات کارایی، متفاوت بوده، و مقادیر انتقال منافع، یکسان است  
ب) اثرات کارایی، یکسان بوده، و مقادیر انتقال، گوناگون است  
ج) اثرات کارایی و مقادیر انتقال، در هر دو حالت، یکسان است  
د) اثرات کارایی و مقادیر انتقال، در هر دو حالت، متفاوت است

## پاسخنامه

الف (۱)	ه (۲)	الف (۳)	ج (۴)	ج (۵)
د (۶)	ب (۷)	ب (۸)	الف (۹)	ج (۱۰)
ه (۱۱)	د (۱۲)	ب (۱۳)	الف (۱۴)	ج (۱۵)
ج (۱۶)	ب (۱۷)	د (۱۸)	ج (۱۹)	الف (۲۰)
الف (۲۱)	ه (۲۲)	ج (۲۳)	الف (۲۴)	ج (۲۵)
ه (۲۶)	د (۲۷)	ب (۲۸)	ب (۲۹)	ه (۳۰)
الف (۳۱)				



## دستمزدها در بازارهای کار رقابت ناقص

۱ - وقتی اتحادیه‌ای در باره قواعد ارشدیت، با کارفرمایان وارد گفت و گو می‌شود، معمولاً نتیجه این است که کارگرانی که دارای ارشدیت هستند،

- الف) نخستین بیکار شوندگان موقت، و نخستین استخدام شوندگان مجدد هستند
- ب) نخستین بیکار شوندگان موقت، و آخرین استخدام شوندگان مجدد هستند
- ج) آخرین بیکار شوندگان موقت، و آخرین استخدام شوندگان مجدد هستند
- د) آخرین بیکار شوندگان موقت، و نخستین استخدام شوندگان مجدد هستند

۲ - تصمیم‌گیری مشترک<sup>۱</sup>، به این مفهوم است که:

- الف) هر گونه چانه‌زنی جمعی، باید هم در باره دستمزدها، و هم در باره شرایط کار باشد
- ب) هر گونه چانه‌زنی جمعی، یا باید در مورد دستمزدها، و یا در مورد شرایط کار باشد
- ج) کارگران و مدیریت، اعضای برابری در شورایی دارند که همراه با مالکان بنگاه، در باره هر دشواری پدید آمده، تصمیم می‌گیرند
- د) مدیران و مالکان، در یک هیأت مدیره مشترک، در باره مسائل بنگاه تصمیم می‌گیرند

۳ - اعضای اتحادیه‌های صنفی<sup>۲</sup>، چه کسانی هستند؟

- الف) کارگران همه شرکت‌های کشتی‌سازی
- ب) کارفرمایان همه بنگاهها در یک صنعت خاص
- ج) همه کارگران یک صنعت خاص، بدون توجه به مهارت‌های آنها
- د) همه کارگرانی که در یک صنعت خاص، دارای مهارت یکسانی هستند
- ه) همه کارگرانی که در صنایع گوناگون، دارای مهارت و تخصص یکسانی هستند

۴ - اتحادیه‌های کارگری کشورهای صنعتی در دهه ۱۹۸۰، با فشارها و دشواریهایی روبه‌رو

1 - codetermination

2 - craft unions

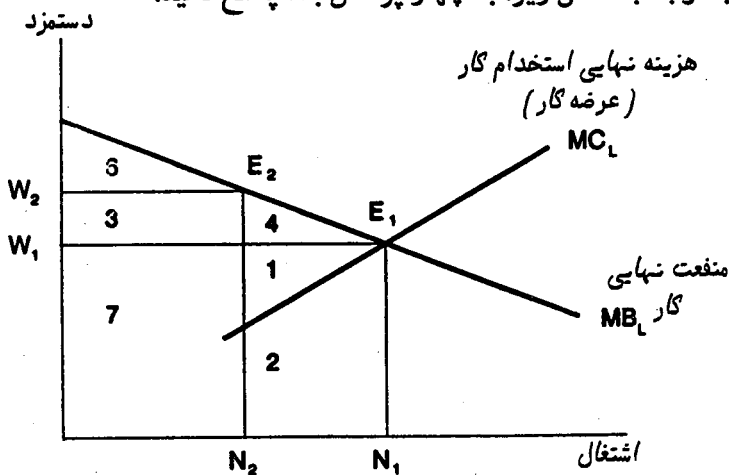
شدند، از جمله،

- (الف) خطر تصمیم بنگاهها به انتقال کارخانه‌هایشان به خارج
- (ب) خطر تصمیم بنگاهها به انتقال کارخانه‌هایشان به کشورهای جنوب
- (ج) مقاومت سرسختانه مدیران، گاه‌گاه به شکل اخراج غیرقانونی کارگران، به خاطر فعالیت‌های اتحادیه‌ای
- (د) خارج شدن برخی صنایع از نظارت دولتی
- (ه) همه موارد بالا

۵- اتحادیه‌های کارگری، چگونه می‌توانند کارایی را افزایش دهند؟

- (الف) با افزایش دستمزدها به بالاتر از سطح رقابتی‌اش
- (ب) کاهش گردش و جابه‌جایی نیروی کار، به وسیله ایجاد امکان برای اعتراض و شکایت کارگران، به جای رها کردن کار یا اخراج شدن
- (ج) به وسیله افزایش گردش کار، از طریق گفت‌وگو برای دستمزدهای بالاتر
- (د) با افزایش اشتغال، به بالاتر از سطح رقابتی‌اش
- (ه) گزینه‌های (ب) و (د)

● با توجه به شکل زیر، به چهار پرسش بعد پاسخ دهید:



۶- وقتی اتحادیه‌ای تشکیل می‌شود، و دستمزد را از  $W_1$  به  $W_2$  افزایش می‌دهد، منافی که از عوامل تولید غیر کار، به کارگران باقی‌مانده منتقل می‌شود، برابر است با ناحیه،

الف) ۶      ب) ۳      ج) ۳ + ۴      د) ۱      ه) ۲

۷- اگر شکل بالا، مربوط به یگانه صنعت موجود در اقتصاد باشد، آنگاه با تشکیل یک اتحادیه کارگری و افزایش نرخ دستمزد از  $W_1$  به  $W_2$ ، زیان کارایی، برابر خواهد بود با:

الف) ناحیه ۳ + ۴      د) ناحیه ۳  
ب) ناحیه ۱ + ۲      ه) ناحیه ۱ + ۴  
ج) ناحیه ۶

۸- وقتی اتحادیه‌ای تشکیل می‌شود و دستمزد از  $W_1$  به  $W_2$  افزایش می‌یابد، کاهش درآمد عوامل تولید غیر کار، برابر است با:

الف) ناحیه ۶      د) ناحیه ۳ + ۶  
ب) ناحیه ۳      ه) ناحیه ۱ + ۴  
ج) ناحیه ۳ + ۴

۹- کارگرانی که با تشکیل یک اتحادیه کارگری در صنعت یاد شده، شغل خود را از دست می‌دهند،

الف) درآمد ۲ + ۱ را در این صنعت از دست می‌دهند، اما درآمد ۲ را در جاهای دیگر به دست می‌آورند

ب) درآمد ۴ + ۲ + ۱ را در این جا از دست می‌دهند، اما درآمد ۲ + ۱ را در جاهای دیگر به دست می‌آورند

ج) درآمد ۶ + ۳ را در این جا از دست می‌دهند، اما درآمد ۳ را در جاهای دیگر به دست می‌آورند

د) درآمد ۲ + ۱ را در این جا از دست می‌دهند، اما همین درآمد را در جاهای دیگر به دست می‌آورند

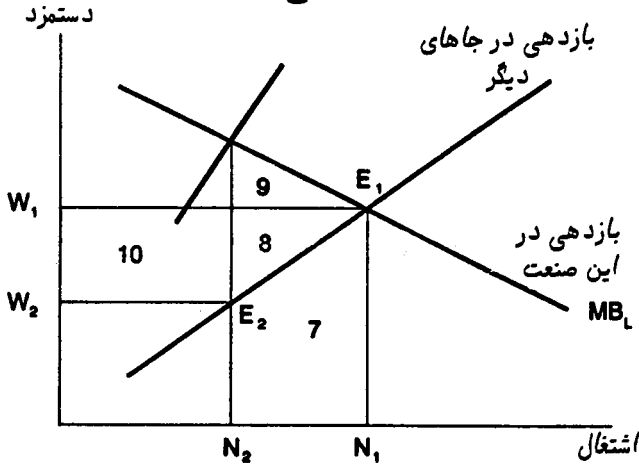
۱۰- اگر در یک بازار کار رقابتی بدون آثار خارجی، یک اتحادیه کارگری تشکیل شود، کدام یک از گزینه‌های زیر محتمل‌تر خواهد بود؟

الف) کاهش کل درآمد کارگران      د) افزایش درآمد عوامل تولید غیر کار

ب) افزایش درآمد تعدادی از کارگران      ه) ایجاد یک منفعت کارایی

ج) افزایش اشتغال در آن بازار

● با توجه به شکل زیر، به سه پرسش بعد پاسخ دهید:



۱۱ - وقتی کارفرمایان، در بازار کار یک صنعت، با تشکیل اتحادیه به صورت یک انحصارگر خرید عمل می‌کنند و دستمزد را از  $W_1$  به  $W_2$  کاهش می‌دهند، آنگاه ناحیه ۷ بیانگر،

الف) افزایش درآمد نیروی کار در این صنعت است

ب) کاهش درآمد کارگرانی است که شغل‌هایشان را در این صنعت از دست داده‌اند

ج) درآمدی است که کارگران اخراجی این صنعت، در مشاغل جدید به دست می‌آورند

د) زیان کارایی است

ه) انتقال از نیروی کار به دیگر عوامل تولید است

۱۲ - وقتی کارفرمایان، انحصار خرید تشکیل می‌دهند و دستمزد را از  $W_1$  به  $W_2$  کاهش می‌دهند، ناحیه ۱۰ بیانگر،

الف) افزایش درآمد نیروی کار در این صنعت است

ب) کاهش درآمد کارگرانی است که شغل‌شان را در این صنعت از دست داده‌اند

ج) درآمدهایی است که کارگران اخراجی، در مشاغل جدید به دست می‌آورند

د) زیان کارایی است

ه) کاهش درآمد کارگرانی است که هنوز در این صنعت به کار اشتغال دارند

۱۳ - وقتی کارفرمایان، انحصار خرید تشکیل می‌دهند و دستمزد را از  $W_1$  به  $W_2$  کاهش می‌دهند، ناحیه ۹ + ۸ بیانگر،

(الف) افزایش درآمد نیروی کار در این صنعت است

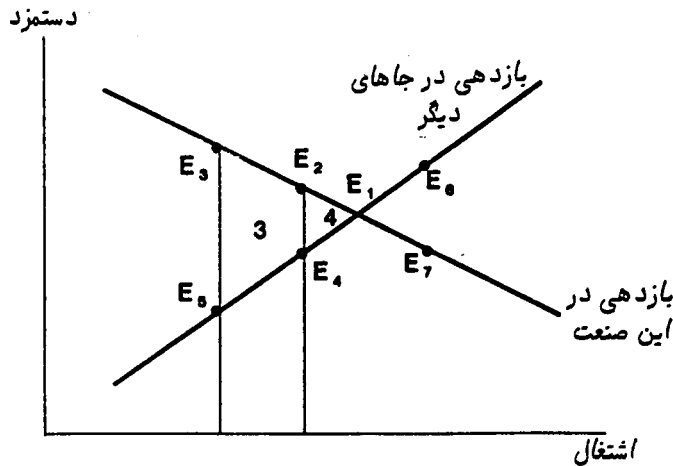
(ب) کاهش درآمد کارگرانی است که شغل‌شان را در این صنعت از دست داده‌اند

(ج) درآمدی است که کارگران اخراجی، در مشاغل جدید به دست می‌آورند

(د) زیان کارایی است

(ه) انتقال از نیروی کار به دیگر عوامل تولید است

● به پنج پرسش بعدی، بر اساس شکل زیر پاسخ دهید:



۱۴ - اگر این بازار کار، کاملاً رقابتی باشد، تعادل در کدام نقطه برقرار می‌شود؟

الف)  $E_1$       ب)  $E_3$       ج)  $E_5$       د)  $E_6$       ه)  $E_7$

۱۵ - اگر بدون وجود اتحادیه کارگری، این بازار کار با تشکیل اتحادیه‌ای از مدیران، به

صورت انحصار خرید درآید، تعادل ممکن است در کدام نقطه برقرار شود؟

الف)  $E_1$       ب)  $E_3$       ج)  $E_5$       د)  $E_6$       ه)  $E_7$

۱۶ - اگر این بازار کار، در حالی که کارفرمایان هیچ گونه قدرت بازاری ندارند، به وسیله

یک اتحادیه کارگری، به صورت انحصار فروش درآمد شده باشد، تعادل ممکن است در کدام

نقطه برقرار شود؟

الف)  $E_1$       ب)  $E_6$       ج)  $E_2$       د)  $E_4$       ه)  $E_5$

۱۷ - اگر این بازار کار، قبلاً به صورت انحصار خرید بوده باشد، تشکیل یک اتحادیه کارگری ممکن است،

- الف) تعادل را از  $E_5$  به  $E_2$  جابه‌جا کند و کارایی را به اندازه ناحیه ۳ افزایش دهد  
 ب) تعادل را از  $E_3$  به  $E_4$  جابه‌جا کند و کارایی را به اندازه ناحیه ۳ افزایش دهد  
 ج) تعادل را از  $E_5$  به  $E_1$  جابه‌جا کند و کارایی را به اندازه ناحیه ۴ افزایش دهد  
 د) تعادل را از  $E_5$  به  $E_2$  جابه‌جا کند و کارایی را به اندازه ناحیه  $۳ + ۴$  افزایش دهد  
 ه) تعادل را از  $E_5$  به  $E_1$  جابه‌جا کند و کارایی را به اندازه ناحیه ۳ افزایش دهد

۱۸ - اگر قبلاً در این بازار کار، اتحادیه کارگری وجود داشته باشد، تشکیل یک انحصار خرید از سوی کارفرمایان، ممکن است تعادل را از،

- الف)  $E_1$  به  $E_2$  جابه‌جا کند      د)  $E_3$  به  $E_4$  جابه‌جا کند  
 ب)  $E_5$  به  $E_4$  جابه‌جا کند      ه)  $E_2$  به  $E_5$  جابه‌جا کند  
 ج)  $E_4$  به  $E_3$  جابه‌جا کند

۱۹ - ورود ماشین‌آلات کاراندوز،

- الف) ممکن است موجب بیکاری موقت شود، و کارگران را در بلندمدت مجبور به انتخاب مشاغل بدتر کند  
 ب) ممکن است موجب بیکاری موقت شود، اما در بلندمدت منجر به دستمزدهای بالاتر برای نیروی کار می‌شود  
 ج) ممکن است موقتاً اشتغال را افزایش دهد، اما در بلندمدت باعث اشتغال کارگران در مشاغل بدتر می‌شود  
 د) ممکن است موجب بیکاری موقت شود، و در بلندمدت به دستمزدهای پایین‌تر بینجامد  
 ه) اثری بر اشتغال، نه در کوتاه‌مدت و نه در بلندمدت، ندارد

۲۰ - کدام یک از موارد زیر، بیانگر یک هزینه سربار ناشی از اعتصاب در یک صنعت نیست؟



- الف) کاهش تولید در صنعتی که اعتصاب رخ می‌دهد  
ب) کاهش تولید دیگر صنایعی که عرضه آنها به این صنعت بستگی دارد  
ج) اختلال در کارها، وقتی اعتصاب در حمل و نقل، مردم را از رسیدن به سرکارشان باز می‌دارد  
د) اختلال در کار بنگاههایی که کسب و کارشان از طریق پست انجام می‌شود، وقتی پستی‌ها اعتصاب می‌کنند  
ه) اختلال در برنامه‌ها، گردهمایی‌ها، و کنفرانس‌های ملی در نتیجه اعتصاب خطوط هوایی

۲۱ - یکی از دلایل آن که اتحادیه‌های کارگری در صنایع مربوط به خدمات عمومی، دارای قدرت چانه‌زنی بسیار بالایی هستند، این است که:

- الف) اعتصاب در بخش خصوصی ممکن است باعث ورشکسته شدن یک بنگاه شود، اما اعتصاب در خدمات عمومی، یک دولت را ورشکسته نمی‌کند  
ب) تن دادن به خواسته‌های اعتصاب‌گران، برای دولت یک سرشکستگی است، در حالی که برای کارفرمایان خصوصی چنین نیست  
ج) رأی‌دهندگان، معمولاً از اتحادیه‌های کارگری که در خدمات عمومی دست به اعتصاب می‌زنند، حمایت می‌کنند  
د) همه موارد بالا درست است

۲۲ - یکی از دلایل حمایت از اتحادیه‌های کارگری مربوط به کارگران شاغل در خدمات عمومی، این است که:

- الف) اعتصاب به وسیله این اتحادیه‌ها، دارای هزینه‌های سربار بسیار کمی است  
ب) دولت‌ها از این طریق، مجبور به افزایش مداوم حقوق و دستمزد می‌شوند  
ج) کارگران این بخش‌ها، معمولاً با یک انحصار خرید روبه‌رو هستند  
د) همه موارد بالا درست است

۲۳ - کدام یک از موارد زیر، نمونه خوبی از یک "اختلاف دستمزد جبرانی"<sup>۴</sup> است؟

- الف) دستمزد بالا برای کارگرانی که با مواد شیمیایی خطرناک سروکار دارند  
ب) دستمزد بالا برای معدنچینی که با خطر ریزش معدن روبه‌رو هستند

ج) دستمزد بالا برای کارگرانی که با کار در آسمان خراشها، زندگی خود را به خطر می‌اندازند  
 د) همه موارد بالا

## پاسخنامه

ب (۵)	ه (۴)	ه (۳)	ج (۲)	د (۱)
ب (۱۰)	الف (۹)	ج (۸)	ه (۷)	ب (۶)
ج (۱۵)	الف (۱۴)	د (۱۳)	ه (۱۲)	ج (۱۱)
الف (۲۰)	ب (۱۹)	د (۱۸)	الف (۱۷)	ج (۱۶)
		د (۲۳)	ج (۲۲)	الف (۲۱)



## درآمدهای دیگر

۱ - نرخ بازده سالانه دستگاهی که هزینه‌اش ۱۰ هزار ریال است، و در طول عمر یک ساله خود به اندازه‌ای درآمد ایجاد می‌کند که هزینه‌های کار، مواد خام و دیگر هزینه‌ها را می‌پوشاند و ۱۲ هزار ریال نیز باقی می‌ماند، برابر است با:

الف) ۱۲۰٪ (ب) ۲۰٪ (ج) ۱۲٪ (د) ۱۰٪ (ه) ۲٪

۲ - منحنی تقاضا برای وام، بیانگر،

الف) درآمد نهایی تولید کار است

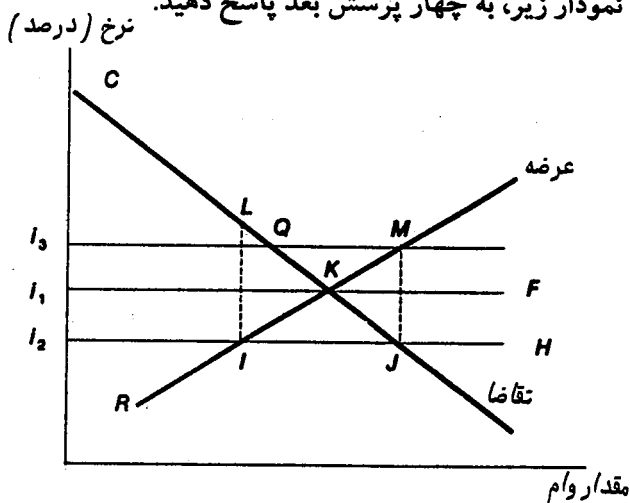
ب) کارایی نهایی سرمایه‌گذاری است

ج) هر کدام از گزینه‌های (الف) یا (ب)، بسته به این که کالای تولیدی کاربر باشد یا سرمایه‌بر

د) ترجیح زمانی پس‌اندازکنندگان است

ه) هیچ کدام از موارد فوق

● با توجه به نمودار زیر، به چهار پرسش بعد پاسخ دهید:



۳ - منحی کارایی نهایی سرمایه گذاری (MEI)، کدام است؟

الف) RM      ب) Cj      ج)  $i_1F$       د)  $i_2H$       ه)  $i_3M$

۴ - خطی که بیانگر توضیح زمانی مردم می باشد، کدام است؟

الف) Lj      ب)  $i_1F$       ج)  $i_2H$       د) RM      ه)  $i_3M$

۵ - افزایشی در کارایی نهایی سرمایه گذاری، می تواند تعادل را به کدام نقطه جابه جا کند؟

الف) Q      ب) M      ج) L      د) I      ه) L

۶ - تعیین یک سقف بهره در سطح  $i_2$ ، به وسیله دولت، باعث ایجاد یک زیان کارایی می شود که حداقل برابر است با:

الف)  $i_1CK$       ب) ILK      ج) IKJ      د) KMJ      ه) QKM

۷ - پرداخت بازده های بهره ای به پس اندازکنندگان، پاداشی است برای تصمیم آنها در باره،

الف) تشویق تولید کالا در داخل، به جای واردات

ب) کمک به بانک ها

ج) به تأخیر انداختن مصرف

د) ثروتمند کردن جامعه از طریق پس انداز

ه) جلوگیری از مصرف مسرفانه

۸ - تعیین سقفی برای نرخ بهره،

الف) درآمد را از ثروتمندان به فقرا جابه جا می کند، زیرا وام گیرندگان، فقیر و وام دهندگان،

ثروتمند هستند

ب) درآمد را از فقرا به ثروتمندان جابه جا می کند، زیرا وام گیرندگان، فقیر و وام دهندگان،

ثروتمند هستند

ج) درآمد را از فقرا به ثروتمندان جابه جا می کند، زیرا وام گیرندگان، ثروتمند و وام دهندگان،

فقیر هستند

د) توزیع درآمد میان ثروتمندان و فقرا را تغییر نمی دهد

ه) دارای یک اثر توزیع درآمدی میان ثروتمندان و فقرا است، اما جهت آن را نمی توان تعیین

کرد

۹- از آن جا که نرخ بهره، بزرگ تر از صفر است، درمی یابیم که:

- (الف) کالاهای امروز ارزشمندتر از کالاهای آینده هستند، زیرا مقدار معینی کالا در زمان حال را می توان به مقدار بیش تری کالا در آینده تبدیل کرد
- (ب) کالاهای امروز کم ارزش تر از کالاهای آینده هستند، زیرا مقدار مشخصی کالا در زمان حال را می توان به مقدار بیش تری کالا در آینده تبدیل کرد
- (ج) کالاهای امروز و کالاهای آینده، ارزش یکسانی خواهند داشت، اگر نرخهای بهره افزایش یابد
- (د) کالاهای امروز و کالاهای آینده، همواره ارزش یکسانی خواهند داشت، اگر تورم صفر باشد

۱۰- اگر ارزش مصرف جاری در نظر مردم (در مقایسه با مصرف آینده)، افزایش یابد،

- (الف) نرخ بهره کاهش و وجوه وام داده شده نیز کاهش می یابد
- (ب) نرخ بهره کاهش و وجوه وام داده شده، افزایش می یابد
- (ج) نرخ بهره افزایش و وجوه وام داده شده نیز افزایش می یابد
- (د) نرخ بهره افزایش و وجوه وام داده شده، کاهش می یابد

۱۱- کاهش عرضه کارگران ساده، بیش تر به کدام یک از شرایط زیر می انجامد؟

- (الف) کاهش دستمزد کارگران ساده، که موجب کاهش استفاده از سرمایه در تولید می شود
- (ب) کاهش دستمزد کارگران ساده، که موجب استفاده از سرمایه بیش تر در تولید می شود
- (ج) کاهش قیمت کالاهایی که عمدتاً به وسیله کارگران ساده تولید می شود
- (د) افزایش دستمزد کارگران ساده، که به افزایش ابداعات کاراندوزتر می انجامد

۱۲- اگر بنگاهی به کارکنانش، هم در دوره کارآموزی آنها و هم در دوره های بعد، دستمزد

ثابتی بپردازد، بیانگر آن است که:

- (الف) این بنگاه در سرمایه انسانی، سرمایه گذاری می کند
- (ب) این بنگاه، سرمایه گذاری در سرمایه انسانی را کلاً بر عهده کارکنانش نهاده است
- (ج) خطر از دست دادن کارآموزانش را پس از پایان دوره آموزشی آنها، کاهش داده است
- (د) گزینه های (الف) و (ج) درست است
- (ه) گزینه های (ب) و (ج) درست است

۱۳- برقراری حداقل دستمزد، باعث،

- الف) کاهش آموزش ضمن خدمت برای تازه کاران می شود  
 ب) افزایش آموزش ضمن خدمت تازه کاران می شود  
 ج) کارایی تخصیصی را افزایش می دهد  
 د) درآمد را از کارگرانی که هنوز مشغول هستند، به دیگر عوامل تولید منتقل می کند

۱۴ - برای برآورد بازده اجتماعی سرمایه گذاری در آموزش عالی، نرخ بازده خصوصی تحصیلات عالی، باید،

- الف) به سوی پایین تعدیل شود، تا سوبسیدهای دولت به آموزش عالی به حساب بیاید  
 ب) به سوی بالا تعدیل شود، تا سوبسیدهای دولت به آموزش عالی به حساب بیاید  
 ج) به سوی بالا تعدیل شود، تا منافع خارجی آموزش، به حساب بیاید  
 د) (الف) و (ج)

۱۵ - از نظر اقتصاددانان، اجاره اقتصادی<sup>۱</sup> (رانت)، می تواند،

- الف) به وسیله هر کدام از عوامل تولید، کسب شود  
 ب) فقط به وسیله زمین، کسب شود  
 ج) فقط به وسیله زمین و ساختمانها، کسب شود  
 د) فقط به وسیله کار، کسب شود  
 ه) فقط به وسیله کار و زمین، کسب شود

۱۶ - اجاره اقتصادی (رانت)، به عنوان بازدهی تعریف شده است که اضافه تر از،

- الف) هزینه های دستمزد، حقوق، و بهره  
 ج) هزینه های دستمزد می باشد  
 ب) هزینه های دستمزد و حقوق می باشد  
 د) هزینه های بهره می باشد  
 ه) هزینه فرصت می باشد

۱۷ - اجاره اقتصادی (رانت)، عبارت است از:

- الف) آنچه یک عامل تولید، اکنون کسب می کند  
 ب) آنچه یک عامل تولید، می تواند هر جای دیگر کسب می کند  
 ج) آنچه یک عامل تولید، می تواند در جاهای دیگر کسب می کند، منهای آنچه اکنون کسب

می‌کند

(د) آنچه یک عامل تولید در کاربرد کنونی‌اش کسب می‌کند، منهای آنچه می‌توانست در کاربردهای دیگر کسب کند

۱۸ - اجاره اقتصادی (رانت) یک عامل تولید، مطمئناً افزایش خواهد یافت، اگر،

(الف) درآمد کاربرد کنونی‌اش ثابت بماند

(ب) درآمد کاربرد کنونی‌اش افزایش یابد، در حالی که درآمد بالقوه کاربردهای دیگرش کاهش پیدا کند

(ج) درآمد کاربرد کنونی‌اش کاهش یابد، در حالی که درآمد بالقوه کاربردهای دیگرش افزایش پیدا کند

(د) هم درآمد کاربرد کنونی‌اش، و هم درآمد بالقوه کاربردهای دیگرش، افزایش یابد

۱۹ - اقتصاددانان، کل درآمدی که به وسیله زمین کسب می‌شود را یک اجاره اقتصادی

(رانت) تلقی می‌کنند، اگر،

(الف) هزینه فرصت زمین، برابر با هزینه کود و کار مربوط به کشت باشد

(ب) هزینه فرصت زمین، صفر باشد

(ج) هزینه فرصت زمین، دقیقاً برابر با درآمدهای کنونی‌اش باشد

(د) یک قرارداد اجاره‌ای میان مالک و کشاورز، بسته شده باشد

۲۰ - وقتی قیمت سبزی‌گونه‌ها افزایش می‌یابد،

(الف) زمین‌های جدید به زیر کشت سبزی‌گونه‌ها می‌رود، و اجاره اقتصادی زمین‌های موجود، افزایش می‌یابد

(ب) زمین جدیدی به زیر کشت سبزی‌گونه‌ها نمی‌رود، اما اجاره اقتصادی زمین‌های موجود، افزایش می‌یابد

(ج) زمین‌های جدید به زیر کشت سبزی‌گونه‌ها می‌رود، اما اجاره اقتصادی زمین‌های موجود، کاهش می‌یابد

(د) زمین‌های جدید به زیر کشت سبزی‌گونه‌ها می‌رود، اما اجاره اقتصادی زمین‌های موجود، ثابت می‌ماند

۲۱ - اگر قیمت گندم افزایش یابد،

- الف) اجاره‌های اقتصادی گندم‌زارها افزایش یافته، اما ارزش این زمین‌ها افزایش نمی‌یابد  
 ب) اجاره‌های اقتصادی گندم‌زارها و ارزش زمین‌ها، هر دو افزایش می‌یابند  
 ج) اجاره‌های اقتصادی گندم‌زارها تغییری نمی‌کند، اما ارزش زمین‌ها افزایش می‌یابد  
 د) اجاره‌های اقتصادی گندم‌زارها تغییری نمی‌کند، اما ارزش زمین‌ها کاهش می‌یابد

۲۲ - از دیدگاه یک اقتصاددان، کدام یک از موارد زیر، اجاره اقتصادی (رانت) نیست؟

- الف) درآمدهای بالقوه یک فرد در یک شغل دیگر  
 ب) سود بالاتر از حد معمول یک انحصارگر  
 ج) درآمدهای بالاتر از هزینه‌های فرصت  
 د) درآمدهای حاصل از زمین‌های نفت‌خیز، که کاربرد دیگری ندارند  
 ه) درآمدهای حاصل از زمین‌های کشاورزی، که کاربرد دیگری ندارند

۲۳ - حمایت از قیمت محصولات کشاورزی توسط دولت، گرایش به این دارد که:

- الف) قیمت زمین‌ها را افزایش دهد، و بنابراین ورود افراد به کشاورزی را دشوارتر کند  
 ب) قیمت زمین‌ها را افزایش دهد، و بنابراین ورود افراد به کشاورزی را ساده‌تر کند  
 ج) قیمت زمین‌ها را کاهش دهد، و بنابراین ورود افراد به کشاورزی را ساده‌تر کند  
 د) قیمت زمین‌ها را کاهش دهد، و بنابراین ورود افراد به کشاورزی را دشوارتر کند

## پاسخنامه

ب (۵)	د (۴)	ب (۳)	ب (۲)	ب (۱)
د (۱۰)	الف (۹)	ه (۸)	ج (۷)	ب (۶)
الف (۱۵)	د (۱۴)	الف (۱۳)	الف (۱۲)	د (۱۱)
الف (۲۰)	ب (۱۹)	ب (۱۸)	د (۱۷)	ه (۱۶)
		الف (۲۳)	الف (۲۲)	ب (۲۱)





## نابرابری در آمد

۱ - اختلاف در درآمد، ناشی از چیست؟

- (الف) اختلاف در ثروت
- (ب) اختلاف در سرمایه انسانی
- (ج) اختلاف در توانایی‌های ذاتی
- (د) بخت
- (ه) همه موارد فوق

۲ - بر اساس مطالعات اخیر (بویژه بررسی جاکوب مینسر<sup>۱</sup>)، کدام یک از موارد زیر، مهم‌ترین عامل اختلافات درآمندی می‌باشد؟

- (الف) درآمدهای حاصل از توانایی‌های ذاتی (د) سرمایه انسانی
- (ب) ثروت مادی
- (ج) بخت
- (ه) تبعیض

۳ - منحنی لورنز<sup>۲</sup>، بیانگر آن است که توزیع درآمد واقعی یک ملت، تا چه حد به،

- (الف) یک توزیع عادلانه، نزدیک است
- (ب) یک توزیع برابر، نزدیک است
- (ج) توزیع سالهای قبل، نزدیک است
- (د) توزیع مربوط به بازارهای رقابت کامل، نزدیک است
- (ه) توزیع مربوط به بازارهای غیررقابتی، نزدیک است

۴ - هر چه اختلاف در میزان درآمدها در یک کشور بیش‌تر باشد،

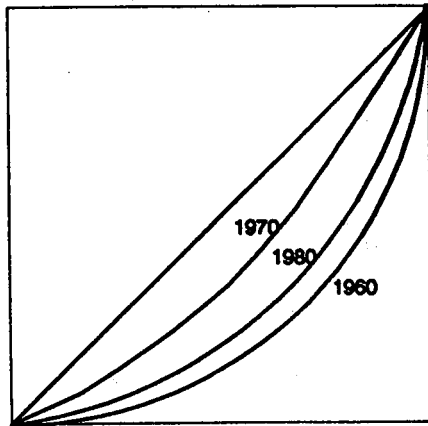
- (الف) خمیدگی منحنی لورنز، کم‌تر خواهد بود
- (ب) خمیدگی منحنی لورنز، بیش‌تر خواهد بود
- (ج) شیب اولیه منحنی لورنز، بیش‌تر خواهد بود

1 - Jacob Mincer

2 - Lorenz curve

(د) منحنی لورنز به خط ۴۵ درجه، نزدیک تر خواهد بود

● دو پرسش بعدی بر اساس شکل زیر تنظیم شده است:



۵- با توجه به منحنی‌های لورنز مربوط به سه دوره مختلف که در شکل بالا نشان داده شده است، کدام یک از نتیجه‌گیریهای زیر درست است؟

(الف) بین سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، درآمدها بسیار برابرتر شده، اما بین سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، درآمدها نابرابرتر شده‌اند

(ب) بین سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، درآمدها نابرابرتر شده، اما بین سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، درآمدها برابرتر شده‌اند

(ج) در طول هر دو دوره مذکور، درآمدها برابرتر شده‌اند

(د) در طول هر دو دوره، درآمدها نابرابرتر شده‌اند

۶- با توجه به شکل بالا، کدام یک از نتیجه‌گیریهای زیر درست است؟

(الف) بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، درآمد کل کاهش یافته، و آنگاه بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، افزایش یافته است

(ب) از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، درآمد کل افزایش یافته، و آنگاه از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، کاهش یافته است

(ج) در هر دو دوره مذکور، درآمد کل افزایش یافته است

(د) در هر دو دوره، درآمد کل کاهش یافته است

ه) با اطلاعات موجود در شکل، هیچ کدام از نتایج بالا را نمی‌توان گرفت

۷- اگر درآمد طول زندگی همه خانواده‌ها در یک کشور، یکسان باشد، آنگاه منحنی لورنز آن کشور،

الف) در بیش تر سالها بر خط ۴۵ درجه منطبق است

ب) در هر سال بر خط ۴۵ درجه منطبق است

ج) در هر سال در زیر خط ۴۵ درجه قرار می‌گیرد

د) در هر سال در بالای خط ۴۵ درجه قرار می‌گیرد

ه) در برخی از سالها در زیر خط ۴۵ درجه و در برخی سالها در بالای آن قرار می‌گیرد

۸- از آن جا که مجموعه مالیاتهای دولت، در کل،

الف) تصاعدی شدید هستند، در مقایسه با هزینه‌های دولتی، اثر بیش تری بر برابرتر کردن درآمدها دارند

ب) شدیداً تصاعدی هستند، اثرشان در برابرتر کردن درآمدها، کم تر از هزینه‌های دولتی است

ج) تصاعدی شدید نیستند، اثرشان در برابرتر کردن درآمدها، کم تر از هزینه‌های دولتی است

د) اصولاً هزینه‌های دولتی، تأثیری در برابرتر کردن درآمدها ندارند

۹- برنامه تغذیه رایگان در مدارس، نمونه‌ای است از:

الف) کمک‌های انتقالی نقدی (د) تأمین اجتماعی

ب) یک مالیات تنازلی (کاهنده) (ه) کمک‌های انتقالی جنسی

ج) یک مالیات تناسبی

۱۰- پایان دادن به انواع تبعیض‌های اجتماعی (نژادی، جنسی، قومی، مذهبی و ...)

می‌تواند منجر به،

الف) افزایش خمیدگی منحنی لورنز شود

ب) کاهش خمیدگی منحنی لورنز شود

ج) منحنی لورنز را به بالای خط ۴۵ درجه منتقل کند

د) شروع شدن منحنی لورنز از میانه خط ۴۵ درجه شود

۱۱- اثر مستقیم بیمه بیکاری، این است که:

- الف) خمیدگی منحنی لورنز را افزایش می‌دهد
- ب) خمیدگی منحنی لورنز را کاهش می‌دهد
- ج) هیچ تأثیری بر منحنی لورنز ندارد
- د) نقطه آغازین منحنی لورنز را جابه‌جا می‌کند

۱۲ - اگر دولت، تنها در پی هدف عدالت باشد، درخواهد یافت که سیاست‌هایش،

- الف) همواره کارایی را کاهش می‌دهند
- ب) اغلب، کارایی را کاهش می‌دهند
- ج) همواره کارایی را افزایش می‌دهند
- د) اغلب، کارایی را افزایش می‌دهند
- ه) تأثیری بر کارایی ندارند

۱۳ - پایان یافتن انواع تبعیض‌های اجتماعی، می‌تواند منجر به،

- الف) کاهش کارایی و افزایش برابری شود
- ب) افزایش کارایی و کاهش نابرابری شود
- ج) عدم تغییر در کارایی و برابری شود
- د) افزایش کارایی شود، اما برابری را کاهش دهد

۱۴ - اغلب گفته می‌شود که بازار آزاد، نمی‌تواند وظیفه توزیع درآمد را به شایستگی انجام

دهد، زیرا:

- الف) بازار آزاد، اغلب کاملاً رقابتی نیست، و بنابراین درآمد گروه‌هایی از طریق استفاده از قدرت بازاری، افزایش می‌یابد
- ب) حتی اگر بازار آزاد، کاملاً رقابتی باشد، توزیع درآمدش مبتنی بر آورده اولیه افراد (ثروت، توانایی‌های ذاتی، و ...) و گاهی تأثیر حوادث اتفاقی، می‌باشد
- ج) بازار آزاد بر استعمار بنا شده است
- د) گزینه‌های (الف) و (ب) درست است
- ه) همه گزینه‌ها درست است

۱۵ - سیاستی که می‌خواهد درآمدها را برابر کند، کاملاً مورد انتقاد قرار می‌گیرد، زیرا:

- الف) ناکاراست
- ب) ناعادلانه است، چون به کسانی که سخت کار می‌کنند، به اندازه دیگران دستمزد می‌پردازد
- ج) مستلزم تغییری در سیستم فعلی ارث‌بری است

(د) درآمد ملی را به عنوان یک کل، کاهش می‌دهد

(ه) همه موارد بالا

۱۶ - زیان کارایی ناشی از اعمال یک نوع تبعیض اجتماعی در یک بازار کار کاملاً رقابتی،

(الف) در بیش تر موارد، ناشی از کاهش درآمد اقلیت‌ها است

(ب) از آن جهت رخ می‌دهد که اقلیت‌ها در فعالیتهای کارا تر گمارده می‌شوند

(ج) به یک اندازه، ناشی از کاهش درآمد اقلیت‌ها و اکثریت است

(د) ناشی از کاهش تولید است

۱۷ - مبارزه با علل فقر،

(الف) همیشه بهتر از مبارزه با علایم آن است

(ب) معمولاً بهتر از مبارزه با علایم آن است

(ج) گاهی بهتر از مبارزه با علایم آن است

(د) تقریباً هیچ‌گاه بهتر از مبارزه با علایم آن نیست

۱۸ - کدام یک از برنامه‌های زیر، تنها علایم فقر را از بین می‌برد؟

(الف) برنامه‌های پرداخت سوسید به سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی

(ب) برنامه‌های کمک به خانواده‌های پرجمعیت

(ج) سیاست‌های ضد تبعیض‌های اجتماعی

(د) سیاست‌های مربوط به کاهش بیکاری

(ه) قانون سوادآموزی اجباری دختران

۱۹ - کدام یک از برنامه‌های زیر، برای مبارزه با علل فقر طراحی شده‌اند؟

(الف) تصویب و کمک به اجرای قانون آموزش اجباری ضمن خدمت برای کارگران کارخانه‌ها

(ب) تأمین اجتماعی

(ج) تغذیه رایگان در مدارس

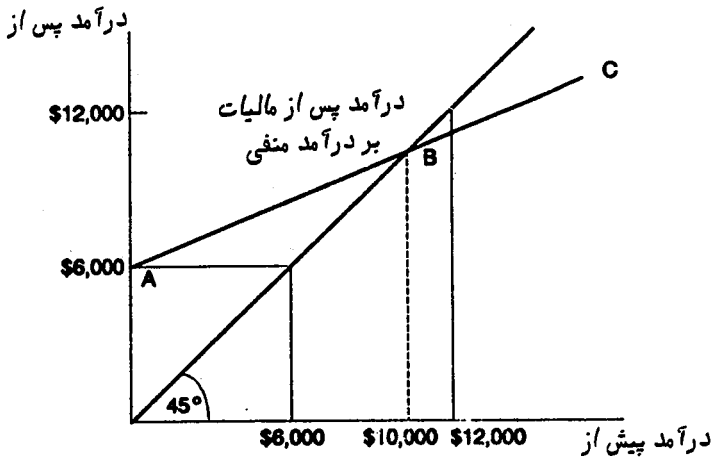
(د) خانه‌سازی برای فقرا

(ه) کمک به خانواده‌های پرجمعیت

۲۰ - یک حداقل درآمد تضمین‌شده، منجر به،

- الف) توزیع برابرتر و کارایی بیش‌تر می‌شود (د) توزیع نابرابرتر و کارایی کم‌تر می‌شود  
 ب) توزیع نابرابرتر و کارایی بیش‌تر می‌شود (ه) توزیع برابرتر و کارایی کم‌تر می‌شود  
 ج) توزیع نابرابرتر و عدم تغییر در کارایی می‌شود

● با توجه به شکل زیر، به هفت پرسش بعدی پاسخ دهید. در این شکل، درآمد خانوارها پیش از پرداخت مالیات (دریافت سوبسید) و پس از آن نشان داده شده است:



۲۱- در یک برنامه مالیات بر درآمد منفی، نقطه سر به سر (جایی که دولت نه مالیات می‌گیرد و نه سوبسید می‌پردازد)، در کدام سطح درآمد قرار دارد؟

- الف) صفر  
 ب) ۶ هزار دلار  
 ج) ۱۰ هزار دلار  
 د) ۱۲ هزار دلار  
 ه) بیش از ۱۲ هزار دلار

۲۲- برنامه مالیات بر درآمد منفی در شکل بالا، چه درآمدی را برای همه تضمین می‌کند؟

- الف) صفر  
 ب) ۶ هزار دلار  
 ج) ۱۰ هزار دلار  
 د) ۱۲ هزار دلار  
 ه) بیش از ۱۲ هزار دلار

۲۳- مالیات ضمنی<sup>۳</sup> در مالیات بر درآمد منفی در شکل بالا، برابر است با:

- (الف) صفر  
(ب) ۲۰ درصد  
(ج) ۴۰ درصد  
(د) ۶۰ درصد  
(ه) بیش از ۱۰۰ درصد

۲۴ - خانواده‌ای را در نظر بگیرید که دارای یک درآمد ۵ هزار دلاری پیش از سوبسید بوده و با یک مالیات بر درآمد منفی بر اساس شکل بالا روبه‌رو است. اگر درآمد این خانواده ۲ هزار دلار افزایش یابد، چقدر از این مقدار افزایش را عملاً می‌تواند برای خود نگه دارد؟

- (الف) صفر  
(ب) ۲۰۰ دلار  
(ج) ۸۰۰ دلار  
(د) ۱۲۰۰ دلار  
(ه) همه آن را

۲۵ - در برنامه مالیات بر درآمد منفی شکل بالا، نرخ مالیات ضمنی که خانوارهای دارای درآمد پایین با آن روبه‌رو هستند، چیست؟

- (الف) صفر  
(ب) ۴۰ درصد  
(ج) ۱۰۰ درصد  
(د) با نرخ مالیات واقعی که خانوارهای دارای درآمد بالا با آن روبه‌رو هستند، یکسان است  
(ه) کم‌تر از نرخ مالیات واقعی است که خانوارهای با درآمد بالا، با آن روبه‌رو هستند

۲۶ - اگر درآمد پیش از مالیات در شکل بالا، ۱۰ هزار دلار باشد، آنگاه:

- (الف) نه مالیات و نه سوبسید، وجود ندارد  
(ب) یک مالیات ۴ هزار دلاری وجود دارد  
(ج) یک مالیات ۶ هزار دلاری وجود دارد  
(د) یک سوبسید ۴ هزار دلاری وجود دارد  
(ه) یک سوبسید ۶ هزار دلاری وجود دارد

۲۷ - اگر درآمد پیش از مالیات در شکل بالا، ۱۲ هزار دلار باشد، آنگاه:

- (الف) مالیات یا سوبسیدی وجود ندارد  
(ب) یک مالیات ۱۲۰۰ دلاری وجود دارد  
(ج) یک مالیات ۸۰۰ دلاری وجود دارد  
(د) یک سوبسید ۱۲۰۰ دلاری وجود دارد  
(ه) یک سوبسید ۸۰۰ دلاری وجود دارد

## پاسخنامه

ه (١)	د (٢)	ب (٣)	ب (٤)	الف (٥)
ه (٦)	ج (٧)	ج (٨)	ه (٩)	ب (١٠)
ب (١١)	ب (١٢)	ب (١٣)	د (١٤)	ه (١٥)
الف (١٦)	ب (١٧)	ب (١٨)	الف (١٩)	ه (٢٠)
ج (٢١)	ب (٢٢)	د (٢٣)	ج (٢٤)	د (٢٥)
الف (٢٦)	ب (٢٧)			

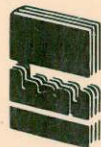


## فهرست برخی از کتب منتشره مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

- تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)  
سرهنگ غلامرضا نجاتی
- تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم  
جعفر شهری
- کهنه سرباز  
خاطرات سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی
- ایران در اشغال متفقین  
صفاءالدین تبرائیان
- عملیات در ایران  
ژنرال جیمز ماپرلی / کاوه بیات
- پیراهه، سرگذشت حزب توده و  
پاسخ به «کژراهه» احسان طبری  
عبدالله برهان
- از کاخ شاه تا زندان اوین  
خاطرات احسان نراقی / سعید آذری
- هیچکس جرأت ندارد  
گاری آلن / دکتر عبدالخلیل حاجتی
- سوداگری مرگ  
(ناگفته‌های جنگ عراق با ایران)  
کنت آر. تیمرمن / احمد تدین
- سالهای بحران  
خاطرات محمدناصر صولت قشقایی  
۱۳۳۲ - ۱۳۳۹ ه.ش
- اسرار قتل رزم آرا  
محمد ترکمان
- سایه‌های قدرت  
جیمز پرلاف / کریم میرزائی
- در کنار پدرم مصدق  
خاطرات دکتر غلامحسین مصدق
- یادداشت‌های پنکوفسکی  
اولگ پنکوفسکی / علی اکبر بهپور
- سیاست خارجی آمریکا و شاه  
مارک ج. گازیوروسکی / جمشید زنگنه  
با مقدمه توضیحی سرهنگ غلامرضا نجاتی
- آمریکا در بی‌خبری  
جیمز اف. گود / دکتر احمد شهسا
- ماجرای کودتای سرلشکر قره‌نی  
سرهنگ غلامرضا نجاتی
- تهاجم (مروری بر «پاسخ به تاریخ»  
و نقدی بر ترجمه آن)  
سرهنگ غلامرضا نجاتی
- تاریخ احزاب سیاسی ایران  
محسن مدیرشانه‌چی
- نهضت ابوسعید گناوه‌ای  
دکتر سیدجعفر حمیدی
- انگیزه  
خاطرات سرگرد غلامحسین بقیمی
- نفت پاداش قدرت  
ادرین هامیلتون / محمود طلوع
- مآثر الملوک  
خواندمیر / به کوشش میرهاشم محدث
- مصدق و نبرد قدرت  
دکتر همایون کاتوزیان / احمد تدین
- خاطرات یک جاسوس  
(یک نفر در برابر پنجهزار نفر)  
ولفگانگ لوتز / احمد بهپور
- دائرةالمعارف تاریخی - سیاسی خاورمیانه  
تألیف غلامرضا علی بابائی
- فرهنگ اقتصاد و بازرگانی  
دکتر مرتضی قره‌باغیان
- آمار در اقتصاد و بازرگانی  
محمد نوفرستی

- **خاطرات سری آبرون ساید**  
به انضمام ترجمه متن کامل «شاهراه فرماندهی»  
با همکاری مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی
- **تئوری اقتصاد خرد**  
هندرسن، کوانت / دکتر مرتضی قره‌باغیان
- **رشد نوین اقتصادی**  
سیمون کوزنتس / دکتر مرتضی قره‌باغیان
- **هنرهای رزمی مشرق زمین**  
براین ویلیامز / امیر پیروزی
- **مهارت‌یابی در ریاضیات دبستانی**  
عادل ارشقی
- **روشهای ریاضیات**  
تسیبکین - پینسکی / عادل ارشقی
- **زندگی پس از زندگی**  
دکتر ریموند مودی / شهناز انوشیروانی
- **روانشناسی شخصیت «نظریه و تحقیق»**  
لارنس! پروین / دکتر جوادی و دکتر کدیور
- **فرهنگ مصور مهندسی عمران و کشاورزی**  
مهندس علیرضا طاهری
- **دیکشنری اختصاصی شیمی**  
گسنر، جی. هاولی
- **معاینات فیزیکی باربارا بیتز**  
باربارا بیتز / دکتر سیدمحسن برزی
- **پرسشهای آزمون کارشناسی ارشد رشته شیمی**  
(به انضمام پاسخهای مربوطه و مسابقات علمی)  
دکتر مسعود رفیع‌زاده و رضا طیبی
- **برگزیده مسایل ریاضی**  
گروهی از ریاضی‌دانان شوروی / عادل ارشقی
- **استعدادهای مصنوعی**  
مجموعه داستان روسی / شهناز انوشیروانی
- **هنر درمانی**  
کیس، دالی / اعطا مساح و فریدون اخوان ثلاث
- **خودآموز استاتیک (سری شوم)**  
فرامرز قاسمی و مهرداد خاجوی
- **ریاضی برای علوم زیستی**  
ادوارد باتشلت / دکتر محمود بهار
- **هاروارد چه چیزهایی را یاد نمی‌دهد**  
مک کورمک / مهندس محمود طلوع
- **مدیریت آینده**  
پیتر دراگر / دکتر عبدالرضا رضائی‌نژاد
- **ریاضیات پیش‌دانشگاهی**  
گروهی از ریاضی‌دانان شوروی / عادل ارشقی
- **انتخاب جنسیت فرزند**  
دکتر دیوید ام. ارویک و دکتر شتلز /  
دکتر عبدالخلیل حاجتی
- **توابع مثلثاتی**  
پانچیشکین و شاوگولایدز / عادل ارشقی
- **برگزیده مسائل هندسه**  
گروهی از ریاضیدانان شوروی / عادل ارشقی
- **افزایش کارایی مدیریت**  
فرد فیدلر و مارتین چمرز /  
مهندس محمود طلوع و مهدی چمنزار
- **جامعه پس از سرمایه‌داری**  
پیتر دراگر / مهندس محمود طلوع
- **مدیریت ژاپنی**  
نگارش دزداری
- **خدا در ناخودآگاه**  
دکتر ویکتور فرانکل / دکتر ابراهیم یزدی
- **فرهنگ جدید انگلیسی کاربردی BBC**  
ویرایش سال ۱۹۹۳ بر مبنای ۷۰ میلیون کلمه  
دارای بیش از ۶۰ هزار مدخل و  
۷۰ هزار مثال که کاربرد هر واژه را می‌آموزد  
همراه با فهرست کشورها، پایتختها و رهبران دنیا
- **داستانهای عجیب دنیا به زبان انگلیسی**  
(آموزش زبان از طریق داستان)  
از انتشارات PRENTICE HALL
- **فرهنگ اصطلاحات، عبارات و مکالمات روزمره**  
از انتشارات NTC  
ترجمه فریدون اخوان ثلاث

مؤسسه خدمات فرهنگی رسا  
تلاش بیجا نیست، مظهر تقدیر نیست، بیجا در کفر نیست، نه خجسته ۲۲۴



۱۱۰۰ تومان